به عون صانع مکین و مکان و فضل شفابخش رنجوران

نسخه کتاب نفیس لاجواب شد رهی زیبا جهان شفای دردمندان مقبول ادانی و اعالی

قرابادین جلالی

از تصنیفات ارسطو فطرت فلاطون حکمت مولانا حکیم جلال الدین امروهوی

در مطبع نامی منشی نولکشور بطبع مزین مقبول اهل جهان شد

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد حمد خدا و درود مصطفی صلی الله علیه وآله آنکه چند نسخه مستعمل درین تذکره آورده

باب الالف

انوشدارو بمعنی باضم است و قیل بمعنی عطیة الله و قیل بمعنی چیزیست که در وی پنج اشیا باشد. هلیله بلیله آمله و خبث الحدید و عسل و **انطاکی** گوید که گرم و خشک است در درجه سوم و نیز گفته که برای سپردن نافع است جدا اگرچه برای دفع ضرر شاک آن است و قیل گرم است در اول درجه ثانیه و خشک است در اول درجه ثالثه و **قال** استاذی رحمة الله علیه یعنی معتمد الملوک محمد علوی خان گرم است در اول درجه اولی و خشک است در آخر درجه ثالثه و اهل هند برای رمد و برای جمیع اقسام تبها که از گرمی باشند یا از سردی استعمال میکنند و استعمال آن بهتر آنست که بعد چهل روز کنند و قوت آن تا دو سال باقی بماند و شربتی از آن از مثقال تا سه مثقال۔

انوشدارو مخترع اخلاطه مروارید ناسفته سنبل الطیب شقاقل مصری لباسه هر یک شش مثقال ورق گل سرخ بهمنین هر یک شش مثقال سعد کوفی طباشیر سفید صندل زرشک بیدانه هر یک پنج مثقال اسارون زعفران قاقله صغار و کبار جوز بوا خولنجان دارچینی بادرنجبویه بیاذج هندی کشنیز خشک هر یک دو مثقال مشک تبتی عنبر اشهب هر یک نیم مثقال آمله یک رطل فانیذ نیم من عسل مصفی نیم من آب به شیرین شش مثقال علی الرسم معجون سازند۔

الوشدارو حکیم عماد الدین محمود صفت دانه هیل
زرنب دارچینی زرنباد سنبل الطیب جوزبوا بسباسه
قرنفل درونج عقربی گل ارمنی گل مختوم مصطکی زعفران
ورق نقره زرشک بیدانه مشک طباشیر مروارید
ناسفته یک مثقال و نصف ورق گل سرخ سعد کوفی
صندل بگلاب سوده تخم کاسنی مقشر تخم خرفه مقشر
هریک مثقال ورق طلا نصف مثقال شیرهٔ آمله نود مثقال
گلاب آب به شیرین آب انار شیرین امرود عرق
بید مشک هریک صد و بست مثقال آمله را در شیر
گاو شب بخیسانند صبح بشویند و با شش رطل آب
بجوشانند تا سه رطل بماند پس مالیده صاف نموده
نبات سفید و قند سفید و عسل مصفی هریک صد و
بست مثقال و گلاب و عرق بید مشک و آب میوه ها
بدان مخلوط کرده بقوام آرند و از آتش فرود آورده
بگذارند تا فاتر بسردی شود و ادویه کوفته بیخته
بدان بسرشند شربتے از مثقال تا مثقالین
و درین نسخه برای شخصی گل داستانی زهرمهره
ابریشم هریک مثقال کافور قیصوری سه ربع مثقال
داخل نموده شد نفع کلی بخشید و برای شخصی لاجورد
مغسول مثقال نیز فائده کرد ـ

الوشدارو معتبر مشتهی که در بعضی امزجه اشتها
تمام آرد صفت برگ گل ده توله قرنفل مصطکی
هریک پنج توله سنبل الطیب ده توله بسباسه چهار توله
جوزبوا دو توله زعفران سه ماشه ورق الخیال
نیم سیر اکبری قاقلین زرنب خرفه سنبل الطیب
هریک دو توله شیرهٔ آمله یک رطل قند سفید یک حصه
و عسل مصفی دو حصه وزن ادویه بدستور مقرر تیار نمایند

الوشدارو تالیف کندی نافع خفقان دل
و مقوی آن و دماغ مفرح نفس محسن مقوی معده
محسن لون مطیب صفت گل سرخ شش درم سعد کوفی
پنج درم قرنفل مصطگی سنبل الطیب اسارون هریک
سه درم قرفه زرنب هریک دو درم بسباسه زعفران
قاقله هیل جوزبوا هریک [illegible] قشور آمله رطل فانید رطل
اول آمله را بدستور مقرر تیار کنند و فانید انداخته
بقوام لعوق آرند و ادویه مسحوق بدان بسرشند
و گاهے فرنجمشک بادرنجبویه مروارید ناسفته ساذج
هندی هریک مثقالین دران افزوده میکنند ـ

دو درم

الوشدارو بدر الدین قاقله کبار ده درم ورق
گل سرخ شش درم سعد کوفی بهمن سفید پوست
آمله بلیله هندی هریک پنج درم قرنفل سنبل الطیب
اسارون بادرنجبویه بهمن سرخ هریک سه درم
قرفه زرنب مصطگی شقاقل تودریین خولنجان
هریک دو درم بسباسه دانه هیل جوزبوا زعفران
هریک درم گاوزبان پنج درم عنبر اشهب نصف درم
فانید رطل بدستور مقرر تیار نمایند شربتے
از نصف مثقال تا یک نیم مثقال ـ

الوشدارو که برای شخصے ترتیب داده شد
فائده تمام بخشید صفت زرنباد درونج مروارید
کهربا بسد هریک درم ابریشم مقرض بهمنین
ساذج هندی سنبل الطیب قاقلین هریک نیم درم

آمله مقشر هفت درم فانید سفید سه چند ورق طلا ده عدد ورق نقره سی عدد و بدستور مقرر تیار نمایند۔

انوشدارو و بابت بقراطخان اخلاط مروارید ناسفته بسد بیخ زعفران حجر یشب سعد کوفی اذخر مکی عود قماری ساذج هندی هریک دو مثقال سنبل الطیب طباشیر سفید گل ارمنی ابریشم مقرض هریک سه مثقال عنبر اشهب نیم توله مشک خالص یک مثقال ورق طلا نیم مثقال ورق نقره توله شیرهٔ آمله سی مثقال قند سفید دو چند عسل بگیرند۔

اطریفل برای حب اللقح اخلاط پوست هلیله کابلی هلیله سیاه پوست هلیله زرد آمله منقی هریک شش درم حب النیل بسفایج افسنتین درمنه ترکی تربد سفید مجوف هریک پنج درم بزرگ کابلی مقشر حب بلسان ترمس هریک چهار درم شیح ارمنی شحم حنظل نمک هندی قسط تلخ هریک دو درم کوفته بیخته بروغن بادام چرب نموده بعسل مصفا دو چند بقوام آرند۔ نسخه آنکه در قرابادین ذکر آورده این ست پوست هلیله کابلی بلیله آمله منقی هریک ده درم تربد سفید مجوف حب النیل مقشر قسط هریک پنج درم بسفایج ترمس افسنتین افتیمون شیح تلخ هندی خردل سفید شحم حنظل سعد راسن هریک نصف استار عسل شربتی از چهار درم تا پنج درم و صاحب شفائی درین نسخه درمنه ترکی داخل کرده۔

اطریفل کبیر هلیله بلیله آمله تودریان بسباسه شیطرج هندی شقاقل تودریین لسان العصافیر بهمنین بالسویه نموده بروغن گاو چرب نموده بعسل مصفا بقوام آرند شربتی درم و نصف۔

اطریفل اکبر مسخن معده دافع ریاح معده و بواسیر محسن لون و مبهی اخلاط پوست هلیله کابلی هلیله سیاه بلیله شیرهٔ آمله فلفلین هریک سه جزو زنجبیل تودریان بسباسه شیطرج شقاقل هریک جزو تودریین لسان العصافیر حب الفلفل انار دانه شهدانه کنجد مقشر شکاعی طرنده هریک دو جزو تخم خشخاش سفید بهمنین هریک جزو کوفته بیخته بروغن بادام شیرین چرب نموده بعسل بقوام آرند صاحب سدیدی درین نسخه حب القلقل داخل کرده است و شهدانه ذکر نکرده و استادی رحمه الله علیه حب القلقل و شهدانه هردو ذکر کرده و وزن تودریین و لسان العصافیر و شقاقل و ساذج هندی یک جزو ذکر کرده و استادی دو جزو چنانچه از جامع الجوامع علوی معلوم شود۔

اطریفل اصغر مزیل رطوبات معده و نافع بواسیر و مصفی ذهن و لون اخلاط پوست هلیله کابلی پوست بلیله شیرهٔ آمله بالسویه بروغن گاو چرب نموده بعسل مصفی بقوام آرند۔

اطریفل اسطوخودوس پوست بلیله هلیله سیاه آمله منقی هریک ده درم بسفایج فستقی سنا مکی تربد سپید مجوف هریک پنج درم اسطوخودوس هفت درم عسل مصفی دو وزن ادویه۔

اطریفل افتیمون پوست هلیله کابلی هلیله سیاه

بلیله آمله منقی هریک نه ماشه بسفائج نه ماشه سنا مکی
یک توله تربد یک توله افتیمون یک توله سیطرج شش ماشه
انیسون هفت ماشه نمک هندی پنج ماشه کوفته
بیخته بعسل سه وزن ادویه معجون سازند شربتی چهار مثقال

اطریفل مقل مسهل بابت ثابت خان هلیلجات
ثلثه بلیله آمله مصطگی هریک سه جزو تربد سفید هشت جزو
ومقل برابر ادویه اول مقل را بآب گرم حل کنند
ادویه بیخته بدان سرشته بعسل معجون سازند شربتی
از سه درم تا پنج درم واگر درین نسخه تربد داخل نکنند
صرف اطریفل مقل میشود لیکن مقل بآب گندنا
حل کنند واگر افتیمون واسطوخودوس هریک سه جزو مقل
مغز فلوس هریک چهار جزو داخل کنند اطریفل ملین شود

اطریفل شاهتره مسهل برای ابوهیر صاحب حکه
وسعفه راسود دارد اخلاط پوست هلیله زرد
پوست هلیله کابلی هریک سی جزو بلیله بست جزو
سنا مکی پانزده جزو گل سرخ هفت جزو شاهتره بست
و پنج جزو در بعضی نسخه هلیله زرد چهل جزو هلیله کابلی
سی جزو بلیله بست جزو سنا مکی ده جزو گل سرخ شش جزو
شاهتره پنجاه جزو و در بعضی نسخه هلیلجات و شاهتره
هریک جزو بست و در بعضی نسخه ریوند درم و خبث الکندر
دو درم و در بعضی نسخه دیگر اختلاف واقع ست
انچه در تجربه آمده مذکور شد بدانکه در اصل نسخه
اطریفل که معرب اطری پهل ست و اطری بمعنی سه
و مراد از پهل هلیله بلیله آمله هلیله کابلی ست و چون
هلیله زرد و سیاه افزود کنند در افعال اقوی میشود

و چون یبوست کثیر آن بقوت هاضمه ضرر دارد و بغرض
بادام شیرین یا روغن گاو چرب می کنند و چون بغیر
چرب استعمال میکنند موجب قولنج میشود و عسل
درین نسخه دو چند باید تا فعل قوی گردد و گاهی
برای قبض بواسیر تربد و سنا مکی و مقل زیاده میکنند
و مقل را بآب گندنا حل میکنند و گاهی گلنار و کهربا
کزمازج داخل میکنند و هلیله و بلیله را بروغن بریان
میکنند تا خون بواسیر بند شود و گاهی سنا و
اسطوخودوس و بسفائج و افتیمون برای بعضی
اغراض داخل میکنند و گاهی مقویات معده داخل میکنند

ایارج لوغاذیا که فضول مختلفه لزجه غلیظه
و محترقه از عمق بدن جذب میکنند از صرع و سکته
و فالج و لقوه و تشنج و داء الفیل و برص و جذام
و بهق و قوبا و شقیقه و صداع و سعفه و ثقل
و دوار و وسواس و کلف و شهوة کلبیه و ضیق النفس
و نقرس و وجع مفاصل و عرق النسا و داء الحیه
و داء الثعلب و قروح کهنه و اورام بارده و خنازیر
نافع ست عمود دران خربق ست اخلاطه
شحم حنظل پنج درم بیاز عنصل بریان غاریقون
سقمونیا خربق سیاه اشق ثوم بری کلواحد ده
درم و نصف افتیمون کما ذریوس مقل ازرق
صبر هریک سه درم حاشا سافرج هندی هر
غاریقون فراسیون جعده سلیخه فلفل سیاه
و سپید دار فلفل زعفران دارچینی جاوشیر
بسفائج سکبینج جندبیدستر [illegible]

زراوند طویل عصارهٔ افسنتین فرفیون سنبل الطیب
حماما زنجبیل هریک دو درم اسطوخودوس حنطیانا
هریک درم و نیم عسل بقدر کفایت درین نسخه در
شقاقل فلفل سیاه دار فلفل دارچینی از قلم
ناسخ افتاده در عسل نسخه ریزبجاد عنصل بالثوم
بری هریک دو درم و نیم ست چنانچه آنجا ند کورشد
کذا سمعت من استادی۔

ایارج بنادریطوس اکبر که پیش از جالینوس
در عهد بنادریطوس بادشاه یونانیان ترکیب یافته
که منافع لوغاذیا دارد و بذهب حصاة کلیه و مثانه
وضعف کبد و مثانه و کلیه را نافع ست صفته
صبر سقوطری پانزده درم غاریقون ده درم زعفران
وج دارچینی مصطگی روغن بلسان فرفیون حب
بلسان دار فلفل فلفل سیاه و سفید جنطیانا سوخته
فقاح اذخر هریک دو درم قسط کمافیطوس افتیمون
هریک چهار درم اسارون سلیخه سقمونیا هریک
شش درم سنبل الطیب سه درم و نصف حماما
هریک یک درم عسل مصفا سه چند بدستور معاجین
شربتی چهار مثقال نزد بعضی بآب گرم استعمال کنند
و نزد بعضی بآب افتیمون لیکن استعمال این ایارج
بعد شش ماه است۔

الکبیر البدان عود غرقی دو ماشه جوزبوا بسباسه
دارچینی هریک سه ماشه مصطگی پنج ماشه برگ گاوزبان
شش ماشه غنچه گل سرخ هفت ماشه درونج عقربی
دو ماشه گل بنفشه شش ماشه کبابه چینی دو ماشه
قشر رمان فلفل صمغ عربی هریک سه ماشه انیسون
بادیان هریک چهار ماشه قاقله کبار قاقله صغار
قرنفل زنجبیل زرنباد فلفل دراز پوست نارنج هر
یک دو ماشه گل نارنج پوست ترنج هریک چهار ماشه
زعفران مشک خالص عنبر هریک یکنیم ماشه لعاب بهی
شش ماشه نعناع سه ماشه سیاه کافی چهار سرخ
ورق طلا ورق نقره هریک یکنیم ماشه مروارید ناسفته
نه ماشه شربت سیب شربت فواکه نبات سفید عسل
مصفا هریک ده توله آب برگ تنبول بست توله
دو قوعطر گلاب سه ماشه روغن گاو پنج توله گلاب
عرق بید مشک عرق بهار هریک پنج توله بدستور
معجون سازند شربتی دو ماشه تا یک درم۔

ایارج لبقراط نافع ست از جنون و وسواس و
دوار و صداع شدید و تشنج و شقاق و ستهاد
وجع مفاصل و اختلاط عقل و فساد ذهن و ابتداء
نزول ماء و جذام و برص و قوباء و فالج و لقوه اخلاط
قثاء الحمار سه مثقال فلفل کمافیطوس هریک پنج
مثقال زعفران مرصاف سقمونیا هریک دو درم
اشق درم عسل بقدر حاجت۔

ایارج شیخ الرئیس خربق درم شحم حنظل مثقال
گل سرخ نیم درم فلفل سپید مثقال زنجبیل و مثقال
وج حماما اسارون حب بلسان حاشا صعتر تخم
کرفس دوقو تخم گندنا هریک سه درم گاوزبان دو درم
تخم شاهتره تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه تخم اسپغول
نعناع خشک هریک دو درم افتیمون دو نیم درم

بعسل دو چند بسرشند۔

ایارج مختزع که تنقیه سر کند از فضول صفته تخم حنظل بی پوست
و بی حب ده مثقال کندر فلفل سیاه و سفید فلفل دراز
هر یک چهار مثقال زعفران صبر سقوطری مرکی صافی
حاشا اشق هر یک مثقال سقمونیا مشوی شش مثقال
عصاره افسنتین دو مثقال اسطوخودوس چهار مثقال
کمافیطوس دو مثقال عسل بقدر حاجت به دستور مقرر تیار نمایند

ایارج فیقرا بمعنی تلخ که عمده آن صبرست نافع از امراض
سر و رطوبت معده و وجع مفاصل و قولنج و قی و فالج
و لقوه و استرخا و ثقل زبان صفته مصطگی زعفران
سنبل الطیب حب بلسان عود بلسان اسارون سلیخه
دارچینی هر یک جزو صبر سقوطری مانند همه ادویه و بعضی
اطباء عود بلسان یک جزو داخل می کنند و بعضی صبر را
دو وزن ادویه داخل میکنند بعسل خام بسرشند
شربتی دو درم و قوت آن از شش ماه تا چهار
سال باقی می ماند۔

ایارج اصغر سلیم که منسوب ست بسلیم مولی عبد الله
بن ابی بکر نافع ست از مره سودا و اوجاع رحم
و اوجاع خصیتین صفته فلفل سپید زنجبیل نمک
هندی قسط تلخ هر یک شش درم افتیمون فربیون جند بیدستر
زعفران قرنفل مصطگی عاقرقرحا هر یک پنج درم سعد اذخر خشخاش
خاشتین زرنباد درونج زراوند طویل هر یک دو درم روغن بلسان
و آب کافور هر یک چهار درم کوفته بیخته بروغن بلسان و آب کافور
مخلوط کرده بعسل مصفا منزوع الرغوة سه چند بسرشند
بعد شش ماه استعمال نمایند و اگر خواهند بمقدار عدسی

باب مرزنجوش سعوط نمایند۔

آبزن نافع از ضیق النفس که از خشکی شش که از حرارت
باشد لیکن تب نداشته باشد صفته بنفشه خبازی خطمی
گل نیلوفر تراشه کدو در آب شیرین جوش داده روغن
بنفشه طری بالایش بریزند و در نیمگرم به نشانند

ابزنی که در دیگر وجه را نافع ست بابونه تخم شبت
برگ و گل خطمی اکلیل الملک پوست خشخاش جوشانیده
بکار برند۔

امروسیا که نافع ست مر ابتداء استسقا و ضعف
جگر و ضعف طحال و صلابت اینها را و مفتح سدد و مفتت
حصاة کلیه و مدر بول صفته دو قوره دو کرمانی عیدان
بلسان سلیخه قردمانا قفاح اذخر تخم کرفس هر یک درم
و در بعض نسخ یک نیم درم ست دارفلفل قسط فلفل
سپید هر یک نصف درم مصافت سه درم حب الغار
عصد و مج زعفران هر یک دو درم ادویه کوفته
بیخته بعسل منزوع الرغوة معجون سازند و در بعضی
نسخ مرنیم درم ست شربتی مثقال بآب گرم۔

القردیا چون این معجون را جزو اعظم بلادرست
نام نهاده شد القردیا که بمعنی بلادرست نافع ست
برای صرع و فالج و لقوه و امراض دماغی و سبل
و صداع و اوجاع معده و صداع اخلاط سنبل الطیب
سلیخه ساذج هندی زعفران و بسفایج ترکی شیح
ارمنی افتیمون قفاح اذخر ریوند چینی حب بلسان
قرنفل هر یک دو مثقال حب البان مقشر زنجبیل
هر یک دو درم مصطگی عود الصلیب عسل بلادر وقل

هریک سه درم غاریقون دو درم صبر سقوطری ده درم ایرسا بست درم پوست بیخ بادیان سه رطل سرکه کهنه سه رطل پوست بیخ رازیانه در سرکه سه شبانروز بخیسانند و سه جوش دهند پس سرکه صاف کرده در دیگ کنند و عسل سه رطل و نیم بآتش ملایم بقوام آرند و ادویه را کوفته بیخته بآن ممزوج سازند شربتی یک درم بآب نیم گرم این ست انچه صاحب شفائی نقل کرده لیکن بیچ آنست که بجای ده درم و بست درم اوقیه و اوقیتان گفته شود چنانچه در نسخه استادی رحمة الله علیه مذکورست و از ترکیب جالینوس نیز چنان معلوم گشته و دران غاریقون سه درم ست و بهتر آنست که خل خمر بقدر بست منا باشد۔

اکتحل نافع از قرح چشم اخلاط شادنج مغسول مروارید ناسفته لبه توبال النحاس محرق مغسول اقلیمیا ذهب هریک دو درم کحل اصفهانی مرقشیثا زبرالجد هریک درم بکوبند و در پارچه حریر بگذارند

باب الباء

بخور مقوی دماغ و مصفی ذهن نافع از غشی و خفقان صفته عود هندی قسط شیرین صندل مقاصری هریک مثقال مشک کافور ریاحی هریک نیم مثقال سوده با گلاب سرشته بنادق سازند۔

بخور که سیلان نزلات حاره را قاطع ست صفته شکر طبرزد بابلی جو مقشر در بنفشه بخیسانند و خشک کنند

بخور برای ثقل سامعه و دوی و طنین و ریاح الجنبات نافع ست صفته مرزنجوش سداب افسنتین شیح ارصعتر اسپهل بابونه اکلیل الملک بنفشه نیلوفر برابر جوشانیده در ظرف نوله دار کرده نوله را در سوراخ گوش کرده بخور گیرند۔

بخور جهت رفع احتباس طمث صفته شحم حنظل شونیز کندش میعه سائله السطم هریک جزو عنبر اشهب نیم جزو مشک زعفران ربع جزو سوده بروغن زنبق سرشته مقدار فندق در آتش انداخته از راه نوله برحم رسانند۔

بخور نافع از اختناق الرحم و تیسیر ولادت صفته شحم حنظل قنا جاوشیر برابر با زهره گاو سرشته بخور گیرند

بخور نافع از درد دندان که از نزله باشد صفته پوست خشخاش عنب الثعلب گل بابونه گل لاله بیخ لاله جوشانیده بخور گیرند۔

بخور که قاطع ست سیلان نزلات بارده را صفته کندر عود هندی سندروس و قسط البنی و ابن قرة سندروس و لبنی در این نسخه داخل نکرده است۔

بخور لیثرغس صفته ماشالو دینه برابر در سرکه جوش داده در بینی بخار دهند۔

بخور نافع صداع حار مادی صفته بنفشه نیلوفر قصبان خطمی جو مقشر نیم کوفته تراشه کدو جوش داده در طشت بیندازند و قدری روغن بنفشه یا روغن گل انداخته سر مریض را به مندیل بسته بران منکوب سازند۔

بخوری که استادی علوی خان برای درد سری که از نزله بود تجویز کرده صفته بابونه اکلیل الملک عنب الثعلب مرزنجوش پوست خشخاش کشنیز خشک

پوست بیخ لاله گل بنفشه جوشانیده سرپوش از وے
گرفته بر خساره بخار ببارند۔

بخور برای ثقل سامعه و دوی و طنین و ریاح نافع
صفته مرزنجوش سداب افسنتین شیح ارمنی صعتر اہل
بابونه اکلیل الملک بنفشه نیلوفر برابر جوش داده بخور کنند۔

بخور برای احتباس حیض نفع کند صفته شحم حنظل
شونیز کندش میعه سائله علک البطم ہریک جزء عنبر اشہب
نیم جزء مشک زعفران ربع جزء سوده بروغن زنبق
سرشته بقدر فندق استعمال نمایند بنوعیکه بر رحم برسد

بخور نافع ربو صفته مر قسط سلیخه زعفران سوده
بشراب سرشته اقراص نمایند۔

بخور واقع درد گوش که از نزله باشد صفته پوست
خشخاش تخم خشخاش مرزنجوش چوب چینی ہریک توله
بزرالبنج دو ماشه پوست بیخ لاله سه ماشه بخور گیرند۔

بخور برای طرش صفته افسنتین رومی در قمقمه
جوش داده بخور گیرند۔

بخور دافع صداع بارد مادی صفته مرزنجوش پودینه
بابونه اکلیل الملک قیصوم شبت شیح تمام حب الغار
جوشانیده بخور گیرند۔

بخور نافع دوی و طنین مع ثقل راس و ضعف سمع
صفته مرزنجوش شیح افسنتین پودینه صعتر جوش داده
در گوش بخور گیرند۔

بخور نافع زکام و نزله باردان صفته بابونه اکلیل الملک
مرزنجوش جوش داده بخور گیرند۔

بخور نافع ربو و ضیق النفس صفته مر سلیخه قسط زعفران
برابر سوده با شراب اقراص بندند وقت حاجت
در دہن بخور گیرند۔

بخور دیگر ہمین فائده دارد صفته زرنیخ اصفر
زراوند طویل سوده بمغز بگاؤ سرشته وحبها بندد بخور گیرند۔

بخور دیگر مشیمه برآرد صفته قسط ہفت درم میعه
خشک چهار درم حب بلسان سه درم صمغ بطم دو درم
جاوشیر درم خربق سفید فاوانیا ہریک دو درم
شونیز تخم حرمل ہریک مثقال کندر ده درم۔

بخور طیری نافع اندر ربو که بعد از استعمال مسهلات
و مقیات برای دفع بقیه رطوبات سشش و قصبه
ریه لطیف ست صفته زرنیخ فا خشک کبریت آتش
نارسیده زرنیخ سرخ رانج پیر سیاوشان مصطکی علک الانباط
اجزاء برابر بیگیرد به بزر گدا خته ادویه را سحق نموده
بران بیخته بنادق سازند و انگشت سوزان در
قمع انداخته و بندقه بران نهند و از راه انبوبه
گا ہے بدہن و گاہے از راه بینی بخور گیرند۔

بخور جہت اختناق رحم و تیسیر ولادت نافع ست
صفته شحم حنظل فیه جاوشیر برابر سوده بزہره گاؤ
بدستور بخور گیرند۔

بخور جہت درد دندان و مواد نزله صفته پوست
خشخاش عنب الثعلب بابونه بیخ لاله بزرالبنج اکلیل الملک
مرزنجوش برابر بدستور بخور گیرند۔

بخور نافع از ربو و سرفه بلغمی که فی الحال نفس را
توسع کند صفته زراوند مدحرج مرصاف میعه سائله
فتهٔ دزن برابر زرنیخ سرخ برابر همه ادویه ...

بروغن گاو سرشته حبوب سازند و زیر قمع گذاشته دود او در حلق گیرند۔

بخور نافع بواسیر وقت جریان خون صفته تربد زنجبیل سرخ بآرد و زیر انگشت لیشاک شتر بخار دهند۔

بخور نافع از وسواس سوداوی صفته کند۔ سندروس سنگ جراحت مقل ازرق پوست خطل کبریت سفید تارہبل شب یمانی مرکی وزن تارہبل هشت ماشه وزن دیگر ادویه چهار چهار ماشه۔

بخور نافع از ورم خصیه صفته گل بنفشه عنب الثعلب برگ سنبهالو گل بابونه هریک توله جوشانیده بالای چوکی نشسته بخور گیرند۔

بخور نافع از درد دندان صفته بزر البنج عنب الثعلب کشنیز خشک برابر بر آتش گذارند و دود بدندان رسانند۔

بخور نافع بواسیر صفته انزروت راتیج پوست چوب توت۔

برود عبارت است از چیزیکه از وسردی چشم شود

برود کافوری نافع از حرارت چشم و درد حار صفته طرطیا مغسول پنج درم کافور قیراط سوده

برود حصرم مرو طرطیا سحق کرده بآب حصرم مغسول ساخته و در آفتاب خشک کند باز سحق کرده استعمال نمایند حرارت چشم و سیلان دمعه را نفع کلی بخشد۔

برود حصرم حار نافع از سیلان و رطوبت چشم و جرب و سبل و دمعه صفته طرطیا عروق اصفر

هلیله زرد هریک اوقیه زنجبیل دار فلفل مامیران هریک نصف اوقیه نمک اندرانی دو درم و گاهی نمک هندی هم داخل می کنند ادویه سحق کرده بحریره گذرانیده بآب حصرم غسل کرده خشک نمایند بعد از آن باز سحق کرده بکار برند۔

برود دهن نافع از قلاع و ورم حلق و دواهیای دهن و سقوط لهاة صفته سماق پنج درم طباشیر سفید درم بزر بقله عدس مقشر هریک چهار درم کافور دو دانگ تخم گل سه درم کوفته بیخته در دهن و بینی بدمند۔

برشعثا لفظ سریانی ست بمعنی برء الساعة چون اوجاع صعبه را در ساعت ساکن می کند بدان جالینوس گفته که من آنرا در خواب دیدم پرسیدم از و گفت من از تراکیب افلس رومی طرسوسی ام و خاصه من آنست که حائل میشوم درمیان موت و مراد از اوجاع مهلکه و در من خواص بسیار اند و بعضی از خواص من منع سیلان نزلات و کثرة انصباب آن سوی اعضا

برشعثا انطاکی فلفلین بزر البنج سفید هریک بست درم افیون ده درم زعفران هفت درم سنبل الطیب عاقرقرحا هریک درم کوفته بیخته بعسل سه چند بقوام آرند بعد دو سال استعمال نمایند و قوت آن تا بست سال باقی ماند انطاکی گفته که شربت از آن تا دو درم ست و آنچه به تجربه رسیده است که اینقدر می کشد کسی را عادت بران

نداشته باشد واین صداع مزمن وسیلان نزلات
واسهال وبعضے اوجاع را در ساعت نافع ست
واوجاع مفاصل را در یک اسبوع ونزلات را در
یک ماه —

پاشویه عنب الثعلب گل خطمی سپید زرد وفاغشک
اکلیل الملک سبوس گندم جاشا هریک دو توله
جوشانیده صاف نموده پاشویه نمایند
دیگر برگ بید برگ بنفشه گل خطمی سپید آرد جو
گل نیلوفر هریک توله جوشانیده پاشویه نمایند —

پاشویه برگ بید گل گفشه برگ بنفشه آرد جو گل نیلوفر
کشنیز هریک توله بدستور پاشویه نمایند —

برشعثا ابو البرکات نافع ست از امراض بارده
وامراض قلب ومعده وسدد صفت فلفل سپید
فاشرا فنجنکشت قوة الصاعین بزر البنج سفید مقل
ازرق هریک ده درم زعفران زراوند طویل عنصل
مشوی جنطیانا رومی حب دار خطائی هریک چهار درم
حب الغار افیون مرصاف هریک هفت درم سنبل
رومی جند بیدستر هریک شش درم فرفیون درم کوفته بیخته بعسل
سه چند ادویه معجون سازند —

برشعثا النطاکی به نسخه دیگر نافع از نزلات بارده
صفت فلفل سپید بزر البنج سپید هریک ده درم
افیون جند بیدستر هریک مثقال زعفران دو درم
ونیم عاقرقرحا سنبل الطیب سلیخه زرنباد بهمنین
عود هندی هریک درم فرفیون نیم درم تخم خشخاش
نیم مثقال عود بلسان دو مثقال کوفته بیخته بروغن
بلسان یا روغن زیت چرب نموده بعسل سه چند
ادویه بقوام آرند —

برشعثا هاشمی نافع از نزلات بارده صفت
افیون پنج درم زعفران نیم مثقال فلفل مثقال مصطگی
کندر دارچینی هریک دو مثقال کوفته بیخته بعسل
سه چند بقوام آرند —

برشعثا قوی النفع از نزلات بارده صفت
مرصاف زعفران [illegible] جنطیانا ناصرف هریک
ده درم گل مختوم افیون جند بیدستر غاریقون [illegible]
سنبل الطیب هریک سه درم حب الغار قصب الذریره
دارشیشعان عصاره لحیة التیس هریک
پنج درم زراوند طویل ریوند چینی حماما اسارون روغن
بلسان هریک نیم درم عصارات وصمغ در مثلث
حل کرده دیگر ادویه کوفته بیخته همه را بعسل سه
چند بقوام آرند —

برشعثا دیگر نافع از نزلات صفت جنطیانا
سلیخه دار فلفل جند بیدستر هریک چهار درم
فقاح اذخر سنبل الطیب زراوند طویل هریک
دو درم زعفران دو درم افیون پانزده درم انیسون
تخم کرفس پوست بیخ کرفس هریک بست درم
فلفل سپید سی درم قسط مر قوه اسارون هریک
ده درم زنجبیل خشک مر فودنج بری هریک
هفت درم روغن بلسان ده درم کوفته
بیخته بعسل سه چند بقوام آرند وشربت این
دو نسخه آخر برای طبیب ست —

برشعثا جالینوس فلفل سپید بزر البنج هریک
بست درم افیون ده درم زعفران پنج درم
فربیون سنبل الطیب عاقرقرحا هریک درم بابه
چند عسل بسرشند وبعد از شش ماه استعمال
نمایند شربتی تا سه نخود—

بزرقه تخم حلبه تخم کتان هریک توله ریوند شش ماشه
کندر دو ماشه نشاسته سه ماشه انزروت یک نیم ماشه
سفیده تخم مرغ دو عدد روغن کتان سه ماشه شیر بز یکپاؤ
بزرقه طبیخ حلبه توله طبیخ کتان درم ریوند توله
کندر ماشه نشاسته ماشه سفیده تخم مرغ یکعدد
انزروت ماشه روغن کتان ده درم شیر بز یا خر بیست درم
نسخه دیگر فلفل سپید بزر البنج هریک سی و هفت
و نیم مثقال افیون و زعفران هریک پانزده سنبل الطیب
فربیون عاقرقرحا هریک شش درم عسل سه وزن ادویه

بلادر کبیر نافع فالج ولقوه و رعشه بلکه تریاق
جمیع علل بارده است صفته زنجبیل عاقرقرحا
شونیز فلفل قسط دار فلفل وج هریک دو مثقال
برگ سداب سه چلیثت جنطیانا زراوند حب الغار
جند بیدستر خردل هریک پنج مثقال عسل بلادر پنج مثقال
وثلث سوده بروغن گردگان چرب نموده بعسل سه چند ادویه
بقوام آرند و در نسخه نجیب الدین سمرقندی همه
اجزا بالسویه و عسل سه وزن ادویه—

بنادقات بنادق مسکن الوجع در قولنج بارد
صفته جندبیدستر نانخواه شونیز زیره کرمانی
افیون بالسویه بنادق سازند هریک دو دانگ—

بنادق که بقولنج شدید حراری که تنگی نفس هم داشته باشد
نفع بخشد صفته تخم خرفه تخم کاهو افیون برابر سوده
بلعاب اسبغول بنادق سازند هر بندق دو دانگ—

بنادق که کرم شکم برآرد صفته مغز برنگ کابلی
پوست آمله هلیله زرد هریک نیم درم و نیم تربد سفید
دوازده درم فانید چهار ده درم ادویه کوفته بیخته
بقوام فانید بنادق سازند—

بنادق برای سوزش بول بلا مده صفته
مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم خرفه مقشر تخم
خشخاش سفید هریک هفت درم نشاسته کثیرا
رب السوس هریک دو درم مغز تخم خبیزه
هشت درم بزر البنج سفید یکنیم درم سوده بنادق سازند

بنادق که نافع ست مر قروح و سوزش بول را
صفته مغز تخم خبیزه مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
هریک بست درم صمغ عربی لاجورد دم الاخوین
هریک ده درم افیون سه درم بزر کرفس درم و در
بعضے نسخه تخم کرفس سه درم افیون یک درم
سوده بنادق سازند—

بنادق نافع جرب آلات بول صفته مغز تخم کدو
تخم خربزه پنج درم مغز تخم خیارین دو نیم درم
مغز تخم خشخاش سفید تخم خرفه تخم خطمی مغز بادام شیرین
کثیرا نشاسته رب السوس گل ارمنی تخم
کرفس هریک یک نیم درم بزر البنج نصف درم
شربتی سه درم بشربت بنفشه—

بنادق البزور که پیش از نضج و خروج ریم استعمال کنند

صفت مغز تخم خیارین مغز تخم کدو و تخم خرفه تخم کاسنی مقشر تخم خطمی بارتنگ بالسویه سوده بنادق سازند شربتے سه درم بجلاب صبح و شام استعمال نمایند۔

بنادق البزور که بعد نفث بعمل آرند صفت مغز تخم خربزه ده درم مغز تخم خیارین پنج درم مغز تخم کدو و تخم خرفه تخم خطمی مغز بادام شیرین کثیرا نشاسته رب السوس گل ارمنی دم الاخوین تخم خشخاش سفید تخم کرفس هریک دو درم کوفته بیخته بنادق سازند و باشیره تخم خربزه ۵ توله و شیرهٔ خارخسک تاشه بعمل آرند۔

بنادق که چون در دهن نگهدارند مانع شور و سیلان نزلات را صفت افیون زعفران میعه سائله برابر وزن سوده بنادق سازند و در دهن نگهدارند و لعاب بینداز[ند]۔

بنادق لفا مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه کثیرا طباشیر سفید صمغ عربی کندر گل ارمنی بلوط بو داده تخم حماض بو داده هریک چهار مثقال افیون زعفران تخم کرفس هریک درم سوده بآب کاکنج و پوست خشخاش بنادق سازند۔

بنیدا ولیقون نافع از نفخ و برودت معده صفت زعفران کاشم تخم کرفس زنجبیل جاشا مغز چلغوزه هریک شش درم مغز بادام شیرین لبان ذکر هریک دو درم فلفل سه درم کوفته بیخته بعسل سه چند بقوام آرند۔

بنفسج مربا نافع از سرفه گرم و از خشونت سینه و حنجره و ملین سینه صفت بنفشه تازه خوشبو دو[ق]

آن گرفته با شکر طبرزد سه فوق بوزن نیکو بمالیده در آفتاب بگذارند باز یک چند شکر کو بیده انداز[ند] و بمالند و در آفتاب نهند چهل روز بگذارند بعد از آن شکر طبرزد یک چند بران گداخته باز گذارند و باز از آفتاب بردارند۔

باسلیقون نافع از علت چشم و تاریکی بصر اقلیمیا طلا ده درم نحاس سوخته پنج درم سفیداب ارزیز ملح اندرانی هریک دو درم نوشادر چهار فلفل دارفلفل هریک درم کف دریا آشنه قرنفل هریک درم نیکو سحق نموده استعمال کنند۔

باسلیقون نافع از نزول ماء و قاطع دمعه و جالی بصر و صالح مثانج ست صفت شادنج مغسول اصفهانی اقلیمیا طلا ساذج هندی سعد سنجان مصری طوطیا نحاس سوخته صبر توبال نحاس زعفران هریک دو درم فلفل دارفلفل نوشادر هریک درم بیشتر مقرر سحق نمایند۔

باسلیقون نافع از حکه چشم و تاریکی چشم صفت اقلیمیا طلا اشنه کف دریا هریک ده درم نحاس سوخته شش درم نمک اندرانی سفیداب ارزیز نوشادر ساذج فلفل سنبل کحل هریک دو درم قرنفل جوز بوا آشنه هریک نصف درم کافور دانگ بدستور سحق نمایند۔

باسلیقون الملک جالی چشم و اگر در حالت صحت هر روز یک مرتبه یا یک روز در میان استعمال نماید حفظ صحت کند صفت اقلیمیا طلا کف دریا هریک ده درم

صعتر سوخته پنج درم سفیداب ارزیز ملح اندرانی
هریک سه درم نوشادر دار فلفل هریک دو درم
قرنفل آشنه هریک درم فلفل چهار درم کافور قیصوری
درم بدستور کحل تیار نمایند و دیگر نسخه باسلیقون
که شفائی و دیگر ذکر کرده بعلت این عاصی نیامده
اینجا ذکر نکرده —

پالوده چوب چینی دو توله سائیده خصیة الثعلب
نیم توله صلایه کرده با شیرهٔ نبات و گلاب بقدر حاجت
بپزند و زعفران نیم دانگ عنبر نیم دام سوده داخل نمایند
و برای محرور مزاج نشاسته و لعاب بهدانه داخل کرده
پالوده بپزند لیکن عنبر و مشک داخل نباید کرد —
ضماد برای شقاق دست و پا صفت چقندر کدو
شلغم مکه پاو سیر اسفاناخ نیم سیر بهدانه موم کافوری
یک توله برگ نیم نیم پاو شاهتره نیم پاو گل خطمی دو توله
سنبل الطیب سه توله چربی گرده بز یک آثار چقندر
با برگ دار و از کدو آب کشیده و دیگر ادویه را با آب
شیره گرفته چربی را اول گداخته با موم انداخته صاف
نموده شیره ها بدو مخلوط کرده بآتش ملایم بجوشانند
تا غلیظ شود —

بهرلوها نافع ست بابتدا و رسد و باصلاح آرد و رسد
مرسن را صفته اقاقیا سه و شش درم اقلیمیا طلا
بست و چهار درم نحاس سوخته مسحوق مغسول هر یک نه
درم نیکو سحق نموده بشراب عفص سرشته شیاف سازند
بهیر الساعة بوزن فلوس خیار شنبر بشیر گاو یا با آب
جوش داده غرغره نمایند ان شاء الله تعالی در یک ساعت

از خناق شفا شود لیکن فائده این در مادهٔ قلیل
زود ظاهر شود و دیگر زاج سفید سه بیان کرده بود
افیون هر یک جزو سوده در پارچه بسته بگذارند
در همه وقت بآب تر کرده به چشم بگذارند —

برای قرحهٔ سرطان رحم مرداسنگ ده درم پیه
روباه تازه و پیه خنزیر سه درم هر یک چهار درم روغن
گل سرخ ده درم موم را در روغن گل انداخته
باقی ادویه بدان بسرشند و بصورت کحلی استعمال نمایند
و دیگر نافع از درم حار صفته موم سفید ده درم
روغن گل سرخ بست درم گداخته آرد باقلا و شیاف مامیثا
خطمی آرد جو هر یک درم کافور ربع درم دران بیندازند
و مخلوط کنند و بآب عنب الثعلب و کشنیز توله —

باب التاء

تریاق فاروق معجون جلیل القدر ست و موجب
خلاصی موت که از نیش هوام قتاله عارض میشود و
فیلسوف یا خیوس نام آن شخص برای رفع سموم
نیش هوام قتاله ترکیب کرده چون جالینوس
تامل کرده در ترکیب آن و در طبائع ادویه آن
منافع و محاسن آن از قوت اعضاء رئیسه و آلات
آنها و دفع سموم دانست که در امراض هم فائده خواهد بخشید
بلکه حفظ صحت هم خواهد کرد و اسباب محدثه و منذره
امراض دور خواهد شد و در هر امرے از این امور و در
هر مرضے از این امراض شربتے مقرر کرده و کیفیت
استعمال ادویه اشیاء مستعمله بعد تجویز نموده و
باستعمال در آورد چنانچه چنان یافت لیکن باریح

محاسن ومنافع آن وسبب استعمال در امور مذکوره
بر طبق آن منافع ومحاسن ظاهر گشت وهرگاه
عمود این معجون لحم افاعی ست وخاصه آن ضد
سمیت ست از اعضای رئیسه وآلات آن نام
نهاده شده تریاق وچنین گفته که اجود نسخ واکمل
آنها این ست همچون اینجا ذکر کرده میشود صفته
اقراص اسقیل چهل وهشت مثقال ودر بعضی
جالینوس چهل وشش مثقال بوده دارچینی
بست وچهار مثقال اگرچه اولین دوازده مثقال
میگرفتند اقراص افعی دارند چون هریک دوازده
مثقال لیکن حکیم باعیوس بست وچهار مثقال
میگرفت وبزر الورد دوازده مثقال تخم شلغم توم بری
ابرسا غاریقون رب السوس روغن بلسان هریک
دوازده مثقال مر زنجبیل زعفران ریوند چینی ذو خمسة
الاوراق فودنج جبلی فراسیون کراث جبلی
فطراسالیون اسطوخودوس قسط فلفل سفید
دار فلفل کندر کز مشکطرامشیع فقاح اذخر سلیخه سیاه
سنبل جعده هریک شش مثقال لبنی بزر سیالیوس
تخم کرفس حرف کمادریوس نانخواه کمافیطوس
عصاره لحیة التیس شیح جبلی ساذج هندی جنطیانا
تخم رازیانه گل مختوم زاج کم بریان حماماج
حب بلسان هیوفاریقون فو صمغ قردمانا انیسون قاقیا
هریک چهار مثقال ودوقو ادقیه قفر الیهود ودر نسخه
دیگر قفر الیهود جاوشیر قنطوریون دقیق هریک دو مثقال
زراوند مدحرج وقنه بارزد زراوند طویل داخل میکردند

جند بیدستر هریک مثقال وعسل که از مگس کرانجا شا
خوراک او باشد وپاک کرده باشد وشراب ده رطل
مطبوخ عتیق طیب الرائحه حلو الطعم سه رطل ونصف
رطل ادویه نیکو کوفته صمغ وعصارات در شراب
بخیسانند تا آنکه منحل شود پس مطبوخ وعسل بر آن
ریزند ویک شب وروز همان قسم بدارند وبعده آوندی
بروغن بلسان لت کرده بدان لبریز کنند ودر ظرف
نقره یا چینی یا ظرف رصاص بگذارند وظروف را اندکی
خالی بدارند بدانکه منفعت ادخال مطبوخ آنست
که تریاق زود فاسد ومتغیر نشود خصوص عتیق طیب الریح
که نافع ست از گزیدن هوام وسموم قاتله ومشتهی
ومقوی معده ومحلل بلغم ودافع نفخ شکم وامعا
وعسل مصفا موجب حفظ قوت ادویه ووصول آنها بعمق
بدن وتفریق وتزویج اجزاء ادویه وکاسر کراهت
ادویه در همه معاجین امابا وجود اینها جگر وسینه را
پاک میکند واز گزیدن هوام وسباع وسگ دیوانه
وسموم قاتله چون خشخاش سیاه وبیخ وطروت انچه بالا
ذکر یافت چه اگر سمی هوا مانند شیشه واز حلق زردت
ودر معاجین مانند نحاس واز جذب قوت دوا مانند
نحاس مغرست وامتحان تریاق آنست که اگر تریاق
مقدار باقلا عقب مسهل قوی دهند قوت مسهل کم
میکند واگر دیگ بری ازان اول بگزیدن دهند من بعد تریاق دهند
آن دیگ نمیرد بخلاف دیگ خانگی که بسبب رخوت گوشت
وعدم صلابت در روزه دو نمیرد اثر میکند فایده
تریاق امراض بارد رطب وامراض سوداوی چون

فالج ولقوه وسکته وصرع ووسواس وجنون وبرص
وجذام وتشنج مفاصل وعرق النسا را نافع ست
ومزکی حواس ومحرک شهوتست ونافع ست جرب
وسبل را وسرطان واورام صلب وسدد جگر ووجع
کلیه وضعف آن واستسقا ونزف دم وفواق که بعد
استفراغ عارض شود ودوار دائم وجمیع اصناف
درد مقعد وانقطاع صوت وتهیان وسدد وخنق
وجمیع انواع سوء مزاج واسهال دموی واختلاط
شش وضعف زبان واورام رحم وصلابت آن
وبهق وتقویت اعضا وبدن میکند وچیزیکه مخالفت
بدن عارض شده باشد وقولنج وسنگ مثانه و
گرده واسترخاء مفاصل را فائده بخشد وشربتی
آن از کتب قدیمه وقرابادینها معلوم ست لیکن
درین وقت مستعمل استادی رحمة الله علیه
از یک ماشه تا سه ماشه وقوتش تا سی سال باقی بماند
بعد شش ماه استعمال نمایند وصبیان را ضرر دارد —
تریاق عشره نافع ست از سم وریح غلیظ که در
احشا باشد واوجاع جگر وطحال وصرع وخفقان
صفته حماما سنبل ساذج لک مغسول مامیثا
قرنفل سداونه صینی فیقولیا قسط جنطیانا رومی هریک
دوازده مثقال فقاح اذخر عصاره لحیة التیس مقل
ازرق هریک بیست مثقال عاقرقرحا دارچینی رازیانه
کبریت خام تخم شبت اسارون قردمانا فربیون افیون
ناردین فقاح کرم برگ باقلا تخم کرفس جبلی دوقو فقاح
سنبل رومی هریک سه مثقال کتیرا خشخاش سفید
فلفل سیاه هریک سی مثقال بزرالبنج بیست وهشت
مثقال سلیخه ورق گل سرخ اقراص اندرون هریک
نه مثقال تخم سداب مثقال حب اشج مقشر سماق
شامی منقی هریک ده مثقال روغن بلسان بیست
وچهار مثقال سنبل رومی سه مثقال فقاح مرچیا
مثقال ونصف عصاره قیصوم بیست مثقال برگ
شیح سیزده مثقال صموغ وعصارات را در مثلث
بخیسانند وادویه بکوبند وبعسل مصفی سه چند
بقوام آرند ودر ظرف چینی نگهدارند وبعد شش ماه
استعمال کنند وقوتش تا هفت سال باقی بماند و
شربتش تا مثقال —
لفافه منومه مرکی صافی افیون زعفران اقشه
آردجو هریک جزو ادویه کوفته بیخته بگلاب
سرشته بشکل لفافه ساخته ببویند —
دیگر سبوس جو برگ بیروج پوست بیروج پوست
خشخاش برگ خشخاش گل خشخاش هریکی صافی
هریک جزو صمغ عربی دوجزو سوده بگلاب سرشته ببویند
لفافه منومه افیون پوست بیخ بیروج آردجو
صمغ عربی برابر وزن سوده بگلاب سرشته لفافه
ساخته ببویند —
تریاق اربعه در منهاج وکامل گفته که نافع ست
از سم ذوات السموم ورياح غلیظ معده وامعا
واوجاع کبد وطحال وصرع وخفقان وشربتی آن
مثقال با آب سرد ودر شفائی باب گرم ولوقیه ده
گفته ست صفته جنطیانا حب الغار زراوند طویل

مرصاف هریک جزکوفته بیخته بحریرگذرانیده بعسل مصفے سه چند بقوام آرند قوتش تا دو سال باقی مے ماند۔

باب الثاء

ثاثنا یا نافع ست از صرع وسکته وفالج ولقوه و تشنج ورعشه وفزع وخبث النفس وخفقان واز درد شکم ودرد مفاصل ودرد رحم ومحافظت جنین میکند ومانع از سقوط حمل واز صداع وشقیقه سعوطا صفته مشک خالص دو درم ودر نسخه دیگر درم مروارید ناسفته ده درم ورق طلا ورق نقره هریک نیم درم زریت نیم درم ابریشم خام سوخته چهار درم زعفران ده درم قرنفل سنبل الطیب هریک هشت درم دلق وسادج هندی هریک دو درم حب بلسان دو درم سایخه غیر مقشر ده درم فلفل سپید زنجبیل بیخ شبت هریک چهار درم قسط تلخ هشت درم جوزبوا ده درم جند بیدستر ده درم فرفیون دو درم فقاح اذخر ده درم تخم شبت جنطیانا رومی فقاح لسان العصافیر هریک چهار درم عیدان پرسیاوشان هریک هشت درم نمک هندی چهار درم قاقله هشت درم بزرحرمل هشت درم تخم رازیانه شش درم شونیز نیم درم سعتر فارسی چهار درم زوفا خشک درم زراج الاساکفه نصف درم افشان نبطی تخم کرفس سداب اشنه کبریت زرد هریک دو درم سرگین گاو شیرداد دیشکل بزشیرداد هریک دو درم بادآورد هفت درم تخم چغندر ده درم ابهل چهار درم فلفل سیاه دارفلفل

بزرالبنج سفید افیون هریک بست درم عاقرقرحا چهار درم بندق بزاب المرلعات درم ریوند چینی هفت درم تخم دوقوده درم بندق هندی چهار درم تخم انجره چهار درم اکلیل الملک چهار ونیم درم بزرقطونا لبد هریک چهار درم و دو دانگ فقراليهود چهار درم کافور خرلق سیاه سعد میعه سائله بامیران چینی تخم بلیون هریک دو درم اصابع صفر اشنه شعار کر پرسیاوشان بیخ کاسنی هریک دو درم حب المحلب دو درم بیخ خردل سفید دو درم ماء السوس وماء انیسون هریک درم پوست بیخ کبر نیم درم بزاخسان سپستان هریک چهار درم ادویه منقوعه بشراب ریحانی کهنه یا انچه قائم مقام اوست بخیسانند وادویه قابل سحق کوفته بیخته بعسل مصفا سه چند بقوام ارند و در ظروف زجاجی نگهدارند بعد شش ماه استعمال کنند شربتے یک نخود بآب پوست بیخ بادیان بیخ کرفس

باب الجیم

جوارش بنجهت تقویت معده وهضم طعام وتفتیح سده وتقویت جنین صفته کمونی کرمانے نانخواه کرویا مصطکے هریک درم انیسون تخم کرفس قرنفل نعناع خشک سعد کوفی زرنباد گل سرخ هریک درم قند سفید برابر ادویه خوراک نیم توله۔

جوارش باکثر افرحیه هلیله بلیله آمله هریک درم عود خام ده درم بادام مقشر مغز تخم خیار مغز تخم بادرنگ مغز تخم خربزه خشخاش هریک پنج درم عسل دو وزن ادویه شربت نیم توله۔

جوارش زنجبیل زنجبیل دو درم صمغ عربی الایچی
کلان هریک ده درم قرنفل دارچینی هریک پنج درم
جوزبوا کلان یکدرم زعفران یک درم نشاسته
چهل و دو درم شکر دو چند ادویه —

جوارش عود سنبل الطیب یک درم سنبل رومی
انیسون تخم کرفس مصطگی هریک درم عود غرقی سه درم
قرنفل دو درم بسباسه یک درم قرفه مشک هریک
دو درم هلیله کابلی یک شب در شراب انگوری
ترکرده بریان نموده دو نیم درم فرنجمشک دو نیم درم
جوزبوا یک نیم درم مرباجوز سه درم گل سرخ نیم درم
قصب الذریره سه درم رب به سه وزن ادویه بسرشند —

جوارش طباشیر یک درم گل سرخ سه درم سماق
دو درم گلنار اقاقیا هریک یکدرم مصطگی عود هریک یکدرم
و نیم به رب به بسرشند و اگر شربت انار ترش هم
داخل نمایند مضائقه ندارد —

جوارش دارچینی عود راسن هریک شش درم قرنفل
فلفل دارفلفل سنبل اسارون هریک پنج درم زنجبیل
یک درم نعناع پنج درم الایچی کلان دو درم کبابه
دو درم خولنجان دو درم مصطگی سه درم بادیان سه درم انیسون
درم سلیخه سه درم عسل نبات هریک یک وزن
و ربع وزن ادویه —

جوارش کافور زنجبیل فلفل دارفلفل دارچینی قرفه
سادج سنبل شیطرج جوزبوا صندل حب بلسان قاقله
صغار بسباسه قرنفل خارخسک طالیسفر طباشیر سعد
عود خام هریک جزو کافور ثلثی جزو شکر بوزن برابر عسل
یک نیم وزن ادویه علی الرسم معجون سازند —

جوارش انار رب به رب انار ترش هریک پاؤ سیر
سماق دو توله زرشک دو توله صندل یک درم ورق
نقره شش ماشه شربت فواکه نیم سیر رب بهار ابگلاب
بقوام آرند و اجزا را بدان بسرشند شربتی از درم تا دو درم

جوارش عود دیگر نفع کند از ضعف کبد و خفقان
و مقوی معده صفته عود هندی سنبل الطیب
مصطگی رومی قرنفل بهیل بوا جوزبوا هریک دو درم
هلیله کابلی قرفه بزرکرفس انیسون از هریک یکدرم
پوست اترج بسباسه زعفران زنجبیل از هریک
نیم درم کوفته بیخته بعسل مصفا جوارش سازند و اگر
وجع تعلق به بطن باشد سک المسک نیز داخل نمایند
بادرنجبویه زرنباد از هریک درم مشک تبتی خالص
بازاء هر سه مثقال ادویه نیم مثقال —

جوارش عود مخترع فقیر صفته ابریشم خام دوازده
توله عود غرقی توله پوست اترج پوست درون پسته
دارچینی پوست صندل هریک نیم توله نیم کوفته
در پنجاه توله آب و پنجاه توله گلاب و پنجاه توله عرق
بید مشک یک شبانروز خیسانند روز دیگر بآتش
ملائم جوش دهند تا بنصف رسد صاف نموده و نبات
هشت توله عسل ده توله در و حل کرده بقوام خمیره آرند
گل گاوزبان مروارید ناسفته عنبر ورق طلا ورق نقره
سادج هندی طباشیر مصطگی بهمن سفید ابریشم
مقرض مشک هریک نیم توله کوفته بیخته بدان
بسرشند و معجون سازند —

جوارش عود دیگر عود خام پنج درم پوست اترج
قرنفل مصطکی بسباسه هریک سه درم قاقله کبار
سنبل الطیب قرفة الطیب هریک دو درم زعفران
یک مثقال جوزبوا زنجبیل دارفلفل از هریک یکدرم
نبات سفید دو وزن ادویه بدستور مرتب سازند
شربتے دو درم تا دو مثقال۔

جوارش دیگر عود قماری خام غنچه گل سرخ منزوع
الاقماع هریک یک درم بسباسه قرنفل
هریک نیمدرم شکر نیم من ادویه را کوفته بیخته شکر را
بگلاب حل کرده بقوام آرند ادویه بآن بسرشند۔

جوارش عود ترش الاستاد معتمد الملوک سید
علوی خان رحمة الله علیه مفرح و مقوی معده
و قلب و دماغ ست و معده را که دران صفرا
مخلوط ببلغم باشد سود دارد و موافق جمیع امزجه
و اسنان و در هر بلده و هر فصل نافع ست و
دل تنگی و خفقان را زائل کند و مالیخولیا مراقی
معدی سود دارد و اسهال مقوی و معدی که
حادث از رطوبت و صفرا باشد نافع ست و معده را
باصلاح آرد و کسالت و خمار زائل کند و مالیخولیا مراقی
و مقوی را سود دارد و اسهال مقوی و معدی
که حادث از رطوبت و صفرا باشد نافع ست و تحلیل
انجره و ریاح و منع صعود انها بدماغ نماید و ریاح اشکند
و نفخ دور کند صفت آب سیب شیرین آب
سیب ترش آب به شیرین آب به ترش آب
زرشک آب کیل آب انناس آب امرود آب انار شیرین
آب انار ترش از هریک بیست پنج درم آب لیمون
آب اترج گلاب عرق صندل عرق گاوزبان عرق
بیدمشک هریک سی درم نبات سفید دو رطل
عسل مصفا نیم رطل گزانگبین خالص نیم رطل
عود قماری غرقی خام هفت درم [illegible] ناسفته ابریشم
مقرض پوست بیرون پسته طباشیر سفید صندل سفید
و سرخ نشاسته غنچه گل سرخ قرفه مصطکی سازج هندی
پوست اترج بادرنجبویه فرنجمشک درونج عقربی
دارچینی دانه هیل از هریک چهار درم زعفران یکدرم
کافور قیصوری نیمدرم عنبر اشهب مشک تبتی خالص
از هریک دو دانگ اول مرتبه آب میوه ها سوای
آب لیمون و آب اترج و عرقها را با نبات و
عسل گزانگبین یکجا کرده بجوشانند و کف آنرا
بگیرند و بپالایند پس بقوام آرند و بآتش ملائم
که آب میوه ها سوخته نشود و تلخ نگردد بپزند پس
اندک اندک آب لیمون و آب اترج داخل نمایند
تا تمام آب لیمون و آب اترج با شربت کنند
و قوام بحال باشد پس ادویه را داخل کنند و اگر
خواسته باشند ورق طلا ورق نقره محلول
از هریک نیم درم داخل نمایند بهتر ست
شربتے مثقال۔

جوارش خمیره بهمنی مقوی معده صفت
خمیره بهمنی دوازده توله قاقله صینی هریک توله
مصطکی سه توله کشنیز یک توله خمیره عنبر دو توله بسباسه
سه ماشه زنجبیل نیم توله زعفران نیم ماشه ورق نقره [illegible]

ورق طلا سه ماشه مشک گلاب بقدر حاجت۔

جوارش عنبر قاقله صغار و کبار بسباسه دارچینی هریک چهار درم زنجبیل دارفلفل مشک خالص هریک ده درم و واله مصطگی قرفه قرنفل زعفران هریک بست درم عنبر اشهب یک توله جوزبوا پنج درم عسل یک چند قند سپید سه چند۔

جوارش مصطگی ملین و مقوی معده صفته موبیزمنقی یک رطل مصطگی رومی سیزده درم تربد سپید بست درم جلاب مقوم پنجاه درم شربتے از سه درم تا ده۔

جوارش کمونی زیره سیاه بریان ده توله فلفل پنج توله زنجبیل پنج توله عود دو توله قرنفل دو توله مصطگی یک توله عسل پنجاه توله قند پنجاه توله سرکه انگوری بست و پنج توله آب پودینه باغی بست و پنج توله گلاب دو شیشه مشک یک توله عسل و سرکه و قند و آب پودینه وگلاب باهم بقوام آرند۔

جوارش کمونی محلل صفته صندل فلفل هریک سی مثقال زنجبیل برگ سداب هریک چهل مثقال پودینه باغی دو مثقال بوره ارمنی ده مثقال عسل سه وزن ادویه۔

جوارش کمونی اکبر صفته زیره مدبر هفتاد توله فلفل سی درم که هشت توله باشد سداب زنجبیل هریک چهل درم بوره ارمنی ده درم سلیخه دارچینی قرفه حب بلسان سنبل مصطگی هریک چهار درم تربد مجوف نکلیم وزن ادویه و اگر خواهند قوی تر باشد تربد و برابر اجزا کنند و بعد از اضافه تربد عسل سه وزن ادویه بقوام آرند و بسرشند و اجزا برروغن بادام یا روغن مسکه چرب کنند۔

جوارش عود دیگر که باد را دفع کند و خفقان و دل تنگی و وحشت زائل سازد صفته عود هندی رازیانه تخم کرفس وج سنبل هریک شش درم بسباسه نارمشک سعد کوفی قرنجشک زرنب زرنباد هریک سه درم دارچینی زنجبیل قرنفل مصطگی هریک چهار درم گاوزبان ده درم کافور یک نیم دانگ مشک یک درم گلاب بست درم قند یک نیم وزن ادویه عسل سه وزن ادویه۔

جوارش عود ترش آب ترشی ترنج نیم سیر شربت سیب یک سیر عسل نیم سیر گلاب نیم سیر بقوام آورده زعفران مصطگی قرنفل دارچینی هریک یک درم اگر تابیده درم بادرنجبویه سه درم جوارش سفرجل فلفل دارفلفل زنجبیل هیل هریک پنج درم قاقله قرنفل سنبل دارچینی زعفران هریک دو درم با یک سیر مربای به سرشته معجون سازند۔

جوارش مشک نافع ضعف معده و لواسیر ریح و نفخ آن و خفقان فواد صفته مشک نیم ماشه فاوینا و کبابه قرنفل زنجبیل دارفلفل هریک ده درم دارچینی سه درم عود غرقی یک درم زعفران دو درم شکر هموزن ادویه عسل هموزن ادویه۔

جوارش کمونی زیره کرمانی صد درم نانخواه برگ سداب خشک هریک ده درم با عسل معجون سازند شربتے بندقه۔

جوارش هاضم مقوی و ماسک که طعام را هضم کند
و معده را قوت دهد و اختلاف امساک نماید صفته
نانخواه کشنیز هر یک جزو مویز غیر منقی دو جزو همه را یکجا
کرده در هاون بکوبند و بمقدار جوز صبح و شام استعمال
نمایند و ظاهر است که درین نسخه عمده جوارش نزد
بعضی یافته نمیشود۔

جوارش دیگر مقوی تر در منافع صفته فلفل
زنجبیل خولنجان قرفه هر یک پنج درم پودینه خشک
برگ سداب زیرهٔ کرمانی کرویا هر یک ده درم کندر
سعد اذخر هر یک پنج درم بعسل مصفا بقوام آرند۔

جوارش جالینوس همه اندامها را قوت دهد و بوی
دهن خوش کند و باد را بشکند و بسیاری بول که از
سردی مثانه باشد باز دارد و سرفهٔ بلغمی ببرد و باه
را قوت دهد و بول صافی کند و دیوانگی ببرد که از سرکه
بود و نقرس و قوبا و بهق را سود دارد و بول اسپید
و ریگ گرده دفع کند و سیاهی مو نگهدارد صفته
سنبل الطیب قاقله صغار دارچینی سلیخه خولنجان
قرنفل سعد کوفی زنجبیل زعفران فلفل سپید
دارفلفل قسط بحری عود بلسان حب الآس
اسارون قصب الذریره شیرین مصطگی بادرنجبویه
مخلصه عنبر هر یک دو درم نبات یک وزن ادویه عسل
سه وزن ادویه کوفته بیخته بسرشند بعد از ده روز که ساخته
باشند و مثقال پیش از طعام یا بعد از طعام استعمال
کنند اقل مدت استعمال بست یک روز۔

جوارش کمونی زیرهٔ سیاه سه یان دو توله فلفل

زنجبیل هر یک پنج توله عود قرنفل هر یک دو توله مصطگی
توله عسل و قند هر یک پنجاه توله سرکه انگوری
آب پودینه باغی بست پنج توله گلاب دو شیشه مشک
توله عسل و قند و سرکه و آب پودینه و گلاب بقوام
آورده معجون سازند۔

جوارش مصطگی صفته دارچینی سیلانی زنجبیل
هر یک ده ماشه فلفل نانخواه کبابه زیرهٔ کرمانی
زیره سفید کرویا گل سرخ پوست اترج تخم کاسنی
رازیانه کندر مصطگی هر یک پنج ماشه عود هندی
دو ماشه قاقله تخم خرفه مقشر هر یک ده ماشه گشنیز خشک
بادرنجبویه گل گاوزبان سنبل الطیب زرنباد زعفران
هر یک پنج ماشه عسل سه وزن علی الرسم معجون سازند

جوارش بزوری دیگر مقوی معده و هاضم و کاسر
ریاح صفته تخم کرفس نانخواه هر یک دو درم مصطگی
خولنجان قرفه قرنفل هر یک سه درم حب الرشاد
بریان بست درم ابهل پنج درم کوفته بیخته
بعسل مصفا معجون سازند شربت سه درم۔

جوارش هندی مسهل نافع از قولنج صفته
تربد سپید پنج درم دارفلفل سه درم شکر طبرزد
بست چهار درم همه را کوفته در ظرف نگهدارند
شربت از پنج درم تا شش درم۔

جوارش هندی دیگر قولنج را بگشاید و اوجاع
مفاصل و درد پشت را نافع ست مسمی ست
بجوارش تربد صفته سقمونیا پنج درم تربد سپید
محروق پنج درم شکر سفید پنجاه درم دانه هیل

قاقله کبار زنجبیل دارچینی قرفه نارمشک قرنفل بحری
فلفل هریک دو نیم درم بعسل مصفی بقدر کفایت
بسرشند شربتی از پنج درم تا ده —

جوارش نافع از رطوبت قلب صفته سبک کهربا
نارمشک مروارید ناسفته فرنجمشک پوست اترج
هریک شش درم ابریشم خام بادرنجبویه گاوزبان
هریک ده درم صندل سفید سه درم کشنیز خشک دو درم
بادرنج دو درم بهمنین هریک پنج درم مشک
عنبر اشهب هریک درم مصطگی سه درم کوفته بیخته
بعسل بسرشند شربتی مثقال —

جوارش طباشیر مسهل صفرا و بلغم و موافق محرور مزاج
صفته تربد مثقال سقمونیا دانگ ورق گل سرخ
طباشیر زعفران هریک نیم دانگ عسل طبرزد
سه درم این یک شربت ست —

جوارش اسقف نافع از بلغم خام شکن معده و نافع از
بواسیر و درد پشت و درد خاصره و مانع قی و مشهی
و محلل قولنج صفته تربد سقمونیا هریک شش درم
و نیم فلفل زنجبیل هریک چهار درم قاقله دارچینی
پوست آمله بسباسه مصطگی قرنفل جوزبوا هریک دو
نیم درم شکر طبرزد بیست درم و در بعضی نسخه تربد
سقمونیا هریک پنج مثقال فلفل قاقله هریک سه
و نیم مثقال زنجبیل دارچینی پوست آمله بسباسه قرنفل
جوزبوا هریک نیم مثقال شکر طبرزد و نیم رطل
کوفته بیخته بعسل معجون سازند شربتی دو درم
و برای اسهال شش درم —

جوارش مقل نافع از شقاق و بواسیر و درد مقعد
صفته پوست هلیله کابلی هلیله آمله منقی انیسون
مصطگی هریک ده درم تخم نانخواه پنج درم کوفته
بیخته بروغن خسته شفتالو چرب نموده و مقل
بیست درم در آب گندنا خیسانیده ادویه بدان بسرشند
شربتی سه مثقال به آب گرم —

جوارش نافع از درد معده که از حرارت باشد
صفته کهربا ورق گل سرخ هریک پنج درم عود خام
سه درم زرشک پنج درم مصطگی زعفران رامک
هریک سه درم سنبل زیره هریک دو درم ادویه
کوفته بیخته بشکر طبرزد یکجا نمایند شربتی دو درم
با شربت سیب —

جوارش آمله لولوی به نسخه دیگر صفته شیره
آمله منقی دوازده درم طباشیر سفید صندل سفید
سماق زرشک ورق گل سرخ بادرنجبویه پوست بیرون پسته
هریک درم کشنیز خشک تخم خرفه مقشر هریک ده درم
مروارید ناسفته عنبر اشهب ورق نقره ورق طلا
هریک دو دانگ نبات سفید آب به شیرین
هریک دو وزن ادویه —

جوارش نافع کسی را که بر فراش خود از افراط
حرارت بول کند صفته هلیله زرد بلیله آمله جفت بلوط
گلنار گل سرخ ادویه برابر وزن کوفته بیخته
بروغن گل چرب نموده بعسل طبرزد بسرشند و
با آب انناس بنوشند —

جوارش نافع به کسی که بفراش خود از افراط برودت

بول کند صفته هلیله زرد راسن تخم کتان هلیله کابلی
هر یک ده درم بیخ خطمی هفت درم اقاقیا کندر
مرشیافا مامیثا هر یک دو درم زاج بریان سه درم
کوفته بیخته بعسل معجون سازند شربتی دو درم —

جوارش که خلفه و ضعف معده را نافع ست
صفته به شیرین دانه بیرون کرده یک رطل
سیب دانه بیرون کرده نیم رطل کمثری دانه بیرون
کرده سه رطل در سرکه بپزند و سائیده بعسل
قصب دو رطل مخلوط سازند و بآتش ملائم بپزند
تا منعقد شود پس از آتش فرود آورده زرشک
دو اوقیه طباشیر اوقیه بریان بریزند و حرکت دهند
تا نیکو مخلوط گردد —

جوارش بارد قاطع اسهال که در حالت تب و
بدون تب استعمال توانکرد صفته زرشک ده درم
ورق گل سرخ شش درم طباشیر چهار درم تخم
حماض بریان هفت درم کهربا چهار درم حب الآس
شش درم سماق هشت درم شاه بلوط پنج درم
آرد جو بری چهار درم سویق سیب ده درم عنبر ده درم
حب الرمان پانزده درم کافور سه درم زعفران
پنج درم فلفل چهار درم نیلوفر پنج درم کوفته بیخته
برب اترج یا رب سیب معجون سازند —
چوده چند بیدستر نباشد مشک مثقال فرفیون
مثقال مویزج مثقال عروسک نباشد —
چوده لبان عطر و فلفل مثقال عطر دارچینی مثقال
اول ادویه کوفته بیخته با خود در کهرلی انداخته
بمالند بعد ازان عطر با بیندازند نیکو مخلوط نمایند —

جواهر دار و نافع چشم صفته مروارید ناسفته مرجان بیخ
اقلیمیا ذهبی اقلیمیا فضی پوست زرد او [illegible] دو مثقال
مرجان سفید مامیران فیروزه نیشاپوری لعل بدخشان
دار فلفل صمغ عربی حضض مکی زعفران شادنج عدسی
نمک هر یک مثقال زیت فرنگی نیم مثقال کوفته
بیخته دارو سازند —

جوارش سماق مسهل صفرا صفته سماق سی درم
سویق جو سویق سیب سویق کنار کعک بغدادی
خرنوب شامی هر یک ده درم شربت سیب و شکر بازند
معجون سازند شربتی پنج درم —

جوارش سفرجلی مسهل مستعمل معده را قوت دهد اشتها
طعام بازدهد و قولنج بگشاید مخصوص ست القولنج
صفته به اصفهان پاک کرده از پوست و دانه یک
رطل پاره کنند و در دو رطل مثلث بجوشانند
تا بمهرا شود بعد ازان فرو گیرند و از دیگ بیرون
آورده بکوبند و یکمن عسل صافی بر سر آن ریزند
و بجوشانند تا در دیگ انعقاد گیرد و بعده زنجبیل
دار فلفل دارچینی از هر یک دو درم هیل قاقله
زعفران از هر یک سه درم مصطکی پنج درم سقمونیا
مشوی دو درم تربد سفید مجوف خراشیده بروغن
بادام چرب کرده سی درم مجموعه را کوفته بیخته
صاف کرده بر سر آن بریزند و کفچه زنند تا یکسان
شود شربتی از پنج مثقال تا هفت مثقال —

جوارش سفرجل دیگر مشتهی و مقوی معده

صفته عصارهٔ به سه رطل عسل سه رطل سیر که یک نیم رطل بر آتش ملائم جوش داده کف آن گرفته زنجبیل پنج درم فلفلین دار فلفل هر یک سه درم دارچینی دو درم عود خام سه درم کوفته بیخته بدان بسرشند شربتی دو مثقال تا سه مثقال پیش از طعام بخورند بعد دو ساعت غذا تناول نمایند۔

جوارش اترج که ریاح را دور کند و معده را قوت دهد و طعام را هضم کند و بو را خوش کند۔ صفته پوست ترنج زرد خشک سی درم قرنفل جوزبوا فلفل دارفلفل دانه هیل دارچینی خولنجان زنجبیل هر یک درم مشک یک نیم دانگ بعسل معجون سازند۔

جوارش سماق صفته سماق ده درم حب الآس پنج درم انار دانه خرنوب نبطی هر یک سی درم اگر بهم نرسد عوض او نصف وزن ماز و نصف وزن جلنار بیندازند صمغ عربی دو نیم درم گلنار درم بگلاب اجزا تر نموده بعسل سی و پنج درم بقوام آرند۔

جوارش نسخه دیگر سماق ده درم حب الآس پنج درم انار دانه سی درم صمغ عربی دو نیم درم گلنار ده درم بگلاب اجزا تر نموده بعسل بقوام آرند۔

جوارش سماق صفته سماق دو جزو دانه انار یک جزو خرنوب سه جزو صمغ عربی بریان گلنار هر یک نیم جزو کوفته بیخته با موم روغن پخته باز بکوبند و استعمال نمایند۔

جوارش بابت شیخ الرئیس که در تقویت هضم و دفع خفقان و کسر ریاح و تفریح نفس نظیر ندارد صفته عود هندی سه درم کافور قیصوری ربع درم مشک سه درم بسباسه بازمشک سعد قرنجمشک زرنباد زرنب هر یک دو مثقال دارچینی مصطکی زنجبیل فلفل دارفلفل قرنفل هر یک دو درم گاوزبان پنج درم تخم رازیانه تخم کرفس وج سنبل هر یک سه درم کوفته بیخته بعسل مصفا هموزن ادویه یکجا نمایند شربتی از دو درم تا دو مثقال۔

جوارش آمله لولوی صفته شیرهٔ آمله منقی زرشک بیدانه در آب خالص و گلاب و عرق گاوزبان آب انار شیرین آب انار ترش عرق بیدمشک عرق بادرنجبویه پخته از پارچه گذرانیده نبات سفید داخل کرده بقوام آرند پس مروارید ناسفته یاقوت رمانی کهربا شمعی دارچینی مصطگی هر یک شش ماشه دانه هیل طباشیر سفید ابریشم مقرض صندل سفید گل گاوزبان کشنیز خشک هر یک توله ورق طلا ورق نقره هر یک سه ماشه پسته ترنج زرد نه ماشه عنبر سه ماشه بدستور بسرشند۔

جوارش نافع از ضعف معده بارد صفته شونیز نانخواه کندر دارچینی مصطگی عود خام پوست بیرون پسته کوفته بیخته بعسل معجون سازند۔

جوارش نافع از ضعف معده و سوء هضم باجرابت صفته طباشیر پنج درم ورق گل سرخ پانزده درم مشک هفت درم عود هندی پنج درم به رب سیب و رب به و رب انار شیرین بسرشند۔

جوارش کندر که تحلیل ریاح غلیظ که از معده کند

صفتہ فلفل دار فلفل ہریک چہار درم خولنجان زنجبیل ہریک دوازدہ درم دانہ ہیل جوزبوا قرنفل ہریک سہ درم کندر شصت درم شکر سفید ہموزن ادویہ عسل بقدر حاجت ادویہ کوفتہ بیختہ بعسل یکجا نمایند شربتے دو درم۔

جوارش شیخ الرئیس نسخہ دیگر نافع از ضعف باضمہ صفتہ عود خام زیرۂ بریان نانخواہ کرویا زنجبیل بریان قاقلہ تخم مویز برابر وزن کوفتہ بیختہ سفوف سازند شربتے تا سہ درم و اگر ریاح کثیرہ باشد تخم شاہسفرم سداب افزون نمایند و اگر بلغم و صفرا ہر دو باشد پوست ہلیلۂ زرد یک جز حرف نیم جز شک حب الآس سماق کزمازج ہریک جز استعمال نمایند

جلنجبین نافع ست برای سرفہ بارد سعب بن ہبیت اللہ گفتہ کہ نافع ست از سرفہ بلغمی ابو المنصور گفتہ کہ تناول جلنجبین عسلی بآب مطبوخ انجیر زرد مویز منقی و بیخ بادیان نافع ست مر سرفہ را کہ از رطوبت باشد و مزاج آن گرم ست اما عسلے پس بالاتفاق گرم ست و شکرے معتدل ست مائل بحرارت چہ ورق گل سرخ در درجہ اولی سرد ست و شکر در درجہ اولی گرم ست لیکن از آتش یا از آفتاب یا از تخمیر حرارت کسب میکند چنانچہ مالاصہ بید ذکر کردہ و این جامی تامل ست چہ قرشی در شرح قانون گفتہ کہ در رطوبت گرمے و حرارت دارد چون خشک شد این ہر دو در شیرہ بنابران در دیا آتش سرد میباشد۔

جلاب نافع از سرفہ کہ از اخلاط غلیظ باشد نسخ مختص در شش باشد صفتہ اصل السوس پرسیاوشان زوفا خشک ہریک سہ درم سپستان دہ دانہ جوشانیدہ صافی نمودہ شکر سفید دہ درم اضافہ نمودہ بنوشند تا کہ در نفث نضج ظاہر شود۔

جلاب نافع از سرفہ کہ از رطوبت شش باشد صفتہ اصل السوس درم انجیر زرد دہ دانہ مویز منقی دہ دانہ جوشانیدہ صافی نمودہ بنوشند۔

جلاب نافع از نزلات حارہ صفراوی کہ انضج مادہ نمایند صفتہ گل بنفشہ پنج درم عناب ہشت عدد جوشانیدہ صاف نمودہ شکر سفید دہ درم حل کردہ بنوشند چون نضج ظاہر شود حب بنفشہ یا شربت ترنجبین یا لعوق خیارشنبر و روغن بادام یا شیر خشت استعمال نمایند۔

جلاب دیگر نافع از نزلات حارہ صفراوی کہ ثابت باشد صفتہ شربت بنفشہ دہ درم ترنجبین دہ درم در آتش جو دو اوقیہ حل کردہ صاف نمودہ بنوشند چون نضج در نفث ظاہر شود بہ نقوع فواکہ و مانند آن اسہال نمایند۔

جلاب منضج نزلات باردہ بلغمیہ صفتہ زوفا خشک اصل السوس پرسیاوشان ہریک سہ درم جوشانیدہ صاف نمودہ شکر سفید دہ درم حل کردہ بنوشند و بعد از نضج حب ایارج اسہال نمایند۔

جوود نافع برای قوت و تقویت قضیب صفتہ زنجبیل و قسط تلخ عود ہندی شیلیمہ سمن [illegible] چدوار خطائی مغز پستہ مغز بادام ہریک [illegible]

چوده روغن گرفته بر عضو مخصوص بمالند۔
حب ترنجبین ورق گل سرخ یک جزء شکر یا عسل
دو جزء بطریق معهود تیار نمایند۔

باب الحاء

حب اصطمخیقون نافع از امراض بلغمی و سوداوی
منقی بدن از فضول غلیظه مختلفه صفته تربد سفید
مجوف تراشیده ده درم صبر سقوطری حب النیل
هر یک یکدرم شحم حنظل سقمونیا هر یک دو دانگ کتیرا
مقل ازرق هر یک ربع مثقال کوفته بیخته بآب حبوب
سازند و در سایه خشک نمایند شربتی از دو درم
تا سه و گاهی دران افزود میکنند غاریقون اسفاناج
دارچینی مصطگی افتیمون اسطوخودوس۔
حب ذهب که نافع ست از مواد حاره در سر
صفته صبر ده درم تربد هفت درم مصطگی ورق
گل سرخ هر یک دو نیم درم زعفران نیم درم پوست
هلیله زرد پنج درم سقمونیا یک نیم درم شربت
دو مثقال۔
حب ایارج نافع از علل دماغ و معده صفته ایارج
فیقرا سه درم تربد پوست هلیله زرد هر یک دو درم
نمک هندی مثقال محموده نصف درم مقل ازرق
یکدرم موافق رسم تیار نمایند شربتی از دو درم تا
سه درم و گاهی عوض محموده برای اسهال بلغم شحم
حنظل داخل میکنند و گاهی پوست هلیله کابلی داخل
میکنند و گاهی بآب کرفس حبوب میسازند لیکن این
حب را بزرگ سازند تا در معده بماند۔

حب که اسهال بلغم برفق کند صفته تربد مثقال
مصطگی نیم درم زنجبیل نیم درم بعسل حب سازند۔
حب شیار که حب صبر ست نافع ست از درد معده
و سر صفته صبر سقوطری سه درم مصطگی ورق گل سرخ
هر یک درم کوفته بیخته حبوب سازند و بوقت خواب
فرو برند شربت از مثقال تا دو درم و گاهی تربد و هلیله
زرد اضافه مینمایند۔
حب منتن نافع از قولنج و لقوه و وجع مفاصل
و فالج و نقرس و درد پشت و درد حیض صفته
سکبینج اشق جاوشیر مقل حرمل صبر سقوطری تربد سپید
هلیله زرد انزروت برابر وزن صموغ بآب گندنا
حبوب خیسانیده ادویه مدقوقه بدان بسرشند
شربتی دو درم تا دو مثقال۔
حب نشاط صفته کتیرا پنج ماشه صمغ عربی پنج
ماشه رب السوس پنج ماشه نشاسته پنج ماشه افیون
بصری هفت ماشه حب المحلب یکماشه مروارید ناسفته یکماشه
کهربا یکماشه یاقوت رمانی یک ماشه کوفته بیخته بلعاب
بهدانه حبوب سازند و مشک یکدانگ گاهی اضافه
بیشتر نافع ست جهت سرفه حاره و نزلات و سل و
قوت باصره و نشاط و باه محرورین و منع اسهال
و تعدیل مزاج سوداوی۔
حب اسطوخودوس که نافع ست از صرع بلغمی و
سوداوی و منقی دماغ صفته پوست هلیله زرد
پوست هلیله کابلی هر یک پنج درم تربد سپید هفت
[illegible]

وبسفایج فستقی هریک سه درم غاریقون سه و نیم درم خربق سیاه نمک نفطی هریک دو درم قرنفل پودینه جبلی شحم حنظل هریک یک نیم درم ایارج فیقرا ده درم علی الرسم حبوب سازند و وقت حاجت استعمال نمایند شربتی تا سه درم نزد بعضی اطبا جمع میان صبر و غاریقون نباید کرد پس درین حب عوض غاریقون حجر ارمنی هموزن غاریقون داخل کنند۔

حب سکبینج که نافع ست از قولنج و درد مفاصل و امعاء مقعد و بواسیر و ریاح غلیظه و مدر حیض صفته صبر سکبینج تخم کرفس انزروت پوست هلیله زرد و کابلی هریک پنج درم تربد سفید بست درم شحم حنظل سه درم کوفته بیخته حبوب سازند شربت سه درم۔

حب سورنجان که نافع ست از درد مفاصل و عرق النسا و نقرس صفته قنطوریون وقیق دو مثقال تربد چهار درم سورنجان سفید پنج درم سکبینج دو درم غاریقون دو مثقال صبر سه درم شحم حنظل غاریقون قوه هریک یکنیم درم مانند فلفل حب سازند که بجلدی هضم شود بخلاف آن حبوب که برای اعضای سر کنند آن کلان میشوند از برای آنکه بدیر هضم شود و جذب مواد از سر کند شربت دو درم تا سه درم۔

حب سورنجان دیگر که سبک ست از اول صفته سورنجان سفید هلیله زرد صبر سقوطری وزن برابر مانند اول استعمال نمایند شربتی از دو درم تا سه درم۔

حب ملوکی شخصی را که مسهل هضم شود بکار آید صفته تربد یکدرم و ثلث غاریقون و ثلث درم هلیله زرد هلیله سیاه هریک یک نیم دانگ افتیمون لنصف درم مصطگی ربع درم گاوزبان فرنجمشک بادرنجبویه بجوده النطاکی طباشیر ورق گل سرخ زعفران هریک سدس درم بگلاب حبوب سازند۔

حبی که بوی بدن و دهن خوش کند و بخر را نافع ست صفته پوست اترج سبز و برگ تازهٔ آن فرنجمشک سنبل الطیب قرنفل جوز بوا کبابه لیبا سه سعد کوفی هریک سه درم مشک خالص ثلث درم کوفته بیخته بگلاب حبوب سازند و عند الحاجت در دهن گیرند۔

حبی که نافع ست مر قرحهٔ ریه را صفته فستق مقشر لوز شیرین مقشر کتیرا رب السوس تخم خشخاش مقشر بهدانه هریک وزن برابر در لعاب جمع و حبوب سازند و عند الحاجت زیر زبان گذارند۔

حب سرفه صفته رب السوس مویز منقی هریک سه درم نشاسته صمغ عربی کتیرا مغز تخم کدو هریک یکدرم فانیذ نصف وزن ادویه بلعاب بهدانه حبوب سازند۔

حب منتن که نافع ست مر فالج را صفته صبر نیم درم تربد نیم درم جندبیدستر یکدانگ فرفیون یکدانگ مقل دو دانگ سکبینج اشق جاوشیر هر ا اسپند هریک دو دانگ بآب حب سازند جمله یک خوراک۔

حب فرفیون صفته شبطرج غاریقون شحم حنظل مقل فرفیون هریک دو درم صبر چهار درم مقل را بآب گندنا حل کنند و دارو ها را بدان بسرشند و حبوب سازند شربتی یک مثقال تا دو نیم مثقال۔

حب نافع برای درد شقیقه صفته اقاقیا

انزروت سپید افیون زعفران صمغ عربی مرکی برگ مورد دم الاخوین شیاف مامیثا وزن برابر کوفته بیخته بلعاب بهدانه حبوب سازند هر حبے بقدر نخود یک حب شام باسپیدۂ تخم مرغ سوده طلا نمایند

حبے که با کثر امراض چشم نافع ست صفت پوست بلیله پوست بلیله آمله منقی هر یک سیر سنگ معری فلفل دکهنی نیله تهوتهه هر یک هیزده درم در آتش انگشت نیله تهوتهه را بریان کرده تریپهله را در دیگ مس قلعی با لقدر کفایت تا چهل روز در موسم گرما و تا پنجاه روز در موسم سرما در مکان بگذارند که آب دران نرسد بعد ازان همه ادویه را باریک سائیده در پارچه گاڑهه صاف نمایند

حبے که قدوة الحکما رئیس الاطبا سید السند والاستاذی معتمد الملوک علویخان برای سل که حرارت شدید و سرفه داشته باشد تالیف فرموده صفت کافور قیصوری نیم دانگ سرطان محرق رب السوس صمغ عربی کتیرا گل ارمنی هر یک دانگ مغز تخم کدو شیرین مغز تخم خیارین هر یک دو دانگ کوفته موافق نخود حب سازند و این یک شربت ست و در نسخه دیگر بر اجزای مذکور انجبار یکدانگ افزوده اند—

حب دیگر له قدس سره برای سل که با حرارت شدید و نفث دم باشد صفت کافور قیصوری نیم دانگ طباشیر سفید صحیح انجبار دم الاخوین کهربا مروارید ناسفته شادنج عدسی مغسول صمغ عربی کتیرا رب السوس سرطان سوخته گل ارمنی هر یک دانگ مغز تخم کدو مغز تخم خراوزه هر یک دو دانگ کوفته بیخته حبوب سازند

این یک شربت ست با شیر خر یا شیر زن یا شیر بز بمقدار سه رطل یا کم یا زیاده یا با آش جو و شربت خشخاش فرو برند—

حب دیگر له قدس سره برای سل که با نفث الدم باشد بسبب نزلات حاده یا نزله از سر صفت کافور قیصوری نیم دانگ طباشیر سفید پوست انجبار دم الاخوین کهربا شادنج شسته گل ارمنی نشاسته عیار الرحی کتیرا رب السوس فاوانیا مغز بادام شیرین مقشر تخم کاهو مغز تخم کدو عزاء السمک المحلول اقاقیا مغسول عصارة لحیة التیس هر یک دانگ افیون حبه زعفران طسوج کوفته بیخته بلعاب بهدانه حبوب سازند و دو حصه کنند یکحصه اول نهار باللبن زنان و حصه دوم آخر نهار با آب بهدانه استعمال نمایند

حب دیگر له قدس سره برای سل و دق و سرفه گرم صفت کافور قیصوری نیم دانگ مغز بهدانه شیرین صمغ عربی کتیرا اسکر تیغال هر یک دانگ مغز تخم کدو درم کوفته بیخته حبوب سازند و بالائش آش جو که دران سرطان نهری پخته باشند بنوشند—

حب سرخ که در ابتدای رمد فائده دارد صفت گیرو پاؤسیر افیون دو دام زنجبیل نیم دام کوفته بیخته حبوب سازند—

حب دیگر له قدس سره برای سل که با سرفه شدید باشد صفت مغز بادام شیرین رب السوس کتیرا صمغ عربی خصیة الثعلب اسکر تیغال نشاسته غراء السمک هر یک دانگ افیون نیم حب

پس از آب برآورده مقشر کرده و در سایه پهن کنند انزروت مدبر بشیر خر یک توله و جاکسو مقشر مذکور یک توله سفیدآب کاشغری اقلیمیا سوخته شسته توله شادنج عدسے شسته توله اقاقیا شسته عصارهٔ مامیثا توله افیون زعفران هر یک نیم ماشه ادویه کوفته بیخته در سپیدهٔ تخم مرغ سرشته مقدار نخود حبوب سازند صبح و شام بشیر دختر سه قطره بچشم چکانند

حب الشیص از تراکیب اطبائے هند بلغم را گداخته میکند و در بو ضیق النفس و انتصاب النفس را فائده کلی بخشد صفته بیش قرنفل که قرون السنبل است افیون هما قرقرحا جوز ماثل اجزا برابر افیون را در جوز که شکمش خالی کرده باشند بگذارند و در خمیر گیرند و در روغن گاو بریان سازند تا آنکه خمیر سیاه شود پس افیون برآورده همراه باقی ادویه سائیده بآب مقدار نیم ماش حب بندند و یک حب صبح و یک حب وقت عشا استعمال نمایند و از ترشی و شیرینی و از غذای نفاخ و از روغن کنجد اجتناب نمایند لیکن شخصے را باید داد که بلغم غالب باشد و مزاج او سرد و بهتر این است که درین حب سپاری نیس عدد داخل کنند یا عدد دار چینی هر دو داخل کنند ـ

حب مجرب نیس سفید یا بشیر مادهٔ گاو جوش دهد پپیل مرچ سیاه سهاگه شنگرف مساوی الوزن در عرق لیمون کاغذی تا دو روز حل ساخته مقدار مونگ حب بندند برای پچش شکم سرخ هفت ماشه و برای اسهال بالافیون و برای هیضه با شیرهٔ ادرک یا پان بدهند و برای

القوه هم شیرهٔ ادرک و یا پان و نیز در روغن مناسب حل نموده بر عضو کج ضماد سازند ـ

حب شخصے را بعتبره الزکام والنزله صفته کتیرا صبر مغسول تربد ابیض محکوک رب السوس وزن برابر کوفته بیخته حب بندند شربتے دو درم بوقت خواب شب ـ

حب که درد سر را مجرب است بدستور حب شبیار استعمال نمایند صفته ایارج فیقرا هلیله کابلی غاریقون هر یک درم ـ

حبے که درد سر مزمن را نافع بود صفته صبر درم شحم حنظل سه درم تربد نصف درم مقل کتیرا هر یک مثقال سقمونیا سه درم مقل را بآب کرفس حل کرده حب بندند شربتے یک است ـ

حب نفع از درد سر و تهیج و وجع مفاصل و تشنج صفته هلیلهٔ زرد شحم حنظل تربد مقل هر یک جز کوفته حب بندند شربتے یک نیم درم ـ

حب نافع از درد سر و درد معده صفته صبر سقوطری سه درم مصطگی ورق گل سرخ هر یک درم تربد هلیله کابلی هر یک دو درم هیل نصف درم بآب کرفس حب بندند شربتے سه درم وقت خواب شب در هر هفته یک مرتبه ـ

حب که از درد سر و بند و در ابتدا نزول ماء نفع کند صفته صبر مثقال پوست هلیله زرد دو مثقال تخم کاسنے دو مثقال تربد محکوک دو مثقال علک الروم حب بندند شربتے دو نیم درم ـ

حب الشجاع که نافع ست مر فالج ولقوه و وجع
مفاصل را که از بلغم باشد صفته ترنجبین شربه
حب النیل حشیشه غافث هریک سی درم جوشانیده
صاف نموده باز بآتش نهند و جوش دهند تا منعقد
گردد پس ریوند چینی مر غاریقون صبر اشج مقشر
عصاره سوس هریک بست مثقال کوفته بیخته
گذرانیده بدان بسرشند و حبوب سازند شربتی از
دو دانگ تا نیم درم بآب گرم ـ
حب نافع از رعشه صفته عاقرقرحا جندبیدستر
شیطرج بزر البنج هریک سه درم سکبینج شحم حنظل
هریک چهار درم فیقرا پنج درم شربتی دو نیم درم ـ
حب قسط نافع از فالج و وجع مفاصل و درد اعضا
ونقرس و قولنج و ریاح غلیظ و عرق النسا و امثال آنکه
از رطوبت و برودت باشد صفته پوست هلیله زرد
صبر شحم حنظل ماهی زهره انزروت اشق و مقل ازرق
سکبینج جاوشیر صمغ سداب بیرز و قسط هریک پنج درم
صموغ را بآب گرم خیسانیده ادویه بدان سرشته
حبوب سازند مانند فلفل و خشک کنند شربتی
دو درم بآب گرم ـ
حب نافع از مالیخولیا و جذام و مخرج سودا صفته
افتیمون بست درم بسفایج غاریقون هریک ده درم
خربق سیاه پنج درم مغناطیس سه درم نمک هندی
پنج درم اسطوخودوس هفت درم کوفته بیخته
حبوب سازند شربتی سه درم ـ
حب مخرج سودا صفته افتیمون ده درم غاریقون
پنج درم شحم حنظل دو نیم درم نمک نفطی درم قرنفل
درم بدستور حبوب سازند ـ
حب جهت ورم و جوشش و قلاع در دهن دارند
صفته کتهه ماشه کتیرا طباشیر عصاره کشنیز یکوه
صندل سرخ صمغ عربی هریک ماشه گل سرخ سه ماشه
قرن ایل محرق یک ماشه بلعاب اسبغول حب سازند ـ
حب جهت قلاع و جوشش دهن صفته
مغز تخم خیارین شش ماشه مغز بادام شیرین
مغز کدو شیرین هریک چهار ماشه صمغ عربی کتیرا
دو ماشه خشخاش چهار ماشه کافور دو سرخ بهدانه تخم
حبوب سازند شربتی یک نیم درم بلعاب اسبغول
حب بندند ـ
حب سرفه رب السوس دو درم کات هندی
بست درم خولنجان سه درم مغز خسته هلیله چهار درم
تخم گاوزبان دو درم مغز بهدانه صمغ هریک درم
بشیره ادرک حب سازند ـ
حب سرفه معتدل گل بنفشه رب السوس
پرسیاوشان کتیرا صمغ عربی صمغ بادام نشاسته
بادیان هریک دام مغز بادام تلخ چهار دام باقلای
مقشر چهار دام تخم خشخاش دو دام شکر دوازده دام
زعفران نیم دام بلعاب اسبغول حب بندند ـ
حب دیگر عجیب و غریب کثیر النفع صفته
مویز منقی ده دانه انجیر سه عدد سرطان محرق دو ماشه
خشخاش سفید شش ماشه کهربا یک نیم ماشه مغز بادام
تلخ ده عدد کوفته بیخته حب سازند ـ

حب نافع ضیق النفس وقتیکه سبب آن ضعف عصبهای سینه وریختن ماده بعصب سینه باشد صفت شیح ارمنی افسنتین رومی زریرة کرمانی از هریک جزء فانیذ دو جزء کوفته بیخته حب سازند

حب بجهت همین کار صفت مغز بادام تلخ فانیذ هریک جزوی جند بیدستر نیم جزء کوفته بیخته بگلاب سرشته حب کنند هر حبه بقدر نخود صبح چهار عدد وشام چهار عدد بخورند —

حب نافع صاحب سل وسرفه کهنه صفت صندل سفید بادرنجبویه از هریک دو مثقال طباشیر سفید کافور قیصوری صمغ عربی کتیرا از هریک پنج مثقال ترنجبین ورق گل سرخ مغز تخم کدو گل نیلوفر از هریک هشت وپنج مثقال زعفران مصطگی عود هندی از هریک دو مثقال ونیم بهدانه هفت مثقال افیون هفت مثقال ونیم تخم خشخاش هشت مثقال بنفشه سفید عناب از هریک هفت ودو مثقال مجموعه را کوفته بیخته بعرق بید مشک سرشته حب سازند

حب بواسطه زکام ونزله بارد صفت افیون نصف نخود حب میعه کنند هریک دانگ زعفران طسوج کوفته بیخته بگلاب سرشته حب بقدر نخود بندند ووقت خواب در زیر زبان نگاه دارند واگر آن شخص افیونی نباشد حب بقدر ماشکی سازند

حب میعه جهت سعال بارد صفت میعه جند بیدستر اسارون افیون برابر گرفته کوفته بیخته حب سازند —

حب مخترع میرزا ابو القاسم بواسطه سعال ودموی

صفت افیون نصف ماشکی اقاقیا حضض یکی نشاسته صمغ عربی کوفته حب ساخته نصفه از اول روز نصف دیگر آخر روز فرو برند از عقب آن نشاسته بریان تخم حماض بریان طباشیر سفید سوده بر دسته دوغ داغ کرده با آهن سرد ساخته بر روی برف مالیح بنوشند —

حب میعه جهت سرفه بارد صفت مر افیون هریک نصف اوقیه زعفران دو درم کوفته بروغن بلسان دو درم چرب نموده حب سازند مثل کرسنه یعنی موتهه —

حب قوقایا دقوقایا بزبان سریانی اسم صبر است صفت مصطگی محموده شوی عصاره افسنتین صبر سقوطری وزن برابر کوفته بیخته باب سرشته حب سازند —

حب جهت مفاصل حار صفت کافور قیصوری مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم حنظل سورنجان استخوان سوخته نشاسته بغدادی کوفته بیخته بگلاب سرشته حب سازند هر حبه بقدر نخود —

حب مخترع میرزا ابو القاسم مفتت حصاة ومثانه صفت حجر الیهود صمغ عربی آلو مغز تخم خیارین سیبالیوس زعفران رب السوس مایه پنیر کالم کوفته بگلاب باشیره تخم کرفس سرشته حب سازند هر حبه دانگ بقدر نخود —

حب جهت جرب مجرب صفت افتیمون غاریقون پوست هلیله زرد هریک پنج درم سقمونیا شبی

دو درم صبر سقوطری تخم حنظل زهرهٔ گاو خشک کرده
از هر یک سه درم بگلاب سرشته حب سازند

حب ابن حارسه جهت بهق و داء و جماع مفاصل و امراض
بلغمی و سوداوی صفته هلیله زرد هلیله سیاه صبر سقوطری
انزروت سفید مقل سرخ سکبینج تخم حنظل از هر یک پنج جزو
خرف ابیض صعتر شونیز زیرهٔ کرمانی نمک اندرانی
علک رومی از هر یک چهار جزو صموغ را در ظرف مس کرده
آب بر روی او کنند و در آفتاب گذاشته تا حل شود
اجزا را گرفته کوفته بیخته دران سرشته حب سازند
هر حب بقدر فلفل در سایه خشک کنند شربتی یک مثقال

حب امساک و قوت باه و بیه صفته سیماب مصفی
شنگرف مصفا سم صاف کرده فلفل دراز عاقرقرحا
کچوره هر یک شیرهٔ برگ تنبول شیرهٔ ادرک شیرهٔ بنگه
همه را حل کرده حب بندند بمقدار نخود و یک حب بخورد
بعد یک پاس جماع کند ماندگی نیارد و سستی بیفزاید
و قوت باه و قضیب را محکم کند

حب نافع از طحال صفته زیرهٔ کرمانی چهار مثقال
سنبل الطیب فلفل سپید اشق هر یک دو مثقال اشق
را در شراب انگوری حل کرده ادویه کوفته بیخته
بدان سرشته حب سازند

حب دیگر نافع از ورم طحال صفته صبر سهاگه
شب یمانی نمک سیاه نمک سنگ فلفل گرد پوست
هلیله زرد حب نانخواه برابر وزن در شیرهٔ زنجبیل
سه روز کهرل نمایند و سه روز در شیرهٔ لیمون کهرل
سازند و چون کنار حب بسازند تا چهار روز [illegible]

صبح و یک حب شام بخورانند

حب دیگر سیماب پنج درم گوگرد پنج درم تخم دهتوره
پنج درم آب ادرک آب برگ تنبول هر یک پنج درم
شکر سفید ده درم حل کرده بمقدار نخود حب بندند
و یک حب در دهن دارند

حب جهت جرب تر صفته پوست هلیله زرد
هلیلهٔ سیاه بلیله صبر هر یک سه و نیم ماشه سقمونیا
شنگرف سرخ تخم شاهتره سه نیم ماشه مقل در شیرهٔ
پرورده شنگرف سرخ با آب شاهترهٔ تازه اگر بهم رسد
والا جوشانیده حب بندند

حب که برای جالق نفع دارد صفته کچله دو عدد
شیرهٔ برگ چنبیلی دو مثقال بین کهل یک مثقال
کهند یک مثقال کچله سوهان کرده بسایند و دو سه
مرتبه با پیچ بپزند و ادویه دیگر نیز کوفته با شیرهٔ
روغن انداخته تا دو پاس کهرل کرده حب بسته
نگاه دارند و در شراب و آتش حل کرده ضماد نمایند

حب منعوظ مغز کنجشک شقاقل تخم پیاز سفید
کشنیز خرما وزن برابر با شیرهٔ [illegible] سرشته
و حب سازند وقت حاجت دو درم شراب انگوری
بیاشامند نعوظ تمام آرد

حب ثولول نوشادر [illegible] هر یک یک تولد
[illegible] البان شوره [illegible] الحجر ورق سداب هر یک
نیم تولد با شیره [illegible] ساییده تا وقتیکه
غلیظ شود بقدر ماش حب بسته نگاه دارند وقت
حاجت بسرکهٔ انگوری سائیده بر ثولول طلا نمایند

حب دیگر نافع از استحاضه صفت طراثیث شیرین مغز حب الآس گلنار فارسی کهربا شمعی اقاقیا بسد محرق طباشیر سفید مروارید ناسفته پوست بیخ انجبار عصارهٔ لحیة التیس گل ارمنی گل مختوم صمغ عربی دم الاخوین کثیرا پوست خشخاش هریک یک ماشه افیون زعفران هریک یک سرخ جوز بوا خطائی یک ماشه یا نیم ماشه سوده بآب پوست کوکنار حبوب سازند این یک شربت ست ـ

حب الشفا که نافع ست برای تپ مزمن صفت زنجبیل جدوار هریک جزء ریوند دو جزء جوز ماثل یک نیم جزء ـ

حب نسخهٔ دیگر ریوند یک جزء زنجبیل سه جزء و جوز ماثل یک نیم جزء ـ

حب عنبر ممسک که تا دوازده ساعت نعوظ می نماید و امساک خاطرخواه می آرد صفت افیون شتر اعرابی عنبر اشهب هریک دو جزء مشک یک جزء خصیة الثعلب خولنجان هریک دو جزء مصطگی رومی یک جزء قرنفل یک جزء کوفته بیخته بقدر نخود حب سازند تا نیم مثقال ازین حب توان خورد و از عقب آن شیر تازه یا آب تره تیزک و آب نخود خیسانیده نوشند نافع ست ـ

حب امساک خوش که چند که در امساک بی نظیرست صفت جوز بوا خولنجان مصری خصیة الثعلب هریک دو دام بسباسه دام افیون مصری یک نیم دانگ کافور قیصوری قسم اعلیٰ وزن [illegible] بر جدوار عقرب دام

حب سازند ـ

حب مبهی منعوظ بیاز دشتی عنبر اشهب مشک مایه شتر اعرابی هریک تولہ کوفته بیخته با شراب دو آتشه حب سازند وقت حاجت دو حب با دو پیاله شراب تناول نمایند چون بمعده رسد نعوظ شود ـ

حب جدوار افیون بنفش هریک جزء زعفران مصطگی هریک سدس جزء ریوند خطائی جزء مشک نیم حبه بآب حب سازند ـ

حب جدوار حکیم عماد الدین جدوار چهار مثقال جوز بوا بسباسه ماهی زهره هریک مثقال افیون سه مثقال کثیرا القدر کفایت ـ

حب الکرامات برای دانه هر قسم که باشد مجرب ست صفت کمیلا چونه نیلا تھوتھہ ہلیلہ کتھہ پاپڑیا در لنا برابر کوفته همه را بار یک سائیده در آب حب نمایند و وقت حاجت در روغن گاو سائیده طلا نمایند ـ

حب نافع از امراض بلغمی و سوداوی صفت دارچینی زعفران قسط سنبل حماما کمافیطوس دانه انار حب المحلب مقشر غاریقون قرفه هریک ز مرجان قرنفل هریک سه درم صبر سقوطری شانزده درم کوفته بیخته در صیف بعصیر ورد و در شتا بعصیر کبر بیت حبوب سازند شربتی دو درم ـ

حریره نافع از سرفه قریب العهد که با حرارت باشد صفت سبوس گندم قبضه خیسانیده صاف بر آتش بگذارند عسل مصفی هفت درم لب ده درم شکر سفید پانزده درم روغن بادام شیرین

یا مسکه یا روغن کنجد بران ریزند و متصل حرکت
دهند و کسی را که مزاج گرم داشته باشد یا مرض گرم
درین حریره بیضه داخل کنند و برای کسیکه مزاج سرد
یا علت سرد داشته باشد زعفران نیم درم داخل کنند۔

حب دیگر که نافع ست برای برص مستعمل استاد حکیم
معتمد الملوک علوی خان بابچی یک جز گیرد و دو جز آب
زنجبیل تر سرشته حبوب بندند مقدار کنار پس حب
بعرق زنجبیل تر یا سرکه انگوری سوده بر برص طلا
نمایند و اگر از طلا فایده نشود دو حب بخورانند۔

حسا نافع ست از سرفه که از خشکی و خشونت باشد
صفت جو مقشر خشخاش سفید شکر سفید روغن بادام
شیرین به دستور مقرر حسا نمایند۔

حسای دیگر نافع از سرفه خشک و عسر النفس صفت
باقلا مقشر سه اوقیه نخود مقشر سوده نشاسته ا اوقیه روغن
بادام شیرین روغن زرد بقدر حاجت۔

حسا نافع ست و منضج سرفه و قابض صفت
تخم خشخاش دو کف را شیره کشیده کفک سپید
سحوق سه اوقیه صمغ عربی بریان مغز بادام شیرین مقشر
مسحوق ا اوقیه گلقند آب خرنوب شامی حسا سازند
اگر تقویت مقصود باشد آرد برنج باریک داخل نمایند

حسو نافع از سعال که از خشونت قصبه ریه که اندود
وغبار باشد صفت جو مقشر تخم خشخاش شکر سفید
روغن بادام شیرین یا روغن گاو۔

حسا نافع برای سرفه صفت نشاسته
شکر سفید روغن بادام شیرین یا روغن زرد۔

حسا نافع از سل بعد فصد و تنقیه که بسبب اخلاط
مقرح باشد صفت جو مقشر باقلا مقشر مغسول نشاسته
کتیرا اسپغول سرطان بای نهری دوازده همه بپزند
و صاف کنند و شکر طبرزد و روغن کدو داخل
کرده حسا بپزند۔

حسای دیگر نافع از سل تخم خشخاش نشاسته
بآب باران شیره کشیده شکر سفید روغن بادام
شیرین حسا سازند۔

حسا نافع برای صاحب سل و ذبول صفت
سرطانهای تازه شوربای اسفیدباج دراج تر
تخم مرغ نیم برشت۔

حب مقوی معده صفت سنبل الطیب
قرنفل نارمشک کبابه قرفه بسباسه قرنفل
خولنجان سادج هندی سعد کوفی عود خوش کبابه
صندل سفید صمغ عربی کوفته بیخته حبوب سازند
هر حب بقدر نخود و در سایه خشک کنند۔

حسا صالح برای سل و حرارت کبد و سمن صفت
نخود مقشر لوبیای سرخ مقشر کفک سپید گندم مقشر
آش مقشر جو سفید مقشر هر یک کیلچه مغز بادام شیرین
تخم خشخاش سفید هر یک ربع کیلچه شکر سفید بقدر
کفایت دیگ کف از آن گرفته حسا بپزند روغن
بادام شیرین بیندازند۔

حسا نافع از سل و قابض صفت تخم خشخاش سفید
دو کف کفک سه اوقیه صمغ عربی بریان سه درم
مغز بادام شیرین بریان ا اوقیه آب خرنوب شامی

انجیر ده عدد مویز ده دانه روغن بادام یک توله تخم کرفس
دو ماشه خشک شش ماشه نبات یک توله شربت
از یک توله تا یک دام —
حب دیگر افیون جزء غاریقون اسطوخودوس
هلیله کابلی صبر عود مصطگی هر یک جزء مقل حاشا هر یک
نیم جزء کوفته بیخته حبوب سازند —
حب سرفه اطفال صفته مغز بادام شیرین و تلخ
پوست بیخ بادیان تخم کرفس پرسیاوشان هر یک وزن
برابر کوفته بیخته حبوب سازند —
حب سرفه اطفال صفته گل سرخ شش سرخ
کشنیز سه سرخ رب السوس سه ماشه شهد ده ماشه
ازین وزن دو حب بندند —
حب دیگر تخم کتان بریان کرده پنج مثقال مویز منقی
هفتاد و سه مثقال فلفل بست درم زعفران ده درم
عسل دو سیر کوفته بیخته حبوب سازند و نگاه دارند —
حب دیگر مویز منقی یک ماشه مغز بادام تلخ یک ماشه
رب السوس چهار ماشه وج با شهد حبوب سازند —
حب دیگر مویز منقی شش درم پوست هلیله دو درم
فلفل نه ماشه روغن بادام یک درم نبات دو درم
حقنه نافع از سرفه که از ورم شش باشد صفته
جو مقشر سه کف نخاله خطمی هر یک کف انجیر زرد خشک
عناب هر یک سی عدد سپستان کف پرسیاوشان کف
کوفته بیخته به روغن بنفشه بیست درم شکر سفید پنج درم
و نقده سه ماشه افزوده حقنه نمایند —
حقنه لینه نافع از احتباس بطن و امراض حاده و غیرها

صفته عناب سپستان بنفشه خشک جو مقشر نیم کوفته
خطمی سبوس خشک اکلیل الملک هر یک کف انجیر پنج عدد
در سه رطل آب بجوشانند چون بیک رطل رسد نصف
رطل ازو گرفته و پنج درم شکر سرخ یک اوقیه روغن
گل یک اوقیه روغن کنجد ده درم باهم مخلوط کرده
نیم گرم حقنه نمایند —
حقنه نافع از قولنج از خلط حاد صفته عناب سپستان
هر یک بیست دانه جو مقشر نیم کوفته ده درم خطمی
سبوس گندم تخم کتان هر یک پنج درم بنفشه خشک
سه درم لبلاب ده درم در دو رطل آب بجوشانند
تا النصف رسد پس صاف نموده چهار اوقیه ازان
گرفته لعاب اسبغول ده درم روغن گل و روغن بنفشه
و روغن کدو هر یک پنج درم نیم گرم حقنه نمایند —
حقنه مقوی الارحام و اعضاء سفلی صفته آب آس
آب مرزنجوش آب نمام آب مرو تازه هر یک ملعقه
قصب الذریره مسحوق دو درم شراب جمهوری
یا نبیذ مویز عسل ملعقتین موافق حاجت ازو گرفته
در قبل زن حقنه نمایند —
حقنه آب حقنه چهار اوقیه و شیطرج و تمر هندی
هر یک دو اوقیه —
حقنه برای ریح غلیظ صفته آب گندنا شکرجه
آب حلبه مطبوخ شکرجه روغن زنبق شیطرج
هر یک اوقیه نیم گرم حقنه نمایند —
حقنه دیگر سریع الاثر صفته تخم کرفس تخم کشوث
بادیان بیخ بادیان عنب الثعلب اصل السوس

پرسیاوشان مویز منقے سناے مکی گلسرخ تربد سفید مجوف بسفایج افتیمون تخم کاسنی نیم کوفته هریک توله انجیر زرد ساگ پالک یک قبضه جوشانیده صاف نموده فلوس خیارشنبر توله ترنجبین گلقند آفتابی هریک توله صاف نموده روغن بادام شیرین شش ماشه بوره ارمنی سه ماشه اضافه نموده حقنه نمایند۔

حقنه جهت قتل دیدان صفته آب برگ شفتالو آب بیخ توت آب پوست انار شیرین گرفته قدرے نمک و نطرون دران حل کرده حقنه کنند۔

حب جالینوس شش و سینه را نرم سازد صفته صمغ عربی کتیرا هریک شش درم لبان مرصاف زعفران رب السوس هریک دو درم فلفل بست و پنج دانه تخم هیرون پنج عدد مغز ابا طلا سحق نمایند و ادویه مدقوقه منخوله را بدان ریزند و مانند فلفل حب بندند یک حب زیر زبان وقت شب بگذارند و یک حب نهار بطبیخ اصل السوس فرو برند۔

حب دیگر که چون در دهن گیرند غلیظ غلیظ شش و سینه را برآرد صفته رب السوس فلفل تخم ترب از یا نه هریک درم فانیذ سه درم چون لوبیا حب سازند وقت خواب در دهن بگذارند۔

حب نافع از اسهال که بعد استعمال مسهل عارض شود صفته افیون سه ماشه شنگرف سه ماشه سوده باشد دانه موٹھه حب بندند تا سه روز یک یک بعمل آرند۔

حب رب السوس فلفل سیاه شکر سفید برابر کوفته حب سازند۔

حب الغار زوفا خشک پودینه زنجبیل اصل السوس خردل قردمانا فلفل تخم انجره انیسون دو جزو زعفران کندر بورق افیون هریک جزو کوفته بیخته حبوب سازند۔

حب الاشق نافع ربو بلغمی اگرچه ماده آن در قصبه و شرائین ریه یا جرم ریه باشد صفته اشق درم در آب رازیانه تر بخیسانند چون حل شود چند بیدانجیر نیم درم سوده بیندازند و حب بندند و بماء العسل فرو برند۔

حب بنفشه منقے شش و سینه از اخلاط غلیظه صفرا صفته گل بنفشه دو درم تربد سفید مجوف خراشیده بروغن بادام شیرین لت کرده یک مثقال سقمونیا مشوی یک نیم دانگ رب السوس نیم درم حب بندند۔

حب نافع از ضیق النفس صفته گل بنفشه ورق گل سرخ رب السوس هریک درم غاریقون سفید سقمونیا مشوی هریک ربع درم کوفته بیخته حب سازند۔

حب دیگر قوی تر از هر دو صفته گل بنفشه ورق گل سرخ تربد سفید ملتوت بروغن بادام شیرین هریک درم کتیرا رب السوس سقمونیا مشوی ابا ایج فیقرا کوفته بیخته بگلاب حبوب سازند جمله دو شربت است۔

حب تنباکو نافع از ربو و ضیق النفس بلغمی صفته تماکو فلفل سیاه مویز منقے هریک چهار درم مشک خالص نیم دانگ اول تماکو را در گلاب بسایند تا چون مرهم شود و فلفل و مشک را سحق نموده خلط نمایند و مویز را بدان اضافه نموده بمقدار فلفل حبوب سازند

یک حب صبح ویک حب شام بکار برند —

حب جدوار نافع از نزلات بارده واز ربو وسرفه ومقوی اعضاے رئیسه صفت جدوار نفشجی وبسفایج دارچینی قرنفل طباشیر سفید مومیا هریک دو درم زعفران بسباسه مصطگی عود هندی افیون بزرالبنج سفید هریک درم مشک جندبیدستر هریک نیم درم کوفته بیخته بگلاب حبوب سازند مانند نخود وشربتی حبه —

حب نسخهٔ دیگر صفت جدوار هفت مثقال زعفران تخم کرفس درونج هریک دونیم مثقال زرنباد فلفل عود قاری سنبل الطیب قرنفل صمغ عربی قاقله صغار وکبار خولنجان دارچینی عاقرقرحا افیون هریک یک نیم مثقال فرفیون جندبیدستر هریک نیم مثقال کوفته بیخته بگلاب مانند نخود حبوب سازند —

حب غاریقون شیخ الرئیس نافع از ربو طبیب چون علت قوی گردد درهر ماه دو مرتبه استعمال کنند فائده بخشد صفت غاریقون سه درم رب السوس فراسیون هریک درم تربد سپید پنج درم ایارج فیقرا چهار درم تخم حنظل نیم مثقال انیسون مثقال کوفته بیخته بروغن بادام شیرین چرب نموده بآب حبوب سازند شربتی دو درم باماء العسل —

حب غاریقون بابت استاذے علوی خان رحمة الله علیه نافع اکثر اقسام ضیق النفس مسهل بلغم وصفرا وسودا منقی سینه وشش از انها صفت غاریقون سپید بیش انتی افتیمون سنا مکی کتیرا هریک سه درم گل بنفشه رب السوس ایرسا هریک چهار درم

انزروت سفید دانگ مغز چلغوزه دو دانگ سوده بروغن بادام چرب نموده بگلاب شکر تری حبوب سازند —

حب نافع از نزلات حاره منوم واز صرع صبیان صفت نشاسته رب السوس صمغ عربی تخم خشخاش سفید افیون وزن برابر کوفته بیخته بلعاب بهدانه مقدار عدس حبوب سازند شربتی یک حبه —

حب نافع نزله حاره وسرفه وخشونت سینه وشش صفت نشاسته کتیرا رب السوس مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم خشخاش مغز بادام شیرین آرد باقلا وزن برابر سوده شکر طبرزد نصف وزن ادویه بلعاب بهدانه چون باقلا حبوب سازند وزیر زبان نگهدارند

حب نزله ودافع سرفه شدید صفت نشاسته کتیرا مغز تخم کدو رب السوس سوده باب کاهو چون باقلا حبوب سازند —

حب نزله حکیم احمد مولوی معنوی صفت بزرالبنج سفید تخم کاهو نشاسته تخم خشخاش صمغ عربی افیون هریک مثقال بیخ لفاح نیم مثقال زعفران ثلث مثقال کوفته بیخته بگلاب سرشته مقدار نخود حبوب سازند شربتی حبه —

حب نزله والد ماجد معتمد الملوک علوی خان قدس سره صفت بزرالبنج سفید مصطگی کهربا نشاسته صمغ عربی گل گاوزبان تخم خشخاش سفید مغز تخم خیارین افیون هریک دو مثقال گل ارمنی چهار مثقال رب السوس دونیم مثقال ریوند چینی یک نیم مثقال زعفران مثقال کوفته بیخته باب

پوست خشخاش حبوب سازند هر حبه مانند فلفل —
حبے نافع مالیخولیا و امراض سوداوی صفت
ایارج فیقرا یک درم افتیمون لاجورد مغسول کتیرا
هر یک دو دانگ سوده باطریفل صغیر یا معجون نجاح
دو درم سرشته حبوب سازند و وقت خواب فرو برند
و صبح ماء الجبن بنوشند و اگر خواهند حبوب را ورق
نقره پیچیده این یک شربت ست —

حب نافع از مالیخولیا و جمیع امراض سوداوی که در
اثنا ے ماء الجبن در هر هفته بعمل توان آورد صفت
ایارج فیقرا یک درم افتیمون لاجورد مغسول هر یک
دو دانگ سوده بروغن بادام چرب نموده باطریفل
صغیر یا معجون نجاح سرشته حبوب سازند و اگر شحم حنظل
یک دانگ اضافه نمایند قوی گردد —

حب دیگر لاذکر صفت هر سه هلیله هر یک سه ماشه
ورق گل سرخ سنا مکی هر یک دو ماشه افتیمون ماشه
سوده بروغن بادام شیرین چرب نموده حبوب سازند —

حب نافع از سرفه که از خشونت سینه و قصبه ریه
باشد حرارت و تشنگی داشته باشد صفت تخم خرفه مقشر
رب السوس مغز بادام شیرین مغز تخم خربزه شکر طبرزد
هر یک ده درم تخم خشخاش سفید تخم کاهو هر یک پنج درم
صمغ عربی کتیرا نشاسته آرد جو مقشر هر یک هشت درم
کوفته بیخته بلعاب اسبغول حبوب سازند —

حب دیگر برای همین سرفه اگر حرارت مفرط نباشد باشد
صفت رب السوس پرسیاوشان گل بنفشه کتیرا
صمغ عربی نشاسته تخم رازیانه هر یک درم مغز بادام
آرد باقلا هر یک چهار درم تخم خشخاش درم شکر
دوازده درم زعفران نیم درم کوفته بیخته بلعاب
تخم مرو حبوب سازند —

حب نافع از سرفه گرم مزمن صفت نشاسته
کتیرا صمغ عربی مغز تخم خیار مغز بادام شیرین مغز تخم
کدوی شیرین هر یک جزو ترنجبین منقے برابر همه ادویه
ترنجبین را بلعاب بهدانه و اسبغول حل کرده ادویه
بدان سرشته چون ترمس حبوب سازند —

حب سرفه رب السوس دو دام کات هندی شسته
بست درم خولنجان سه درم مغز خسته هلیله چهار درم
تخم گاوزبان دو درم مغز بهدانه صمغ عربی هر یک
درم بشیره ادرک حب سازند —

حب سرفه معتدل گل بنفشه رب السوس
پرسیاوشان کتیرا صمغ عربی بادام نشاسته
بادیان هر یک دام مغز بادام تلخ چهار دام باقلا مقشر
چهار دام تخم خشخاش دو دام شکر دوازده دام زعفران
نیم دام بلعاب اسبغول حب سازند —

حب بقراط نافع از سرفه گرم و موی که با تپ
باشد صفت نشاسته کتیرا رب السوس هر یک
پنج درم افیون نیم دانگ کوفته بیخته بلعاب اسبغول
حبوب سازند و یک حب بوقت شب در دهن نگهدارند
حب دیگر نشاسته صمغ عربی رب السوس خشخاش
افیون برابر وزن کوفته بیخته بلعاب بهدانه سرشته
چون عدس حب بندند —
حب نافع از سرفه که سبب نوازل باشد

صفت نشاسته کتیرا رب السوس مغز تخم خشخاش
مغز بادام شیرین آرد باقلا اجزا برابر شکر طبرزد
برابر همه ادویه بلعاب بهدانه حبوب سازند شب
و روز در دهن بگذارند۔

حب لنا جدوار خطائی چهار درم ریوند چینی
کباب چینی هر یک درم سوده بآب در بامقدار نخود
حب بندند و اگر گرمی کند طباشیر سفید دو درم داخل کنند

حب نافع از سرفه که بسبب انصباب نزلات
حاره بسوی سینه و شش باشد صفت بزر البنج سفید
تخم خشخاش تخم کاهو رب السوس صمغ عربی نشاسته
مصطگی کتیرا شکر تیغال آرد باقلا پوست بیخ لفاح
مغز بادام افیون زعفران وزن برابر شکر برابر همه
از ان ادویه کوفته بیخته بگلاب سرشته مانند ماش
حبوب بندند شربتے دو حب۔

حب بابت والد ماجد استاذے علوی خان
نافع از سرفه که از نزلات حاره رقیقه باشد صفت
بزر البنج سفید مصطگی کهربا نشاسته کتیرا صمغ عربی
هر یک دو مثقال تخم کاهو گل گاوزبان تخم خشخاش
مغز تخم خیارین افیون هر یک دو مثقال راوند چینی
مثقال و نیم گل ارمنی چهار مثقال رب السوس دو نیم
مثقال پوست لفاح مثقال زعفران نیم مثقال کوفته
بیخته با عصاره پوست خشخاش مانند فلفل حبوب سازند
شربتے یک حب۔

حب نافع سرفه که موجب قلق در شب باشد مانع
نزلات حاره است صفت افیون نشاسته رب السوس
صمغ عربی وزن برابر کوفته بیخته مانند نخود حبوب سازند

حب نافع سرفه خونه مجرب است صفت نشاسته
رب السوس کتیرا وزن برابر کوفته بیخته بآب بیخ
کاهو حبوب سازند۔

حب منقول از قرابادین قانون نافع سرفه
که از یبوست باشد صفت مغز بادام شیرین مغز
بادام تلخ تخم کتان مقشر بریان مغز چلغوزه هر یک
درم افیون صمغ عربی هر یک دو درم رب السوس
یا اصل السوس درم شکر فانید هر یک دو درم
کوفته بیخته بآب رازیانه حبوب سازند بدانکه این
غلط کاتب است که این حب را از حبوب نافع از سرفه
که از شدت یبوست باشد نوشته است چرا که این حب
از سرفه که از رطوبت باشد نفع دارد۔

حب نافع از سرفه خشک و نزله صفت تخم خربزه
هفت درم تخم خیارین اصل السوس تخم کتان
بریان شکر طبرزد آرد باقلا هر یک پنج درم فانید
ده درم مانند باقلا حبوب سازند۔

حب نافع از سرفه خشک صفت کتیرا نشاسته
رب السوس کوفته بیخته حبوب سازند۔

حب لاجورد لنا صفت لاجورد مغسول یک دانگ
کتیرا یک دانگ تربد سفید مجوف سه دانگ حب النیل
یک دانگ پوست هلیله زرد هلیله سیاه پوست
هلیله کابلی هر یک سه دانگ بسفایج فستقی دو دانگ
ایارج فیقرا افتیمون هر یک دو دانگ کوفته بیخته
به دهن بادام شیرین چرب کرده بعرق بادرنجبویه

حبوب سازند و در حین استعمال با ماءالجبن در هفته
یکبار وقت خواب بعرق گاوزبان فرو برند امراض
سوداوی و مالیخولیا را فایده بخشد این یک نسخه مجربست
حب نافع از سرفهٔ خشک صفت رب السوس
مغز تخم کدو مغز تخم خیارین گل بنفشه کتیرا کوفته بیخته
بلعاب اسپغول و سفیدی تخم مرغ حبوب سازند
حب لبان نافع از سرفهٔ شدید که از شدتش
قی شود صفت رب السوس کتیرا بنفشه ترنجبین
هریک پنج درم تخم خشخاش بهدانه مقشر هریک هفت
درم مویز منقی چهار درم مغز بادام شیرین مغز چلغوزه
هریک چهار و نیم درم انیسون بادیان قند هریک
دو درم آرد باقلا لبان هریک هفت درم کوفته
بیخته بلعاب اسپغول حبوب سازند۔
حب غافث نافع از درد جگر و یرقان و حمیات صفت
صبر عصارهٔ غافث پوست هلیله زرد وزن برابر سوده
بآب کرفس حبوب سازند شربتی دو درم۔
حب نافع از خشونت سینه و انقطاع نفس و از جمیع
قصبهٔ ریه صفت کتیرا صمغ عربی هریک سه مثقال مرمکی
هریک یک نیم مثقال زعفران عصارهٔ سوس هریک
نیم مثقال سوده بشربت شیرین حبوب سازند۔
حب شیطرج اصغر نافع از استرخا و فالج و [illegible]
و درد زانو و درد مفاصل و نقرس بارد و مسهل خلط خام
غلیظ صفت هلیله زرد ده درم صبر بیست درم زنجبیل ده درم
فلفل دار فلفل هریک دو درم خردل سه درم شیطرج هندی
ملح هندی شحم حنظل هریک دو درم قانیذ چهار درم

کوفته بیخته بآب کرنب سرشته حبوب سازند۔
حب سرفهٔ بارد صفت رب السوس ایرسا زوفا
مغز بادام تلخ حلتیت تخم انجره دو ماشه بشهد حب سازند
حب سرفه مغز بادام تلخ و شیرین مغز چلغوزه هریک
دو درم انیسون صمغ عربی کتیرا اصل السوس هریک
هریک نیم درم قند چهار درم شیرهٔ بادیان نیم درم
عسل ده درم حب بندند۔
حب دیگر رب السوس مویز منقی نشاسته هریک نیم
سه درم صمغ عربی کتیرا مغز تخم کدو هریک درم شکر
نصف وزن ادویه بلعاب بهدانه حب سازند۔
حب زوفا بهدانه پنج درم صمغ عربی سه درم کتیرا
بیست و یک درم خشخاش سیاه خشخاش سفید هریک
چهار درم مصطگی دو درم مغز تخم کدو مغز تخم خیارین
بادیان هریک چهار درم گل بنفشه گل سرخ هریک
سه درم کبابه زوفا هریک درم زعفران نیم درم حب
ساخته در دهن دارند۔
حب سرفه که برای بادشاه محمد شاه ترتیب داده شد
صفت زعفران دو ماشه بزر البنج افیون مصری
بیخته هریک یک ماشه رب السوس صمغ عربی هریک دو ماشه
خمیرهٔ عنبر اشهب هشت ماشه جدوار [illegible] شانزده ماشه
علی الرسم بگلاب خمیر کرده شصت و چهار حب سازند
نیم ماشه خواهد شد شربتی معتدل دو حب در صبح
افیون یک برنج جدوار دو برنج۔
حب سرفه از حکیم علی سکبینج جنطیانا مرمکی جاوشیر
فلفل هریک دو مثقال حب الغار چهار مثقال

با آب عسل مانند نخودی حب سازند و یک حب یا دو حب برای خوردن دهند از برای اطفال بقدر نخود از برای کلان یکی و این مخصوص سست بسر فه بارد و رطب۔

حب سوزاک پوست بیخ نیب کهنه که کم از صد سال نباشد هفت توله هلیله بلیله آمله هر یک توله پوست گلو سے چار توله تال مکهانا سه توله کافور نیم توله قلعی کشته یک توله بابچی یک توله ست سلاجیت دو توله بکهان بید دانه هیل هر یک توله جواکهار نیم توله تخم چولائی نیم توله خار خسک یک توله تخم تاج خروس یک توله سمندر سوکهه دو توله بیج بند سه توله آب مجیده یک سیر بار یک سائیده حب سازند۔

حب برای اسهال باز داشتن شرط بلغمی عدیل ندارد افیون سهاگه دو جز شنگرف سوده نصف جزو خرما دو عدد انداخته در عرق جوز مائل حل نموده حبها البته بدارند۔

حب امساک عاقر قرحا الرومی یک درم قرنفل یک درم مشک نیم سرخ با شیرهٔ ادرک مقدار نخود حب سازند یک حب یا دو حب در دهن نگاه دارند۔

حب نافع از ریاح غلیظ و نفخ و تشنج عصب و انتفاخ خصیه ها صفته تخم کرفس تخم خرفل انیسون مصطگی زعفران هر یک درم هلیله سیاه بلیله آمله هر یک دو درم سکبینج مقل هر یک نیم درم پودینه قطر اسالیون قفاح اذخر اسارون قسط زرنباد عود هندی مج هر یک نیم درم بدستور حب سازند۔

حلوای مقوی باهی صفته آرد نخود آرد گندم بروغن گاو بریان کرده نبات دو توله بعرق گاوزبان ده توله حل کرده داخل نموده بپزند تا چون ترحلوا شود مغز بادام شیرین مغز انجکک مغز ناجیل مغز چلغوزه مغز فندق مغز حب السمنه مغز حب الخضرا هر یک ماشه داخل کرده بپزند تا روغن پس دهد بهمن سرخ بهمن سپید شقاقل مصری خصیة الثعلب مصری هر یک سه ماشه کوفته بیخته داخل کرده در طبق چینی پهن کنند عنبر اشهب مشک زعفران هر یک نیم ماشه نبات سفید سوده بران پاشند و بطریق لوز ببرند هر لوز بقدر توله یک لوز صبح و یک لوز شام بخورند۔

نسخه دیگر آرد نخود سے توله بروغن گاو سی توله بریان کرده نبات سه پاو بعرق گاوزبان یک سیر شاهی حل کرده داخل نمایند و ترحلوا بپزند مغز بادام شیرین مقشر مغز پسته مغز چلغوزه مغز حب السمنه مغز حب الخضرا مغز انجکک مغز فندق مغز ناجیل مقشر مغز تخم خربزه کوفته داخل کرده بپزند تا روغن پس دهد دارچینی شش ماشه بهمنین هر یک دو توله شقاقل مصری خصیة الثعلب زنجبیل خولنجان هر یک سه ماشه عنبر اشهب یک ماشه مائیده ابهل سه ماشه تودری گلگون تخم تال مکهانا هر یک سه ماشه سوده داخل کرده در طبق چینی پهن کنند و بطریق لوز ببرند هر لوز دو توله با شیر گاو بنوشند۔

نسخه دیگر آرد میده آرد نخود هر یک بست توله بروغن گاو چهل توله بریان کرده عسل مصفا ده توله

نبات سفید یک نیم پاؤ بعرق گاؤزبان و عرق
بید مشک حل کرده داخل نمایند و بپزند تا بقوام حلوا
شود پس مغز بادام شیرین مغز پسته مغز انجکاک
مغز حب السمنه مغز حب الخضرا مغز نارجیل مغز فندق
مغز چلغوزه کوفته داخل کرده بپزند تا روغن پس دهد
دارچینی بهمنین شقاقل مصری خولنجان خصیة الثعلب
مصری هر یک تولہ زنجبیل دانہ هیل مصطگی رومی
هر یک سه ماشه مومیائے بروغن پسته گداخته انداخته
برهم زنند تا نیکو مخلوط شود فرود آورده در طبق
چینی پهن کرده مشک خالص دو ماشه نبات سفید
پنج توله سوده پاشند بطریق لوزینه بقدر توله تا دو توله
حلوائے مالکنگنی حافظه را قوت دهد و سیاهی مو
نگاهدارد و در تقویت باه بے نظیرست صفت
مالکنگنی یک من و ده استار چنبر بیج پنج استار
پوست نانخواه دو استار عاقرقرحا پانزده مثقال
قرنفل و مصطگی هر یک دو نیم مثقال کبابه چینی پانزده
مثقال روغن گاؤ نیم من پوست هلیله سیاه زنجبیل
هر یک ده استار عسل یک من و ربع مالکنگنی و پوست
نانخواه و هلیله در روغن بریان کنند و باقی اجزا
کوفته بیخته در شهد انداخته حلوا سازند و در ظرف
چینی نگاهدارند شربت پنج مثقال۔

باب الخمار

خمیرہ صندل صندل سفید ابریشم مقرض هر یک
نه ماشه گاؤزبان گل سرخ هر یک توله زعفران دارچینی
هر یک دو ماشه گل نیلوفر دو توله قند سفید چند

نسخهٔ دیگر بورهٔ صندل سفید پنج توله گاوزبان گل گاوزبان
هر یک سه توله گل سرخ گل نیلوفر هر یک دو توله برگ
فرنجمشک توله یک شبانروز در عرق گاوزبان و
عرق عنب الثعلب و عرق بید مشک هر یک نیم پاو
و گلاب پاو سیر بخیسانند روز دیگر بجوشانند تا به نصف
رسد پس مالیده صاف نموده با قند یک اثار
بقوام آرند و طباشیر و کهربا مغز تخم کدو مغز تخم
خیارین تخم خرفه مقشر کشنیز خشک هر یک دو درم
مغز تخم کاهو هر یک نیم درم کافور ماشه زعفران یک نیم
ماشه مشک ماشه کوفته بیخته بدان بسرشند۔

خضاب برگ حنا جزو وسمه دو جزو در [illegible]
نمک اندرانی مازو بریان خبث الحدید سیاه سیاه
در سرکه سوده بگذارند تا سرخ شود

نسخهٔ دیگر خبث الفضه در سرکه بپزند۔

خضاب دیگر خبث الفضه در شیشه نما سرخ
باترنج داخل کرده در سرگین اسپ تا چهل روز
بگذارند۔

خضاب دیگر شقائق النعمان رطل شب
و مسک هر یک اوقیه در سرگین دفن کنند۔

خضاب دیگر سبزی جو که پیش از خوشه برآورده باشد
بالنصف وزن آن در شیشه کرده زیر سرگین دفن کنند

خضاب دیگر برگ کنیر در شیر زن بپزند
تا ثلث شیر بماند تمام شب بگذارند۔

دیگر بیخ شقائق در زیت بسایند تا چون مرهم
شود و اگر شب در آن افزوده نمایند انسب است

دیگر تخم سوسن سائیده در روغن مسکه بگدازند و تا
یکماه در سرگین دفن کنند۔

خضاب دیگر آمله پاو سیر در روغن و سرکه
نیم سیر تا یک ساعت بپزند و یک رطل از آن بگیرند
و صفائح اسرب و شب هر یک چهارم حصه رطل بجوشانند
باهستگی در جوش حرکت دهند۔

خندیقون اصلاح برودت معده و نفخت کبد کند که بسبب
برد باشد و قصور هضم و ریاح و مشائخ بلغمی مزاج را نافع
صفت شراب کهنه پنج رطل اصل مصفی یک نیم رطل
زنجبیل پنج درم قاقله صغار و کبار هر یک نیم درم
قرنفل دانگ دارچینی یک نیم دانگ زعفران دو دانگ
فلفل سیاه مسک هر یک نیم دانگ و راسی مشک
و زعفران همه ادویه را نرم بسایند و زعفران
در کتان بسته بپزند تا غلیظ شود و مشک انداخته
از آتش فرود آرند۔

خمیرهٔ ابریشم ابریشم خام پنجاه مثقال در گلاب
چهار رطل عرق بیدمشک دو رطل سه شبانروز
بخیسانند و بآتش ملائم جوش دهند و صاف نمایند
و با نبات دو رطل و عسل مصفا یک رطل بقوام آرند
و از آتش برداشته عنبر چهار مثقال ورق طلا سه مثقال
ورق نقره مثقال در آن حل کرده ابریشم مقرض
دو مثقال گل گاوزبان دو مثقال مصطگی طباشیر
گلسرخ عود هندی صندل سفید هر یک دو مثقال یکجا
مروارید ناسفته صلایه کرده کهربا بگلاب صلایه کرده
مثقال مرجان صلایه کرده مثقال مشک خالص سوده

بر بیزند و بهم زنند۔

نسخهٔ دیگر ابریشم دو رطل در چهار رطل آب سه
شبانروز بخیسانند و بجوشانیده صاف نموده گلاب
و عرق بید مشک عرق گاوزبان آب به آب سیب
هر یک ثلث آب ابریشم باهم ممزوج بجوشانند و
کف بگیرند بعد از آن صندل سفید بگلاب سوده
سه مثقال طباشیر سفید بآب سوده دو مثقال در کتان
بسته در دیگ اندازند و بآتش ملائم ساعتی بجوشانند
و نبات مقدار قبول ذائقه و بقدر کفایت اضافه
نموده بجوشانند تا به قوام شربت برآید از آتش
فرود آورده عنبر دو مثقال در آن حل کرده بعد یک لحظه
صبر کرده مشک مثقال در گلاب سائیده داخل کنند
و ورق طلا و عسل طبرزد ده دام حل کرده اضافه نموده
بهم زنند و در ظرف چینی نگاهدارند و اگر آب فواکه
موجود نباشد شربت فواکه بجای آن کنند۔

نسخهٔ دیگر مخترع ابریشم خام ده مثقال در گلاب
و عرق بید مشک و عرق گل گاوزبان هر یک نیم رطل
یک شبانروز بخیسانند و روز دیگر جوشانیده
از آتش فرود آورده مشک تبتی عنبر اشهب
هر یک مثقال ورق طلا ده عدد ورق نقره سی عدد
انداخته تیار نمایند۔

خمیرهٔ مروارید که تقویت دل و دماغ و معده نماید صفت
مروارید ناسفته سه ماشه مرجان کهربا ورق طلا [illegible]
ورق نقره هر یک نیم ماشه صندل سفید مصطگی هر یک
ماشه نبات سفید یا قند سفید پاو سیر گلاب عرق بیدمشک

بقدر حاجت عنبر مشک خالص هر یک نیم ماشه
بدستور مقرر خمیره سازند

باب الدال

دستور العمل خوردن چوب چینی بابت استاد
معتمد الملوک علوی خان رحمة الله علیه اگر فصد
ضرور باشد از هفت اندام یا باسلیق و امثال آن
خون بگیرند اگر مانع از موانعی نباشد و ابقا صباح
پانزده روز صفته از گل گاوزبان گیلانی بادرنجبویه
عنب الثعلب اصل السوس غنچه گل سرخ
گل نیلوفر افتیمون بکتان بسته بسفایج شاهتره
پرسیاوشان از هر یک دو درم تخم خیار نیمکوفته
یک توله انجیر زرد آلو بخارا هر یک ده دانه تخم کاسنی
دو توله نیمکوفته عناب ده دانه سپستان بست دانه
جوشانیده صاف نموده سکنجبین خراسانی شش توله
گلقند آفتابی چهار توله حل کرده صاف نموده تا دو روز
بعمل آرند روز سوم سنا مکی نه ماشه در مطبوخ ضما
نموده بعمل آرند روز چهارم فلوس خیارشنبر
شش توله در محلولات سنا مکی شش ماشه در مطبوخ
اضافه نمایند و روغن بادام شش ماشه اضافه کرده
استعمال نمایند روز پنجم هلیله مربا یک عدد بگلاب
شسته لاجورد مغسول یک ماشه پاشیده تناول
نمایند بعد ازان تخم فرنجمشک یا تودری گلگون یا تخم
بالنگو چهار ماشه بعرق گاوزبان و عرق بیدمشک
هر یک چهار توله شربت انار شیرین یا شربت گاوزبان
یا شربت بادرنجبویه دو توله بنوشند روز ششم

نضج روز سوم بعمل آرند روز هفتم نسخه روز چهارم
استعمال نمایند روز هشتم نسخه روز پنجم بکار برند
واگر نضج در قاروره بایام گذشته ظاهر نشود اعاده
منضجات مذکوره نموده مسهل مذکور گیرند واگر احتیاج
افتد حبی که از ایارج فیقرا ریوند چینی تربد سفید مقشر
هر یک نیم دانگ حجر ارمنی یا غاریقون بوزن
یک دانگ و نیم شحم حنظل نیم دانگ محموده یک دانگ
شمط مغسول نیم درم مصطگی مقل ازرق کتیرا نمک هندی
هر یک دو سرخ و بوقت سحر روز هفتم استعمال نمایند
وصباح آن مطبوخ مذکور استعمال نمایند وچند روز
مفاصله داده چوب چینی شروع کنند وبدین دستور
چوب چینی هر روز سه توله بدم هشت سنجاری مقدار
سنجد یا باقلا ریزه ریزه نموده در پیاله چینی بگلاب
وعرق بیدمشک هر یک نیم سیر یا ده ده توله شب
خیسانیده وصبحش با هشت سیر آب در دیگ سنگین
یا مسی تازه قلعی کرده سر او را بطبق سفالین پوشانیده
اطراف او را بخمیره آرد ماش محکم نموده بر او چار
بار کنند و سنگ سنگین بر سر او گذارند و مقدار نیم سیر
هیمه قلمی باریک دو دو شاخ در زیر او بسوزانند
تا این همه تمام شود پس دیگ از آتش فرود آورده
لمحه صبر کنند که شور حرارت او کم شود روا سر
گرفته سر دیگ را بتدریج برگرفته سر بخار او بردارند
تا سرد گردد عرق کنند پس یک پیاله یا آبخوره آب
او را به نبات سفید دو توله داخل کرده گرم گرم چون
قهوه بنوشند و دوا را به سر دیگر ... پیچیده بخوابند

تا عرق خشک شود و آب را در شیشه کرده در تمام
یک شبانروز قدری گرم بجای قهوه و قدری سرد
بعوض آب و قدری در خمیر نان و طبخ غذا بقدر ضرور
داخل کرده صرف نمایند تا آنها تمام شود باز دیگ
دیگر بدستور مذکور بطبخ نموده بدستور مذکور بعمل آرند
وهمچنین تا بیست دیگر روز عمل نمایند و در این حین در
هفته یک مرتبه بعرق نشینند باین دستور که بعد از طبخ
چوب چینی فرود آوردن و گذشتن مدت که حرارت
کم شود کرسی نهاده لحافی بر کرسی کشیده دیگ را در زیر
آن کرسی گذاشته علیل خوابیده لحافی دیگر متصل
لحاف کرسی بر خود کشیده سر خود را از لحاف بر آورده
سر دیگ را گشوده دارند تا بخار از پا بتمام بدن رسد
و عرق آید و یک پیاله او را با دو توله نبات گرم گرم
بنوشند و لحاف بر خود پیچیده خوابند تا عرق خشک شود
و همه آب را بدستور مذکور صرف نمایند و از ابتدا از
شروع چوب چینی بلکه یکهفته مقدم و بعد الفراغ چوب چینی
تا چهل روز از ماست و پنیر و ترشیها و ترکاریها
و حرکات عنیفه و نفسانی و بد بنه و نمک اجتناب نمایند
و از جماع تا شش ماه پرهیز کنند ـ

دستور آشامیدن چوب چینی بابت حکیم محمد باقر
باید که هر روز پنج مثقال چوب چینی بگنبدگی پشت کاردی
تراشیده و با یک نیم سیر اکبری آب در دیگچه گلی بجوشانند
تا بثلث رسد پس صاف کرده گرم گرم بدستور قهوه
بیاشامند و هر روز همین دستور تا بیست یکروز صبح
بیاشامند اگر بموضعی بدن الم داشته باشد بعضی اوقات

بخار نرم بدان میداده باشند بنحوی که تمام بدن عرق بکند
و در این ایام غذاهای سبک از اقسام پالوده ماهی پتیله
و شوربا و نخود آب و امثال آن بگوشت نقلی و مرغ
کم نمک بخورند و آب خالص بخورند و آب طعام نیز همچنین
باید یکوقت خورش را بغذاهای مذکور قرار دهند
و یکوقت پارچه نانی بی نمک با شربت قند و بعضی
از حلویات قندی و مربیات و زرده تخم نیم برشت
بخورند و در این ایام از ترشی و سبزی و پنیر و غذاهای
غلیظ و لبنیات پرهیزند و جماع اگر خواهند نروند ـ

دستور العمل بدستور دیگر بیخ چوب چینی تازه
خوب سرخ بی گره تاکل و کرم خورده نباشد
و سنگین باشد و پاره های بزرگ باشند و بیخ اعلی
اختیار کنند هر روز هشت مثقال با شش دانگ
از بیخ بکشند بعد ازان که آنرا تراشیده باشند
بتنگی کاردی و آنچه ازان ریزه شده باشد
بغربال بیرون کرده باشند تا آب چوب چینی خراب
نشود و با دو من آب بوزن تبریزی در دیگ گلی که
چرب نبوده باشد بجوشانند تا سه چار یک بوزن بماند
لیکن بر سر دیگ سرپوش گلی دارند و حوالی دیگ را
بخمیر و لته با محکم کنند و بر سر دیگ سنگ دارند تا
بخار بیرون نیاید پس با آتش ملائم بسیار خشک آنقدر
بجوشانند که سه چار یک بماند و طریق دانستن
آنکه چه وقت بوزن مذکور رسد آنست که یک دو روز
بطریق امتحان همه مقرر که در خشکی و تری و گندگی
و باریکی و کوچکی و بزرگی هم سنگ باشد بدان همه

بوزن مشخص بجوشانند و مشخص سازند که چند من همه
که سوخته شود بسه چاریک میرسد بعد ازان همه دوره
بهمین وزن همه یک روش میشود جوشانیده
باشند یا اینکه سرپوش دیگ را سوراخ باریک کنند
اول مرتبه سه چاریک آب در دیگ کنند و چوب
باریک ازان سوراخ در دیگ کنند تا بقعر دیگ
برسد و ملاحظه کنند که چه موضع از چوب آب مذکور
رسیده آنموضع را از چوب نشان کنند و بعد ازان
دو من آب بکنند و همچنین بجوشانند تا وقتیکه
گمان شود که بمقدار مذکوره آمده است پس سوراخ
سرپوش را باز کنند و بسرعت این کار کنند که بخار
بسیار تلف نشود و اطراف چوب را تر کنند که آن
امتحان مشخص شود و مشخص کنند که آب بموضع نشان
رسیده یا نه اگر رسیده باشد فهو المراد والا سوراخ را
زود محکم کرده دیگر بجوشانند تا ان مقدار که آب
بموضع مذکور رسد و تا ممکن باشد نوعی کنند که سوراخ
کمتر کشوده شود که بخار تلف نشود بهتر و اگر روش دیگر نیز
امتحان می کنند باز مشخص سازند که چه مقدار همه
سوخت میشود و بمقدار معلوم میرسد باز همه مقدار
همه میسوزانیده باشند و بهمین روش اکتفا نمایند
که بهتر است و بعد ازانکه جوشانیده شد بر روی کرسی نشیند
و به لحاف بپوشند تمام بدن و رامی راه نفس دیگ را
در زیر خود بگذارند و سر دیگ را آهسته آهسته بردارند
و بخار آن تمام و کمال ببدن صرف کنند خصوصاً عضو
معلول و در اثنای بخار یه پیاله کوچک از آب گرم

این بیخ بطریق قهوه بیاشامند پس بخوابند و
بلحاف بپوشند تمام بدن و راه نفس بگذارند و اگر
راه نفس بیرون نگذارد خوف هلاک است و صحری
در جوشانیدن بیخ شروع کنند و صباح بخار گیرد تا
عرق باقیست حرکت نکند و تتمه آب چوب چینی
سرد کرده بجای آب بنوشند و اگر تشنگی در وقت
بخار شود آبیکه از بیخ گرفته خوب سرد کرده باشند
بنوشند و همچنان برای روز آینده همیشه آب
بیخ سرد کرده تیار دارند و اگر سه چاریک آب
از برای دفع تشنگی کافی نباشد در آب چهار من بیخ
چوب چینی ده مثقال بجوشانند که تا یک من بماند
و بدهند تا بیست یک روز چنین کنند و اگر ضعفی
در روزی پیدا آید بخار و عرق نکنند لیکن دو پیاله
آب گرم بطریق قهوه بنوشند و باقی را سرد بجای
آب بنوشند و رختهای پنبه دار بپوشند و چون
عرق آید برخت پنبه دار خشک کنند تا بوی عرق
در رخت پیوسته گردد و غذا اشعله با قلیه نخود آب
و کباب گوشت نقلی و بره و کبک و مرغ خروس
فربه بی ترشی و بی نمک در آب چوب چینی که
سرد کرده باشند و هیل و دارچینی داخل نموده باشند
وقت تشنگی بنوشند و بآب مذکور نان و طعام
بپزند و روغن در طعام داخل کنند و استنجا
و شستن دست و روی و همه حاجات بآب
بیخ کنند و از غذای غلیظ و تنوری و گندمی و شیرینی
و ماستها و سبزیها و همه میوه ها و شیرینی مضر ورود شتافی

وعسل پرهیز کنند واگر خواهند بادام و پسته و فندق
و بادیان قندی و قرص عنبر و گوارش مصطگی و شربت
قند و نبات و گلاب و بید مشک و تخم بالنگو و تخم
ریحان که با آب چوب چینی ترتیب داده باشند
تجویز ست و واجب ست که از غم و غضب و اندوه
خود را نگاه دارند و از هوای سرد نیز تا ممکن باشد
و نه گرسنه باشد و نه افراط غذا کند و در وقت اعتدال
هوا که بهار و خریف ست در صحت مزاج بخورد
تا که احیانا اگر مرضی در اثنای خوردن عارض شود
ترک خوردن گیرد و بتدارک مرض مشغول شود
لیکن تدبیر مناسب حال باشد و بعد بیست یک روز
بحمام روند و تغییر رخت نمایند و دو روز دیگر بجای
آب آب چوب چینی بنوشند و طعام بی نمک بخورند
و از امور مذکوره دیگر پرهیز نمایند و بعده اندک
اندک نمک بیفزایند تا در ده روز بمعمود مقرر برسد
منافع چوب چینی تفریح قلب ست و تقویت
حرارت غریزی باعث تولید آن و تقویت ارواح نفسانی
و دماغ و ترطیب آن و اصلاح مزاج سوداوی
و قلع مالیخولیا و ربع کهنه و برص سیاه و سرطان
رحم و قروح خبیثه دیگر سوداوی و جذام و کلف
و سپرز و جرب و قوبا و سوداوی و اورام صلب در رحمین
و مفاصل سوداوی و تحصل دم صالح و سمین
و قروح غذاکیر و حرقة البول کهنه و نافع ست جهت
اقسام آتشک و جهت جماعتی که فرزند ایشان
نمی ماند یا فرزند نمی شود بسبب امراضیکه پدر

و مادر در رحم و اعضاء تناسل دارند مثل سرطان
رحم و ورم صلب و قروح خبیثه و غذاکیر جهت ازالهٔ
عادت افیون و وجع ورک جهت قولنج شانه که از
امتلاء عضلات و اعصاب و رباطات آن موضع
و حوالیش عارض شود و جهت بواسیر و نواسیر
و قروح جهت داء الفیل و امساک و ریاح
در کمر و پشت لیکن باید که پیش از خوردن چوب چینی
استیصال خلط فاسد و سبب مرض بکنند مثلا
هرگاه قروح و نواسیر که از باد فرنگ و آتشک
پیدا شده منضجات آن گل گاؤزبان گیلاسی
و بادرنجبویه و تخم خیار هر یک توله انجیر زرد آلو بخارا
هر یک ده دانه جوشانیده صاف نموده سکنجبین
شش توله گلقند آفتابی چهار توله اضافه کرده
بنوشند و مسهل تر بیشتر باشد و افتیمون و
بسفایج فستقی پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی
هلیله سیاه هر یک ۵ ماشه داخل کنند و جهت تنقیه
دم و تقویه احشا که بواسطه ارتقاء ادویه
منضجه و انصباب مواد فاسده تا چهار روز استعمال
این دوا کنند و روز پنجم سنا مکی سنا هتره گلسرخ
هر یک جزو داخل کنند و اگر طبیعت ملین نشود
روز ششم یا هفتم جهت اصلاح جگر ریوند چینی
داخل کنند و علی الاحتیاج بروز هشتم حب که
ایارج فیقرا و غاریقون و ریوند چینی و تربد سفید
مقشر هر یک نیم دانگ و شحم حنظل نیم دانگ
محموده دانگ و نیم شحم مقل نیم درم مصطگی

مقل ازرق کتیرا کماے ہندی ہر یک دو نخود گرفته
باشند با شربت بنفشه ده مثقال سحر بخورند و بعضے
اطبا در جمع میان صبر و غاریقون منع می کنند
ولهذا اسفرو که غاریقون داخل نکنند چراکه در ایارج
صبر ست عوض آن حجر ارمنی بقدر آن داخل کنند
واگر مسہل عمل چنان نکرده باشد بعد از تقدیم تنقیح
حب مذکور را مرتبه دیگر می تواند مسہل کرد واگر فصد
ضرور باشد قبل از مسہل باید کرد واگر دو سه روز
چنین منضجے بگیرد عناب ہشت دانه سپستان بست دانه
عنب الثعلب سه ماشه بنفشه دو ماشه بادرنجبویه
دو ماشه گل گاوزبان دو ماشه بادیان دو ماشه
خیارین ماشه و بعده فصد کنند بہتر ست و بعد
مسہل پس از چندی بحمام روند و شروع در چوب چینی
خوردن کنند ـ

دستور پختن چاے سافج توله چاے خطائی توله
لسان سه چهار ماشه قاقله دو ماشه قرنفل ماشه زعفران
چار سرخ دارچینی عنبر هر یک ماشه مشک دو سرخ
مشک طرامشیع ماشه عود چهار ماشه درسی وده برابر
آب بپزد تا بالنصف بماند بعده نصف شیشه گلاب انداخته
جوش داده صاف نماید ـ

دستور دیگر چاے چای خطائی دارچینی قرنفل
نانخواه بادیان هر یک توله سه چاے باقی ادویه
را نیم کوفته ادلاده سیر آب بجوشانند و در کڑاهی تا به نصف
رسد پس ادویه را درین داخل کرده جوشش دهند
تا سه سیر آب بماند صافی نموده گرم گرم در هم تیان چینی
چاے را درین انداخته سر آنرا گرفته لحاف بالا بندند
و دو پهر بگذارند پس برآورده صافی نموده در شیشه
کرده بدارند ده توله شام نبات سفید دو توله داخل
کرده گرم گرم چون قهوه بنوشند ـ

دستور مروق ساختن آب کاسنے و آب عنب الثعلب
تازه هر یک را علحده در ظرف گلی کرده بجوشانند
و کف آنرا بگیرند و از آتش فرود آورده بگذارند تا
ته نشین شود و صافی هر یک گرفته ده توله مروق
کاسنی و پنج توله مروق عنب الثعلب با دو توله سکنجبین
بعمل آرند و هر روز یک توله مروق کاسنی و نیم توله
مروق عنب الثعلب بیفزایند تا وزن آب کاسنی
شانزده توله و آب عنب الثعلب هفت و نیم توله
برسد برای یرقان فائده کلی دارد ـ

دستور اشامیدن چوب چینی بطریق قهوه
به دو روش است یکی آنکه انفع ست اما پرهیز در
نفعش بسیار و آن اینست که هر روز هشت مثقال
چوب چینی را در دو من تبریزی آب بجوشانند تا سه چهار
یک بماند پس صافی کرده قریب هفتاد مثقال
گرم گرم صبح بطریق قهوه بیاشامند و همچنین طرف
آخر روز معده که از غذا خالی شده باشد مساوی
آنقدر را گرم بنوشند و تتمه آب را سرد کرده در
اثناے روز وقت تشنگی بجاے آب بنوشند
و دیگر آب نخورند و طعام و نان در آب بپزند
و از نمک و حموضات و لبنیات و سبزیها و میوه های
قاطبته پرهیز نمایند و تفاوت در میان این طریق

و روش عرق فاهین است که اینجا بنجار گیرد و آسجانه —
دستور خوردن عشبه بقول حکیم توفیق علی یکی آنکه
چهار روز بخورد و هر روز نیم مثقال عشبه را بکار د ریزه
کرده بعد ازان در هاون انداخته نرم نمایند اول
شب هشت پیاله قهوه خوری آب دران ریزند و
صاف کرده بجوشانند تا چهار پیاله قهوه خوری بماند
پس بطریق قهوه بنوشانند و ثقل همان روز در چهار
پیاله آب بجوشانند تا دو پیاله بماند شب بهمان طریق
بخورند و این دستور بست و یکروز بخورانند
و این وسط ایست و یکی آنکه چهارده روز بخورند
و غذا نخود آب با توابل حاره و از ترشی و نمک مباشرت
پرهیز کنند و اگر میسر شود با آب عشبه غذا بپزند
روش دیگر آنکه هر روز پنج مثقال پنج چینی با سه چهار
یک تبریز آب بجوشانند آنقدر که چهار یک آن بماند
صاف نموده نصف آن آب را صباح و نصف را
آخر روز گرم گرم بطریق قهوه بنوشند و اگر آب خالص
بنوشند یا طعام دران نیز بپزند باک نیست لیکن
از حموضات و لبنیات و شیرینیها و غذاهای غلیظ و
سرد و هوای سرد و غم و غصه پرهیز نمایند بلکه از فراغ
تا چهل روز دیگر نیز پرهیزند و از جماع نیز پرهیزند
دستور خوردن عشبه آنست که شصت مثقال
عشبه را بدرازی انگشت قطع کرده بعد ازان هر
کدام در عرض چهار حصه کنند و یک من تبریز گلاب
و یک من عرق بید مشک تا سه روز بخیسانند پس
در دیگ گلی بجوشانند و در وقت جوشانیدن دو من

تبریز آب خالص و یک من عرق بید مشک کرده و
آهسته آهسته بآتش ملائم بجوشانند آنقدر که نصف
بسوزد پس آنرا در هفت روز هر روز سه پیاله ترشی
خوری گرم کرده بخورند باید که یکی پیاله صباح و یک
پیاله میانه روز و یکی بوقت شام و قریب سی مثقال
نبات سفید اگر در تمام عرق کرده بنوشند بهتر است
فارغ سازند و از ماهی و شیرینی و لبنیات و غذاهای غلیظ
و حموضات و جماع و غم اندوه و مثل ان احتراز نمایند
و از پلاو و قلیا و شوربا و گوشتهای لطیف و از مرغ
و بره و نخل و سبزک بخورد و در اثنای آن عرق
بید مشک و گلاب باک ندارند و بعد از فراغ تا سه
ماه پرهیز کنند و بحمام بروند و اگر خواهد شرط احتراز
هوا و اگر خواهند که در ایام گرما آب عشبه نوبگیرند و
تا اینکه هفت و هشت مثقال عشبه را با سه چهار یک
تبریز آب بجوشانند و آنقدر که یک چهار یک آب
بماند صاف نموده دو حصه نموده نصف صباح و نصف
را در آخر روز نیم گرم با نبات بیاشامند مضایقه نیست
دستور عشبه خوردن نقل کرده است استاد
من که منقول از حکماء فرنگ است سه مثقال عشبه
را هر روز بقدر جو ریزه کرده یک شبانه روز در آب
که بقدر هشت پیاله شد خیسانیده صباح بآتش ملائم
بجوشانند تا نیمه ماند پس صاف نموده پیش از طعام
سه دفع بنوشند تا بست و یک روز همین کنند
و از امور مذکوره پرهیز کنند و غذا مذکور بخورد و
ثقل عشبه را خشک کرده با دارچینی و زنجبیل مساوی

وزنبق و ربع وزن کبابه کوفته بیخته با نبات و عسل
مصفا دو وزن ادویه معجون ساخته بعد فراغ صبح
وشام یک توله۔
دستور خوردن فادزهر بعنوانیکه حکیم عمادالدین
محمود نوشته فادزهر نیم مثقال یاقوت رمانی یک دانگ
لعل بدخشان عنبر اشهب عود قماری مصطکی هر یک
نیم دانگ اجزا را کوفته بر روی سنگ سماق صلایه کرده
بگلاب سرشته و مجموعه حب سازند بورق طلا پیچیده
و سه روز هر صباح یک حب بخورد و قریب ظهر بخورد
آب گوشت حلوان یا مرغ جوان فربه که اندک بیخ
دارچینی و قرنفل داشته باشد بخورند بعد عشا چون
غذا خوب هضم شده باشد عرق بید مشک ده توله
گلاب ده توله تخم بالنگو چهار ماشه نبات دو توله بنوشد
واگر باین طریق که فادزهر بر روی سنگ سماق صلایه
کرده درستی باشد معجون طلا داخل کرده سه حصه کرده
صباحاً و سه روز میل کنند بهتر است۔
دوائیکه قی صفراوی را دفع کند و غشیان را تسکین
دهد صفت سماق طباشیر حب الرمان از هر یک مثقال
کوفته بیخته با آب انار میخوش میل کنند۔
دوائیکه قی صفراوی و بلغمی را نفع دهد صفت
مصطکی عود قرنفل کشنیز خشک هر یک یک مثقال کوفته
بیخته با آب نبات بنوشند و کذا اگر با لب مصطکی سماق هر یک
نیم مثقال کوفته بیخته با آب بهی میل کنند۔
دوائیکه حصر بول را نفع کند صفت بادیان تخم کرفس
هر یک ده مثقال جوشانیده صاف نموده شیره تخم خیار [illegible]

با آب آن شیره گرفته قند سفید داخل کرده بنوشند۔
دوائیکه مدر بول است صفت تخم خیار تخم بادرنگ
تخم خربزه هر یک سه درم با یکدیگر تخم کرفس بادیان
انیسون هر یک چهار درم جوشانیده صاف نموده
با شیره کشیده قند سفید دو توله بیاشامند۔
دوائیکه مدر بول است صفت انیسون تخم کرفس
هر یک سه درم قند سفید چهار درم کوفته بیخته کف کنند
بعد از آن شیره تخم خیارین تخم خربزه میل کنند۔
دوائیکه ابوالخیر الف را سود دهد صفت زاج سفید
سوخته زنگار سوخته هر یک ماشه سفیدآب کاشغری
سوخته ماشه شنجرف سه ماشه طلق طباشیر کهربائی مغسول
سه ماشه دم الاخوین پوست کندر مردار سنگ هر یک
سه ماشه [illegible] کوفته بیخته [illegible]
توله بروغن گل سرخ توله گداخته از آتش فرود آورده
ادویه را داخل کرده چندان بمالند که تا چون مرهم شود
بر کاغذ گذاشته در بینی گذارند۔
دوائی نافع سلسل البول صفت کندر کهربا زیره کرمانی
دانه هیل عود الصلیب زرورد دارچینی صندل سفید
پوست بیرون پسته شونیز هر یک سه ماشه کوفته
بیخته بعسل مصفا سرشته هر روز چهار ماشه از آن
تناول نمایند بعد از آن بارتنگ دانه هیل سوده
بگلاب بیخته بشربت عود داخل کرده بنوشند۔
دوائی تالیف شیخ الرئیس که قرحه مثانه و مجری
قضیب را باصلاح آرد صفت [illegible] مغز
تخم خربزه هر یک پنج درم طباشیر [illegible]

تخم خشخاش شاخ گوزن سوخته هریک سه درم
افیون نیم درم بنج یک و نیم دانگ مر درم
نیکو سحق نموده شیاف سازند یا شیر یا بروغن
بطیخ در احلیل بچکانند—

دواء الکرکم بارد نافع از ضعف کبد و صلابت
آن تلخه و از سوء القنیه صفته اسارون سلیخه
سنبل فوه هریک دو درم دارچینی قسط فقاح
اذخر مصطگی هریک درم زعفران تخم کاسنی هریک سه
درم سوده بعسل معجون سازند شربتی یک مثقال
دهم تا نافع از سده جگر و از یرقانیکه از سدهٔ جگر
کبد می باشد صفته کندر مصطگی حب بلسان سلیخه
اکلیل الملک زعفران هیل هریک سی درم زراوند
شش درم زرنباد درونج فلفل هریک نیم درم
افیون زنجبیل هریک چهار درم قرنفل دو درم
خربق سفید شونیز ورق گل سرخ هریک هفت درم
سعد هشت درم صبر هشت درم کوفته بیخته بعسل
معجون سازند شربتی مثقال—

دواء الکرکم صغیر که ضعف جگر و معده و طحال و
صلابت اینها را نفع کند و در ابتداء استسقا مفیدست
لون را نیکو گرداند و امراض کهنه بارده را نافع ست
صفته سنبل الطیب مر سلیخه قسط تلخ فقاح اذخر
دارچینی زعفران برابر وزن کوفته بیخته و مر را در
مثلث یک شبانروز خیسانیده باهم مخلوط کرده
بعسل بقوام آرند و نزد بعضی ناردین داخل کنند—
دواء الکرکم کبیر تالیف جالینوس نافع از استسقا

وورد ناسے مثانه و حکه رحم که از مواد غلیظ باشد
و از صلابت اینها و مفتح سده و مدر بول صفته
زعفران دوازده درم مو و فوه هریک چهار درم
سنبل شش درم انیسون دوقوا اسارون ریوند چینی
فطراسالیون هریک چهار درم قسط سلیخه فقاح اذخر
حب بلسان هریک درم فوه دو درم عصاره سوسن
فافث جعده اسقولوقندریون هریک سه درم
روغن بلسان نیم اوقیه مر چهار درم و در بعضی نسخه
بجای حب بلسان حب البان و کبر رومی سه درم
ادویه کوفته بیخته بروغن بلسان چرب کرده بعسل
معجون سازند شربتی درم با شراب عسل—

دواء الملک الاصغر ضعف جگر و معده و برودت
و صلابت اینها را نافع ست و تفتیح سده کند بطبیخ
افسنتین و گاهی بجای حب الغار فقاح اذخر سکینه
دوائیکه نافع ست او ورم گوش و از درد که از
گوش می آید و از درد کهنه گوش صفته بافلا مصری
شب یمانی فلفل سفید نطرون زعفران افیون
پوست انار کندر سنبل هریک دو مثقال
جندبیدستر مثقال بسرکه و عسل مقداری که بشود
دوائی مقوی دندان صفته موم و عسل در آفتاب
یا آب گرم بگدازند و زفت خردی افزوده دهند
دوائی اندردماخش نافع همه دردهاے دندان
بلکه همه امراض دندان را صفته فلفل عاقرقرحا
لبن یلتوع بازو وزن برابر سوده بسیه
مخلوط کرده بر دندان گذارند—

دوائی نافع از ضربان دندان صفت تخم حنظل
صبر برابر در ظرف سنگی با سرکه خمر و زیت بجوشانند
و قطره از آن در گوش متصل دندان متوجع بیندازند

دوائی نافع که اصلاح لثه و لوزتین مسترخیه
و متورمه میکند صفت فلفل سفید مثقال مر مثقال
شب دو مثقال مازو سبز دو مثقال سوده استعمال نمایند

دواء سرفه مستعمل جالینوس صفت افیون دو مثقال
تخم کاهو بست مثقال جندبیدستر هشت مثقال
سداب بستانی خشک چهارده مثقال تخم کتان
شانزده مثقال بیخ جاوشیر سی و شش مثقال
مر چهارده مثقال زعفران هفت مثقال سوده
بعسل بسرشند و بمقدار باقلا بدهند اگر تب
داشته باشد بآب بدهند والا بشراب —

دواء نافع نفث الدم تالیف اندروماخس
اقاقیا چهار مثقال ورق گلسرخ هشت مثقال
گلنار بری هشت مثقال مر دو مثقال بآب کتیرا
مثقال سوده اقراص سازند و یک مثقال بآب
فطر بدهند —

دواء نافع برای انقطاع صوت صفت
زرده تخم مرغ کنجد مقشر شیر تازه ملعقه نمایند

دواء ثقل زبان که موجب انقطاع صوت باشد
صفت پودینه انجیر خشک پخته صمغ عربی سوده
انداخته بیامیزند تا چون عسل شود لعوق نمایند —
دیگر مر زعفران سوده بعقد عنب سرشته لعوق نمایند

دواء دیگر زعفران جنطیانا نیم جزو عسل سه جزو
بپزند تا منعقد گردد پس حب بسته زیر زبان بگذارند

دواء دیگر زعفران سه نیم درم رب السوس کندر
درم سوده بعقد عنب یا بالعسل عقد نمایند —

دلوک نافع از ربو بلغمی صفت کندر یا بوره ارمنی
ملائم سحق نموده با پارچه گنده بر سینه و اضلاع
دلک سازند و با روغن یاسمین بر سینه و اضلاع
بمالند و شروع دلک بملائمت نمایند —

دواء نافع از ربو که از رطوبت باشد صفت
حرف کنجد هر یک سی درم زوفا خشک هفت درم
شربتی بقدر حاجت —

دواء که استعمال در ربو شد وقت اختناق و
ضیق النفس کند صفت بوره ارمنی چهار درم
حرف دو درم کوفته با پنج اوقیه ماء العسل یکبار بریزند
و این دوا عرق النسا را نیز نافع است —

دواء عجیب النفع از صرع و ام الصبیان صفت
عاقرقرحا نیم دو درم نیکو سحق نموده با سرکه درکهل
انداخته بمالند با عسل مصفی بست درم معجون سازند
و دو درم بآب گرم بست روز بنوشند —

دواء نافع از دردهای گوش و قروح آن اخلاط
هر یک مثقال کندر سه مثقال نطرون سه مثقال
زعفران چهار مثقال عصاره خشخاش دو مثقال
گلاب دو مثقال مغز بادام مقشر بست عدد
سوده بسرکه اقراص سازند و قدری با
روغن گل در گوش بچکانند —

دواء نافع از ریش سر کودک صفت مرداسنگ

خبث الفضه سفیداب قلعی هر یک چهار مثقال دم الاخوین ثیتبیل دو مثقال زراوند طویل مغز بادام تلخ سوخته هر یک مثقال زردچوبه گرفته بسرکه سرشته بمالند۔

دوای دیگر نافع از ضیق النفس صفته سورنجان انیسون هر یک نصف درم کوفته حل کرده با گلقند ده درم بنوشند۔

دوای دیگر نافع از ضیق النفس که بی نظیر ست صفته ترب پارچه پارچه کرده با عسل مصفی هموزن در دیگ گلی کرده بنحوی که نصف دیگر خالی ماند طبق گلی بر سرش گذاشته بآرد گندم و ماش یا بگل حکمت مستحکم کرده در تنور تمام شب بگذارند و سر تنور را بطبق آهنی بند کنند و صباح دیگ را برآورده مالیده صاف نمایند و هر روز دو ملعقه استعمال نمایند و استادی علویخان رحمة الله علیه بجای ترب چقندر و بجای عسل شکر طبرزد ترتیب مذکور تیار فرموده فائده کلی بخشیده۔

دوائی مجرب اطباء هند برای ربو و ضیق النفس صفته گندم در ظرف گلی مانند انگشت سوزانیده زردچوبه نیم وزن گندم مذکور نیم سوخته کوفته بیخته بگذارند و بیخ نیم ماشه بآب گرم یا بآب سرد بحسب مزاج اول روز بدهند و روز دیگر بمقدار حبه مانند چشم مرغ افزوده نمایند همین قسم تا پنجاه یک روز بعمل آرند۔

دوائیکه جالینوس برای نزول ماء در چشم تالیف نموده صفته زهرة گاو در آوند نحاسی تا ده روز بگذارند پس دوازده مثقال ازان گرفته زعفران روغن بلسان و جاوشیر هر یک دو مثقال فلفل دوازده حبه عسل خالص دو چند زهره همه را مخلوط کرده در آوند نحاسی بپزند و در ظرف نحاسی بگذارند۔

دوائی نافع از تاریکی چشم و از عشاء کسی را که از دور نه بیند و از نزدیک بیند و کسی را که آب در چشم جمع شده باشد صفته زهرة زاغ سیاه و زهره گرگ و زهره ضبع و زهرة جبل و زهرة بز هر یک دو درم عسل صافی سه درم روغن بلسان یک نیم درم چون سرمه بسایند و صبح و شام در چشم کشند۔

دوائی جید النفع برای عسر نفس که شیخ رئیس در قانون ذکر کرده صفته کلس العلق التی تحت الجزاء اذا احرق فی کوز خزف حتی ترمد فیخلط العسل مصفی و یستعمل کل یوم ملعقة۔

دوای سرفه مستعمل شیخ رئیس صفته پوست خشخاش مع تخم یک صد و پنجاه عدد و تخم کرفس جبلی سه رطل مویز قسم اول منقی زراوند چینی ورق گلسرخ اصل السوس محکوک گلنار هر یک سه رطل و در نسخه دیگر از هر یک سه اوقیه دارچینی سنبل الطیب یک نیم درم نرم کوفته در پنج حصه آب باران سه شبانروز بخیسانند و بآتش نرم بپزند تا ثلث آب باقی ماند پس مالیده صاف نموده صمغ عربی کتیرا هر یک رطل مرصاف نیم رطل رب السوس رطل سقطاقی زعفران هر یک درم همه را سحق بلیغ نموده بر مطبوخ آهسته آهسته بپاشند تا مخلوط شود پس بست چهار رطل سکنجبین بران ریزند و بآتش نرم بپزند تا بقوام شربت رسد

و در ظرف زجاجی نگهدارند۔

دواء ابولوقیوس نافع از هر سرفه و از هر ماده و امادۀ دبیله باطنی که سائل گردد صفته سکبینج خنطیا نام جاوشیر فلفل سفید هر یک مثقال حب الغار منقی چهار مثقال سحق نموده بآب سرشته اقراص سازند۔

دوائی از سرفه مانع که عارض اطفال شیر خوار میشود سببی که شیر مے اندازد و رنگ بوقت سرفه تیره میشود صفته آرد باقلا مثقال زردی بیضه پوست خشخاش رب السوس مغز بهدانه صمغ عربی کتیرا عصاره برگ بارتنگ عصاره برگ خطمی فانیذ هر یک دانگ مغز بادام شیرین مثقال کوفته بیخته با روغن بادام شیرین چرب نموده بشیر نیم گرم بوزن دو اوقیه بنوشند و مثقال لعوق نمایند اگر تپ داشته باشد عوض پوست خشخاش یک مثقال ترنجبین داخل کنند و اگر سرفه خشک باشد عصاره کبریت یک مثقال داخل کنند۔

دواء نافع از سرفه اطفال صفته صمغ عربی کتیرا رب السوس مغز بهدانه فانیذ وزن برابر کوفته بیخته بگذارند و بشیر مرضعه بدهند و اگر بلغم غالب داشته باشد جزوے از حلبه سحق نموده داخل کنند۔

دواء برای ورم لثه صفته مرجان سفید زهر مهره انجبار سفته هر یک ماشه بآب تاج خروس و آب برگ حنا سوده بر ورم بمالند۔

دواء سلعه صفته آب برگ چقندر آب برگ بارتنگ آب عنب الثعلب تازه آب برگ حنا هر یک پاؤ سیر تا هیره عنب الثعلب برگ نیم پرسیاوشان گل نیلوفر تخم مرد تخم نیوار هر یک دو توله در آبهای مذکور بجوشانند تا بنصف رسد بعد از آن روغن چنبیلی یک نیم پاؤ داخل کرده بجوشانند تا آب رفته روغن بماند۔

دواء از سرفه بلغمی اطفال صفته قرنفل وج نانخواه نمک برابر کوفته بیخته بمقدار یک برنج با شیر مرضعه بدهند۔

دواء نافع از سرفه که از ماده بارد غلیظ عارض شود و کف برنیاید صفته پودینه نهری پنج اوقیه مغز چلغوزه تخم انجیر هر یک اوقیه فلفل تخم کتان هر یک سه اوقیه بعسل مصفی بسرشند۔

دیاقوزا بارد که شیخ رئیس در قانون ذکر کرده نافع ست از سرفه گرم صفته پوست خشخاش تر ده عدد بآب باران پخته صاف نموده شکر سفید انداخته بقوام جلاب آرند و اگر پوست خشخاش تر یافته نشود خشک بگیرند و اگر از تخم خشخاش سیاه یا پوست این تیار نمایند و قدرے از بزر البنج سفید و چیزے از افیون افزود نمایند قوی گردد۔

دیاقوزا ساذج بابت جالینوس صفته پوست خشخاش ده عدد بآب باران تمام شب بخیسانند و جوش دهند و مالیده صاف نمایند و بقانید قوام دهند۔

دیاقوزا مرکب نافع از سرفه خشک و مانع نزلات حاره صفته پوست خشخاش با تخم بست عدد تخم خطمی کتیرا صمغ عربی تخم خبازی بهدانه هر یک پنج درم اصل السوس نیم کوفته اسبغول از هر یک بست درم در شش رطل آب باران دو شبانروز بخیسانند و بآتش ملائم بپزند تا مقشر اشود

وآب بنصف رسد بقند دو رطل یا سنجبین یا یک رطل
عسل یا یک رطل سنجبین بهتران ست که عوض این
همه شکر سفید باشد قوام کنند —

دیاقوزا مرکب نسخه سرابیون واین نسخه در ابتدا
نزله حار استعمال توان کرد صفته خشخاش سفید
مع پوست بست درم خشخاش سیاه با پوست
ده درم تخم خباری کتیرا صمغ عربی تخم خطمی بهدانه
هر یک پنج درم و پنج رطل آب باران یک شبانروز
بخیسانند و بپزند تا بنصف رسد وشکر سفید
یک رطل فانید یک رطل دران آب صافی انداخته
بقوام آرند —

دیاقوزا نافع از سرفه خشک واز سل ومانع نوازل
وکثرت نفث واز سرفه که در شب شدت نماید صفته
خشخاش سفید وسیاه مع پوست برابر صد درم
تخم کاهو بزر البنج برابر وزن سی درم در پانصد درم
آب باران بپزند تا دوصد درم آب بماند پس صاف
نموده پنجاه درم لعاب اسبغول وصد درم سنجبین بقوام
جلاب آرند —

دواء جالینوس نافع از خروج دم کثیر همراه سرفه
صفته کندر دم الاخوین هر یک دو درم نشاسته
گل مختوم هر یک مثقال زاج سفید گلنار هر یک چهار دانگ
کوفته بیخته سه درم با یک قیراط افیون ویک قیراط
بزر البنج دو دانگ از سنبل دواء مذکور استعمال نمایند
دواء قابض نافع نفث دم که از انشقاق عروق باشد
صفته گل مختوم کهربا هر یک سه درم گل ارمنی دو درم
شب یمانی زعفران هر یک یک نیم درم کوفته بیخته
دو درم از ان صبح و دو درم بوقت شام استعمال نمایند
دوای رازی نافع از نفث الدم صفته گل ارمنی
صمغ عربی گلنار دم الاخوین کندر برابر وزن با آب به
وآب سیب تناول نمایند —

دواء نافع از نفث الدم که با حرارت و درد سینه
باشد صفته تخم خشخاش سفید حب الاس نشاسته
برابر وزن کوفته بیخته با آش جو که در دواء کا ریخته باشند
استعمال نمایند —

دواء نافع از سل وقت خشکی سینه وبجهت صوت
صفته آب شعیر بگیرند با شکر یک اوقیه روغن
بادام شیرین یا روغن کدو دو مثقال اول نهار
بنوشند بعد سه ساعت آش جو که در وی سرطان
پخته باشند و شیر تازه دران حل کرده باشند
و روغن بادام دران انداخته باشند بنوشند
و در شب وقت خواب لعاب اسبغول صمغ عربی
کتیرا بنوشند —

دواء برای [illegible] [illegible] باشد که
ناشته یک [illegible] چهار ماشه [illegible]
[illegible]
[illegible] بنوشند —
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

و برای طفل ربع وزن این —
دیگر مروارید ناسفته گل لاله لک مغسول هر یک یا شه سفوف کرده دهند و برای قبض گل داغستانی یک ماشه داخل نمایند —
دواء نافع از تپ کهنه صفعته تخم کاسنی مقشر کرده مقدار یک توله در جهولی انداخته عرق عنب الثعلب و عرق کاسنی هر یک دو توله گلاب پنج توله در جهولی انداخته بطریق کوکنار بچکانند تا عرقهای چکیده شود باز آن عرقهای چکیده را بالا آتش کنند و تا هفت بار همین عمل مکرر کنند پس دران آب سکنجبین نیز و سه بار دو دو توله داخل کرده بکار برند —
دواء حلو فی جالینوس گفته که ازین دوا معالجه کرده ام بکسی که در شش او قرحه بود صفعته سنبل الطیب تلخ چهار مثقال چهار هشت مثقال ساذج هندی چهار مثقال کندر سه مثقال سنبل هندی سه مثقال اذخر مکی ده مثقال مرصافی چهار مثقال سلیخه هشت مثقال دارچینی ده مثقال خلط السافج چهار مثقال لسان ثور مثقال عصاره برنج پنج مثقال مصطگی سه مثقال زعفران شش مثقال این ادویه را جمع کرده بخیر کو گرفته با ماء العسل و شراب شیرین نیز دیک شکرچه گرفته و مغز حلغوزه بسته دانه سوده بنیدازند و مخلوط نمایند و یک شبانه روز از ان خیسانده بنوشند و بامداد دواء سه روز بنوشند و بعد ازان ایارج که از صبر گرفته باشند یک ملعقه در یک روز با آب بنوشند دواء دوا است که در قصبه شش علت داشته باشد

بشیر زنان استعمال نمایند —
دواء المسک مروارید ناسفته کهربا بسد ابریشم مقرض زرنباد درونج عقربی زعفران هر یک دو و نیم توله بهمنین سنبل الطیب قرنفل ساذج اشنه جند بیدستر قاقله صغار از هر یک ربع کم از دو توله دار فلفل نیم توله زنجبیل توله مصطگی ربع کم توله مسک توله و ربع عنبر توله نبات سی و شش توله عسل مصفی آتش ندیده دو وزن ادویه از انقضاء یکدو ماه ثلث معجون دواء المسک بدوا بنقش اعلی مزوج سازند و برای ہم تجویز کرده اند این نسخه بخط حکیم مسیح الزمان تصحیح یافته —
دواء المسک تلخ افسنتین چهار توله و هشت ماشه راوند چینی چهار توله هشت ماشه زعفران دو توله سه ماشه مشک خطائی یک توله دو ماشه صبر سقوطری چهار توله هشت ماشه نانخواه چهار توله هشت ماشه تخم کرفس دو توله چهار ماشه ساذج یک توله دو ماشه هر یک توله دو ماشه جند بیدستر هشت ماشه عسل خام یک سیر اکبری —
دواء المسک نافع از وسواس که از احتراق خلط صفراوی پیدا شده باشد صفعته مصطگی زعفران مشک هر یک یک درم و نیم افسنتین بادرنجبویه افتیمون هر یک سه درم عود خام مشک زرنباد درونج هر یک پنج درم مروارید کهربا ابریشم خام هر یک شش درم صبر حیل [illegible] درم گرفته بعسل معجون سازند شربت مثقال با عرق [illegible] گرم باشد —
دیگر سلیل ساذج مشک جند بیدستر مرکی هر یک

بست درم زعفران تخم کرفس اسطوخودوس
هریک چهار درم صبر زرد افسنتین هریک هشت
درم ریوند چینی شش درم عسل سه وزن ادویه
شربت مثقال ـ

دواء المسک معتدل مروارید نیم درم کهربا
یکدرم گلسرخ طباشیر کشنیز گاؤزبان هریک دو درم
مشک ربع درم زرنباد یک درم شربت سیب دو درم

دواء المسک بارد نافع از خفقان و غشی صفت
کهربا بسد مروارید ورق گلسرخ هریک درم تخم خرفه
بوداده کشنیز گاؤزبان آمله مقشر هریک سه درم
ابریشم مقرض صندل سفید هریک دو درم زعفران
یک درم مشک نیم درم قند سفید سه چند ـ

دیگر نافع از خفقان و دافع ضعف دل صفت
ورق گلسرخ طباشیر کشنیز کهربا هریک جزوی مروارید سفته
نیم جزو مشک سدس جزو نبات سه وزن ادویه
که بآب سیب ترش حل کرده باشند دو سه برگ
ترنج و برگ سیب انداخته بقوام آرند و از آتش
فرود آورده ادویه بدان بسرشند ـ

دواء المسک حار درونج پنج ماشه بهمنین
سادج سنبل قاقله هریک ده ماشه قرنفل دو دانه
زرنباد زنجبیل دارفلفل جند بیدستر هریک پنج ماشه
بعسل مصفی معجون سازند ـ

دوائی که منع سرخجه سبب سرکند صفت آب
برگ چقندر ده توله برگ سدر توله عصاره
لحیته التیس توله برگ درخت مغیلان توله صندل سرخ

توله اقاقیا توله آب پاک ده توله همه را یکجا کرده بجوشانند
تا نصف بماند مالیده صاف شوده روغن چنبیلی ده توله
داخل کرده چندان بجوشانند که آب رفته روغن بماند
در شیشه نگاه دارند بوقت حاجت بسر مالند ـ

دواء نافع از کلف صفت صندل بست درم مروارید
یک هفته متصل در آب لیمون لبا بشند و هر روز تازه
اول در سایه خشک کنند باز به آب لیمون لبا بشند
تا هفته همچنین کنند بعد آن قرص ساخته نگاه دارند
هر روز یک قرص بآب گل خطمی حل کرده شب به
کلف بمالند صبح بآب سبوس گندم و گل خطمی بشویند

دواء نافع از سعفه صفت مغز تخم کدو مغز بادام مغز
تخم هندوانه بریان سفیداب کاشغری هریک توله
مرداسنگ سه ماشه دم الاخوین توله تخم بوارسه ماشه
موم پاکیزه یانی سه توله آب برگ حنا ده توله داخل
کرده کهرل نمایند تا چون مرهم شود پس بعمل آرند ـ

دواء المسک حار نافع از وسواس و جنون که از
خلط سودا باشد صفت زرنباد درونج هریک نیم درم
مروارید کهربا بسد هریک سه درم بهمنین سرخ
سنبل قاقله قرنفل باشد جند بیدستر هریک یکنیم
درم ابریشم خام شش درم زنجبیل دارفلفل هریک
درم مشک نیم مثقال کوفته بیخته بعسل معجون سازند
شربت دو درم با یک اوقیه شراب ریحانی یا با عرق گاؤزبان

دواء المسک بارد عنبری صفت ابریشم مقرض
صندل سرخ و سفید گل ارمنی گل گاؤزبان آمله مقشر
طباشیر سفید مروارید ناسفته کهربا فیروزه نیشاپوری

کوفته بیخته سه وزن ادویه رب به شیرین سرشته
و دو نیم مثقال عنبر اضافه نموده ورق طلا ورق نقره
هر یک چهل عدد مخلوط ساخته بکار برند —

دوائی که از وزن راحل باز صمغ زعفران حماما
سنبل اکلیل الملک هر یک سه درم ساذج هندی دو درم
قردمانا هشت درم شحم البط و شحم الدجاج شمع هر یک
بیست درم روغن سنبل دو درم خشک کوفته بیخته
یکجا گداخته با یک بیضه مرغ مخلوط کرده بعد طهر برداشتن
نافع بسیار است —

دواء دیگر سنبل زعفران مصطکی میعه سائله هر یک
دو درم ساذج هندی درم موم هشت درم روغن
سنبل بمقدار حاجت موم را به روغن مذکور گرم کنند
بباقی ادویه مدقوقه مخلوط کنند و استعمال کنند بعد طهر

دواء دیگر مقل چهار درم روغن بلسان دو درم میویزج
جاوشیر پنج نرگس هر یک درم عسل نانخواه درم اول مقل را
خمیر کنند و بباقی ادویه مدقوقه مخلوط سازند بعده آن
روغن بلسان بر آن بچکانند استعمال کنند بصوفه —

دواء نافع از ذیابیطس و جریان بول از حرارت مثانه
مقوی و مبهی صمغ طباشیر بیخ مرغ و صمغ [illegible]
خصیة الثعلب مصری کثیرا صمغ عربی تخم بالنگو تخم
خرفه [illegible] هر یک تولہ مغز تخم کدو مغز تخم خیار دانه مغز
چلغوزه مغز پسته مغز حب الصنوبر هر یک دو تولہ مغز
بادام شیرین [illegible] هر یک سه تولہ ورق طلا
ورق نقره عنبر اشهب هر یک شش ماشه [illegible]
نبات سفید ده تولہ [illegible] شیرین [illegible]

رب به سیب شیرین عسل مصفی گلاب عرق بید مشک
ماء اللحم ساده هر یک دو تولہ بدستور مرکب نمایند و شش ماشه
بماء اللحم پنج تولہ بنوشند —

دواء از شقاق پاشنه صمغ بارزد سفر کوفته بیخته
به پیه بز گداخته بشگاف پر کنند —

دیگر اسفیداج قلعی اسفیداج اسرب بروغن سندروس
سرشته بشگاف پر کنند لیکن باید که اول پا را بشویند —

دیگر شلغم پاره کرده بروغن جوش داده ضماد نمایند —

دیگر از شقاق انگشتان صمغ پنج بسفایج و بسفایج
سوده بشگاف پر کنند محمد زکریا گفته که مالیدن
روغن شقاق را نافع است خصوص پیه ناف اسپ است

دواء دیگر نافع از سقوط طفل اگر از رطوبت رحم باشد
صمغ درونج عقرب زرنباد جند بیدستر حلتیت
مشک تخم دانه ایهل نانخواه سفر طباشیر هر یک درم
زنجبیل دو درم کوفته بیخته یک درم با آب بنوشند —

دواء درد گرده دور کند آن بول حار است [illegible]

دواء حابس از خون شریانی صمغ کندر اقاقیا
گلنار صمغ عربی دم الاخوین انزروت شب قلقطار
صبر کوفته بیخته با سفیده تخم مرغ سرشته بعمل آرند —

دواء دیگر شب یمانی سه درم سماق زعفران
عود هر یک سه درم عسل بمقدار حاجت کوفته بیخته
مخلوط نموده استعمال کنند بصوفه —

دواء دیگر پنیر مایه خرگوش و پیه خرگوش عسل با
نیکو سحق نموده بر صوف گرفته بعد طهر استعمال کنند
و پیه الوره نافع است و صمغ سنبل [illegible]

[illegible]

زعفران دارچینی حب بلسان مر هریک درم ورق
گلسرخ هفت درم با سکنجبین بقوام آرند شربتے
دو درم بآب کاسنی و رازیانه۔

دوائے معطس صفته کندش فلفل عاقرقرحا زنجبیل
نوشادر نطرون صبر دارچینی مشک مرزنجوش خربق سفید
جندبیدستر هریک برابر کوفته بیخته در بینی بدمند۔

دوائے معطس نافع لقوه و جمیع امراض بارده دماغی
صفته عاقرقرحا سه درم کندش چار درم برگ دفلی
که دود تنور رسیده شش درم صعتر زعفران
زراوند طویل هریک نیم درم بکار برند و در نسخه عوض
زعفران درم الاخوین ست۔

دوائے نافع از درد کهنه گوش صفته خربق سفید
مرکند رافیون زعفران هریک چهار درم جندبیدستر
سه درم قلقند پنج درم فلفل بادام تلخ هریک دو درم
عصاره حصرم شب هریک چهار درم مر و افیون و کندر
و جند در سرکه که در آن پوست انار جوشانیده باشند
بخیسانند چون نهرا شود ادویه مذکوره سحق نموده بینداز[ند]
و مخلوط سازند یک درم از دیا روغن ناردین
در گوش بچکانند۔

دوائے نافع از دوی و طنین که از برودت باشد
صفته برگ صنوبر زوفا خشک حب الغار برابر بیکو
طبخ نموده صاف کرده در گوش اندازند۔

دوائے قاطع رعاف صفته کاغذ سوخته پوست بیضه مرغ
سوخته اقاقیا هریک دو درم کوفته بیخته بآب فتیله
ساخته در بینی بگذارند۔

دوائے نافع از قرحه بینی و ناسور بینی و ناسور گوشه چشم
صفته نوشادر اشق هریک ده درم براده نحاس مرخ
قلقند قلقطار سوخته زاج سوخته توبال نحاس
هریک پنج درم در ده رطل سرکه بخیسانند و در ایام
صیف در آفتاب نهند و از نحاسی هر روز حرکت
دهند تا سرکه خشک شود وقت حاجت فتیله
آلوده کرده بگذارند۔

دوائے نافع از ثقل زبان صفته نوشادر عاقرقرحا
فلفل خردل برابر سوده زیر و بالاے زبان بمالند۔

دوائے نافع از ورم لهات صفته حلتیت دو نیم درم
شب یمانی درم سوده بعسل سرشته ریشه آلوده بلهات
رسانند۔

دوائے نافع از قلاع صفته شیاف مامیثا طباشیر
برگ بارتنگ زرورد طلیله زرد گلنار برگ زیتون
مائین کلان شب یمانی برابر کوفته بیخته در دهن بپاشند

دوائے نافع از جوشش دهن صفته مرجان سفید
کات شسته طباشیر سفید زرورد کبابه برا[illegible]
بآب تاج خروس سرشته بمالند۔

دوائے نافع از ناسور لثه صفته بیخ سوسن ۲ قرحا
هریک درم شب گلنار عفص سماق هریک دو درم
سوده بپاشند۔

دوائے نافع از فواق که از ریح غلیظ باشد صفته
سداب نانخواه برابر سوده بشراب بپزند تا نصف
رسد یک اوقیه ازان بنوشند۔

دوائے نافع از بثورا دهن مرکب سود القنیه و تراشیدگی

رود پشت با مرض صفته زرشک چهار مثقال
جندبیدستر جدوار هر یک نیم نخود سوده بگلاب سرشته
بنوشانند رازیانه انیسون یک مثقال عود الصلیب
درم عود قماری آمله خشک یک دانگ سوده
بسکنجبین بزوری معتدل سرشته بخورانند۔

دواء نافع کسے را که عرق بسیار از سر او باشد
صفته اطریفل کشنیزی مثقال بخورد بعد آن
شیره تخم کاسنی سکنجبین افتیمونی پنج مثقال قرص
زرشک مثقال سوده عرق شاهتره عرق کاسنی
هر یک پنج توله بنوشند۔

دواء نافع از درد شکم که از برودت معده باشد
صفته جندبیدستر تخم کرفس زنجبیل زراوند مدحرج
وج برابر کوفته بیخته یک مثقال ازان بنوشند۔

دواء برائے آبله ها کے که بعد سوختن بر می آیند
صفته کنجشک در ظرفے سوزانیده تا سیاه شود
پس سائیده بکار برند۔

دواء نافع از فواق که از خشکی معده باشد صفته
آب گرم بروغن بنفشه بنوشند۔

دواء فواق مخترع فقیر صفته پودینه زیره سیاه
انیسون بادیان هر یک چهار ماشه جوشانیده
صاف نموده اندک اندک بنوشند۔

دوائیکه قطع قے صفراوی کند صفته زرشک
دانه انار ترش سماق هر یک جزو طباشیر گل سرخ
دانه انگور ترش هر یک نیم جزو پوست بیرون پسته
نیم جزو کوفته بیخته دو درم با آب سیب یا شربت انار

منعنع استعمال نمایند۔

دواء نافع از قے بلغمی و سوداوی صفته
ورق گل سرخ چهار درم عود خام مصطگی سنبل
نعنع پوست بیرون پسته قرنفل قرنفل زرشک بریده کرده
منقوع بسرکه خمر و آب سیب هر یک دو درم زرشک
سه درم سوده دو درم بهیبه بنوشند۔

دواء مومیائی کافور از هر یک جزو صبر کجراتے
یک نیم جزو در روغن نموده قدر حشفه بنهند۔

دواء نافع از قے بلغمی و از قے که بسبب بلغم و صفرا
باشد که بکرر بتجربه فقیر در آمده صفته طباشیر هشت ماشه
دانه هیل چهار ماشه فلفل دراز دو ماشه دارچینی
یک ماشه نبات سفید شانزده ماشه کوفته بیخته
نه حصه نمایند و تا نه روز بعمل آرند هر حصه را بایک
توله عسل یا بسکنجبین ساده یا بسکنجبین لیموئی استعمال نمایند

دواء نافع از قروح امعاء و فواق صفته
بزر قطونا مرو تخم بقله بارتنگ تخم ورد تخم خطمی
هر یک پنج درم بریان نموده درست گذاشته
طباشیر نشاسته صمغ عربی بریان هر یک ده درم
گل ارمنی پنجاه درم سوده با تخم ها مذکور مخلوط
کرده سه درم از و بعمل آرند۔

دواء نافع استحاضه است صفته تمر هندی
صمغ عربی نبات سفید برابر سوده شش ماشه
بنوشند۔

دواء مفتت سنگ گرده و مثانه صفته اسارون
مو قوفطر اسالیون هر یک دو درم وقووج حب بلسان

تخم کرفس انیسون کتیرا ہریک درم سودہ بیختہ شربت
باب پرسیاوشان بنوشند۔

دوا۔ کہ باہ را زیادہ کند و بدن را تر و تازہ دارد
صفتہ شقاقل تخم جرجیر تودری سرخ و سفید بہمن بیض
ہریک دو درم فلفل دراز سہ درم لسان العصافیر
کلنجن تخم پیاز تخم شلغم تخم ہلیون تخم گزر مغز چلغوزہ
ہریک دو درم کوفتہ بیختہ بروغن جوز ہندے
لت کردہ بعسل معجون سازند۔

ذرور صدف کلان سوختہ شادنج ہریک درم
سودہ در چشم بپاشند جفرہ مزمنہ مملو شود۔

ذرور بین برای بیاض چشم کف دریا درم شکر طبرزد۔

دوا۔ نافع از درد رحم دو درم آن صفتہ حلبہ در آب
بجوشانند و چند مرتبہ بشویند و بیزند و پارچہ را
در لعاب آن بپارچہ بر آوردہ پیہ بط و دجاج گداختہ
بر پارچہ مذکور گذرانیدہ پیہ و لعاب باہم مخلوط کردہ
بگذرانند وقت حاجت اول صوف را بروغن گل
تر کردہ بدوا۔ مذکورہ آلودہ کردہ در رحم گذارند۔

دوا۔ نافع از سیلان مدہ و سدید از رحم صفتہ
گل سرخ چہار درم تخم کاہو نشاستہ ہریک درم زعفران
دو درم کوفتہ بیختہ بلعاب و روغن گل و شیر زنان سرشتہ
صوف بدان آلودہ کردہ بگذارند۔

دوا۔ مدر حیض صفتہ لوبیا سرخ سی درم مشکطرامشیع
فراسیون ہریک چہار درم پودینہ دہ درم فوہ چہار درم
ہمہ را با پنج رطل آب بجوشانند تا یک رطل بماند صاف
نمودہ سہ اوقیہ از ان با فندیکدرم بنوشانند۔

دوا۔ نافع از حرق آب گرم جو سوختہ با زردی
بیضہ مرغ سرشتہ بمالند۔

دوا۔ نافع از حرق روغن سفیدی بیضہ مرغ
در قارورہ انداختہ اول قدرے روغن بیندازند
و بالا قدرے سفیدہ کاشغری بیندازند و حرکت دہند
تا چون مسکہ شود۔

دوا۔ برای حرق آتش موم یک تولہ بروغن بنفشہ
یا روغن گل دہ تولہ گداختہ قدرے سفیدہ و قدری
مردار سنگ و زردی بہای سہ بیضہ و دماغ مرغ و جزوی
از اشرح در ہاون انداختہ نیکو سحق نمودہ اندکے
کندر ہم بران افزودہ چون مرہم سازند۔

باب الذال

ذرور اصغر نافع از بقایا رمد کہ عارض اطفال باشد
صفتہ انزروت شش درم شیاف مامیثا سہ درم
صبر دو دانگ۔

ذرور سفید کافوری نافع از گرمی چشم در رمد خفیف
صفتہ صدف سوختہ مروارید ناسفتہ ہریک دو درم
نشاستہ درم کافور دانگ۔

ذرور سفید نافع از رمد حدیث صفتہ انزروت
پنج درم نشاستہ دو درم شکر طبرزد صمغ عربی
ہریک درم۔

ذرور نافع از سفیدی چشم صفتہ سرطان بحری
اقلیمیا طلا اشک ضب شیخ سوختہ کف دریا ہریک
جزو کوفتہ بیختہ بحریرہ گذرانیدہ در ہاون نرم کردہ
بگذارند۔

ذرور نافع از بیاض صفته کف دریا اقلیمیا ذهبی سرگین سوسمار ہندی تقوارت مرجان عین السرطان ابهم نمک ہندی ہریک دو دانگ مرقیشا دانگ سرمه اصفهانی دو دانگ شادنج مغسول مروارید ناسفته مکه نیم مثقال زنگار نوشادر دارفلفل قرنفل سنبل پوست تخم مرغ مکه دانگ ونیم مامیران طوطیا ہندی ہریک دو دانگ کوفته بیخته صبح وشام بکار برند—

ذرور کہربا دم الاخوین حب الآس شیح ارمنی ہریک ماشه کوفته بیخته ذرور نمایند لیکن این ذرور را بعد استعمال کردن آن منقے سافج ہندی عاقرقرحا نمک لاہوری ہریک شش ماشه بسرکه وگلاب جوشانیده صافی کرده یک قهوه خوری ازان گرفته گیرد دو ماشه نیلا تهوتهه بریان یک ماشه سوده داخل کرده بردندان که ریزه ریزه میشود بمالند وبقیه را بسرکه وگلاب بعد یک گهڑی لبشویند ویک گهڑی دیگر صبر کرده این ذرور بردندان بپاشند—

ذرور نافع از بیاض چشم صفته کف دریا انزروت شکر طبرزد ہریک جزو بورق ربع جزو—

ذرور نافع از جرب وثقل وغلظ اجفان صفته زرده تخم مرغ در آفتاب خشک کرده انزروت سفید مربے بشیر خر چهار درم مرمامیران ہریک نیم درم زعفران شیاف ماميثا ہریک دو دانگ—

ذرور صدف کلان سوخته شادنج یک درم سوده در چشم بپاشند حفره مزمنه ملو شود—

ذرور بن برای بیاض چشم صفته کف دریا درم شکر طبرزد دو درم—

باب الرا

رب اسیب نافع از صفرا وجوش خون واطلاق شکم وقے آب سیب در دیگ سنگین بپزند تا بربع رسد

رب ریباس نافع از اطلاق شکم وقی شدید وتپ گرم

رب حصرم نافع از صفرا وتشنگی وتپهای گرم آب حصرم در دیگ بآتش ملائم بپزند تا بربع رسد—

رب ریباس در دیگ سنگی بجوشانند تا بنصف رسد پس شکر سفید نصف آن بیندازند وقدرے زعفران انداخته بگذارند—

رب توت نافع از درد حلق واز خوانیق صفته توت شامی تلخ کوفته آب او گرفته بآتش بپزند تا بنصف رسد پس از آتش فرود آورده پنج حصه ازان گرفته واز مثلث سه حصه گرفته مخلوط کرده بآتش ملائم بپزند تا بثلث رسد پس از آتش فرود آورده مرد شب یمانی سوده انداخته بپزنند تا مستوی شود—

رب اجاص نافع از تپهاے گرم که با قبض شکم باشد صفته اجاص تلخ وشیرین از دانه پاک کرده در دیگ انداخته آب شیرین بالای آتش بقدریکه او را بپوشد بیندازند وجوش دهند واز آتش فرود آورده سرد کنند وبیفشارند وباز بپزند تا به ربع رسد—

رب خشخاش نافع از نزلات سه سیر خشخاش سفید باحب کوفته در چهار حصه آب که شش رطل میشود

بجوشانند ودر دیگ انداخته بپزند واز آتش فرود
آورده سرد کنند پس مالیده صاف نموده سه رطل
ویک نیم رطل عسل انداخته بپزند تا چون لعوق شود۔
رب خشخاش دیگر نافع از نزلات
خشخاش کلان سفید معه دانه نیم کوفته در ده رطل آب
یک شبانروز بجوشانند و بپزند تا بنصف رسد پس
سرد کرده بمالند وصاف نمایند وسه رطل ازان
بگیرند ویک نیم رطل منجیح ویک نیم رطل شکر طبرزد
باعسل بپزند تا چون لعوق شود۔
روغن قسط آس سه درم قسط گرفته برگ آس تر
بست چهار رطل کوفته یک شبانروز در آتش ملائم
بپزند تا آب رفته روغن بماند۔
روغن راحب مخترع مرحومی واستاذ الحکما
حکیم عماد الدین محمود صفته جدوار خطائی زنبق زرنباد
کندر هریک دو ماشه زراوند طویل سه ماشه مرمکی
چهار ماشه صبر سقوطری بست ماشه برگ کرفس نیم ماشه
مقل ازرق دو ماشه سکبینج چهار ماشه جاوشیر دو ماشه
حلتیت دو ماشه عاقرقرحا سورنجان جوزبوا جندبیدستر
هریک دو ماشه شنجرف چهار ماشه مرداسنگ دو ماشه
زفت صابون رومی نیم ماشه آب لیمو بنه تر نیم ماشه
سکبینج دو ماشه روغن سوسن ده ماشه روغن گل سرخ
ده ماشه روغن بابونه ده ماشه روغن قسط ده ماشه
روغن سداب ده ماشه روغن زیتون ده ماشه
موم زرد ده ماشه علی الرسم روغن کنند۔
روغن مصری مخترع استاذی صفته

روغن بادام تلخ طوطیا هندی صبر سقوطری
در هاون باهم روغن سازند۔
روغن مخترع نافع از درد بهر جا که باشد صفته
عنب الثعلب چوب چینی گل بنفشه بیخ بنفشه گل بابونه
گل خطمی بیخ سوسن معروف ایرسا اصل السوس
هریک توله جوشانیده صاف نموده روغن کنجد
پاو سیر انداخته بجوشانند تا آب رفته روغن بماند
دیگر مغز بادام تلخ سوخته طوطیای هندی زنگار صبر سقوطری
در هاون کرده آنقدر بمالند که یکسان شود روغن سازند
روغن گوگرد جهت جرب وقوبا وخارش بدن
صفته گوگرد زرد کوفته بیخته در چهار سیر
روغن دنبه تازه بیامیزند و پارچه کرپاس را این روغن
چرب نموده فتیله کنند و فتیله را روشن کنند وظرفی را
زیر او نگاهدارند و هر روغنیکه از فتیله بچکد در ظرفی
بگیرند و بکار آرند و بر قوبا وجرب بمالند که نهایت نافع است
روغن نافع برای سستی قضیب صفته
زهره گاو نر خشک کرده یک عدد زهره خرگوش
خشک کرده یک توله عاقرقرحا توله کبابه توله فلفل گرد
نیم توله جندبیدستر نیم توله پیاز نرگس ده عدد حرف
توله میعه سائله توله تخم انجره توله روغن بلسان سه
توله تخم کرفس توله خراطین خشک کرده اگر از دهن
برآمده باشد بهتر والا از هر قسمی که بهم رسد ده عدد
زرنیخ سرخ توله نمک سنگ توله سیاه دانه نیم توله
مومیای توله فرفیون توله مشک نیم توله همه ادویه را
ریزه ریزه کرده وخشک نموده در شیشه انداخته

و گل حکمت نموده بطریق چوده بچکانند و قضیب
گذاشته بمالند و یک برگ تنبول پیچیده بالاے
او پارچه تنک پیچیده گذارند تا یک پاس و از
آب سرد هفت روز پرهیز کنند —

روغن مجرب که بر محاسن مالند منع موی سفید
کند و سیاهی مو نگاهدارد صفته روغن پنبه دانه
روغن مورد روغن آمله از هریک چهل مثقال
سعد کوفی سلیخه رومی سنبل الطیب شونیز قرنفل
تخم حنظل قسط تلخ عود هندی فقاح اذخر مکی
قصب الذریره اسارون پوست جوز تر از هریک
هفت مثقال کوفته بیخته با آن سرشته بجوشانند
و هر روز بر محاسن بمالند —

روغن نافع بواسیر منقول از خط شاه قاسم
علیه الرحمة صفته مقل ازرق سه ماشه افیون دو ماشه
عصاره لحیة التیس دو ماشه نیم کوفته با آب برگ گندنا
نیم ماشه در هاون بدستور بمالند تا هموار شود تخم
بزرک پنج درم سر بفشه دو ماشه گل خطمی سفید
ماشه گلنار فارسی کوفته بیخته پیه مرغ ده ماشه پیه فار
ده ماشه موم پنج ماشه غیر مستعمل پیه روغن گاو گداخته
ادویه را با آن ممزوج نموده در هاون بدستور
سرب بمالند تا هموار شود و استعمال کنند —

روغن رال در ازاله اورام حاره و اورام بارده
هر عضو خصوص اورام قضیب و خصیه و استسقا
و بجهت قوبا و شقاق و بجهت دفع الواع بثور خصوص
بثور سعه و بجهت اندمال جروح ا[illegible] قروح اولی

بنهایت مفید و مجرب ست صفته روغن کنجد
بست مثقال رال ده مثقال موم مصفی ده مثقال —

روغنیکه قضیب را قوت عظیم دهد صفته
بیخ کنیر سفید که آنرا در فارسی خرزهره و بعربی دفلی
گویند و آن بر دو گونه است یکی آنکه گلش سرخ باشد
و آن بسیار ست و دوم آنکه گلش سفید باشد
آن قلیل یافته میشود لیکن نافع درین هر دو نوع
اخیر ست و چربی سانڈه که در هند معروف ست
و خراطین و بیربهوٹی همه را یکجا کرده در نیم پاو شراب
دو آتشه در ظرف سفال نگاهدارند بعده بطریق
چوده بگیرند و بعد بست و یکروز استعمال نمایند —

روغن مقوی صفته زرنباد آمله زنجبیل سعد
سنبل پوست ترنج حب الآس بالنگو مصطکی زوفا
عود عرقی قرنفل کندر سنج پودینه اکلیل الملک
فرفیون جند بیدستر قسط انیسون کرفس زعفران
حب الغار کبابه عنبر لادن مشک عنبر هریک تولہ
عاقرقرحا سداب هریک تولہ در شانزده حصه آب
مطبوخ نموده وقتیکه نصف باقی ماند در شش من
ادویه روغن چنبیلی داخل کرده بپزد تا روغن بماند

روغن زرنباد شیره زرنباد ادرک هریک
ده تولہ جوز بوا بسباسه دارچینی الایچی هریک تولہ
دو اله تولہ بادام پسته بادام فرنگی چلغوزه جل خشک
هریک ده تولہ زرنب دو تولہ ابریشم تولہ در پنج تولہ
اسارون سلیخه قسط تلخ قرفه سعد اذخر مصطکی
هریک دو تولہ اگر عرقی چهار تولہ سنبل بادیان

انیسون نانخواه اکلیل الملک بابونه حماما سافج
زنجبیل فلفل دار فلفل هریک توله گلسرخ چار توله
حب الغار نه ماشه فرفیون عنبر لادن توله سداب
نه ماشه جند توله عطرکرنه فواکه را مبهنی ساز دو یا لبسات
را در شانزده برابر آب جوش دهد تا ثلث بماند
روغن سرشف روغن کتان روغن کنجد روغن زیتون
برابر وزن مجموع ادویه را داخل کرده بجوشانند
تا روغن بماند اندک عطرکرنه و زعفران و مشک اندازند
روغن نافع از صداع کهنه بارد صفته روغن شبت
روغن قودنج روغن مرزنجوش روغن شبح و تمام
و روغن سداب و روغن ورق الغار بابونه بیخ تفاح
افیون زعفران مرکی همه یکجا نموده جوشانیده صاف
نموده بیندازند روغنها همه یک یک جزو
دیگر ادویه ربع جزو۔
روغن که موی سیر د صفته ساجی آبک آب
نادیده یک جزو و زرنیخ ده جزو در آب که چهار انگشت
بالا ماند یک روز بگذارند و آن آب بریزند و دیگر
آب بدستور بیندازند باز بعد یکروز آب بیندازند
و دیگر آب برسرش کنند و بعد یکروز باز و دو کنند
پس هر روغنی که باشد جزو ادویه سه جزو آمیخته
بپزند تا روغن بماند و چون مو دور شود زعفران
و گلاب آمیخته موضع مو بشویند۔
روغن مقوی دماغ صفته مغز کشمش انجیر
هریک پاو سیر مغز پسته چار مغز تخم خیار مغز تخم خربزه
هریک نیم پاو تخم کرفس انیسون هریک توله اسطوخودوس

بادام بابونه هریک دانه بادیان توله مصطگی دوام
حب فلفل دو دام سنبل توله گلسرخ پنج دام گل بنفشه
دام فواکه را یکجا کرده سحق نموده در بست چهار برابر
آب طبخ داده جدا نگاه دارند و ادویه یابسه را در
بست چهار برابر جوش دهد تا نصف بماند با طبخ اول
یکجا کرده روغن بادام پنج دام روغن نیم سیر روغن کتان
دو دام روغن سرشف پنج دام روغن کنجد روغن زیتون
پنج دام روغن مالکنگنی پنج دام داخل نمایند و بجوشانند
تا روغن بماند صاف نموده بکار برند۔
روغن گلسرخ دو دام زرنباد کرفس حماما اکلیل الملک
سافج هریک دام آمله نصف وزن همه در بست چهار
برابر آب بپزند تا ثلث بماند روغن کنجد چهار دام
داخل کرده بجوشند تا روغن بماند وقت خواب شب
بر سر مالیده بخواب رود۔
روغن آب کشنیز صفته آب کشنیز تازه عنب الثعلب
هریک سه توله روغن نیر سه توله صندل سرخ توله
اکلیل الملک حماما هریک نیم توله ورد و بنج چهار ماشه
زرنب شش ماشه گلسرخ توله گل خطمی نیلوفر
هریک توله یابسات را در بست چهار برابر آب بجوشانند
تا ثلث بماند با روغنها و شیرجات طبخ کنند
تا روغن بماند نافع است۔
روغن که نافع از جهوله و جمیع درد اعضا
بادی و بلغمی صفته روباه زنده را دست و پا بسته
در دیگ آب جوشان که نیم من باشد همچنان زنده
بیندازند تا خوب پخته شود منفصل گردد صاف کرده

آب آنرا بگیرند و نگاه دارند و بگیرند فلفلمویه بالنگنی
جوز بوا بسباسه سنبل حلتیت هر یک نیم پاو و تخم دهتوره
انار پوست بیخ بید انجیر سه پاو افیون خالص سه دام
همه را جوکوب کرده در یک من آب خالص باتش
ملائم بپزند تا پانزده سیر آب بماند صاف نموده این آب را
با آب روباه که اول گرفته بود یکجا نمایند و پنج سیر
شیرهٔ دهتوره سیاه گرفته و اضافه این آب نموده
و پنج سیر روغن کنجد خالص گرفته بدان آمیخته باتش ملائم
در کمال ملائمت بجوشانند تا آب بسوزد و روغن بماند
صاف کرده بکار برند و از باد بهتر نمایند —

روغن مقوی دماغ صفته ابریشم دام درونج دام
قسط سلیخه سعد اذخر مصطگی هر یک دو دام شیرهٔ زرنباد
شیرهٔ ابنی ادرک هر یک ده دام جوزبوا بسباسه هر یک
دو دام دارچینی ده دام قرنفل الایچی هر یک دو دام
دواله دام مغز بادام مغز پسته مغز بادام فرنگی ده دام
مغز چلغوزه ده دام نارجیل اسارون زرنب هر یک
دو دام سنبل بادیان نانخواه انیسون اکلیل الملک
بابونه حماما ساذج هر یک درهم زنجبیل یک نیم دام فلفل
درهم گلسرخ چار درهم مغز چار مغز ده درهم شبت
چار درهم وج دوازده درهم عطر قرنفل یک نیم ماشه
روغن زیتون روغن سرشف روغن کنجد روغن کتان
اگر غرقے هر یک چار درهم زعفران عطر کرنه مشک
فواکه را مثل مشی اسپایه و در شیرها داخل نموده نگاه دارد
و باقیات را در شانزده برابر آب جوش دهد تا ثلث باند
بعد از آن برابر وزن جمله ادویه چهار روغن و آب مطبوخ
و بنجے محلول با شیره داخل کرده بر آتش گذارند تا آب
نماند پس از آن مشک و عطر وغیره خوشبو داخل کنند
و نگاه دارند —

روغن نافع از فالج صفته شبیرش شیرهٔ برگ دهتوره
سیاه روغن کنجد هر یک پاؤ سیر افیون دام تخم کتائی
خشک سائیده هفت دام در ظرف مسی قلعی دار
انداخته باتش ملائم بجوشانند تا که آب نماند در ظرف
آبگینه نگاه دارند و در عضو ماؤف بمالند در موسم
سرما در آفتاب نشسته و دیگر با احتیاج آفتاب نیست —

روغن نافع فالج صفته زهر ستلیه کچله عاقر قرحا
تخم دهتوره اجمود خراسانی پوست بیخ کنیر سفید
افیون گهونگچی سفید هر یک دو دام بالنگنی نیم پاؤ و کلونجی نیم پاؤ
همه را جوکوب کرده در شیر گاؤ مقدارے که بالاے
ادویه آید سه روز نگاه دارند وقتیکه شیر نا کو خشک شود
بیارند یک سیر پاؤ و بالا روغن کنجد و یک سیر شیر گاؤ
با ادویه باتش جوش دهد لیکن آتش ملائم کند
تا زمانیکه شیر نماند بعد لحظه آتش تیز دهد که چند دام
روغن بسوزد بر آورده صاف نموده نگاه دارند و
وقت حاجت بکار برند و آنچه کثیف آن باشد
در چربے شیر آمیخته کهرل کرده نگاه دارند عنی بحال
قدیم باز آید —

روغن دیگر روغن کدو روغن کتان هر یک
پاؤ سیر شیرهٔ تخم کدو یک سیر شیرهٔ تخم خیارین
پنج دام سرکه ولایتی پاؤ سیر این همه را بپزد تا اثر آب
نماند نگاه دارد —

روغن نافع از خارش و داد صفته سیماب پنج توله
حنای خشک شش توله برگ درخت خیار شنبر پنج توله
قره پنج توله قروت سه توله کوکنار سوخته دو توله کثیرا توله
نرنج سه توله پیه بز دوازده توله موم کافوری نه توله
روغن کتان هفت توله ـ

روغن نافع از درد ذات الجنب صفته عنب الثعلب
پرسیاوشان بنفشه گل خطمی آرد باقلا جوشانیده
صاف نموده بروغن گلسرخ یا بروغن کدو مخلوط
کرده بجوشانند و سفیداب کاشغری افزوده بر سینه
و اضلاع بمالند ـ

روغن پیاز نرگس برای باه صفته پیاز نرگس را ریزه ریزه
کرده با برابر کنجد نگاهدارد تا هفت روز و نصف کنجد
مغز بادام ریزه ریزه کرده اندازد و در کیسه کرپاس
سبک و اندک نمی میداده باشند پس مثل بادام روغن
بگیرد و بعد از آن بگیرد و ازین روغن ده درم فرفیون
قنه هر یک دو درم بسباسه یک درم دارفلفل یک نیم درم
عاقرقرحا و نیم دام تخم جرجیر جند بیدستر هر یک یک
نیم دام موم نیم دام موم را در روغن گداخته اجزا را
باریک سائیده دران انداخته و خوب حل کرده نگاهدارد
روغن سوسن سلیخه اوقیه قرنفل نیم اوقیه قسط
حب بلسان مصطگی هر یک اوقیه قرفه نیم اوقیه
درسته پاو روغن کنجد اندازد و سیر پیاز سوسن اندازد
و در سایه نگاهدارد تا بست و یکروز صاف نموده بکار برد
روغن برای زخم صفته دیودار زرد چوب دارهلد
ملٹھی مدهو دهنوانسه هر یک برابر گرفته در آب تر کرده
یک شب نگاهدارد و برآورده باریک بساید پس روغن کنجد
چهار چند ادویه در آب چهار چند روغن انداخته بپزد
تا آب بسوزد و روغن بماند صاف کرده نگاهدارد ـ

روغن خارش صفته گندهک نرنج بکچی سبید هر یک
نیم پاو برگ اکه سفید چهارده عدد روغن سرشف چهار اثار
روغن را در کراهی انداخته دو اثار آب اندازد و ملائم
بپزد تا آب نماند بعد از آن این هر چهار دوا را سائیده
پارچه بیز کرده اندازد و کفچه زند که همه یکی شود بعد از ان
برگهای اکه سفید مذکور را اندازد و بگذارد که در کراهی
بسوزد و در شیشه دهن کشاده نگاهدارد بکار برد ـ

روغن فرفیون صفته عاقرقرحا هفت درم کندش
چار درم مویزج سه درم همه را جوکوب نموده در چهار
چند شراب انگوری بجوشانند تا ثلث بماند نیم وزن
شراب باقی روغن کنجد انداخته بجوشانند تا روغن بماند
بعده مقابل سیزده درم دو درم فرفیون سحق بلیغ
نموده داخل کنند و جوش ملائم دهند تا فرفیون
حل شود دلت زده نگاهدارند بکار برند ـ

روغن عاقرقرحا فرفیون قسط عاقرقرحا
هر یک جزو فلفل حب الغار اصول نرگس هر یک نیم
جزو زیت ده چند ادویه ـ

روغن جهت فربهی قضیب و درازی و استحکام آن
صفته شب یمانی کبریت سیماب مرقشیثا شنجرف
هر یک درم مروارید دو درم کته چار درم افیون چار درم
زراوند مدحرج قسط کندش مویزج کمیله هر یک دو درم
روغن زیت سی درم اگر زیت بهم نرسد روغن کنجد

داخل کند آب شصت و پنج توله ادویه را با هم سحق بلیغ
نموده در آب بجوشانند وقتیکه نصف بماند روغن انداز
و بآتش ملائم بجوشانند که آب نماند —

روغن زعفران شش دام مرمکی دام قصب الذریره
پنج دام قردمانا مرا جدا بسرکه ترکنند و زعفران و قصب الذریره
جدا تر نمایند تا شش شبانروز روز هفتم قردمانا بسرکه
ترکنند روز هشتم پنج آثار روغن کنجد بروے افگنند
و همه را بآتش ملائم بجوشند تا روغن بماند بکار برند —

روغن بابونه سنبل بسباسه هیل حماما کتان اکلیل الملک
هریک توله بابونه چهار توله در دوازده وزن آب جوشانده
نصف بستانند بار روغن کنجد برابر اجزاء طبخ نماید —

روغن حماما سنبل بسباسه هیل حماما بابونه اکلیل الملک
هریک چار توله کتان شانزده توله در دوازده وزن
آب جوش دهد تا النصف بماند روغن کنجد برابر وزن
اجزاء داخل کرده جوش دهد —

روغن گلسرخ بادیان سنبل مصطگی بابونه حماما
اکلیل الملک تخم شبت و ج زنجبیل هیل هریک نیم توله
در یک نیم سیر آب جوش دهد تا النصف بماند روغن کنجد
شش توله روغن بادام دو توله روغن زیتون چار توله
داخل کرده بجوشانند تا روغن بماند بکار برد —

روغن مصطگی سنبل ده دام اکلیل الملک یک و پاؤ توله
حماما زرنب اسارون هریک توله مصطگی دام اگر خام
توله گل سرخ دام در بست چهار سیر آب بجوشند تا نصف
رسد پنج دام روغن چنبیلی اضافه کرده بجوشند تا گداخته
اثر آب بماند بعد ازان در دو من اکبری گلاب

حل نموده خوشبو سازد بکار برد —

روغن بارد و رطب نافع از صداع حار و سرسام
قرانیطس صفته تخم کدو تخم خشک و مغز تخم خیارین
بادام شیرین تخم خشخاش سفید کنجد مقشر برابر وزن
روغن برآمده استعمال نمایند در بینی بسیار نافع است —

روغن نافع از ورم نقرس و وجع مفاصل صفته
بابونه عنب الثعلب پرسیاوشان اکلیل الملک برگ حنا
سورنجان بوزیدان مغاث بغدادی گل خطمی سفید
گل بابونه اصل السوس ایرسا نیم کوفته در چهار سیر
آب بجوشانند تا یک نیم سیر آب بماند روغن کنجد
روغن زیت روغن تخم خشخاش روغن تخم خربزه
داخل کرده باز بجوشانند که آب رفته روغن بماند در
روغن ارندیه گرده بزگداخته صافی نموده زعفران
مغز ساق نیز داخل کرده شب بمالند صبح در حمام روند
و بآب گرم و لعاب ریشه خطمی بشویند —

روغن جهت رطوبت بدن صفته روغن کتان
روغن کنجد هریک پاؤ سیر شیره خشخاش دو دام آب
کدو رسیده چار دام آب برگ خرفه چار دام گلاب
پاؤ سیر علی الرسم بپزند —

روغن دیگر روغن گل سه دام روغن کتان دام
روغن بادام دام روغن کدو نیم دام شیره تخم خیارین
دو دام سرکه ولایتی برابر همه ادویه را یکجا کرده بپزد
تا آب نماند بکار برد —

روغن لبوب نافع از درد سر و درد گوش که از
سودا باشد و نافع از مالیخولیا و جذام جدا صفته

فندق مغز بادام مقشر مغز پسته تازه مغز کنجد مغز
جلغوزه مغز کدو وجوز برابر بوزن کوفته روغن آنها برآرند—
روغن نافع از شخوص جدًا صفته روغن زنبق
رطل فرفیون نو اوقیه سوده مخلوط نمایند—
روغن قسط نافع از فالج صفته قسط اوقیه فلفل
عاقرقرحا فرفیون هریک سه اوقیه جندبیدستر نیم اوقیه
درنیم رطل روغن نرگس سائیده باعضاء مسترخیه
بمالند—
روغن دواله یکدرم آمله کچور ابریشم گل خطمی گل بنفشه
گل نیلوفر گل سرخ گل کمودنی هریک درم دربست برابر
آب بجوشانند صاف کرده روغن کدو شش ماشه
روغن بادام توله روغن کنجد چار درم اضافه کرده
بجوشانند تا روغن بماند بکار برد—
روغن ناردین نافع از درد معده و کبد و قولنج
و برو اعضاء شربًا و ضمادًا و احتقانًا و از درد گوش
و از صداع و شقیقه سعوطًا و از استرخاء مثانه حتقانًا
فی الاحلیل صفته قصب الذریره سعد برگ غار
عیدان بلسان ساذج هندی راس اسپل اذخر
برگ آس قردمانا اذان الفار مرزنجوش هریک دو اوقیه
نیکوکوفته در دیگ آهنی بیندازند و بالایش شراب
یاجمهوری یا نبیذ عسل و آب شیرین بقدریکه ادویه را
بپوشد و روغن سرکه هفت نیم رطل ریزند و نیمه دیگ
خالی گذارند و بآتش ملائم بپزند و ساعت بساعت
حرکت دهند تا شش ساعت بعد ازین پس از آتش برآورده
سرد نموده روغن را صافی کرده بگذارند و گل سرخ
اوراق آن گرفته سه اوقیه حماما دو اوقیه نیکو کوفته
در همان دیگ بگذارند بالایش شراب یا جمهوری یا نبیذ
مویز و آب شیرین و روغن مصفی ریزند تا سه ساعت
بآتش نرم بپزند و حرکت دهند جوز بوا پنج اوقیه روغن
بلسان شش اوقیه پس ادویه درهمان دیگ بگذارند
و از آتش فرود آورده سرد کرده روغن گرفته بگذارند
و سنبل طیب قرنفل و میعه سائله هریک سه اوقیه
آب آس سه اوقیه نیکو بپیده روغن بلسان و میعه را
بران انداخته حرکت دهند و بآب جوش دهند—
پس آب آن گرفته بدان روغن مذکور آمیخته باز در
دیگ کرده جوش دهند تا آب رفته روغن بماند—
روغن ترب مشابه بروغن زیت کهنه نافع از درد
گوش صفته آب ترب سه جزء روغن کنجد جزء و بجوشانند
تا آب رفته روغن بماند—
روغن غار بدل زفت رطب نافع از امراض که از
برودت و رطوبت باشد صفته غار در روغن کنجد
بجوشانند یا در آفتاب بگذارند و صاف نموده بکار برند
روغن زنبق نافع از درد گرده صفته کنجد را باگلهای
زنبق مرتب ساخته روغن کشند—
راجحران دوائیست هندی نافع از سوء مزاج بارد
وضعف معده و از وسواس و سودا و باه را زیاده
میکند و محافظت جنین مینماید و اصلاح گرده و مثانه
میکند و سنگ گرده برآید صفته وج قسط مرزراوند
طویل و مدحرج هریک دوازده مثقال فلفل دراز
زنجبیل هریک بست مثقال تخم کرفس تانخواه کردیا

رازیانه بزر الرطبة تخم خرفه تخم جرجیر تودری سرخ و سفید اذان الفار زیرهٔ کرمانی تخم شبت هر یک بست چهار مثقال قرنفل اشنه قصب الذریره عیدان بلسان هر یک دوازده مثقال اکلیل الملک شیح زرنب حب بلسان سلیخه بسباسه قاقله قرفه هر یک شانزده مثقال پوست هلیله زرد پوست بلیله شیرهٔ آمله هر یک سی و دو مثقال بسفایج خربق سفید آس مرباجوز بزر البنج بستانی خشک شیطرج هندی زرشک دانه اترج مقل سنبلین لسان العصافیر هر یک بست و چهار مثقال جوز سی عدد بیخ قصا ببری تخم فنجنکشت هر یک دوازده مثقال تخم گندنا هر یک شش درم افیون فربیون جند بیدستر هر یک سه درم هلیله سیاه چار درم سانج هندی حلیه خطر اسالیون دوقونرا دند چینی هر یک سه درم کوفته بیخته فانید هم وزن ادویه گرفته و روغن گاو نیز هموزن ادویه گرفته و عسل مصفی برابر وزن ادویه در روغن و فانید بگیرند و فانید را بسه رطل آب گداخته چون عسل غلیظ نمایند و عسل بالاتش ریزند و ادویه بر روغن گرم کرده لت کنند و نگهدارند پس اول فانید و عسل را در هاون بزرگ بنهند و ادویهٔ مذکوره بر و بپاشند و بسرشند و در ظرف که در و عسل نهاده باشند بدارند و بعد از شش ماه استعمال کنند شربتی مقدار مانده در اول شهر سه روز و در آخر شهر سه روز به آب گرم استعمال نمایند۔

روغن نافع از درد و درم ذات الجنب صفته عنب الثعلب گل بنفشه گل خطمی آرد باقلا آرد جو کتیرا

پرسیاوشان هر یک تولہ جوشانیده صافی نموده آن آب صافی را با پیه گردهٔ بز و روغن گل سرخ و روغن کدو هر یک پنج تولہ بجوشانند که آب رفته روغن بماند بوقت حاجت استعمال کنند بسیار نافع است و تجربه اکثر آمده۔

روغن قسط جهت قوت باه صفته بیارد قسط چار دام سنبل الطیب یک تولہ چار ماشه زرنب بسباسه اشنه برنگ کابلی دارچینی قرنفل جوزبوا صندل سفید هر یک تولہ و چار ماشه مشک خالص زعفران عود خام عود بلسان نکهه هر یک هشت ماشه موصلی سیاه تخم کونچه هر یک سه تولہ چار ماشه زنجبیل یک تولہ هشت ماشه با برنگ یک تولہ سوتھ هشت ماشه بسکهیره یک تولہ چار ماشه فلفلمویه یک تولہ چار ماشه همه را جوکوب نموده در هفت سیر شراب عرق یکشانزده تر کنند بعده بست هشت سیر آب بجوشانند تا هشتم حصه بماند بپالایند و ثفل دور کنند بعده روغن بادام یا روغن کنجد بیخته یکصد و بست تولہ با این آب مذکور بهم بجوشانند تا روغن بماند نگاه دارند هر روز ناشتا نه درم بیاشامند و چار درم در اندام مالند خصیه و آلت بعد از یکزمان به آب گرم اندام را بشویند در یکهفته در خود عجائب بنیند که وقتی در عمر خود ندیده باشند مجرب ملک تاج الدین نائب وزیر است و اگر همین ادویه را باریک کرده در یکصد و بست تولہ روغن کنجد سیاه بنهند از دو دو هفته در آفتاب بدارند و بقدر حاجت روغن بهم آرد و بر درد

که دائم باشد و درد کمر و دستها و پایها و هر کجا باد باشد
یا باد سنبات زحمت دهد بحال صحت یابد و هر چند که
این روغن در آفتاب بیشتر ماند نفع بیشتر کند و آنقدر
که این روغن خرج شود هر روز دیگر انداز دو
و نقل او بر جا باشد۔

روغن که بر سر مالند منع ریختن موی کند صفته
آب چقندر آب پالک آب عنب الثعلب آب برگ حنا
هر یک پاؤ سیر شاهتره برگ نیل پرسیاوشان
گل نیلوفر برگ مورد تخم نیوار هر یک دو توله در آبها
مذکور بجوشانند تا بنصف رسد روغن چنبیلی یک نیم پاؤ
داخل کرده بجوشانند تا آب رفته روغن بماند
پس صاف نموده روغن بنفشه پنج توله داخل کنند
شخصی که نزله بارد داشته باشد یا مزاج سرد شکر
و عنبر درین روغن داخل کنند۔

باب الزا

زرعونی که پشت و گرده را محکم کند و معده را قوت
دهد و بلغم را دفع کند و بوی دهن را خوش کند و آب
رفتن را از دهن باز دارد و باد را بشکند و ریگ از
مثانه پاک کند و منی بیفزاید صفته تخم کرفس تخم گندنا
تخم شلغم شبت نانخواه رازیانه مغز تخم بادرنگ
بیخ سرو هر یک پنج مثقال عاقرقرحا زعفران مصطگی
عود خام هر یک پنج درم بسباسه زرنباد قرنفل کبابه چینی
فلفلمویه هر یک سه درم عنبر اشهب یک مثقال
عسل سه وزن ادویه عسل را بقوام آورده عنبر
دران حل کنند دیگر ادویه را کوفته بیخته بدان بسرشند

و بعد از دو ماه استعمال نمایند این نسخه را صاحب
شفائی از کتب دیگر نقل کرده و لیکن بعضی اطبا
مشک نیم مثقال و تخم انجره یک نیم مثقال نیز داخل
کرده اند شربتی دو مثقال۔

زرعونی دیگر که منی بیفزاید و باه را قوت دهد و پشت
و گرده را محکم سازد و دراز دیا د مجامعت نظیر ندارد و در
منافع عظیم است صفته تخم کرفس تخم گندنا تخم شلغم تخم شبت
نانخواه رازیانه بیخ کرفس مقشر تخم بادرنگ تخم جرجیر
حب الفلفل حب الزلم مغز نارجیل تازه مغز چلغوزه
هر یک پنج مثقال بسباسه قرنفل فلفلمویه عاقرقرحا
کبابه چینی زنجبیل تخم اسپست تخم خربزه تخم پیاز تخم انجره
تخم گندنا گلسرخ دارفلفل خولنجان جوزبوا هر یک سه
درم قرفه کندر مصطگی عود زعفران هر یک چهار درم
تخم بلیون لوزبیدان بهمنین شقاقل لسان العصافیر
هر یک پنج درم بصل الفار بریان بکدام خصیة الثعلب
قضیب گاو بریان کرده مغز سر کنجشک نر خشک
مرباکش نریا هر یک ده مثقال عنبر اشهب ده مثقال مشک خالص
نیم مثقال قند بوزن ادویه عسل بوزن مجموع ادویه
معجون سازند گرم مزاج دو مثقال بنوشند و بالاش
شیر تازه یا ده درم شکر بنوشند۔

زروقی که مجاری بول پاک کند و التحام قرحه نماید
صفته ریوند چینی دم الاخوین هر یک دو مثقال
گل مصفر تخم کاکنج برگ ورق خطمی خار خسک
هر یک مثقال کندر شادنج عدسی مغسول تخم کتان هر یک
نیم مثقال اجزای کوفتنی کوبیده در بیخته [illegible]

آب با آتش ملائم بجوشانند تا ثلث ماند در ذرور قسم
استعمال نمایند۔

ذرور اقد سفید آب کاشغری شسته دم الاخوین انزروت
مربا بشیر خر تخم چاکسو مقشر هریک سه ماشه نیل تهوتهه
بریان نیم ماشه گیرو شسته سه ماشه همه را در شیر خر کرده
از پارچه دریای گذرانیده پچکاری نمایند۔

ذرور اقد دیگر انزروت مربا بشیر خر سفیداب کاشغری
هریک توله دم الاخوین طوطیا کرمانی مغسول هریک
سه ماشه افیون زعفران هریک نیم ماشه چاکسو در
کیسهٔ کتانی در آبی که دران سرگین خر جوشانیده باشند
بجیسانند و مقشر کنند یک توله ازان بگیرند و در
کهرل انداخته بمالند تا چون مرهم شود هر روز دو ماشه
انرا با شیر خر دو توله پچکاری کرده در احلیل بچکانند۔

ذرور اقد انزروت سفید کوفته بیخته خر سرشته بر آتش نرم
بریان کرده چاکسو مقشر باین نحو که در کیسهٔ کتانی
کرده در آبی که سرگین خر درین جوشانیده باشند
خیسانیده مقشر کرده توله سفیداب کاشغری دم الاخوین
طوطیا کرمانی مغسول هریک سه ماشه زعفران افیون
هریک ماشه همه را یکجا کرده در کهرل بمالند تا یکسان
شود هر روز دو ماشه آنرا در دو توله شیر خر داخل کرده
از پچکاری بچکانند تا القرحه که در فرج شده باشد برسد۔

باب السین

سفوف نافع از اطلاق شکم صفته صمغ عربی بریان
هفت درم نشاسته بریان چار درم اسبغول بریان
ده درم حب الآس بریان شش درم طباشیر شش درم
تخم شاهسفرم بریان شاه بلوط بریان بزر حماض بریان
گل ارمنی تخم خشخاش بریان تخم خرفه بوداده هریک
شش درم با آب رب به و رب انار شیرین و ترش
بخورد شربت ده مثقال۔

سفوف انار مازو پوست انار فلفل سماق هریک
دو ماشه میان انار خام خالی کرده ادویه را با سفیدهٔ
تخم مرغ خمیر نموده در میان آن پر کنند و دهن مضبوط
کرده بر آتش گذارند تا آب خشک شود ادویه را بر آورده
سفوف سازند۔

سفوف بهی و مقوی که اندکی نغوظ دارد صفته
مغز بادام بوداده مغز پسته مغز اسپغول مغز چلغوزه
خصیة الثعلب دارچینی خولنجان لبسا سنبنین شقاقل
مصری هریک مثقال دانه هیل نیم مثقال زعفران
دانگ مشک عنبر هریک نیم دانگ ورق طلا دو ماشه
جریس خالص نیم مثقال نبات سفید پنج مثقال
سفوف سازند۔

سفوف مصطگی طباشیر کشنیز بریان هر سه
برابر سفوف سازند۔

سفوف حب الآس کندر خبث الحدید گل ارمنی
هریک چهار دام سفوف کرده سه ماشه پیش از
طعام متصل بخورد۔

سفوف دیگر سنبل سعد مازو قرن ایل محرق
نمک سانبهر هریک وزن برابر۔

سفوف نافع برای وجع مفاصل صفته
سورنجان مصری دو نیم توله سنا مکی یک توله دو نه ماشه

مغز بادام شیرین نه ماشه پوست هلیله زرد نه ماشه زعفران یک نیم ماشه تربد سفید سه ماشه قند سفید هفت توله شش ماشه شربتی نه ماشه —

نسخه دیگر سورنجان مصطگی هر یک ماشه بوزیدان غنچه گل سرخ هر یک دو ماشه سنا مکی سه ماشه نبات سفید پنج ماشه سوده کف کنند بعد ازان شربت ورد دیگر پنج توله یخ حل کرده بنوشند و هر گاه تشنه شوند آب یخ بنوشند —

سفوف کندر ناتخواه عفص مصطگی هر یک سه ماشه زنجبیل چار ماشه مغز تخم انبه چار ماشه انگوزه چار ماشه نمک لاهوری چار ماشه کوفته بیخته بآب برگ چوکا سرشته در انار خام پر کرده بدستور معهوده در تنور نهند تا آرد سرخ شده میل بسیاهی نماید بر آورده تا سرد شود دوا را از انار بر آورده نگاهدارند بقدر چهار سرخ نهایت یک ماشه میخورده باشند —

سفوف حب الریان نافع از خلفه صفته تخم دانه انار ترش بریان کرده سماق سا صد درم کرد یا کشنیز خشک سه روز در سرکه تر کرده بریان نموده هر یک بیست درم کزمازج خرنوب نبطی گلنار هر یک ده درم تخم کرفس سفوف سازند بآب سرد بخورند —

سفوف نافع برای حصاة صفته خاکستر پوست تخم مرغ که بچه بر آورده باشد حجر الیهود خاکستر کبریت مساوی الوزن سفوف سازند و نیم توله با شیره تخم خیارین نیم توله و شیره تخم خربزه نیم توله میخورده باشند —

نسخه دیگر خاکستر کبریت مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه

تخم عصفر حب البان حب بلسان سلیخه همه را کوفته بیخته سفوف سازند و با شیره تخمهای بالائش شش ماشه وقت شب بخورند —

سفوف بنگ برای اسهال فائده کلی دارد صفته بنگ نو قسم اعلی پاک کرده بروغن بنفشه یا بادام چرب نموده و قلیلی از شیره علف سبز که آنرا بزبان هندی سانپی دوب گویند و قلیلی از شیره ناتخواه ممزوج کرده بدست مالیده بر سفال آب نادیده برفق برشته نمایند و باز فرود آورند از آتش و همچنین بعد سرد شدن همین عمل کنند و باز از آتش فرود آورند تا هفت مرتبه همین عمل کنند پس چهار مثقال ازان بنگ باز زنجبیل بریان و مصطگی یک مثقال کوفته بیخته سفوف سازند و سه ماشه ازان بآب سرد بنوشند —

سفوف هندی نافع برص صفته ماتقیشا مغنیسی شش دام نمک سنگ دو دام هر دو را خشک سایند تا یک ذات شوند در کراهی آهنی کرده آتش کنند و با چمچه آهنی بجنبانند چنانچه سرخ شود فرود آرد و سرد کرده دو آثار آب انداخته بدست مالند ساعتی پس بگذارند که دوا ته نشین شود و آب بالا بریزند همچنین هفت نوبت کنند آنگاه خشک کرده در شیره گهیکوار گهرل دو ساعت دو شبانه انداخته بگل حکمت مهر کرده خشک ساخته در یک سبد یا چاک دشتی آتش در کودی داده در هانجا سرد کرده بر آرند پس در شیره ترپهله که در

آب جوشانده باشند همانقدر سحق کرده همانقسم
آتش دهند بعد ازان تخم شبت وحلبه وشونیز
ونانخواه از هر یک پنج درم این هر چهار را لبا ریک
سائیده بیامیزند وبصاحب عارضه روز اول
یک ماشه ازین سفوف با یک سرخ مار قشیشاهی بهم
بخورانند وهر روز یک ماشه ازین دوا بیفزایند
وازمار قشیشاهی هم کم کم بیفزایند تا مار قشیشا سے
به وسرخ رسد وسفوف هشت ماشه بهمین وزن
میخورده باشند تا شش ماه پرهیز از ترشی وبادی
وچیزهای ثقیل غذا پلاو وقلیه وخشکه واگر نه دال
خشکه وکهچری ونان میخورده باشند نافع ست
انشاءالله تعالے ـ

سفوف سورنجان سقمونیا مخترع فقیر صفته
سورنجان مصری هفت ماشه گل سرخ سنا مکی هریک
پنج ماشه پوست هلیله زرد تربد سفید هر یک چهار ماشه
سقمونیا مشوی لاجورد مغسول هر یک ماشه
بوزیدان بسفایج مصطگے هر یک دو ماشه زعفران
رب السوس هر یک دو ماشه مغز بادام شیرین پنج ماشه
قند سفید هفت ماشه کوفته بیخته سفوف سازند ـ

سفوف قابض مشک خالص فلفل دراز زنجبیل
نیم برشت هر یک سه ماشه مصطگے انار دانه پوست
خشخاش لوداده کشنیز خشک بریان هر یک چهار ماشه
صمغ عربی ماشه شربتے سه ماشه ـ

سفوف بنگ نوع اعلی بروغن بنفشه یا بادام
چرب کرده بریان نمایند ویک مثقال بگیرند
وبا مصطگے یک مثقال زنجبیل برشته یک مثقال
یا زکرده سفوف سازند شربتے سه ماشه ـ

سفوف بابت حکیم اشرف خان هاضم طعام
ومقوی معده صفته کشنیز خشک مقشر بریان دارچیل
زیرهٔ کرمانی بادیان هر یک شش ماشه طباشیر
چار ماشه آمله سماق هر یک توله سفوف سازند وبعد
طعام پنج ماشه بخورند ـ

نسخهٔ دیگر قرفه سافج هندی عود قماری مصطگی
هلیلهٔ کابلی فرنجمشک نارمشک زیرهٔ سیاه
دارچینی فلفل دراز زنجبیل قرنفل اشنه انار دانه
جوز بوا قاقله صغار وکبار هر یک شش ماشه
عنبر اشهب دو ماشه قند سفید سه وزن ادویه
شربتے از پنج ماشه تا شش ماشه ـ

سفوف ارسطاطالیس که برای سکندر وضع
کرده اصل نسخه است صفته قرفه سافج هندی
عود قماری اسارون مصطگے هلیله کابلی فرنجمشک
نارمشک زیرهٔ کرمانی دارچینی اشنه فلفل
دارفلفل زنجبیل قرنفل انار دانه جوز بوا فلفلمویه
کافور قاقله هر یک دو درم مشک عنبر هر یک
درم نبات شش وزن ادویه شربتی از درم تا ماشه

سفوف مقوی معده ودافع نسبت شکم ونفخ آن
صفته مصطگے قاقله صغار دارچینی بسباسه برابر
وزن قند دوچند شربتے از سه ماشه تا چهار ماشه

سفوف سورنجان دو ماشه زعفران ماشه
با عرق بادیان پنج توله وگلاب پنج توله بخورند

رفع نفخ وبیقراری کند۔

سفوف دافع قرحه کهنه وقضیب صفته مروارید ناسفته یک نیم توله حجر الیهود گل ارمنی هریک دو توله صمغ عربی کتیرا خار خسک تخم کاسنی گل فوفل مغز تخم خربزه مغز تخم خیارین هریک پنج توله ثعلب مصری نیم سیر کوفته سحق نموده سفوف سازند و نه ماشه باشیر گاو بنوشند۔

سفوف نافع سرفه قابض حب الآس سرمه ساکرده مغز حب البلوط بریان خشخاش خرنوب شامی هریک دو جزو صمغ عربی یک جزو سفوف سازند شربتی درم

سفوف مامیران عجیب النفع ودافع قروح مجاری ومثانه صفته مامیران چینی زراوند چینی هریک مثقال زرشک منقی هفت مثقال گلنار افیون صمغ عربی هریک مثقالین طباشیر کهربا زرد مغز تخم خیار هریک ده مثقال تخم خرفه پنج مثقال کتیرا سفید شش مثقال شکر طبرزد بست مثقال سفوف سازند وسه درم با مثلث ده درم بنوشند و دو درم هر شب وقت خواب بآب خالص بنوشند۔

سفوف قابض صفته بنگ خالص دارفلفل زنجبیل نیم بشت تکه سه ماشه مصطگی انار دانه پوست خشخاش بو داده گشنیز خشک بریان تکه چهار ماشه صمغ عربی ماشه کوفته بیخته سفوف سازند و بآب سرد بنوشند۔

سفوف مصطگی عود غرقی پوست ترنج نعناع برابر وزن سفوف سازند۔

سفوف منزل صفته نانخواه چهار توله بادیان سداب زیره کرمانی هریک چهار توله مرزنجوش

بوره ارمنی هریک توله عیدان الملک هشت توله شربته مثقال۔

سفوف گلسرخ پنج دام گل ارمنی گل مختوم شادنج مغسول هریک پنج دام تخم خرفه پنج درم بسد مروارید ناسفته خشخاش رب السوس اقاقیا عصارة لحیة التیس افیون هریک سه درم شربتی دو دام بلعاب اسپغول یا بشیرهٔ خرفه۔

سفوف حب الرمان دیگر نافع از اسهال که از ضعف معده وامعا باشد صفته دانه انار بریان جزو حب الآس رومی بلوط سماق کمون مدبر سویق نبق سویق غبیرا کشنیز بریان خرنوب نبطی وشامی هریک نیم جزو سک رامک عود حرف هریک نیم جزو و در نسخه دیگر حرف نیست و وزن حب الرمان دو جزو و وزن دیگر ادویه نصف جزو۔

سفوف ذیابیطس صفته خبث الحدید بصری بست درم کوفته بیخته در سرکه خمر هفت روز خیسانیده محمص بازبسایند وقشور کنند سرکه خمر کشانیز وزرتر کرده خشک نموده سحق نمایند و پنج درم از و بگیرند طباشیر چهار درم گشنیز سه درم شوکران دو درم کوفته بیخته سفوف سازند شربتی دو درم۔

سفوف بزور نافع از ریاح ونفخ صفته کردیا انیسون زیرهٔ کرمانی قاقله قرفه نانخواه تخم کرفس هریک دو درم قرنفل نیم درم زنجبیل دارفلفل هریک دو دانگ شکر بست مثقال شربتی دو درم

سفوف مقلیاثا نافع از اسهال وزحیر وضعف معده ومغص وبواسیر صفت حرف بریان یکنیم رطل زیرهٔ کرمانی مدبر نیم رطل تخم کتان تخم گندنا سنبلی هریک ربع رطل مصطگی یک نیم اوقیه هلیلهٔ سیاه بریان بروغن چرب کرده ربع درم۔

سفوف حب الآس نافع از اختلاف حب الآس بادانه مویز یک جزو حب الآس سماق هریک نیم جزو وصمغ عربی یک جزو مصطگی گلنار هریک ربع جزو سفوف سازند۔

سفوف طین نافع از سحج واسهال مراری صفت صمغ عربی نشاسته گل ارمنی اسبغول تخم شاهسفرم تخم مرو هریک جزو بروزد رست بگذارند وباقی ادویه بکوبند۔

سفوف که وقت افراط عمل مسهل بکار آید صفت کفک شامی بست درم کندر گل ارمنی صمغ عربی خرنوب نبطی بلوط دانه مویز هریک دو درم بزر البنج السفید درم کوفته سفوف سازند۔

سفوف مقوی معده صفت پودینه خشک عود خام مصطگی قرنفل برابر وزن گرفته کوفته سفوف سازند۔

سفوف مسهل سودا ومزیل امراض که باعث آنها مواد غلیظ باشد صفت پوست هلیله کابلی هلیله سیاه افتیمون اسطوخودوس هریک سه درم نمک نفطی نمک هندی صبر هریک نیم مثقال حجر ارمنی فلنجمشک هریک مثقال شربتے سه درم تا چهار درم با ماء الجبن وگاہے درین نسخه سقمونیا مغز حب القرطم زیاده میکنند وگاہے ازان صبر دور میکنند۔

سفوف لاجورد دیگر سنا مکی یک ماشه تربد غاریقون گلسرخ لاجورد مغسول هلیله زرد هلیله کابلی هلیله سیاه بسفایج ریوند خطائی تخم بادرنجبویه اسطوخودوس افتیمون کوفته بیخته سفوف سازند۔

سفوف که نافع از سودا که بر وز هفتم که از شروع ماء الجبن استعمال توان کرد صفت لاجورد مغسول یک ماشه کتیرا یک ماشه تربد سفید مجوف تراشیده چهار ماشه پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه هریک سه ماشه بسفایج اسطوخودوس افتیمون هریک سه ماشه کوفته بیخته سفوف سازند۔

سفوف طین دیگر نافع از سحج واسهال مراری وزحیر صفت اسبغول تخم مرو تخم ریحان بارتنگ تخم حماض همه را نیم بریان کرده نشاسته صمغ عربی طباشیر گل ارمنی سوده همه برابر وزن شربتے از دو درم تا سه شاید که این سفوف را بروغن گل یا بروغن بادام چرب نموده بعمل آرند۔

سفوف مقلیاثا بارد نافع از سحج وزحیر واسهال صفراوی صفت اسبغول بریان بست درم گل ارمنی سی درم صمغ عربی تخم خشخاش هریک ده درم نشاسته طباشیر هریک پنج درم بدستور سفوف سازند۔

سفوف نافع از گزیدگی عقرب صفت زراوند طویل ریوند چینی بیخ کبر عاقرقرحا برابر شربتے از درم تا دو۔

سفوف نافع کسے را کہ سگ دیوانہ گزیدہ باشد لیکن پیش از ترسیدن از آب استعمال توان کرد

صفتہ سرطان نہری سوختہ جنطیانا ہر یک پنج درم کندر یک نیم درم پودینہ سہ درم گل مختوم دو درم شربتے سہ درم۔

سفوفی نافع از اسہال کبدی مکرر بہ تجربہ آمدہ

صفتہ دم الاخوین طباشیر بریان طراثیث شیرین صمغ عربی بریان مغز حب الآس کہربا زرشک سماق مغز بہدانہ کتیرا ہر یک یک ماشہ پوست خشخاش بریان سہ سرخ بیخ انجبار اقاقیا ہر یک ماشہ افیون زعفران ہر یک یک سرخ کافور قیصوری از یک نخود تا دو نخود سودہ باد تنگ چہار ماشہ افزودہ سفوف سازند و بروغن بادام شیرین شش ماشہ چرب نمودہ با شیرۂ بہدانہ چہار ماشہ و لعاب ریشہ خطمی سفید چہار ماشہ شیرۂ تخم خرفہ دو تولہ بریان شیرۂ تخم خشخاش تولہ رب بہ شیرین دو تولہ بنوشند۔

سفوف سورنجان صفتہ سورنجان ماشہ کشنیز خشک دو ماشہ مصطگی نیم ماشہ نبات سفید سہ ماشہ سودہ کف کند بعد ازان شیرۂ تخم خربزہ یک تولہ شربت گاؤزبان دو تولہ شش روز این نسخہ بعمل آرند روز ہفتم سورنجان غنچہ گلسرخ پوست ہلیلۂ زرد تربد سپید زنجبیل بسفائج فستقی بہ اسپوس ہر یک ماشہ سنامکی مغز بادام شیرین ہر یک دو ماشہ قند سفید پنج ماشہ سفوف کردہ کف کند و بالاش یک پیالہ آب سرد بنوشند۔

سکنجبین افتیمونے نافع از علل سوداوی و بلغمی

صفتہ افتیمون پنجاہ درم بدہ اثار آب بپزند تا بشش سیر رسد صافی نمودہ شکر سفید یک نیم اثار و عسل خالص پانزدہ استار بقوام آرند شربتے پانزدہ درم +

سکنجبین بادیان پوست بیخ بادیان پوست بیخ کبر تخم کاسنی انیسون پوست بیخ کاکنج سنجبیزہ و فاشرا غافث افسنتین ہر یک دہ دام تخم کشوث تخم کرفس پوست بیخ کرفس جعدہ سنبل اسارون ہر یک ہشت مثقال سرکہ صد درم با شش وزن آب جوش دہند تا نصف بماند نصف وزن ادویہ عسل و نصف وزن نبات داخل کردہ بقوام آرند۔

سکنجبین سادہ صفتہ خل الخمر آب خالص ہر یک رطل شکر طبرزد سہ چند بقوام آرند و اگر عوض آن گلاب بیندازند حرارت معدہ و کبد را دور کند و گاہے درین سرکہ بیخ کاسنی و تخم کاسنی میخیسانند پس تفتیح سدد و افتیمون سودہ بعد از قوام داخل کنند اسہال سودا کند بنماید۔

سکنجبین نافع از طحال صفتہ پوست بیخ کبر فوہ اسارون وج لحائی درخت بید اسقولوقندریون ثمرۃ الطرفا ہمہ را بسرکہ بپزند و سکنجبین عسلی سازند

سکنجبین سفرجلی آب بہ یک رطل مصطگی قرنفل سنبل ہر یک درم ادویہ در کیسہ کتانی کردہ در آب بہ نکوبند انداختہ جوش دہند و با سرکہ و شکر سفید بدستور مقرر بقوام آرند۔

سکنجبین وردی گلقند شکری در گلاب گرم حل کردہ

صافی نموده بر ورق گل سرخ بیندازند و بالایش سرکه ریزند و بپزند۔

سکنجبین سفرجلی دیگر مشتهی قاطع بلغم و صفرا و مقوی اعضا صفته آب به یک جزو شکر سفید یک جزو سرکه کهنه ربع جزو بقوام عسل آرند۔

سکنجبین ساده منضج مخرج فقیر صفته سرکه خالص یک رطل آب نعناع ربع رطل گلاب نیم رطل شکر سفید سه وزن بدستور مرتب سازند۔

سکنجبین افتیمونی دیگر مسهل سودا صفته بسفایج سے درم بدقوق ساخته در پارچه کتان بسته خربق سیاه چار درم نیم کوفته در پارچه کتانی دیگر بسته افتیمون در پارچه دیگر بسته خل الخمر صد درم آب خالص دو رطل همه را در دیگ انداخته بپزند چون نیم پخته شود صره افتیمون بیندازند و از آتش فرود آورده مالیده صافی نموده در آن آب مصفی شکر سفید دو رطل گلاب رطل شکر یک نیم من بقوام آرند۔

سکنجبین عنصلی نافع از صلابت طحال و جگر و مفتح سده و از ضیق النفس و از سرفه که از رطوبت باشد صفته بصل عنصل یک و نیم رطل بکارد چوبی پارچه پارچه کرده و خل الخمر پانزده رطل بران انداخته بآتش ملائم بپزند تا مهرا شود پس صاف نموده بر هر رطلی از و شکر طبرزد انداخته بپزند و بعضی این سکنجبین را از سرکه نیشکر و عنصل تیار میکنند۔

سکنجبین نافع از جدری در اول شروع جدری لوتان وا صفته خل الخمر یک و نیم جزو ورق گل سرخ نیم جزو ورق گل را در سرکه مذکور جوش دهند تا بنصف رسد و شکر سه چند افزوده بقوام آرند۔

سکنجبین بزوری معتدل مفتح سده محلل ریاح مدر بول صفته در سرکه ده رطل پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه هر یک شش اوقیه تخم کرفس رازیانه انیسون هر یک دو اوقیه در یک شبانروز بجنبانند و بپزند تا ششم حصه کم شود پس سرد کرده صاف نموده شکر سفید سه وزن داخل کرده بقوام آرند۔

سعوطی که درد سر را فی الحال تسکین کند صفته بجوره مریم هشت مثقال اصل السوس دو مثقال ورق گل سرخ یک مثقال سوده سعوط نمایند۔

سعوط نافع از فالج و لقوه و استرخاء اعصاب و از رعشه و از جمیع اوجاع بارد رطبه صفته عصارهٔ حنظل تر عصارهٔ بیخ حقندر عصارهٔ بیخ رطبه هر یک ملعقه شونیز تخم حرمل هر یک دو درم همه را مخلوط بوزن یک دانگ با شیر دختر سعوط نمایند۔

سعوطی که تنقیه سر میکند و فضول را میراند صفته تخم حنظل منقے از دانه و پوست ده مثقال کندر فلفل سفید و سیاه فلفل دراز هر یک چار مثقال زعفران یک مثقال مر صبر اشق حاشا هر یک مثقال سقمونیا مشوی شش مثقال عصارهٔ افسنتین دو مثقال کوفته بیخته با آب سعوط نمایند۔

سعوط جند تخم حنظل فلفل سفید کندر تخم سرشف

همه را بکوبند و به آب مرزنجوش سعوط نمایند۔
سعوط نافع برای کسی که خوشبو را حس کند و بدبو را
نکند صفته جندبیدستر سوده مفصل سعوط نمایند۔
سعوط نافع برای کسیکه بوی بد را حس کند و
بوی خوش را نکند صفته مشک سوده بویند۔
سعوط نافع از سکته صفته سداب مرزنجوش
جوش داده صاف کرده بهره گرم ساخته سعوط نمایند
سعوط نافع از سبات صفته روغن نرگس روغن
زنبق سعوط نمایند۔
سعوط نافع از صداع بیضی و شقیقه بارد صفته
روغن بادام تلخ یا روغن تخم مشمش تلخ با آب
مرزنجوش خلط نموده سعوط نمایند۔
سعوط نافع از بدبوی که در بینی باشد صفته
بول خر سعوط نمایند۔
سعوط نافع از جنون که از مادهٔ محترقه باشد صفته
آب برگ عنب الثعلب بروغن بنفشه یا بروغن
نیلوفر یا سفیدی تخم مرغ یا با شیر دختر سعوط نمایند۔
سعوط نافع از بطلان شامه صفته شونیز بریان کرده
تخم حنظل خربق سفید برابر وزن چون عدس
حب سازند و یک حب بروغن مرزنجوش یا
بروغن کدو سعوط نمایند۔
سنون نافع از تغیر دندان که بسبب ماده باشد
صفته فلفل پودینه قسط زراوند مدحرج حلتیت
ناخنخواه سوده با ادویه جالیه مخلوط کرده سنون نمایند
سنون برای درد دندان صفته مر ابهل [illegible]

عاقرقرحا برابر وزن سنون سازند۔
سنون نافع از ضعف دندان صفته صندل سرخ
کبابه فوفل هر یک پنج درم بقم چهار درم دارچینی
دو درم با نشاسته گندم مخلوط کرده سنون سازند۔
سنون که سیاهی دندان ببرد صفته قنبیل
فلفل جا ساذج هندی مازو سوخته سنون سازند۔
سنون دیگر طباشیر سفید فوفل مرجان سرخ و سفید
کشنیز خشک مروارید ناسفته صدف سوخته
شاخ گوزن سوخته پوست تخم مرغ کوفته بیخته
سنون سازند۔
سنون که از حرکت دندان نفع کند صفته
سعد ورق گلسرخ سنبل الطیب نمک اندرانی
کزمازج شاخ گوزن سوخته برابر سنون سازند۔
سنون مقوی دندان صفته هلیله بلیله آمله
گلسرخ گلنار اقاقیا شب یمانی قسط طباشیر
عاقرقرحا سوده سنون سازند۔
سنونی که دندان را سفید کند و جلا بخشد
و بیخ دندان را قوی میسازد صفته نمک اندرانی
ده درم آرد جو دوازده درم سوده بعسل سرشته
در تنور پخته گذاشته سوخته سوده سنون نمایند
عاقرقرحا اذخر هر یک پنج درم سوده بدان
اضافه نمایند۔
سنون عجیب از جهت رفتن خون از بن دندان
و رویانیدن گوشت لثه صفته زاج سوخته
عود سوخته سعد هر یک سه توله سماق نه توله

گلنار سه توله بطریق معمول شربت نمایند۔

سنون که گوشت بیخ دندان برویاند و قطع خون کند و بوی دهان خوش کند صفته پوست هلیله زرد پوست بلیله آمله ورق گل سرخ گلنار اقاقیا نانخواه سفید طباشیر عاقرقرحا هریک بوزن برابر هر صباح با سماق صلایه کرده و از گلاب بشویند و انگاه بسایند

سنون برای درد دندان و مقوی آن صفته تریاق جند بیدستر حلتیت فلفل مروارید زراوند دحرج زنجبیل سیه افیون و بیخ برابر عسل مخلوط کند جزوی از وگرفته بر بیخ دندان نهند۔

باب الشین

شربت اصول مفتح مواد غلیظه منضج و مدر نافع از سوء القنیه و استسقا صفته پوست بیخ بادیان پوست بیخ کرفس پوست بیخ کاسنی هریک سی درم بیخ کبر پانزده درم بادیان تخم کرفس تخم کاسنی هریک بست درم انجیر بست عدد مویز منقی چهل درم نقاح اذخر ده درم جوشانیده صافی نموده بعسل مصفی چهار رطل بقوام آرند۔

شربت اسطوخودوس صفته عناب دو صد دانه آلو بخارا پانصد دانه سپستان سه صد دانه تمر هندی رطل مویز رطل افتیمون چهار توله ماشه اسطوخودوس پنج توله بسفایج سه توله درونج دو توله لاجورد نه توله گل بنفشه دو توله ورق گل سرخ هفت توله گاوزبان گل گاوزبان هریک پنج توله بادرنجبویه پنج توله پوست هلیله زرد پوست ترنج ابریشم مقرض هفت توله

وابریشمی سه توله صندلین هریک پنج توله سافج سه توله بهمنین هریک چهار توله تخم بادرونج سه توله مشک توله کافور مثقال عنبر مثقال ترنجبین نیم رطل شیرهٔ آمله تازه پنج رطل آب کدو هفت رطل عرق شاهتره دوازده رطل عرق نیلوفر دوازده رطل عرق کاسنی هفت رطل گلاب دوازده رطل شربت سیب رطل شربت به رطل شربت انار شیرین رطل نبات سه رطل عسل نیم رطل علی الرسم بسازند اجزاء انچه کوفتنی باشد جو کوب کرده در آب کدو و عرق ها بخیسانند و صباح جوش داده صاف نمایند و شیرهٔ آمله و ربوب و نبات و عسل و ترنجبین داخل نموده بقوام آرند بعد ازان لاجورد و ابریشم و مشک و کافور و عنبر داخل نمایند خوراک از چهار توله تا هشت توله۔

شراب اسطوخودوس صمم و سده دماغ را نافع ست صفته اسطوخودوس ده دام بسفایج پنج دام بالنگو گاوزبان هریک پنج دام قند یا عسل رطلی۔

شربت اسطوخودوس صفته اسطوخودوس ده توله مویز منقی هفت توله کشمش پنج توله بهمن سفید توله شقاقل توله تخم خیارین پنج توله قسط شیرین توله بنفشه توله پوست نارنج توله ثعلب دو توله عود شش ماشه گل گاوزبان دو توله بادرنجبویه تخم خطمی هریک دو توله مشک مثقال عنبر مثقال زعفران دو مثقال نبات صد مثقال گلاب دو مثقال علی الرسم شربت سازند شربتی از توله تا سه توله۔

نسخه دیگر مویز منقی ده دام آمله خشک پنج دام

ابریشم خام پنج دام عود دو دام بهمن سفید سه دام درونج دو دام
بسفایج دو دام اسطوخودوس ورق گل سرخ انیسون
تخم کرفس تخم خطمی قرنفل دارچینی هریک دو دام مشک
دام نبات دو وزن ادویه اجزا را جوکوب نموده در
دو سیر آب شب بخیسانند و جوش دهند تا بنصف رسد
صاف کرده با نبات بقوام آرند شربتی از مثقال تا پنج مثقال
شربتی که نافع از سرفه خشک که از حرارت باشد
صفته زوفا خشک گلسرخ هریک شش دام گل بنفشه
گل نیلوفر هریک سه درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
هریک توله تخم خرفه دو توله سوای بزورها ادویه را در شانزده
توله آب انداخته جوش دهند تا ثلث بماند صاف نموده
شیره های بزور اندازند با نبات ده درم بقوام آرند۔
شربت نافع از فکر و وسواس از تالیف ابن زهر صفته
گاوزبان نعناع گلسرخ ورق اترج ورق حیوانی
حبق ریحانی پرسیاوشان هریک چهار درم به سیب
هریک سه عدد پاره پاره گرفته همه را کوفته در دیگ
بیندازند و بالائش کهربا سوده حریر خام مقرض
لاجورد محرق شسته جوز بوا زراوند مدحرج درونج
بهمنین صندلین مروارید ناسفته صلایه کرده طباشیر
زرنشک عود مصطگی هریک مثقال کوفته بیخته در پارچه
بسته همه در پنج ده رطل آب بجوشانند تا ثلث رسد
صافی نموده بگذارند و ثفل آنها در هژده رطل آب دیگر
جوش دهند تا بثلث رسد پس صافی نموده این هر دو
آب صافی بعسل شکر سفید ده درم بپزند تا بقوام شربت
آید پس سرد کرده مشک یکدام سوده بیندازند۔

شربت زوفا زوفا خشک گلسرخ هریک چهار درم
گل بنفشه سه درم شیره مغز بادام چهار توله شیره تخم خشخاش
دو توله نبات ده دام ابریشم دو توله عنبر دو ماشه مشک ماشه
زعفران ماشه گلاب یک آثار ادویه را جوش داده
در شانزده حصه تا بنصف رسد با شیره بادام و خشخاش
و نبات بقوام آرند و عنبر و مشک و زعفران داخل کنند
شربتی از یک توله تا سه توله۔
شربت انگوری صفته رب به ده توله رب انگور ده توله
عسل دو توله اندکی جوش دهند تا قوام آید در آخر جوش
زنجبیل مصطگی قرنفل قاقله زعفران هریک ماشه
دارچینی باریک نموده در کیسه کرده بیندازند تا دو
جوش خورده مالیده صاف نموده بکار برند۔
شربت اگر عود بیخ بهمن ارمشک سه دام سنبل دو دام
قرنفل مصطگی جوز الطیب هریک دو دام نبات نیم سیر
گلاب دو سیر مشک سشش سرخ ادویه را جوکوب نموده
در پارچه گره سست بندند و با گلاب جوش دهند
تا نصف بماند مالش داده صاف نموده و با نبات
بقوام آرند شربتی از ماشه تا یک نیم توله۔
شربت زرشک صفته زرشک دام آلو بخارا البته دانه
املی دو دام سماق شش ماشه انار دانه چهار ماشه
عود خام دو ماشه تخم کاسنی چهار ماشه پوست ترنج
دو ماشه نعناع دو ماشه شکر ده دام زرشک و آلو
و تمر هندی را خیسانیده بگیرند شکر داخل کرده
بقوام آرند۔
شربت اسطوخودوس بابت ملاسه بید نافع و منضج

مواد سوداوی و بلغمی خصوص دماغی صفت
اسطوخودوس ده درم عود الصلیب گاوزبان تخم
رازیانه تخم کرفس تخم خطمی هریک پنج درم سپستان مویز
منقی بست دانه بنفشه خشک ورق گل سرخ
هریک هفت درم پرسیاوشان ده درم اصل السوس مقشر
پنج درم همه را بپزند و با سه رطل عسل مصفی یا شکر طبرزد
بقوام شربت آرند۔

شربت انار شیرین نسخه شیخ مقوی معده نافع از
سوختگی و سرفه صفت آب انار شیرین بیدانه چهار رطل
آب سیب شامی یک رطل نبات سفید یک رطل
فانید سجری یک رطل بقوام آرند شربتی دو اوقیه۔

شربت مقوی قلب صفت آب هندوانه بست چهار
دام آب کدو بست چهار دام عرق شاهتره دوازده دام
گلاب ده دام عرق کاسنی چهارده دام عرق نیلوفر
چهارده دام آب لیمون شانزده دام عناب چهل دانه
آلوبخارا چهل دانه گشنیز پنج دام مویز دو تولہ کشمش
دوازده تولہ ریواج دو تولہ گل سماق دو تولہ گاوزبان
بادرنجبویہ پنج تولہ ابریشم مقرض هفت تولہ عنبر چهار ماشه
کافور دو ماشه رب سیب ده دام رب به ده دام نبات
سی چهار دام اول ابریشم را یک شبانروز در یک سیر
آب بخیسانند و صبح جوش داده صاف نموده اجزا را
در هفت سیر آب یک شب خیسانیده صبح جوشانند
تا نصف بماند صاف نموده با آب ابریشم و شربتها و ربها
و نبات آمیخته بآتش ملائم بجوشانند تا بقوام آید پس مشک
و عنبر را حل کرده و کافور را سائیده داخل نمایند

شربتی از دو تولہ تا سه تولہ۔

شربت انجیر نافع از قولنج صفت انجیر دوازده دام
در پانزده برابر آب جوش داده صاف نمایند
و سی دام قند سفید و سه دام عسل انداخته جوش دهند
تا دران حل شود بعد ازان قرنفل سنبل خولنجان
دارچینی هریک تولہ زعفران نیم تولہ جوکوب نموده
در پارچه بسته دران انداخته جوش دهند تا بقوام
آید مالیده صاف نمایند۔

شربت نافع از سنگ اصل صفت پوست بیخ رازیانه
ده مثقال پوست بیخ کاسنی ده مثقال پوست بیخ
کرفس پوست بیخ کبر سنبل الطیب بادیان را زیانه تخم کاسنی
اذخر کرفس عنب الثعلب گل سرخ اصل السوس
پرسیاوشان هریک پنج مثقال انیسون اسارون
بزر بیدان هریک سه مثقال ماهی زهره دو مثقال
قند یک من۔

شربت دینار قریب باعتدال نافع از سدد
و استسقا و کبد و احشا و اورام آنها مدر بول و
ملین طبع صفت تخم کاسنی نیم کوفته بست مثقال
پوست بیخ کاسنی سی درم گاهی ورق گل سرخ
پانزده درم داخل میکنند ریوند چینی چهار مثقال
ریوند چینی نیم کوفته در پارچه بسته با دیگر ادویه بپزند
و صاف نمایند و با شکر سفید یا شکر طبرزد دو رطل
بقوام آرند و گاهی سه مثقال ریوند را سوده وقت
قوام نیز ضم میزنند۔

شربت انجبار خون را بند کند و اسهال دموی

نافع است صفتش انجیر هفت مثقال فرو شامی
پنج مثقال صندلین هر یک چهار مثقال صندل سوده
کرده و دو یکی از دو سه را کوفته بپزند و شکر طبرزد یا نبات سفید
دو رطل اضافه نموده بقوام آرند شربتی از ده درم
تا مثقال و گاهی حلیت تخم خرفه و حب الآس داخل میکنند
شربت انجبار دیگر صفته صندلین هریک نیم مثقال
انجبار هفت مثقال اقاقیا دو مثقال قند سفید سیر
شربت افسنتین با بیخ کرفس صفته افسنتین صد درم
در سه رطل آب بپزند تا بربع رسد البته صاف نموده
بشوی و خمیر کرده عصاره آن ثلث وزن آب و
عسل ربع وزن و شراب نصف وزن آب پخته
بقوام آرند
شربت ورد دیگر مسهل صفرا و بلغم صفته ورق
گل سرخ دو من تازه در ده من آب بپزند تا رنگ
ورد در آب یافته شود پس ورق گل افشرده باز در آن
آب ورق گل سرخ دیگر دو من پخته صاف نموده با دو
من عسل یا شکر طبرزد بقوام آرند
شربت هلیله زرد نافع از درد مفاصل که از صفرا و
بلغم رقیق باشد و نافع از التهاب تب محرق صفته
هلیله زرد صد عدد با آب گرم شسته در آوند عرقی
داخل کرده آب بالائی بر ریزند بقدری که هلیله را بپوشد
و در آفتاب سه روز بگذارند و آن آب نگاه دارند
و آب دیگر بالایش بدستور بریزند و بگذارند تا هلیله
سفید شود پس آبها را در دیگ بیندازند و ترنجبین
صد درم و شکر سفید یک رطل انداخته بقوام آرند

و اگر در هر رطلی ازین شربت یک مثقال سقمونیا بیندازند
قوی تر گردد
شربت انار منفع مسکن قی صفراوی و خفقان
صفته آب انار شیرین شکر سفید برابر وزن یکجا کرده
بر آتش بگذارند و آب نعناع بقدری که تلخی نماید بیندازند
و بپزند و پوست بیرون پسته قدری قلیل و برگ سنج
در طبخ بیندازند و بقوام آرند
شربت خشخاش پوست خشخاش با تخم سی عدد
نیم کوفته و تخم آن سحق نموده در گلاب یک شب
بخیسانند و با دو من آب جوش دهند تا ثلث بماند
پس صاف نموده با شکر سفید رطل بقوام آرند
شربت زوفا منضج بلغم غلیظ که در سینه باشد
صفته تخم کرفس بادیان هریک پنج درم زوفا خشک
هفت درم انجیر بیست دانه مویز منقی سی درم حلبه
چهار درم تخم خطمی اصل السوس مقشر ایرسا هریک
سه درم پرسیاوشان هفت درم عناب سپستان
هریک بیست دانه فراسیون سه درم بپزند و صاف
نمایند و شکر سفید دو رطل و گلقند یک رطل
بقوام آرند و برای دفع حرارت نیلوفر بنفشه و
خشخاش در مطبوخ افزایند و عوض گلقند
ترنجبین و خمیره بنفشه داخل کنند
شربت یاقوت مخرج آب انار شیرین آب امرود
آب به شیرین هریک اوقیه قند سفید یک من
بگلاب بقوام آورده از آتش فرود آورده یاقوت
رمانی دو ماشه مروارید ناسفته سه ماشه کهربا لعل

هر یک سه ماشه کافور یک ماشه سائیده ورق نقره
عنبر اشهب ماشه بیندازند۔

شربت مالنخولیا مراقی و دفع سوداوی آب سیب
آب به شیرین آب انار شیرین گلاب یا عرق بیدمشک
یا عرق گاوزبان یکصد مثقال بقند بقوام آرند
وقت جوش یاقوت نه مثقال عنبر مثقال العود ده مثقال
اضافه نمایند۔

شربت حب الآس نافع از اسهال که با سرفه باشد
صفت حب الآس دو جزو بکوبند و بجوشانند و صاف
کرده ده جزو قند انداخته بقوام آرند۔

شربت ابریشم جگر و دل و احشا را قوت دهد و باه را
زیاده کند و نشاط آرد صفت ابریشم پنجاه درم در آب
سه شبانروز بخیسانند و در دیگ سنگین بجوشانند
تا نیم آب صاف کرده خولنجان وج مصطگی هر یک درم
زعفران یک درم اضافه کرده با یک من قند سفید
بقوام آرند۔

شربت مصفی خون صفت ورق بنفشه بست درم
آلو بخارا صد دانه عناب دو صد دانه تمر هندی صد درم
طباشیر دو درم شاهتره و زرشک هر یک بست درم
تخم کاسنی هفت درم عنبر اشهب نیم درم مشک [illegible] درم
سوای مشک و عنبر ادویه را در هفت سیر آب
یک شبانروز بخیسانند بعد از آن بر آتش ملائم
بجوشانند تا نصف باند و نیم سیر آب کدو و نیم
آب انار و نیم پاو شربت خاص و یک نیم سیر نبات
داخل نموده بقوام آرند و مشک و عنبر داخل کنند۔

شربت آلو مسهل صفرا و بلغم رقیق و نافع از تپهای
گرم و امراض صفراوی و بلغمی صفت اجاص بزرگ
صد عدد عناب ولایتی سی عدد تمر هندی سی درم
بنفشه خشک بست درم تربد بست درم تربد را
کوفته در پارچه بسته با هم ادویه بپزند و صاف نموده
با ترنجبین و شکر سفید هر یک رطل بقوام آرند و
سقمونیا مثقال زعفران نیم مثقال را اضافه نمایند۔

شربت انار شیرین نافع از قی و غثیان صفت
آب انار شیرین را جوش دهند تا نصف رسد
پس دو رطل آن گرفته با شکر سفید یک رطل
بقوام آرند۔

شربت گاوزبان آب گاوزبان تازه یک
من با یک من قند بقوام آرند و بست مثقال
گلاب بیندازند۔

شربت بادرنجبویه نافع از خفقان سرد
و توحش سوداوی صفت بادرنجبویه خشک
پنجاه مثقال و آب تازه نیم من با یک من
قند بپزند۔

شربت بزوری معتدل معده و جگر و
مفاصل را سود دارد و بادها را دفع کند صفت
پوست بیخ کرفس بیخ کاسنی هر یک سی درم
تخم کاسنی بادیان هر یک بست درم
رازیانه تخم کرفس هر یک ده درم تخم کشوث
پنج درم در پارچه بسته در آب بجوشانند
و بپالایند و با یک من قند بپزند۔

شربت بزوری بارد صفته تخم کاسنی تخم کدو
تخم خیارین تخم خربزه بادیان هریک ده درم
بیخ کاسنی ده درم بیخ بادیان پنج درم قند سفید
دو چند بقوام آرند۔

شربت صندل اسکن التهاب قلب ومعده وکبد
ونافع از تپ محرق وتپ دق صفته برادهٔ صندل
سی درم در پارچه بسته در نیم رطل سرکه یکشبانه روز
بخیسانند وسه رطل آب اضافه نموده بجوشانند
تا یک رطل باند پس صاف نموده نیم من آب
انار شیرین ونیم من آب تمر هندی وسه رطل
شکر سفید داخل کرده بقوام آرند چون سرد شود
طباشیر وصندل سحق نموده هریک دو درم
کافور قیصوری نیم مثقال بالایش ریزند۔

شربت فواکه نافع از قی صفراوی ومقوی معده
ومشتهی صفته آب به ترش آب به شیرین آب کمثرا
آب انار شیرین آب سیب شیرین آب انگور ترش
آب حماض ترنج گرفته قدرے سماق وزعرور
وحب الآس وزرشک یکشبانه روز بخیسانند
مالیده صافی نموده شکر سفید داخل کرده بقوام آرند

شربت گندر صفته گندر تراشیده آبخوانش برآورده
یک جزو وآب خالص ده جزو در دیگ کرده بپزند
تا مهرا شود پس از آتش برآورده مالیده از پارچه
گذرانیده در دو جزو آب مصفی شراب کهنه
صاف جزو وعسل مصفی جزو بقوام آرند۔

شربت توت نافع از ذبحه وخناق وورم حار
در دهن صفته عصارهٔ توت سرخ پنج رطل
وعسل مصفی رطل زعفران وعصارهٔ لحیة التیس
هریک دو درم شبت یک نیم درم بجوشانند
تا بقوام عسل رقیق آید۔

شربت بنفشه معتدل در برودت نافع از ذات الجنب
وذات الریه ودرد گرده ودهن وتلیین طبع وسینه
وسرفه صفته برگ بنفشه تازه یک کیلچه با چهار کیلچه آب
بجوشانند وصاف نموده با یک رطل آن آب
شکر طبرزد یک من انداخته بقوام آرند واگر تازه
نیابند از بنفشه خشک تیار کنند۔

شربت عناب بارد رطب نافع از سرفه وغلبه
خون وازما شرا وجدری وحصبه ودرد های سینه
صفته عناب یک رطل در چهار رطل آب بجوشانند
تا یک نیم رطل بماند وشکر طبرزد یک من افزوده
بقوام آرند۔

شربت نیلوفر سرد ومرطب نافع از سرفه و
سوزش وتلیین طبع وسینه ونافع از صداع
صفته برگ نیلوفر تازه یا خشک رطل با چهار
رطل آب بجوشانند وصاف نموده شکر طبرزد
یک من افزوده بقوام آرند۔

شربت قسط عرق خرم گیاه که از ده سیر
برگ گرفته باشند چهار آثار پا وبالا جوز لواب
هریک ده توله قاقلین تخم هلیون تخم شبت
هریک چهار توله تخم گندر دو توله بهمن سفید
چهار توله بهمن سرخ دو توله صندلین هریک دو توله

تخم الثعلب مصری هفت توله کشنیز با سه توله
مغز حب ... الفلفل هر یک یک نیم توله
مغز تخم خیارین مغز بادام شیرین مغز تخم کدو
زعفران هر یک دو توله و نیم نبات دو سیر دوا را
نیم کوب و مشک و زعفران ادویه را در دوازده آثار
آب خیسانیده و جوش داده صاف نموده با عرق
مذکور آمیخته از نبات بقوام آرند۔
شربت سیب آب سیب شیرین رطل در دیگ سنگین جوش
دهند و صاف نموده سه رطل شکر سفید داخل نموده
بقوام آرند۔
شیاف نافع از رمد صفت شیاف مامیثا
انزروت هر یک هفت دام زعفران دو دام کتیرا
دام افیون نیم دام با آب باران بسفیده تخم مرغ
حل کنند و اندک ... مژگان را سائل کنند ماده را
از چشم باز دارد و از پس یک هفته چشم بطبیخ حلبه
واکلیل الملک و بابونه ... ساعت۔
شیاف نافع از ابتدای رمد گرم صفت اقاقیا
سی ... درم اقلیمیا ... چهار درم نحاس
سوخته مغسول وزن هر ده دام ... خمیر کنند۔
شیاف کرسی ... سجاب الذهب نافع از ورد ...
و از هر یک درم و از مواد ... صفت مامیثا
چهار مثقال انزروت هشت مثقال زعفران
... سوخته هر یک هشت مثقال
صمغ عربی دوازده مثقال با آب باران عجن نمایند
یا بسفیده تخم مرغ استعمال نمایند۔

شیاف لین نافع از بقایای رمد و غلظ اجفان
و خشونتهاء و الجرب و الشرناق و الغدد و رفع
والکمنه والسلاق والنمله والسعفه والجسا که عارض
در ملتحمه والحکه که عارض در چشم شود وسیل الرقیق
صفت شادنج مغسول شش دام نحاس سوخته
چهار دام بسد مروارید کهربا الشمعی هر یک دو درم
صمغ عربی کتیرا هر یک پنج درم دم الاخوین زعفران
هر یک نصف درم کوفته با آب شیاف سازند۔
شیاف صطفلیقان نافع از استرخاء چشم
و ظلمت بصر و ابتداء آب نزول و السبل و ناخونه
و بیاض و الدمعه صفت اقلیمیا فضه زعفران افیون
فلفل هر یک دو درم نمک هندی درم بورق ارمنی
مر و صبر هر یک شش دام حب النیل درم صمغ عربی
شیاف مامیثا و انزروت هر یک چهار درم زرنیخ
دام سحق نموده با آب حل کنند۔
شیاف سرخ شادنج ده دام مس سوخته هشت دام
صمغ عربی دو دام کتیرا مصاف هر یک دو دام
بسد مروارید شادنج هر یک چهار دام دم الاخوین
زعفران هر یک دام سرمه روشنائی استخوان خرما
سوخته پنج درم دخان کندر چهار درم صندل
سه درم حب بلسان سه درم لاجورد مغسول ده درم
شیاف ابیض سفیداب قلعی ده دام کف دریا چهار دام
زنگار یک نیم دام بورق سکبینج اشق هر یک دام
بطبیخ ... شیاف کنند۔
شیاف زعفران برای دمعه صفت زعفران پنج دام

سنبل دو دام فلفل سپید نه سرخ نوشادر یکنیم ماشه بایزده سه دام کافور سه سرخ بآب باران شیاف سازند

شیاف عرب صفته صبر کندر هر یک دام انزروت وهم الاخوین گلنار کحل شب هر یک نیم دام زنگار ربع درم شیاف کنند وعند الحاجت در ناسور بچکانند و علیل بجانب ناسور بخسپد تا که از ان قطره با بچکد بعد ازان شیاف را در آب مخلوط کرده سه قطره بچکانند تا چار قطره در اماق و در میان قطره ها ساعت وقفه کنند پس علیل همچنان سه ساعت بخسپد و اگر باشد از فجر باز علاج را اعاده کنند تا که آب از چشم نچکد و باز از چکیدن باز ماند۔

شموم مقوی دماغ معتدل صفته عنبر دام عود هندی دو درم صندل مقاصری سه دام علیحده علیحده ادویه را سحق کرده مخلوط کنند و به بینی بدمند لیکن صندل و عود را با گلاب سحق نموده پس خشک کنند و عنبر را با شکر سحق کنند بعد ازان شکر را ازان بشویند و با ادویه مخلوط کنند۔

شیاف ابیض دیگر صفته سفیداب صاصی پنج درم نشاسته کتیرا هر یک ربع درم صمغ عربی افیون هر یک درم شیاف سازند و بشیر دختر استعمال نمایند۔

شیاف که وقت شدن درد استعمال توان کرد فی الحال درد گوش را و درد چشم را ساکن سازد صفته حلبه را چند بار از آب بشویند و در آب گرم نیم دانگ بخیسانند و لعاب آن از دست یا از چوب برآرند و در جام انداخته در آفتاب بگذارند تا خشک شود

همین قسم از کتان لعاب برآورده خشک سازند هر دو لعاب یک یک جزو و زعفران نیم جزو سوده مانند عدس شیاف سازند یک یک حب در چشم یا در گوش بیندازند۔

شیاف اسود نافع از حرارت نفث دمعه و نافع از حرقت و درد و سبل که با حرارت باشد صفته صمغ عربی کتیرا هر یک دام سفیداب رصاصی چار دام اقاقیا پنج دام مرصافی سنبل افیون هر یک چار دانگ کوفته بیخته بآب شیاف سازند۔

شیاف مسکن وجع صفته افیون زعفران سفیداب کاشغری زاج محرق شیاف سازند۔

شیاف سرخ دیگر نافع در آخر رمد و از غلظ جفان که بعد رمد میماند صفته شادنج ده درم زاج سوخته دو درم زعفران سنبل هر یک درم بشراب شیاف سازند۔

شیاف کندر که بثور چشم را پخته میسازد صفته کندر جزو انزروت نیم جزو اشق زعفران هر یک ربع جزو بلعاب حلبه شیاف سازند۔

شیاف که گوشت در چشم بر دیاند صفته کندر انزروت مر دم الاخوین کحل اقلیمیای فضی برابر وزن شیاف سازند۔

دیگر اسفیداج جزو انزروت نیم جزو شیاف سازند

شیافیکه سفیدی غلیظ چشم را دور کند صفته سکبینج اشق انزروت برابر وزن کفدریا بوره جزو شیاف سازند و بعد حک موضع سفیدی باب

مطبوخ وج در چشم بیندازند —

شیاف اسفیداج جزو انزروت نیم جزو شیاف سازند —

شیاف گلسرخ نمک هندی هریک درم بنفشه دو دام خطمی سه دام سناکی پنج دام شکر سرخ ده درم عسل خیارشنبر ده درم —

نسخهٔ دیگر گلسرخ شش ماشه گل کودنی گل خطمی هریک چار ماشه مویز ده دام عسل شش ماشه شکر نه ماشه نمک بادیان هریک دو ماشه خیارشنبر شش ماشه شیاف سازند —

باب الصاد

صبغ که برص را رنگین کند و رنگش تا بیست روز بماند صفت شیطرج نیل توده شب یمانی گلسرخ کوفته بسرکه تر کنند و بطلخ توده طلا کنند —

باب الضاد

ضماد نافع از برآمدگی ناف صفت آرد باقلا پوست انار سرشی مازو پوست تخم مرغ سوده ضماد نمایند

ضماد برای حکه پلک و گوشهٔ چشم صفت عدس مقشر گلسرخ تخم انار سوده بصبح سرشته ضماد نمایند —

ضماد برای طاعون صفت صبر سقوطری شش دام حبا پوتا نه دام مرکی دام زعفران دام کافور بهیم سینی نیم درم همه را کوفته با آب حب سازند بقدر ار دو ماشه صاحب مرض را یکی بخورانند و یکی ضماد نمایند —

اگر روز اول خیر ماند شفا یابد والا نه —

ضماد نافع از ورم طحال صفت انجیر پنج دام در سرکه پخته مالیده صاف نماید بعد اب قطران تخم فنجنگشت اکلیل الملک بابونه هریک شش ماشه کوفته بیخته دران انداخته بسرشند و ضماد کنند —

ضماد که بیهوشی زائل کند صفت مونگ مقشر کف عود الصلیب ماشه سوده بشیر دختر یا بشیر بز سرشته روغن گلسرخ پنج توله زرده تخم مرغ عدد داخل کرده بر یافوخ ضماد نمایند —

ضماد صفتاس سوده بدبه و سرکه سرشته ضماد نمایند —

ضماد نافع از ذات الجنب صفت بنفشه خشک آرد باقلا آرد جو خطمی بابونه اکلیل الملک نخاله جوارکی سوده موم زرد بروغن بنفشه یا بروغن کنجد گداخته ادویه دران انداخته ضماد نمایند —

ضماد نافع از نقرس حار صفت اسپغول خطمی آرد جو سفیدی بیضه در سرکه روغن گلسرخ سرشته ضماد نمایند —

ضماد نافع از صداعی که از ضربه و سقطه و شجه عارض شود صفت گلنار عدس سماق پوست انار گلسرخ خشک آس برابر وزن جوشانیده صافی نموده آب آن بر سر ریزند و ثفل انرا حل کرده ضماد نمایند —

ضمادی که بلع سوده صفت اشق بسرکه حل کرده ضماد نمایند —

ضماد مسکن درد رحم صفت خشخاش در شیر گاو بپزند و چون مرهم ساخته گلسرخ و زعفران سوده و موم زرد و بروغن گل گداخته همه را مخلوط کرده ضماد نمایند

ضماد دیگر خون بینی را بند کند صفته آرد جو گلنار
اقاقیا عصارة لحیة التیس صندل سفید افیون
هر یک سه درم کافور دانگ سوده بگلاب سرشته
بر پیشانی ضماد نمایند —

ضماد نافع از ورم بواسیر و درد آن صفته
پیاز در آتش پخته پوست آن دور کرده بروغن گاو
و زردهٔ تخم مرغ سرشته ضماد نمایند —

ضماد مانع از سقط حامله صفته عدس مقشر مازو
برگ آس پوست انار شیرین برابر بسرکه شراب
سرشته بر عانه و قطن ضماد نمایند —

ضماد نافع از صلابت طحال صفته اشق مقل کرات
برابر بسرکه شراب ضماد نمایند —

ضماد نافع از درد گوش و ورم که بسبب داخل شدن
آب ظاهر شود صفته پوست خشخاش بابونه اکلیل الملک
بنفشه خطمی تخم کتان آرد جو سوده بشیر زنان
سرشته ضماد نمایند —

ضماد نافع از بر آمدن پوست از گرد ناخن صفته
حرف نمک برابر سوده ضماد نمایند —

ضماد نافع از گزیدگی سگ و سباع و دیگر حیوانات
صفته پیه موم و زفت و بارزد ضماد نمایند —

ضماد جاذب سموم صفته پیاز و نمک و عسل
کوفته مخلوط کرده ضماد نمایند —

ضماد تقویت ذکر صفته پیاز نرگس سه توله پیاز عنصل
چهار توله بکارد چوبی ورق کرده در شیشه اندازند
که چهار انگشت از روی دوا برود و بجنبانند و در

دو در آفتاب گذارند تا شیر خشک شود پس در گهرل
انداخته قسط تلخ قسط بحری زراوند مدحرج پیه گردهٔ بز
مغز ساق گاو پیه مرغابی هر یک توله روغن چنبیلی پنج تو
لادن توله عنبر اشهب سه ماشه عطر ناگیسر سه ماشه
داخل کرده در گهرل بمالند چون نرم شود حشفه لذا شته
ضماد نمایند —

ضماد منضج دنبل و مقل ازرق سه توله با آب طبیخ
برگ مورد حل کرده ضماد نمایند —

ضماد دیگر با آب سائیده بر استخوان شکسته بندد
چون سنگی که بر آن سائیده باشد خشک شود
دوا را هم واکند و اگر اندکی توقف کند استخوان
زیاده از حد خود شود —

ضماد برای ضربه و سقطه صفته میده آمله برگ حنا
خشت کهنه برابر وزن گرفته باریک سوده با
سفیدهٔ بیضه حل کرده بالای پارچه مالیده بر
موضع ضربه بگذارند هر دو وقت صبح و شام مجرب است

ضماد نافع از درد شدید که بسبب سردی باشد
صفته کشنیز خشک اکلیل الملک زعفران
تخم کتان بشراب سوده بر اجفان ضماد نمایند —

ضماد نافع از نقرس بارد مجرب صفته تخم کنهل
کنجد حلبه سوده بعرق بادیان سرشته ضماد نمایند —

دیگر حلبه را در سرکه بپزند و عسل بالای آتش ریزند
و بسایند تا چون سرمه شود بر موضع درد ضماد نمایند
چون خشک شود روغن گل بالای آتش ریزند —

ضماد مصطکی رومی زردچوب میده کنجد سیاه

اجزا را همه برابر گرفته کوفته بیخته و سفیده تخم مرغ
حل کرده بر موضعی که ضربه رسیده باشد بیتی بگذارند
تا درد دور شود چند انگشت —

ضماد برای درد گرده که از ضعف باشد منقول
از ذکریا صفته گلسرخ اقاقیا رامک برگ مورد
صندل برابر کوفته بیخته روغن گلسرخ سرکه انگوری
داخل کرده ضماد نمایند —

ضماد صابون نیم پاو گندهک توله زردچوب توله
سیاه چار توله زرده تخم مرغ بقدر خمیر بابونه نه ماشه
نیم دودام شیره بکوسے دودام افیون چار ماشه
تخم شبت نه ماشه تخم حلبه نه ماشه ریوند توله روغن
خروع دو ماشه موم و صابون را در روغن بر آتش
حل نمایند و ادویه یابسات را کوفته بیخته در ان انداخته
مثل معجون لت نمایند بعد از ان زرده تخم انداخته
لت کنند و ضماد سازند —

دیگر صندل سرخ شش ماشه گندهک سه ماشه
ابکوهی سه درم سیاه ری شش ماشه زردچوبه توله
زرده تخم مرغ سه عدد موم شش ماشه روغن کتان
یک نیم دام روغن خروع یک نیم دام مثل مرهم
ملائم سازند —

ضماد که بول الدم را بند کند صفته اقاقیا صبر
حضض برابر وزن سوده با سرکه سرشته ضماد نمایند —
ضماد از ورم پستان که از بستگی شیر باشد نافع است
صفته تخم کتان سوده بعسل سرشته ضماد نمایند —
ضماد ورم گرم پستان صفته اسبغول با سکنجبین

و آب مخلوط کرده ضماد نمایند —

ضماد نافع ارحد به که از رطوبت یا ریح باشد صفته
راس اسهل و ج در سرکه چندان بپزند که مهرا شود
پس فقر الیهود دران زیاده کرده چون مرهم ساخته
ضماد نمایند —

ضماد دیگر صفته بورق سنبل سعد خردل دارچینی
خولنجان سداب برابر شیر نیم جزو زهره گاو نصف
وزن ادویه عسل نصف وزن ادویه همه را بکوبند
و بشیر تر کرده خشک کرده پس سر صلایه سحق کرده
و خشک نموده باز بزهره گاو تر کنند و خشک کنند
با شهد مخلوط کرده ضماد نمایند —

ضماد فرفیون چار ماشه خردل شش ماشه
جند دو ماشه سعد سه ماشه جوز الطیب عدد بورق
سه ماشه عاقرقرحا شش ماشه فلفل چار ماشه
درج شش ماشه اسهل چار ماشه دارچینی سه ماشه
خولنجان سه ماشه نیم وزن مجموع ادویه شیره
داخل کرده ضماد نمایند —

ضماد جهت طوالت قضیب صفته سیاه فلفل
قسط اسارون کٹائی جوز د اسگندهه کنجی عسل
نمک لاهوری سرشف جرجیر آرد سه دار فلفل
سحق نموده بآب عجین نمایند باز سحق کرده بعسل عجین کنند
ضماد ایرسا مویز عاقرقرحا قسط فلفل انیسون
زعفران عطر کرنه روغن کنجد خوشبو ضماد نمایند —
ضماد جالینوس ایرسا پنج مثقال مویز ج
قسط شیرین هر یک دو نیم مثقال جند بیدستر هفت

فلفل گرد سه و نیم مثقال بشیر لائق خمیر یکجا کرده ضماد نمایند۔

ضماد بابونه عنب الثعلب اکلیل الملک ریوند چینی زرنباد هر یک توله کوفته بگلاب و عرق بادیان و عرق بادرنجبویه سائیده روغن مصطگی دو توله داخل کرده بر موضع ورم ضماد نمایند۔

ضماد مسهی شیره پیاز نرگس هر یک دو دام شیرهٔ سوسن دو دام عاقرقرحا مویزج توله قسط تلخ توله سه نه ماشه حب النیل توله قنطریون نه ماشه آب کتائی ده دام شهد نه توله کریم دانه نه ماشه بوزیدان شقاقل کباب چینی هر یک نه ماشه خولنجان جوتری هر یک توله آب مرچ جنگلی شش دام مصطگی شش دام چوده خراطین توله چوده آلو دو توله چوده پینه دانه سه توله فرفیون توله مغز تخم کدو تلخ نه ماشه بیخ کنیر سفید توله بیخ شیپنی نه ماشه کچله عدد کندر شش ماشه دم الاخوین شش ماشه روغن بیون سه توله روغن مالکنگنی دو توله روغن گاو توله ضماد سازند بکار برند۔

ضماد اسگند ناگوری عاقرقرحا مالکنگنی بیخ کنیر کچله اجواین خراسانی اسپند گل اکه ریزه تخم دهتوره پلاس پاپڑا گهونگچی سفید هر یک دام اول کچله را در آب تا یکروز تر کنند و ریزه ریزه نموده با دیگر ادویه جوکوب نموده در شیر بز یک آثار تا سه شبانروز تر نموده بعد ازان اندک در گرما خشک نموده چوده چکانند و مقدار یک سرخ تا الد و نیم سرخ با پان بخورند

و اگر این دوا هم داخل چوده کنند بسیار خوب می شود قضیب گاو جوان یک عدد دستاور دو دام دارچینی جوز بوا بسباسه پیاز نرگس لسن مغز پنبه دانه خردل سعد خولنجان مصطگی هر یک دام خراطین پنج دام

ضماد محلل اورام صفته زرده تخم مرغ دو عدد صندل سرخ شش ماشه شیرهٔ عنب الثعلب سه دام گلسرخ توله روغن کتان دو دام آرد جو توله سنبل الطیب شش ماشه۔

ضماد ممسک مشک فرفیون عاقرقرحا هر یک دو ماشه روغن عاقرقرحا یک توله ضماد نمایند۔

ضماد عود الصلیب و عود هندی مرزنجوش بابونه اذخر مکی زرنباد زرورد هر یک توله بگلاب سرشته روغن مصطگی داخل کرده بر معده ضماد نمایند۔

برای فواق بلغمی و ورم فم معده فائده کلی دارد لیکن اگر مصطگی یک ماشه سوده با گلقند بخورانند و عقب آن نعناع خشک دانه هیل غنچه گلسرخ هر یک چهار ماشه بگلاب ده توله جوشانیده با شربت افسنتین دو توله بنوشانند انشاء الله تعالی فواق زائل گردد۔

ضماد مسکن وجع صفته افیون زعفران هر یک چهار مثقال شیر بز مغز نان بقدر کفایت۔

ضماد طبیخ بابونه طبیخ کتان حلبه گوگلهرو هر یک دو دام انیسون تخم شبت هر یک نیم دام شیرهٔ سنبهالو پنج دام درسی دو وزن ادویه آب انداخته جوش دهد تا النصف بماند بعد ازان روغن کنجد

روغن زیتون هر یک نیم دام روغن کتان یکدام
انداز و جوش دهد چون آب بسوزد در روغن اضافت
نموده پیه بط پیه مرغ مصطگی رال هر یک شش ماشه
فرفیون ماشه موم شش ماشه انداخته ضماد نمایند —
ضماد مقل پنج دام میعه سائله دو دام سکبینج سه دام
اشق سه دام کبریت چار دام ریوند پوش در بندی
صندل سرخ هر یک دو دام چوب چینی زرد چوبه
هر یک چهار دام بابونه سداب هر یک سه دام گهلی
درسنه مرزنجوش بوی مادران هر یک دو نیم درم
اکلیل الملک حماما سنبل خشک هر یک دو دام
حب الغار ابهل بادیان نانخواه تخم کرفس تخم شبت
بهنگ کابلی هر یک سه دام تخم پنجنکشت دو دام
زردهٔ تخم بقدر حاجت —
ضماد منضج کوفته تخم کتان حلبه کنجد بیخ سوسن
میعه سائله سرگین کبوتر اشکل میش بزرالبنج هر یک جزو
با قدری موم و روغن بسرشند و ضماد نمایند —
ضماد عصارهٔ ریوند زوفا هر یک شش ماشه
موم توله پیه حلوان پیه مرغابی هر یک توله روغن کدو
روغن بادام هر یک شش ماشه کندر سه ماشه
صبر چار ماشه سلارس شش ماشه —
ضماد افیون زعفران جوز بوا خشخاش سیاه هر یک
بیا سه هر یک توله از آب کشنیز تر بهاونه دهند و بسایند
و حب بندند وقت حاجت ضماد نمایند —
ضماد وجع مفاصل که ورم را دور کند صفت
سورنجان مصری عاقرقرحا هر یک پنج درم قوتینج
تخم تره تیزک زفت هر یک سه درم قسط دو درم
اجزا را کوفته بیخته بگلاب و آب خالص و روغن زیت
سرشته ضماد نمایند —
ضماد جهت درد شانه و بازو صفته مقل نیم پاؤ
ریوند دو نیم دام صندل سرخ چار دام با شیرهٔ عنب الثعلب
بسرشند و ضماد نمایند —
ضماد مقوی بیخ کنیر سفید توله مصطگی جوتری جوز بوا
هر یک شش ماشه عاقرقرحا توله مویز خشک انیسون
کرفس زعفران هر یک شش دام جونک سرخ خشک
ده عدد زفت توله روغن مالکنگنی دو دام پیه شیر
توله عطر کرنه چار ماشه چیزها ــــ پالیس راکاوه نمایند
بعده روغن داخل نموده زفت و جونک را سحق کنند
و عطر شامل نمایند —
ضماد بارها تجربه آمده برای سستی باه بنظیر است
صفته لونگ دو جزو گهونگچی سفید دو جزو بالون دو جزو
زعفران یک جزو عرق ادرک دو جزو چنانکه باید
خوب در عرق مذکور سائیده وقت طلا هم در عرق
ادرک سوده ضماد بر قضیب سازد و برگ تنبول
بالای آن بسته سه روز احتیاط نمایند —
ضماد برای سرعت انزال صفته پیاز نرگس
هفت عدد بکار چوبی ورق کرده در شیر میش
بمقدار چار انگشت بالا باشد بخیسانند تا سه روز
بعد آن بگهرل انداخته بسایند قسط تلخ سورنجان سفید
زنجبیل بهمن سفید و سرخ قسط بحری هر یک توله
کوفته بیخته داخل کرده مومیای بر روغن نرگس آمیخته

اضافه نموده بدسته بمالند تا چون مرہم شود بعدهٗ
ضماد بر عضو سوداوی حشفه نمایند۔

ضماد برای ورم بلغمی صفته بابونه اکلیل الملک
عنب الثعلب آرد باقلا آرد ترمس گل بنفشه پرسیاوشان
گل خطمی بآب عنب الثعلب ہر یک دو تولہ بجوشانند
تا مہرا شود پس روغن گل سرخ و روغن بابونه ہر یک
پنج تولہ داخل کرده ضماد نمایند۔

ضماد برای ورم صلب صفته بابونه اکلیل الملک
مغز خسته تخم میتھی مغز حب الخروع پرسیاوشان تخم خرفه
تخم کتان برگ حقند حلبه ہر یک تولہ سوده باشحم گاو
پخته زہرهٔ گاو سه ماشه زرده تخم مرغ عدد روغن گل
ده تولہ ضماد نمایند۔

ضماد نافع از درد گوش که از گرمی باشد صفته
صندلین شیاف مامیثا حضض کلی تینگ کشنیز خشک
بزر البنج بآب برگ کاہو و آب پوست خشخاش بعمل آرند۔

ضماد نافع از شقیقه صفته افیون پوست لفاح
شبث بزر البنج ہر یک دو جزو کافور نیم جزو۔

دیگر مغز حب الغار برگ سداب ہر یک جزو
خردل نیم جزو۔

دیگر خردل بشراب سوده ضماد نمایند۔

دیگر پوست بیخ کبر عنصل سوده بشراب ریحانی
سرشته ضماد نمایند۔

ضماد نافع از ورم بواسیر صفته اکلیل الملک خطمی
تخم کتان ہر یک تولہ افیون زعفران ہر یک چهار سرخ
زرده بیضه مرغ عدد پیه مرغ شش ماشه مقل ہفت ماشه
پیه سابله شش ماشه مغز ساق گاو شش ماشه
کوہان شتر سه ماشه ہمه را نیکو مخلوط کرده ضماد نمایند۔

ضماد مضربه صابون چهار دام زرد چوب دو دام
گوگرد زرد دو دام سفیده تخم مرغ پنج عدد۔

ضماد نافع طحال صفته اشق اسپند ابالون تخم سبز
بابونه ہر یک چهار تولہ در سرکه خمیر نمایند۔

ضماد برای ورم خصیه صفته تخم خبازی برگ خبازی
درہم کوفته بیخته بر ورم ضماد نمایند۔

ضماد برای محکم شدن یافوخ صفته اقاقیا
برگ مورد عفص عود الصلیب مونگ مقشر اسطوخودوس
عصارهٔ لحیة التیس کوفته بسفیدی تخم مرغ سرشته
بر پارچه تو آب ندیده نهاده بر یافوخ بچسپانند۔

ضماد جند بیدستر تولہ اسطوخودوس تولہ عود الصلیب
شش ماشه برگ مورد آرد ماش ہر یک تولہ بگلاب
سرشته و روغن گل سرخ پنج تولہ زرده تخم مرغ
داخل کرده یک عدد بر سر ضماد نمایند و اگر ضربه و سقطه
باشد سیندهٔ گلکتری تولہ داخل کنند دیگر مکی شش ماشه
جند بیدستر عود ہندی عود الصلیب صندل سفید
بگلاب سوده روغن گل سرخ داخل کرده در شیشه
پیش بینی گذارند و متصل حرکت دہند۔

ضماد نافع از وجع مفاصل صفته عنب الثعلب تولہ
حلبه تولہ بزر کتان تولہ شبت تولہ آرد گندم تولہ
مرزنجوش تولہ بنفشه بغدادی تولہ سورنجان چهار ماشه
بوزیدان چهار ماشه اکلیل الملک تولہ گل بابونه تولہ
در سرکه حل کرده ضماد نمایند۔

ضماد جهت خراز که بفارسی کجی نامند صفته سرتراشیده بروغن کنجد چرب کنند و کشک سوخته و پشم سوخته را برابر بپاشند۔

ضماد برای ورم صلب صفته انزروت سفیده تخم مرغ کتیرا سوده مغز خسته تمر هندی هر یک توله کوفته در شیر گاو بپخته بیضه مرغ عدد در روغن گلسرخ پنج توله داخل کرده بر ورم ضماد نمایند۔

ضماد برای گرمی گرده که در ذیابیطس مے باشد صفته اقاقیا صندل سفید هر یک شش ماشه مغز بادام شیرین مغز تخم کدو هندوانه تخم خشخاش هر یک دو توله پوست بیدستر شش ماشه آب برگ بارتنگ پنج توله روغن بنفشه روغن مغز تخم کدو مسکه گاو هر یک دو توله همه را یکجا کرده بر موضع هر دو گرده ضماد نمایند

ضماد برای ریختن مژگان و منع سقوط موی صفته استخوان سوخته سنبل الطیب سرگین موش صدف سوخته فلفل هر یک جزو سرمه سه جزو قلعی سوخته مغسول شش جزو زعفران نیم جزو۔

ضماد دیگر برای خراز صفته زردچوبه برگ حنا هلیله زرد عفص مرداسنگ آمله مقشر سرکه هر یک جزو روغن گلسرخ چار جزو۔

ضماد رافع اقسام صداع نسخه برگ گردگان و برگ حنا در شقیقه و صداع را بانه دارد۔

ضماد شورایل برگ عناب که بعد از قلع بر چشم طلا کنند منع روئیدن کند صفته زعفران کندر هر یک مثقال کافور نیم دانگ سائیده استعمال نمایند۔

ضماد برای وجع مفاصل صفته سورنجان بوزیدان قسط تلخ مغاث بغدادی زراوند مدحرج عنب الثعلب ریوند چینی زعفران کوفته در روغن قسط داخل کرده ضماد نمایند

ضماد فرفیون زیت کهنه نیم من موم زرد بست دام فرفیون تازه ده دام روغن گرم کنند و موم در وے بگذارند و فرفیون سوده در وے افگنند و در هاون بمالند تا هموار شود۔

ضماد دیگر عاقرقرحا مرزنجوش مویزج هر یک اوقیه نطرون خردل هر یک دو اوقیه فلفل دام فرفیون جندبیدستر چار اوقیه همه را نرم بکوبند و بروغن حب الغار ضماد نمایند۔

ضماد انجره بیخ بیدرهم در سرکه بپخته بالیده صاف نمایند سداب قطران تخم بابونه اکلیل الملک بابونه هر یک شش ماشه کوفته بپخته دران بسرشند و ضماد کنند

ضماد اشق اسپند حالون تخم شبت بابونه هر یک چار توله بسرکه خمیر نمایند۔

ضماد نافع از خنازیر صفته مقل ازرق اشق راتینج سکبینج جاوشیر هر یک توله بسرکه چار توله شب خیسانیده صبح در کهرل انداخته جدوار خطائی دو ماشه سوده آب کشنیز تر چار توله حضض یکے توله داخل کرده بمالند تا چون مرهم شود بر موضع مذکور بچسپانند و نگاه دارند تا خود بخود بیفتد۔

ضماد نافع از دانهاے سرخ که بر بدن ظاهر میشوند صفته سفیداب کاشغری شسته مغز تخم کدو سریان تخم هندوانه سریان دم الاخوین گلنار فارسے

برگ حنا هریک تولہ کوفتہ بیختہ شبانہ روز در روغن گل سرخ
وسرکہ هریک پنج تولہ جوش دهند تا سرکہ رفتہ روغن
بماند پس آن ادویہ مدقوقہ را همراہ این روغن
در کھرل اندازند تا چون مرهم شود بردارند ضماد نمایند
ضماد نافع از قرانیطس اطفال صفتہ زردہ تخم مرغ
با آب عنب الثعلب و آب خرفہ تازہ آب لعوق
شیر دختران روغن بنفشہ و بادام بیان دهی سرشتہ آب
گذاشتہ استعمال کنند
ضماد نافع از فتق صفتہ جوز السرو اقاقیا مقل ازرق
برگ مورد برگ سنبهالو عنب الثعلب آرد باقلا اردن
اکلیل الملک هریک تولہ کوفتہ بیختہ با آب برگ پاتنگ
و آب عنب الثعلب سودہ ضماد نمایند
دیگر نافع از فتق صفتہ اشق سکبینج حلتیت طیب
جاوشیر مقل ازرق اشق هریک تولہ در آب مطبوخ
برگ مورد تولہ حل کردہ جوز السرو پوست بیخ کبر
هریک تولہ ریوند چینی سہ ماشہ سودہ داخل کردہ
در کھرل انداختہ بمالند تا چون مرهم شود پس برگ پان
آب ندیدہ گذاشتہ بر موضع بچسپانند و بر ندارند
تا خود بر نیاید
ضماد منضج و مفرح صفتہ دندارد بابونہ عنب الثعلب
پرسیاوشان اکلیل الملک گل خطمی برگ عباسی
برگ چقندر تخم مرو هریک دو تولہ کوفتہ بیختہ گاو بختہ
زردہ تخم مرغ و زهرہ گاو هریک بعدد روغن گل سرخ
پنج تولہ داخل کردہ ضماد نمایند

باب الطلاء

طلا کہ برص و بہق سفید و سیاہ را ببرد صفتہ
کندش قوہ شیطرج تخم ترب مازریون حنظل زرنیخ سفید
مویزج سقمونیا نخاع هریک جزو شقایق دو جزو
بسرکہ طلا نمایند
طلا دیگر کہ برص را رنگین کند و بہ هیئت اصلی نماید
صفتہ شیطرج نیل قوہ شب یمانی بنفشہ همہ را بکوبند
و بسرکہ تر کنند و بہ طبخ قوہ طلا کنند
طلا نافع از ثولول صفتہ نوشادر کندر هریک
تولہ حب البان شورہ کف دریا ورق سداب
هریک نیم تولہ با شراب فاروقی خوب بسایند تا غلیظ
غلیظ شود بقدر ماش حب بندند و نگاہ دارند وقت
حاجت بسرکہ انگوری سائیدہ بر ثولول طلا نمایند
طلا نافع از سرطان مجرب است صفتہ عدس
پوست انار گیر و قند کنہ هر چہار ادویہ را باب سحق
نمودہ بر گرد سرطان مثل حلقہ طلا نمایند اگر
قابل نضج باشد نضج دهد والا تحلیل کند
طلا مقوی اعصاب صفتہ ذکر مستی عوک خشکی
با شراب دو آتشہ سحق نمودہ طلا نمایند
دیگر موی سیاہ کافور هریک جزو صبر سقطری
یک نیم جزو سودہ بر روغن نرگس یا روغن کنجد
مخلوط کردہ طلا نمایند
طلا چون بر عانہ و کمر طلا نمایند خون استحاضہ
بند کند صفتہ صندل سفید اقاقیا بیخ انجبار
عود هندی عود الصلیب عصارہ لحیۃ التیس جفت بلوط
مازو سبز جفت بلوط هریک سہ ماشہ سودہ بگلاب

وعرق صندل وآب ریحان سرشته طلا نمایند۔

طلا برای ترقیدن لبها نفع تمام دارد صفت مغز تخم کدو بریان مغز تخم سپدانه بریان هر یک توله سفید آب کاشغری شش ماشه دم الاخوین اقاقیا گلنار فارسی طوطیا کرمانی مغسول هر یک شش ماشه کوفته در کهرل بمالند با شیر بز او ویه نیکو مخلوط کرده بر لبها طلا نمایند۔

طلا اقاقیا عود الصلیب بسباسه زراوند طویل عود هندی عصارة لحیة التیس حب الآس صندل سفید شیاف ماميثا صندل هر یک توله کوفته بگلاب و روغن مصطگی و روغن گل هر یک دو توله سرشته بر معده طلا نمایند و دارچینی وکندر وکرویا هر یک ماشه سوده بجوارش کمونی پنج ماشه سرشته تناول نمایند بعد آن در عرق بادیان وگلاب هر یک پنج توله وگلقند آفتابی دو توله حل کرده صافی بنوشند واگر روغن مصطگی بهم نرسد در ادویه طلا مصطگی داخل کنند انشاء الله تعالی درد معده دور شود۔

طلائے که چون آنرا بر قضیب طلا نمایند و بزن مجامعت کنند آن زن از آن مرد بے صبر شود صفت سکنبنج مقل الیهود شب سوخته رازیانه سوخته سنا النگ خنزیر سوخته هر یک مثقال نیکو کوفته بآب رازیانه خمیر کرده بر قضیب طلا نمایند و همچنین ست طلا بعسل زنجبیل۔

طلا سفیداب رصاصی ماميران اشنان تمر هندی سوخته زهره دب خشک ورق حمام اشنان اخضر محرق همه اینها یا یکی از اینها بوزن دانگ سوده بر قضیب طلا نمایند ومجامعت کنند فی الحال زن خلاص وفنه ل شود۔

طلا که قضیب را سخت کند صفت خولنجان جوز میده لکڑی هر یک مقدار برابر گرفته سوده بر دهن سرشف طلا نمایند۔

طلا نافع از بهق صفت شیطرج هندی سه ماشه تخم لوار توله پاپچی دو توله ترمس شامی یک ماشه گل شقائق بیخ بے کیر و هر یک سه ماشه کوفته بیخته بسرکه وسفیده تخم مرغ سرشته طلا نمایند۔

طلا چون بالاے ناف بگذارند بر آمدگی ناف را نفع کند صفت صبر درهم شیاف ماميثا اقاقیا مرسبد هر یک دو درم زعفران نیم درم سوده بآب مطبوخ برگ مورد سرشته طلا نمایند۔

طلا جهت اورام دموی وصفراوی صفت صندل سرخ گل ارمنی شیاف ماميثا حضض مکی پوست درسبندی طین قیمولیا طین شاموش سوده بآب کاسنی تازه وآب کشنیز تازه آب عنب الثعلب آب برگ حنا آب برگ کاهو آب کوکنار سوده طلا نمایند واگر ورم در پستان باشد آرد باقلا آرد نشوق واگر ورم در خصیتین باشد آرد باقلا آرد نشوق بیضه سنگ پشت حجر الیهود داخل کنند واگر ورم در مفاصل باشد سورنجان داخل کنند۔

طلا آرد انگور زرنیخ برابر با قدرے صبر همه را بآب بجوشانند تا بقوام آید بر موضع طلا نمایند سوفقند۔

طلا مانع رویئدن مو صفتہ اقلیمیا رصاص اسفیداج هریک جزوی شب یمانی نیم جزو همه بآب نیک بسایند برموی کنده طلا نمایند۔

طلا دیگر همین منفعت دارد صفتہ زرنیخ سوده بآب نیل طلا نمایند۔

دیگر شیرۂ انجیر تخم مورجه کف دریا ترشی ترنج هریک جزوی همه را باریک سائیده بشراب حماض بپزند تا غلیظ شود پس موی کنده طلا نمایند واگر بیش از نبات مو طلا نمایند انفع ست۔

باب العین

عرق صندل صفتہ صندل براده کرده چهار توله ابریشم خام مقرض دو توله گل گاوزبان هفت توله عود پنج توله فرنجمشک قرنفه تخم بادرنجبویه پوست اترج بهمن سفید هریک سه توله اجزا را کوفته در چهار شیشه گلاب ویک شیشه بیدمشک ویک شیشه عرق گاوزبان یک شب بخیسانند عرق بکشند درظرفی که عرق می آید نیم توله عنبر ربع توله مشک پوٹلی بسته بنیدازند و شربت یک فنجان تا دو فنجان

عرق چوب چینی صفتہ چوب چینی اعلی غمره سه صد مثقال گل گاوزبان بادرنجبویه صندل سفید از هریک پنجاه مثقال گلسرخ صندل سرخ پوست اترج شقاقل مصری از هریک بست مثقال دارچینی سنبل الطیب از هریک سی مثقال سعد کوفی سورنجان سافج هندی خصیة الثعلب خولنجان عود قماری از هریک ده مثقال بهمن سرخ وسفید از هریک پنج مثقال نعناع تازه ریحان تازه از هریک دسته مویز منقی طائفی دانه بیرون کرده سه صد مثقال عنبر اشهب ۳ مثقال چوب چینی وصندلین را براده کرده سائر ادویه را نیم کوفته دو شبانروز در عرق بیدمشک وعرق گاوزبان وآب ثلث بخیسانند ودر آخر روز دوم مویز را اضافه کرده صبحش همه را در دیگ تازه قلعی کرده نموده عنبر را در پارچه کتانی بسته در دهان نیچه بسته عرق کشند صبح وشام بعد از انحدار طعام از معده دو فنجان با شیر گاو بنوشند۔

عرق زرشک مخرج صفتہ زرشک پوست جدا کرده استخوان برآورده ده آثار بهمن سرخ وسفید صندل سفید گاوزبان خولنجان شقاقل مصری قاقله صغار وکبار هریک پنج توله نعناع تازه دو توله با عرق صندلین وعرق بیدمشک وعنبر در پارچه بسته در دهان نیچه گذاشته دو شیشه عرق کشند از پنج توله تا ده توله استعمال نمایند۔

عرق گاوزبان گاوزبان یک آثار شب در آب بطوریکه چهار انگشت آب بالا باشد بخیسانند و صبح دو شیشه متوسط بکشند وهمین قسم عرق بادرنجبویه وعرق صعتر وعرق عنب الثعلب وعرق بادیان ونانخواه ونیلوفر ونعناع وفودنج بکشند وبعضی درکشیدن بعضی عرقها اختلافی نوشته اند۔

عرق دارچینی مخرج صفتہ دارچینی قسم اول هفت توله بهمنین تودریین زرنب زرنباد لسان العصافیر برگ فرنجمشک خولنجان هریک سه توله گل گاوزبان

سافج هندی قاقلین اشنه قرفه الطیب جوزبوا
بسباسه سنبل الطیب سنبل هندی هریک دو توله گاوزبان
درونج عقربی قرنفل عود هندی پوست ترنج نانخواه
بوزیدان هریک توله با گلاب و عرق صندل و عرق
عنب الثعلب و عرق بادرنجبویه بدستور مقرر عرق کشند
واگر پوست درخت مغیلان بیخ آن آثار و قند سیاه یکمن
و مویز منقی پانزده اثار بدستور مقرر در خم انداخته
بگذارند چون خم تیار شود وقت عرق کشیدن ادویه
مذکوره بان یار کرده عرق کشند تغیری فاحش پیدا کند
عطوس نافع از فالج و سکته و لقوه و منقی دماغ
و نافع از دردهای بارد در سر و برای چنین و تنگی
بول صفت کندش حبه سیاه فرفیون فلفل جند بیدستر
زراوند جب بلسان مشک عاقرقرحا بورق برابر
وزن سحق نموده در بینی بدمند —

باب الغین

غمزة الوجه قرنفل توله دارچینی نیم توله جو گندم قوه
هریک دو توله ثعلب مصری خولنجان هریک توله
جوز الطیب نیم توله زعفران سه ماشه زیره فازیره سیاه
هریک توله مویز سرخ پاوسیر گل گڑهل نیم پاو شهد پاو
قند پاوسیر گلاب بقدر حاجت —

غمزه دیگر مخترع صفت آرد جو آرد نخود آرد باقلا
آرد عدس مقشر بیضه تخم مرغ سرشته شب بر روی
بمالند صباح آن گل خطمی سفید گل بنفشه عنب الثعلب
سبوس گندم شب که در عرق شاهتره و عرق عنب الثعلب
ترکرده باشند روی بشویند —

غمزه باقلای مقشر کرسنه ترس تخم ترب مغز بادام
نخود نشاسته پوست خربزه گل خطمی سبوس گندم
کوفته بیخته بگذارند و روے را از ان بشویند —
غمزه مخترع صفته گل ترنج برگ ترنج تازه گرفته
آرد جو را در میان آنها بخو یکه برگ زیر آرد باشد
و گلهای بالاے آن تا هفت روز برگ و گل تازه
میگذاشته باشند پس غمزه سازند —
دیگر پوست نارنگی در سایه خشک کرده جزو آرد جو
سه جزو —
غرغره مرزنجوش صعتر عاقرقرحا خردل پوست بیخ کبر
هریک برابر باسی و دو برابر آب جوش داده صاف
نموده بکار دارند —
دیگر ایارج فیقرا با ماء العسل —
دیگر قرنفل فلفلین جوزبوا جوکوب نموده غرغره سازند
غرغره نافع از فالج ولقوه و صرع منقی سر از فضول
غلیظه مرغیه صفته ایارج فیقرا خردل مویزج عاقرقرحا
زنجبیل فوتنج صعتر اصل السوس پوست بیخ کبر
هریک دو درم با شهد جمع کنند و غرغره نمایند —
غرغره نافع از فالج و سکته و ثقل زبان صفته
مویزج خردل زنجبیل عاقرقرحا فلفل بوره ارمنی
ابیرسا مرزنجوش هریک برابر کوفته بیخته سکنجبین یکدرم
اضافه نموده عرق بادیان مخلوط کرده غرغره نمایند
غرغره نافع از قلاع و جوشش دهن صفته
شیرهٔ تخم خیارین هریک درم شیرهٔ بادام شیرین
هفت عدد شیرهٔ خرفه دام لعاب بهدانه هفت دا[illegible]

آب لیلکر قدری شیرهٔ عنب الثعلب قدرے۔
غرغره شیرهٔ کشنیز تر شیرهٔ خیارین هریک شش ماشه شیرهٔ عنب الثعلب آب صندل سرخ هریک سه ماشه۔
غرغره نافع اختناق چون نضج یابد ومده خارج شود صفت گلنار کشنیز خشک جوشانیده صافی نموده مغز تخم خیارشنبر دران حلکرده صاف نموده نیم گرم غرغره نمایند
غرغره فلوس خیارشنبر در شیر جوش داده صاف کرده غرغره نماینـ۔
غرغره پوست خشخاش گلنار فارسی عدس مقشر یا مسلم سماق هندی کزمازج عذبه کشنیز خشک عنب الثعلب حضض مکی برگ حنا هریک توله بزرالبنج سه ماشه جوشانیده صافی نموده غرغره نمایند۔
غرغره آب توت یا شربت توت در شیرهٔ کشنیز خشک حل کرده غرغره نمایند و گاهے غرغره بآب گرم تنها فائده دارد۔
غرغره نافع از قرحه حلق صفت حضض مکے دم الاخوین کتیرا انزروت سفید صمغ عربی جوشانیده صاف نموده غرغره نمایند۔
غالیه گرم عنبر دو درم مشک درم بروغن بان مخلوط کرده غالیه سازند۔
غالیه دیگر که موی سیاه کند صفت آمله منقی یک آثار آب برگ مورد تازه نیم رطل طبی بآب خالص همه را بآتش ملائم بپزند تا که نصف آب بماند پس فرود آورده برگ نیل اشنه هریک شانزده درم مازو سبز درم زاج ده درم صمغ عربی هشت درم کوفته بیخته

بدوا آمیخته بآتش ملائم بجوشانند تا غلیظ شود و بچوبی بهم زنند وفرود آورده قدرے سک و مشک سوده داخل کرده در ظرف آبگینه بگذارند و وقت حاجت مثقال برموبمالند۔

باب الفا

فتیله نافع از قروح گوش صفت فتیله از کاغذ حطائی نیلی ساخته بعسل و زرده تخم مرغ آلوده کرده دم الاخوین انزروت سفید سوده بران پاشیده در گوش گذارند و بهمواری جانب بخوابند۔
فتیله جهت حرقه بول وقطع چرک وجهت نواسیر صفت صبر زرد قاقلی شسته گلنار موے سوخته کندر سوخته کندر افیون هریک جزو طوطیای مغسول سفیداب کاشغری شسته گل ارمنی هریک دو جزو باریک سائیده از حریر گذرانیده بآب کتیرا سرشته فتیله هاے باریک سائیده در سوراخ قضیب بدارند۔
فرزجه که در قطع خون حیض نظیر ندارد صفت شب یمانی بزرالبنج افیون فرزجه سازند۔
فرزجه مخترع جناب حضرت مخدومے ظل اللہ السامی جهت ادرار حیض و اسقاط حمل صفت زعفران شش ماشه جاآفل شش ماشه مرصاف افیون ایلوه هریک سه ماشه مجرب۔
فرزجه جهت کشودن خون حیض و اخراج جنین زنده بغایت مفید صفت عصارهٔ قثاء الحمار هفت قیراط زهره گاو یا کبوتر بوره فرزجه سازند۔

فرزجه جهت اخراج جنین زنده و مرده و مشیمه و عسر ولادت و علت رجا. و قاتل جنین صفته جاوشیر خربق سیاه مر برابر وزن با زهره گاو بسرشند۔

فرزجه جهت کشودن حیض مجرب ست صفته سداب سه جزو مر صاف اسپل رازیانه تخم مرو هر یک جزو با زهره گاو بسرشند۔

دیگر که همین خاصیت دارد صفته مر صاف پودینه کوهی چهار جزو مویز منقی سداب خشک اسپل هر یک دو جزو زهره گاو بسرشند این مستعمل حکیم ارشد بود۔

فرزجه جهت حمل مجرب ست صفته باید که بعد از حیض سه شبانه روز متصل از زهره خرگوش و سرگین آن و عسل هر یک مثقال فرزجه سازند۔

فرزجه جهت ادرار حیض مجرب ست صفته فرفیون را در مرهم سائیده پنبه آلوده کرده استعمال نمایند۔

فرزجه جهت حمل صفته زهره مرغابی یک درم عنبر اشهب یک نیم دام زعفران نیم دانگ کوفته بیخته در روغن مورد حل نمایند و شب بر دارند بعد از آن مجامعت کنند نافع باد بفضله تعالی۔

فرزجه جهت سقوط طفل مرده و زنده صفت خربق سیاه مویزج زراوند مدحرج تخم مرزنجوش حب الغار زیتون تخم حنظل اشق اول اشق در آب گرم حل کرده ادویه کوفته بیخته و زهره گاو یک نیم دانگ و اشق محلول افزوده حل کنند و فرزجه سازند۔

فرزجه نوشادر ده درم اشق محلول در آب گرم سه دام فرزجه سازند۔

فلونیا رومی صفته فلفل بست جزو افیون ده جزو زعفران پنج جزو عاقرقرحا جزو بزرالبنج بست جزو شهد دو نیم وزن ادویه۔

فلونیا فارسی صفته فلفل سفید بزرالبنج هر یک پنج درم افیون دو نیم درم زعفران یک درم یا و بالا سنبل الطیب نیم درم مرکی عاقرقرحا فرفیون هر یک نیم درم جند بیدستر زرنباد درونج عقربی هر یک سه سرخ مروارید ناسفته مشک خالص هر یک چار و نیم سرخ کافور یک نیم سرخ عسل مصفی سه وزن ادویه بطریق متعارف معجون سازند۔

فلونیا بابت حکیم سلیمان یاقوت رمانی لعل بدخشی هر یک پنج درم مروارید ناسفته هفت درم حجر یشب حجر لاجورد مغسول کهربا لیمه صلایه کرده عقیق یمنی عنبر اشهب مشک خالص زعفران سنبل رومی سنبل هندی اشنه ثعلب شامی کباب چینی وج ترکی زرنباد سادج هندی زراوند مدحرج زرنب شامی خطلیا ناعود بلسان اسارون درونج عقربی بادرنجبویه تخم بادرنجبویه گاوزبان گل گاوزبان گلسرخ بسباسه قرنفل سلیخه نانخواه تخم کرفس تخم انجره تخم کتان اسطوخودوس افتیمون مصری طباشیر سفید گل نیلوفر تخم شاهتره تخم بادروج هر یک سه ماشه ورق طلا چهار ماشه ورق نقره چهار ماشه خطائی الفنجیوں زنجبیل سورنجان مصری ریوند چینی غاریقون مقل ازرق جند بیدستر مغز حب السمنه مغز حب الزلم مغز تخم کدو مغز بندق مغز کشنیز مغز تخم خیارین مغز گردکان مغز نارجیل تخم کاسنی

تخم خشخاش هر یک پنج ماشه فلفل دارچینی فاقله بهمنین صندلین هر یک ده ماشه تودریین هشت ماشه مغز بادام مغز چلغوزه هر یک هشت ماشه مصطگی هفت ماشه افیون ماشه لیکن گاذرونی باشد. بهتر ست گلاب یک من روغن بنفشه ماشه عسل سفید بقدر حاجت نبات سفید نیم من بدستور قرار معجون سازند

باب القاف

قرص سکنجبین مصنف هفت دام طباشیر سفید چار دام ورق گلسرخ هفت دام مغز تخم خیار مغز تخم کدو خرفه کتیرا زردین صمغ عربی رب السوس عود خام طباشیر هر یک سه دام زعفران دو دام شکر طبرزد هفت دام کافور یک نیم دام بلعاب اسبغول قرص سازند شربتی از یک درم تا مثقال با سه توله شربت بنفشه۔

قرص مسکن عطش و نافع از هذیان و سرسام و تپهای و صداع صفته تخم خیار تخم کدو هر دو مقشر تخم خشخاش هر یک ده دام رب السوس نشاسته کتیرا افیون هر یک سه و ثلث دام بلعاب اسبغول بست قرص بندند شربتی از یک قرص تا دو قرص و اگر هذیان شدید باشد با آب کرفس یا با آب خشک قرص بندند دگرنه با آب خیار یا با آب کدو۔

قرص برای طحال و لواسیر ریحی و درد و نفخ معده مجرب ست صفته حرف را در سرکه تند یک شب بخیسانند و در نان جوین گذاشته در آتش تنور که ملائم باشد بپزند و برآورده بکوبند و از پارچه گذرانیده دو توله گرفته و تخم پنج گشت یک توله

قرالطرفا یک توله پوست بیخ کبر توله اسطوخودوس قند ریون توله زیره و مخلل هشت ماشه تخم گندنا هشت ماشه قرص بندند شربتی دو ماشه با یک توله سکنجبین ساده۔

قرص زرشک برای امراض کبد و یرقان وغیره صفته آب زرشک پنج درم عصاره غافث طباشیر لک مغسول هر یک شش درم ریوند گاوزبان هر یک دو نیم درم تخم کاسنی گشنیز هر یک سه درم تخم خرفه زعفران هر یک یک نیم درم با آب کاسنی اقراص سازند۔

قرص کواکب مصلح معده ضعیف که فضول را قبول نکند و مزیل آروغ ترش و چون بر جبهه طلا کنند صداع زائل کند و نافع از نوازل و از درد دندان و درد گوش و نفث الدم و سیلان آن از هر عضو که باشد و از سرفه کهنه و از حمیات دائره با آب مرزنجوش و از سموم ملدوغه و مشروبه با آب سداب صفته مر جندبیدستر سنبل سلیخه گل مختوم پوست بیخ هر یک چار درم افیون زعفران قسط ابرق سفید هر یک پنج درم خشخاش شش درم دو قوانیدون سیسالیوس بزرالبنج سپید سائله تخم کرفس هر یک هشت درم صمغ را در شراب ریحانی شب تر کنند و ادویه کوفته بیخته بدان سرشته اقراص سازند و در سایه خشک کنند

قرص الورد و تپهای بلغمی کهنه را نافع است و معده را نفع بخشد و رطوبات معده را جلا کند صفته ورق گلسرخ بست درم سنبل الطیب اصل السوس هر یک ده درم ادویه کوفته بیخته بثلث اقراص سازند و در سایه خشک کنند۔

قرص دیگر نافع از درد معده و پهلو و از حرارت و
التهاب و رطوبت آن و انقلاب معده و تقویت معده
میکند صفته ورق گلسرخ تازه شش مثقال
اصل السوس چهار مثقال سنبل هندی دو مثقال کوفته
بیخته اقراص سازند۔

قرص ورد دیگر که در بیمار الورد ست نافع از سده کبد
و طحال و از تپهای بلغمی و سوداوی صفته ورق
گلسرخ ده درم رب السوس پنج درم سنبل سائیده
فقاح اذخر زعفران و مصطگی هریک دو درم ادویه
کوفته بیخته شمع مروز زعفران و سرکه سرشته اقراص سازند

قرص ورد نافع حمی غبی صفته ورق گلسرخ پنج درم
سنبل زعفران مصطگی انیسون لک عیدان هریک
ده درم عصارۀ افسنتین هریک دو درم فقاح اذخر
پوست هلیله زرد هریک درم۔

قرص کافور معتدل است مسکن التهاب و تپهای تشنگی
و کرب نافع است برای سل و دق و نفث الدم صفته
طباشیر سفید چهار درم ورق گلسرخ هفت درم مغز تخم خرفه
تخم کدو کتیرا صمغ عربی تخم خیارین نشاسته بریان رب السوس
عود خام قاقله کبار هریک سه درم زعفران دو درم
شکر طبرزد ترنجبین هریک هفت درم کافور یک نیم درم
کوفته بیخته بلعاب اسبغول اقراص سازند۔

دیگر نافع است از قذف و از تشنگی و از حمیات حادّه
و از لهب معده و جگر صفته طباشیر چهار درم ورق گلسرخ
سه درم شکر طبرزد ترنجبین مغز تخم خیار هریک ده درم
زعفران کافور هریک درم بلعاب اسبغول اقراص سازند

دیگر از حمیات حادّه نافع و مفتح سده جگر صفته
بنفشه نیلوفر هریک سه درم تخم بادرنگ تخم خیار
طباشیر زعفران هریک دو درم ورق گلسرخ پنج درم
ریوند چینی و لک هریک درم کتیرا صمغ عربی رب السوس
هریک دو درم کافور نیم مثقال و در بعضی نسخه
کافور مثقال ترنجبین شکر هریک ده درم بدستور
اقراص سازند۔

دیگر تالیف فقیر صفته مغز تخم کدو مغز تخم خیارین
تخم خرفه مقشر تخم کاهو مقشر هریک دو درم کتیرا
صمغ عربی رب السوس گل داغستانی زهر مهره
هریک درم ورق گل سرخ چهار درم طباشیر سفید
کافور قیصوری زعفران هریک نیم مثقال۔

دیگر تالیف شیخ رئیس صفته تخم کاسنی تخم کاهو
تخم خرفه هریک دو درم مغز تخم کدو مغز بادرنگ
هریک دو درم و ثلث صندل سفید ۳ درم
سرطان سوخته زعفران رب السوس کافور هریک
درم ورق گلسرخ چهار درم۔

قرص طباشیر نافع است از تپهای صفراوی و
از تب خصوص که بالیت طبع باشد صفته
ورق گل سرخ هشت درم صمغ عربی تخم حماض مقشر
نشاسته بریان هریک چهار درم طباشیر سه درم
زعفران دو درم کوفته بیخته بآب انار ترش
اقراص سازند بشربت ریباس و شربت لیمون
استعمال نمایند و اگر ضعف و قبض کثیر باشد گل ارمنی
عصارۀ زرشک هریک دو درم نشاسته بلوط بریان

سه درم افزوده کنند۔

قرص زرشک تالیف شیخ رئیس صفت

رب زرشک پنج درم عصارهٔ غافث طباشیر هریک دو درم لک مغسول زعفران گل سنبل عصارهٔ افسنتین ریوند چینی گاوزبان هریک دو نیم درم تخم کاسنی تخم کشوث هریک سه درم تخم خرفه یکنیم درم سوده بآب کاسنی اقراص سازند۔

قرص افسنتین نافع از حمیات مشقا و مفتح قوت و سدد و مشهی صفت افسنتین رومی انیسون اسارون تخم کرفس مغز بادام تلخ برابر بآب سرد اقراص سازند۔

دیگر که نافع ست معده و جگر و طحال و تپ غبی را صفت اسارون افسنتین رومی تخم کرفس مغز بادام تلخ مصطگی سنبل هریک مثقال انیسون دو مثقال صبر سادج یک نیم مثقال عصارهٔ غافث مثقال سوده بدستور اقراص سازند۔

قرص غافث نافع ست از تبهای گرم و کهنه و از تشنگی و از سده و اورام طحال و جگر و از یرقان صفت عصارهٔ غافث شش استار ورق گلسرخ سنبل الطیب ایضاً

قرص کبیر صفت پوست کبر چهار استار اشق چهار استار زراوند طویل دو استار تخم فنجنکشت فلفل هریک چهار استار اشق در سرکه تحلیل کرده ادویه منخوله بدان سرشته اقراص سازند۔

قرص کاکنج نافع از درد کلیه و مثانه و بول الدم و مده و نافع از جرب مثانه صفت خیره بری و شش مثقال افیون هفت مثقال بزر البنج سفید تخم کرفس

تخم حماض هریک نه مثقال تخم شوکران تخم کرنب هریک هیژده مثقال تخم رازیانه چلغوزه بریان زعفران مغز بادام تلخ هریک نه مثقال تخم کاکنج جبلی هفتاد و پنج حبه بعقید عنب اقراص سازند۔

دیگر نافع از قرحه کلیه و مثانه و از تقطیر بول صفت تخم کرفس بزر البنج شهدانج هریک شش درم تخم رازیانه دو درم زعفران تخم حماض بری چلغوزه صنوبر افیون مغز بادام تلخ هریک سه درم تخم کاکنج کثیرا بست و پنج عدد بادرنگ دوازده درم۔

قرص ریوند نافع از امراض کهنه و سختی جگر و اورام آن و از درد طحال و از ضربه که بر بدن رسد صفت ریوند هشت درم قوه عیدان لک مغسول هریک چهار درم تخم کرفس غافث انیسون هریک سه درم بدستور اقراص سازند۔

قرص آلو ترش نافع از حرارت و اسهال و درد جگر صفت طباشیر زرشک عود تخم حماض مصطگی اسارون مشک هریک مثقال صمغ عربی سه مثقال گلسرخ پنج مثقال بگلاب اقراص سازند۔

قرص اندروحش نافع از نزف دم صفت بزر البنج افیون لبسد هریک چهار دام لبان هشت درم کوکب الارض نشاسته گل ارمنی هریک سه درم تخم خشخاش دو دام گلنار نیم درم بدستور اقراص سازند۔

قرص نافع از قرحه امعا و قذف دم که از هر مکان باشد صفت نقاح ورد افیون اقاقیا صمغ عربی

هریک اوقیه مازو نیم اوقیه فیل مرج یک و نیم اوقیه
بآب مغز نخود اقراص سازند—

قرص که از حمیات ملتهبه و اورام جگر و تپهاکه از صفرا
باشند و خون و بلغم مرکب باشند نافع ست صفته
ورق گلسرخ شش درم سنبل الطیب زعفران هریک
دو درم رب السوس مغز تخم خیار ترنجبین هریک سه درم
کتیرا صمغ عربی هریک درم بآب به شیرین بدستور
اقراص سازند—

قرص نافع از نزف خون و از سرفه و تپ و درد سینه
صفته صمغ عربی گلسرخ هریک چار درم نشاسته
کتیرا هریک دو درم خشخاش سفید و سیاه هریک
سه درم طباشیر درم رب السوس دو درم زعفران
دو دانگ بدستور اقراص سازند—

قرص گلنار نافع از ذرب و سلفه(?) و نافع از زحیر و
واختلاف مده و خون صفته گلنار اقاقیا سماق
بلوط بریان آرد کنار و طین(?) حب الاس هریک هشت درم
مازو که بریان کرده در سرکه سرد کرده باشند
زنیره(?) کرمانی هریک چهار درم بآب بارتنگ یا
بگلاب اقراص سازند—

قرص که از بول الدم و عسر آن و از قروح کلیه
و مثانه نافع ست صفته تخم کرفس بزر البنج شهدانه
هریک شش درم بادیان دو درم زعفران چلغوزه
تخم حماض افیون مغز بادام تلخ هریک درم تخم کاکنج
بست و پنج عدد مغز تخم خیار دوازده درم بدستور
اقراص سازند—

قرص بلمین(?) که سب را زائل کند و قے را منع کند و
ضیق النفس را نافع ست صفته تربد پنج دانگ افسنتین
ده دانگ رب السوس دو نیم دانگ بآب اقراص سازند
شربتے از سه درم تا چهار درم باده درم شکر استعمال نمایند

قرص بزور که از قروح امعا و مغص شدید زحیر و
استحاضه و انحلال طبع و کسی که غذا او را هضم نشود
نافع ست صفته حب الاس دو درم بادیان انیسون
نانخواه بزر البنج تخم کرفس دوقو افیون هریک شش درم
بدستور اقراص سازند و بعد شش ماه استعمال نمایند—

قرص العشرة الادویه که نافع ست از ربع کهنه
و درد جگر و از زحل(?) صفته انیسون چار درم اسارون سازج هندی
افسنتین تخم کرفس سنبل مغز بادام تلخ مصطگی هریک
درم صبر دو درم عصارة غافث چار درم بآب
افسنتین بدستور اقراص سازند و یک درم
بآب نیم گرم بنوشند—

قرص که از تپهاے کهنه و از گرمے و از سقے و لینت
طبع نافع ست صفته ورق گلسرخ شش درم
مغز قثا مصطگی دارچینی عصارة غافث هریک درم
زعفران دو درم صبر درم بآب شیرین بدستور
اقراص سازند—

قرص گلنار صفته گلنار گرده سماق بلوط پوست
کنار حب الآس هریک هشت دانگ مازو مخلل
مغلو [illegible] هریک چار درم بگلاب قرص سازند

قرص خرنوب صفته طباشیر ورق گلسرخ تخم حماض
صمغ عربی مغلو هریک پنج درم گلنار سه نیم درم

حب الاس چار درم خرنوب نبطی سه درم نبات هموزن ادویه بگلاب قرص سازند۔

قرص بند صفته بسد دو دام کندر اقاقیا گلنار هر یک چار درم صمغ عربی کتیرا هر یک سه درم گل مختوم چار درم ریوند درم بآب قرص بندند خوراک یک مثقال با رب به۔

قرص کهربا صفته کهربا نشاسته کتیرا صمغ عربی مغز تخم کدو مغز تخم خیار هر یک سه درم گلنار یک نیم درم اقاقیا یک نیم درم بآب لسان الحمل اقراص سازند بآب سماق بخورند۔

قرص کافور از شیخ بو علی برای سل و دق صفته تخم کاسنی تخم خرفه هر یک دو توله مغز تخم کدو مغز تخم خیار هر یک دو نیم توله صندل سفید ده ماشه سرطان سوخته ده ماشه زعفران ده ماشه رب السوس ده ماشه کافور سه ماشه بآب قرص سازند۔

قرص کافور از کامل الصناعه صفته مغز تخم کدو تخم خیار تخم خربزه بهدانه هر یک پنج درم گل سرخ سه درم صمغ عربی صندل سفید نشاسته هر یک دو درم رب السوس طباشیر هر یک سه درم رازیانه کافور نیم دام یا نیم مثقال سائیده بلعاب نیکو قرص سازند۔

قرص دیگر از سدیدی صفته طباشیر چار درم تخم خیار تخم خرفه تخم کدو شیرین مقشر کتیرا صمغ عربی رب السوس عود هندی قاقله هر یک سه درم زعفران دو درم شکر طبرزد ترنجبین هر یک سه درم کافور مثقال بلعاب سبغول اقراص سازند۔

قرص نافع به کسی که تپ از وی دور شده باشد لیکن حدت باقی مانده و سقوط شهوت شده باشد صفته گل سرخ ده درم سماق دو درم قاقله درم هر یک قرص بوزن دو درم بندند و بخورند یک قرص معده را پاک کند و گرسنگی آرد و تشنگی را زائل کند۔

قرص زرشک نافع در ابتداء استسقا صفته زرشک پنج درم لونیدغافث انیسون سنبل مصطگی هر یک سه درم سوده اقراص سازند۔

قرص زرشک کبیر گل سرخ چهار درم رب السوس دو درم تخم خرفه مغز تخم خیارین سنبل هندی طباشیر سفید هر یک درم زرشک منقی دو درم عصاره غافث لک مغسول ریوند هر یک نیم درم کوفته بیخته بگلاب ترنجبین اقراص سازند۔

قرص زرشک صغیر صفته زرشک منقی پانزده درم تخم کاسنی مغز تخم خیار تخم خرفه هر یک سه درم گل سرخ پنج درم ریوند چینی سنبل الطیب هر یک درم سوده بلعاب بهدانه اقراص سازند۔

قرص نافع از یرقان صفته زرشک طباشیر هر یک سه درم تخم کاسنی چار درم مغز تخم خیارین تخم کاهو تخم خرفه هر یک دو درم صندل سفید درم کافور دو دانگ سوده اقراص سازند۔

قرص طباشیر نافع از تپ صفته ورق گل سرخ هشت درم صمغ عربی بریان ده درم تخم خماض بریان ده درم نشاسته بریان هشت درم طباشیر گل ارمنی هر یک ده درم سوده اقراص سازند شربت دو درم۔

قرص عود غرقی قاقله صغار وکبار دارچینی فلفل
مشک زعفران هریک درم درقند دو مثقال
قرص سازند۔

قرص حکیم علی که جهت تپ سرد از بلغم تنها یا
یا غفت بعد قرایا السودا باشد تجربه رسیده صفته
گلسرخ سه توله گل غافث عصارهٔ غافث افسنتین رومی
مصطگی تخم کاسنی هریک دو توله سنبل اسارون اذخر
انیسون زرشک منقی ریوند طباشیر سفید هریک توله
کوفته بیخته بآب قرص سازند بقدر یک مثقال شربتی
یک قرص۔

قرص مفرح طباشیر کافوری پنج جزو سرطان سوخته
جزو مغز تخم کدو مغز تخم هندوانه هریک جزو بیخ انجبار
عصارهٔ لحیة التیس هریک جزو سوده بآب پوست
خشخاش اقراص سازند و بیخ حب الاس شیر انجبار
چهار ماشه شربت دیا قوذا دو توله بارتنگ تخم ریحان
بعرق بارتنگ ده توله بخته همه را اخلاط کرده بنوشند
مسلول و مدقوق را نفع کلی بخشد۔

قرص دیگر از جاوی گلسرخ شش دام صمغ عربی
طباشیر هریک چهار دام مغز تخم کدو مغز تخم خیار تخم خرفه
اصل السوس هریک هشت درم نشاسته سه درم زعفران
دو دام کافور نیم دام بلعاب اسبغول اقراص بندند۔

دیگر از حکیم علی کافور چهار مثقال زعفران سه مثقال
مغز تخم کدو دو مثقال مغز تخم خیارین دو مثقال
عسل چهار مثقال شربتی نیم مثقال۔

دیگر نافع از تپ صفته مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
هریک هفت مثقال کشنیز گیرو سماق هریک پنج مثقال
ورق گلسرخ طباشیر مغز بهدانه اقراص سازند۔

قرص دیگر طباشیر صندل ورق گلسرخ مغز
تخم خیارین تخم کاسنی تخم کاهو تخم خرفه هریک چهار مثقال
کافور دو دام اقراص سازند۔

قرص زرشک کافوری صفته عصارهٔ زرشک
هشت ماشه گلسرخ دو ماشه رب السوس ماشه عصارهٔ غافث
چهار ماشه مغز تخم خیارین چهار ماشه نشاسته کتیرا
صمغ عربی طباشیر هریک دو ماشه زعفران یکماشه
تخم خرفه مقشر سه ماشه لک مغسول هفت ماشه
ریوند چینی سنبل الطیب کافور قیصوری هریک ماشه
ترنجبین چهل ماشه ترنجبین در آب حل کرده ادویه
بدان سرشته اقراص سازند۔

قرص زرشک کافوری دیگر زرشک منقی
مغز تخم خربزه مغز تخم خیارین مغز تخم کدو مغز تخم هندوانه
هریک سه ماشه طباشیر سفید ورق گلسرخ هریک ماشه
صندل سفید یک نیم ماشه ریوند چینی نیم ماشه
لک مغسول تخم کرفس هریک دو ماشه کافور قیصوری
نیم ماشه زعفران دو ماشه کوفته بیخته بآب تخم کشوث
اقراص سازند شربتی مثقال۔

قرص مروارید یک نیم درم ابریشم مقرض طباشیر سفید
هریک چهار درم ترنجبین مصفی سه درم مغز تخم خیارین
هریک دو مثقال مغز تخم کدو دو مثقال نشاسته
صمغ عربی خشخاش سفید کتیرا هریک مثقال
گل گاوزبان بادرنجبویه ورق گلسرخ هریک

یک نیم مثقال کوفته بیخته بلعاب اسبغول اقراص سازند شربتی از نیم درم تا یک درم۔

قرص نافع از افراط خون بواسیر صفت مرجان کہربا دوع سوختہ گل ارمنی ہریک دو درم بلیلہ آملہ ہریک پنج درم تخم گندنا سہ درم مقل دو درم مقل را در آب گندنا حل کردہ باقی ادویہ منخولہ بدان سرشتہ اقراص سازند شربتے سہ درم بآب آہنگران۔

قرص نافع از ذیابیطس حب الآس تخم حماض مقشر ہریک دو درم صمغ عربی نشاستہ ہریک درم سودہ بلعاب اسبغول اقراص سازند شربتے دو درم۔

قرص سرطان نافع از سل ودق ونفث الدم صفت گل مختوم گل ارمنی نشاستہ گلسرخ ہریک شش درم سرطان سوختہ دہ درم کثیرا طباشیر شاہ بنج عدسی مقشر مغسول ہریک پنج درم رب السوس سہ درم سودہ بآب بارتنگ سرشتہ اقراص سازند۔

قرص لی نافع از ذیابیطس صفت طباشیر سفید رب السوس صمغ عربی کثیرا ہریک نیم درم کافور افیون ہریک قیراط سودہ بآب تمر ہندی اقراص سازند وبآب تمر ہندی بخورانند این یک شربت است۔

قرص مجرب کہ ہمین فائدہ دارد صفت طباشیر سفید پنج درم تخم کاہو تخم خرفہ ہریک ہفت درم کشنیز تخم حماض ورق گلسرخ گل ارمنی ہریک سہ درم صندل سفید گلنار سماق ہریک دو درم کافور نیم درم سودہ بآب خرفہ اقراص سازند شربتے مثقال بآب انار۔

قرص دیگر برای ذیابیطس الملک دبنہ پوست انار شیرین ناخ اسیاہ

صمغ عربی برابر وزن کوفتہ بیختہ بماء الآس اقراص سازند۔

قرص حکیم علی کہ جہت تپ کہ مادۂ آن بلغم باشد یا بلغم وسودا نافع است واکثر تجربہ درآمدہ صفت گلسرخ گل غافث عصارۂ افسنتین رومی مصطگی تخم کاسنی بکد دو تولہ سنبل اسارون اذخر انیسون زرشک منقی ریوند طباشیر سفید بکد تولہ کوفتہ بیختہ اقراص سازند ہر قرصے مثقال وشربتے یک قرص۔

قیروطی فرفیون قنہ ہریک دو دام لبیا سہ دام دار فلفل یک نیم دام عاقرقرحا دو نیم دام تخم جرجیر یک نیم دام جند بیدستر یک و نیم دام روغن نرگس یک نیم اوقیہ علے الرسم قیروطی سازند۔

قطور نافع بجمیع اقسام رمد صفت پیاز سفید شکم او خالی کردہ تخم پیاز وافیون ہریک نیم دانگ دران نہند وآنچہ از شکم او برآید نیز بنہند زیر آتش گذارند تا گداختہ شود وپارچہ گرفتہ در چشم یک دو قطرہ بچکانند وباقی پیاز را بر چشم بہ بندند۔

قطور کہ ہمین منفعت دارد صفت انزروت سفید یک درم سپیدانہ بست دانہ زعفران نیم دانگ مامیران ہفت مثقال جو مقشر بست دانہ عاملہ پنج دانہ اشنہ بست دانہ شکر نیم دانگ کثیرا دانگ بآب صاف بپزند در شیشہ بگذارند چون صاف شود در چشم صبح وشام بچکانند۔

قیروطی روغن کتان روغن پیہ گاو روغن بادام فرنگی ہریک پاؤ سیر روغن بادام پنج دام شیرۂ عنب الثعلب آثار شیرۂ کشنیز تر آثار شیرۂ تخم خربزہ [illegible] پاؤ

شیرهٔ انبه ادرک شیرهٔ آمله هریک پاؤسیر انیسون
بادیان اجمود هریک دو دام گلسرخ پاؤسیر زردچوب
نیم پاؤ دارچینی کباب چینی هریک دو دام ادویه خشک را
درسی دو دو وزن آب جوش دهند تا نصف بماند
بعد ازان شیره جات و روغن را باهم همراه کرده بپزند
تا آب رفته روغن بماند بعد ازان رال هفت دام رفته
هفت دام سیده پنج تولهٔ کندر تولهٔ زعفران صندل سرخ
توله موم هفت دام انداخته چون مرهم سازند—

قیروطی جهت قوباصندل سرخ عنب الثعلب زیره وند
حنا گوکنار کتیرا هریک شش ماشه آمله برگ درخت
خیار شنبر هریک توله پنج کول سیاه سندور کمیلا کیچے
هریک سه و نیم ماشه هلیله بلیله آمله هریک شش ماشه
زعفران چار ماشه اکلیل الملک شش ماشه
گل نیب شش ماشه گل خطمی توله گلسرخ توله موم ده توله
زیت سه پاؤ ادویه چار سیر آب بجوشانند تا نصف بماند
صاف کرده روغن اندازد و راتینج شش ماشه
سهاگه سه و نیم ماشه انداخته جوش دهند تا روغن
بماند موم روغن کند و کافور هریک اضافه نموده
بکار برند—

دیگر جهت داد شب وتنکار هریک دام مرداسنگ
دو دام گوگرد سیماب مارقشیثا شنگرف هریک دام
کمیله دو دام کتهه چار دام افیون چار دام زراوند مدحرج
دو دام قسط کندش هریک دو دام مویز سگ زرنازو
هریک دو دام زیت سی و دو توله ادویه را کلس نموده
در روغن و آب شصت و دو توله چار ماشه بپزند

تا آب رفته روغن بماند—

قطور نافع از قرحه گوش عسل با آب و شراب
نیم گرم کرده در یکروز چند بار قطور نمایند—

دیگر آب پیاز با سفیدهٔ بیضهٔ مرغ قطور نمایند—

قطور بول الصبیان قرحه گوش را از مده و قیح
پاک می کند—

قطور مسکن درد گوش روغن گلسرخ جزو
سرکه تند و کهنه سه جزو بجوشانند تا سرکه رفته
روغن بماند نیم گرم مکرر قطور نمایند—

دیگر که همین فائده دارد صفته عصارهٔ سرگین اشتر
عصارهٔ پیاز برابر گرفته زعفران بقدر ربع وزن
یکی ازانها درو نیکو حل کرده مکرر قطور نمایند—

قطور نافع از کری کهنه و لو صفته شحم حنظل درم
بوره ارمنی سه درم جند بیدستر نیم دام راوند بحر
عصارهٔ افسنتین هریک پنج درم فرفیون
قسط تلخ هریک دانگ زهرهٔ گاو بقدر حاجت
ادویه را در زهرهٔ مذکور خمیر ساخته شیاف سازند
بمقدار عدس یک شیاف را در وقت حاجت
بروغن بادام تلخ حل کرده بگوش چکانند—

باب الکاف

کحل لا و نظیر معتمد الملوک علوی خان
رحمة الله علیه صفته چاکسو چار توله در کیسه
کتان بسته در دیگ که نصفش از آب پر کرده
و سرگین حمار درو داخل کرده باشند بسته معلق
چنانکه سر کیسه در آب باشد آب بجوشانند

چون چاکسو نرم شود مقشر نمایند پس بگیرند از زرده وت سفید
بشیر خر خمیر کرده بچوب گز چسپانیده باتش ملائم
بریان نمایند تا سرخ شود از هر یک ازین دو یک
توله بگیرند و نبه قرسی دو ماشه اثمد محرق مغسول
چهار توله بگلاب صلایه کرده شادنج عدسی مغسول
شش ماشه مامیران چینی شش ماشه طوطیا کرمانی
مغسول یک توله زبد البحر سه ماشه اقلیمیا ذهبی محرق
مغسول اقلیمیا فضی محرق مغسول هر یک شش ماشه
مارقشیشا ذهبی صمغ عربی هر یک شش ماشه مروارید ناسفته
شش ماشه بگلاب صلایه کرده یاقوت رمانی
شش ماشه بگلاب صلایه کرده طلای محرق مغسول
زهره آهو زهره کباب خشک هر یک ماشه مشک تبتی
سه ماشه ادویه را سحق نموده در سرمه دان چینی نگاه داشته
بمیل طلائی قبل از غذا بچشم کشند—

نسخه دیگر چاکسو در کیسه کتانی بسته در آب قدری
سرگین حمار داخل کرده بجوشانند و بر سر دیگ
چوبی گذاشته کیسه را بیاویزند در دیگ چنانکه
کیسه در میان آب باشد و آب را بجوشانند چون
چاکسو نرم شود کیسه را بر آورده مقشر نمایند پس
بگیرند از مقشر یک توله و بگیرند از زرده وت سفید
بشیر خر خمیر کرده بر چوب گز چسپانند و باتش ملائم برشته
نمایند تا چون کباب سرخ شود پس بگیرند از آن نیز
یک توله رسوت مروارید ناسفته صلایه کرده اقلیمیا
نقره محرق مغسول اقلیمیا ذهب محرق مغسول
طوطیا کرمانی مغسول شادنج عدسی مغسول مامیران چینی
هر یک سه ماشه اثمد در سپیده بیضه پیچیده در آتش محرق
نموده بگلاب سرد کرده با آب لیمون صلایه کرده دو توله
مجموع را نیکو صلایه کرده در سرمه دان کرده صبح و
شام دو دو میل در هر دو چشم بکشند—

گهره سفید آب کاشغری شسته شش ماشه
مرداسنگ سه ماشه افیون زعفران هر یک چار سرخ
سوده در ظرف آهنی خاکسی نیم گرم در زیر آن ظرف
نهاده آب لیمون انداخته بدسته آهنی بمالند
تا سیاه و غلیظ شود بر دور چشم طلا نمایند بنحوی که
اندرون چشم نرود و اگر آب لیمون بهم نرسد
آب برگ تمر هندی عوض آن کنند—

گهره دیگر شیاف مامیثا صبر هر یک ماشه
شیره گشنیز خشک دو ماشه حضض ماشه زعفران
سرخ کافور دو سرخ نشاسته یکماشه بدستور گهره سازند

کحل عجیب مجرب که بیاض و دمعه را نافع ست
و غشاوه جلا میدهد و غلظ اجفان را تحلیل میکند
و بصارت را تیز میکند صفته طوطیا هندی
دو درم اثمد اصفهانی چار درم مارقشیشا دو نیم
درم نحاس سوخته دو درم و دو ثلث درم اقلیمیا
اقلیمیا فضی هر یک درم شادنج درم بسد مروارید
ناسفته قشور نحاس هر یک دو دانگ شیح سوخته
دو درم و دو ثلث درم ماء مقطوعه زجاج نیم درم
با آب باران بسایند چون سائیده شود
کافور سوده دانگ مشک قیراط سوده داخل کنند
و حب بندند و در سایه خشک کنند وقت حاجت

باب اکتحال نمایند

کحل نافع مجرب عجیب النفع برادهٔ سوزن دو درم زیبق درم هردو را سحق نموده در انبوب بگذارند و سر انبوب بند کنند و تمام انبوب بخمیر گیرند و باز بگل حکمت که از موی مخلوط باشد بپیچند و بالای آتش گل دیگر گذارند و خشک کنند و اقلیمیا سفید مغسول در انبوب دیگر انداخته بدستور مذکور تیار نمایند هردو را بچکانند در پارچه کتانی بگذارند و از و یک درم گیرند مروارید ناسفته نیم درم بگیرند پس چون غبار سحق نمایند پس اول علیل را بعصارهٔ سوس سه روز پیهم اکتحال نمایند بعد ازان یک روز باین دوا اکتحال نمایند و یک روز بعصارهٔ سوسن —

کحل نافع از بادسبل پوست بیضه یک ساعت در روغن بگذارند و بسر کهٔ ده روز متوالی جوش دهند و صاف نموده در قاروره با ظرف گذاشته در آفتاب گذارند چون خشک شود سوده اکتحال نمایند —

کحل جند نافع از غشاوه هر دو بعسل مخلوط کرده بر آتش گذارند تا نیکو مخلوط شود از میل اکتحال نمایند —

کحل که وقت خوف بر آمدن دانه در چشم استعمال کنند محافظت نماید و نیز از موی خ محافظت کند صفت

کحل سادج هر یک شش درم صبر درم نیکو سحق نموده در چشم اندازند و از پارچه هردو چشم ببندند و بخوابند و حرکت نکنند —

کلاه مقوی دماغ صفت بادام مقشر بریان نموده ده دانه خشخاش بریان پنج دام آرد نخود بریان ده ماشه

حمص بریان ماشه زرنباد نه ماشه آمله پنج دانه زنجبیل سعد سنبل پوست نارنج عود هندی قرنفل کشنیز گلسرخ صندل گل زوفا پودینه اکلیل الملک هر یک نه ماشه حب الآس توله کبابه کرفس انیسون زعفران هر یک نه ماشه مشک عنبر هر یک دام کنجد توله کلاه ساخته بر سر پوشند —

باب اللام

لخلخهٔ صندل سفید شیاف ابیتا حضض ملی گل ارمنی تخم کاهو برابر سوده بعرق بیدمشک و عرق بیدسادہ و گلاب و عرق کاسنی در شیشه انداخته پیش بینی متصل حرکت دهند —

لعوقی که سرفهٔ کهن را نافع بود و سینه و شش را از اخلاط پاک کند صفت بنفشه پنج مثقال عناب سی دانه سپستان پنجاه دانه مویز منقی چهل دانه اصل السوس ده دام زوفا خشک پنج دام خشخاش سفید دو مثقال رازیانه ایرسا کتیرا هر یک سه درم صمغ آلود دو درم پرسیاوشان هفت دام انجیر سفید سی دانه بجوشانند و صاف کرده بیست مثقال فلوس خیارشنبر دران حل کنند و با نیم سیر قند بقوام آرند و مغز تخم خربزه و خیارین و بادام مقشر و مغز بهدانه و بلیمو و گل خطمی و تخم خبازی هر یک پنج دام باقلا سفید ده درم کوفته بیخته و دیگر بار سحق نموده دران بسرشند

لعوق انجیر هفت دانه مویز بیست و یک دانه بادام ده دانه گلسرخ توله بنفشه شش ماشه خطمی شش ماشه جلغوزه شش ماشه صمغ عربی سه ماشه

کتیرا دو ماشه نشاسته سه ماشه بهدانه شش ماشه
خشخاش شش ماشه عناب چهار دانه عسل هفت دام-
نسخهٔ دیگر چلغوزه کتیرا تخم سوسن صمغ عربی هر یک
توله تخم کتان بریان نموده خرمای غارک منقی هر یک
هفت توله عسل مساوی وزن ادویه بار وغن خمیر
نموده لعوق سازند-

لعوق ربو و ضیق النفس را نافع ست حلبه تخم کتان
هر یک ده دام مغز بادام شیرین و تلخ چلغوزه ربالسوس
هر یک پنج دام کتیرا صمغ عربی نشاسته بادیان هر یک
سه دام بروغن گاو چرب کرده با شهد قوام آرد-

باب المیم

مغسل زکریا نافع از سفیدی چشم صفته انزروت
ده درم کف دریا پنج درم بوره دو درم زنجبیل درم
شکر طبرزد چهار درم کوفته بیخته و عسل هموزن ادویه
سرشته نگاه دارند وقت حاجت بچکانند-
مغسل نافع از خضره چشم و سفیدی رعیق صفته
زنگار چهار درم اشق دو درم طوطیا اقلیمیا طلا شیح سوخته
هر یک درم مشک نیم درم بعسل هموزن بسرشند-
مغسل نافع از صلابت و زیادت لحم و خشونت اجفان
و از زیادت گوشت در گوشه چشم صفته زاج سوخته
هشت دام اقلیمیا طلا سوخته شسته هشت درم
مر چهار درم زعفران دو درم نوشادر درم و نیم سنبل
فلفل هر یک درم کوفته بیخته بعسل بسرشند-
معجون نافع از مالیخولیا صفته پوست هلیله کابلی
پوست بلیله آمله منقی هر یک ده درم تربد سفید مجوف

پنج درم بسفائج افتیمون اسطوخودوس هر یک پنج درم
کوفته بیخته بعسل مصفی بسرشند شربتی از پنج درم تا هفت درم-
معجون ممسک نافع از ذرب و ضعف معده آب به ترش
رطل شراب کهنه رطل بپزند تا بقوام آید و مشک ده درم
سوده دران بیندازند-
معاجین عطس نافع از فالج صفته کندش فلفل
عاقرقرحا زنجبیل بوره نوشادر نطرون صبر مشک
دارچینی مرزنجوش خربق سفید جندبیدستر برابر وزن
سوده سعوط نمایند-
معجون صرع نافع از جمیع اقسام صرع صفته عاقرقرحا
سیساليوس اسطوخودوس غاریقون هر یک ده درم
قردمانا حلتیت زراوند مدحرج هر یک سه درم کوفته
بیخته بعسل سه چند مصفی بسرشند-
معجون نافع از صرع که از سبب مشارکت رحم و معده
و دیگر اعضا باشد صفته پوست هلیله زرد پوست
بلیله هر یک ده درم افتیمون اسطوخودوس حجر ارمنی
بسفائج هر یک پانزده درم ایارج فیقرا تربد هر یک
بست درم غاریقون کمافیطوس هر یک پانزده درم
تخم حنظل هشت درم نمک هندی چهار درم کوفته
بیخته بعسل مصفی بقوام آرند-
معجون نافع از صرع بلغمی حب سبوس راوند چرچ
هر یک شش درم حب الغار پنج فاوانیا هر یک ده درم
جندبیدستر چهار درم اقراص اسقیل پنج درم بعسل
معجون سازند شربتی دو درم با سکنجبین-
معجون نافع از القوه و برای تبدیل مزاج سرد

صفته زنجبیل عاقرقرحا شونیز قسط فلفل وج هریک
ده درم سداب خشک حلتیت جنطیانا زراوند طویل انقاس
جند بیدستر خردل هریک پنج درم کوفته بیخته بعسل مصفی
وعسل بلادر ده درم شربت مثقال —

معجون نافع از ربو که اخراج اخلاط ومده می کند
صفته رب السوس زوفا خشک هریک ده درم
مغز بادام تلخ بورق کهربا حرف زراوند فلفل قردمانا
اصل السوس تخم انجره هریک پنج درم پرسیاوشان
هفت درم سوده بعسل معجون سازند شربت سه درم
با طبیخ زوفا کبیر —

معجون نافع از ضعف دل صفته مصطگی دارچینی
فلفل دراز تمام فلنجمشک بادروج ساذج هندی
هریک پنج درم کشنیز سنبل الطیب هریک سه درم
کهربا مروارید ناسفته طباشیر هریک دو نیم درم
بادرنجبویه هفت درم مشک درم زعفران نیم درم
کوفته بیخته بعسل که از هلیله مربا گرفته باشند معجون
سازند شربتے درم با آب سیب بوزن دوا وقیه —

معجون نافع قلب در هر حال صفته بسد کهربا
مروارید فلنجمشک سک پوست ترنج آمله هریک
شش درم ابریشم خام بادرنجبویه گاوزبان هریک
ده درم سندروس سه درم بادروج کشنیز خشک
هریک دو درم بهمنین هریک پنج درم مصطگی سه درم
مشک عنبر هریک درم سوده بعسل بقوام آرند شربتی مثقال

معجون چوب چینی مخترع صفته چوب چینی بست توله
بهمنین شقاقل مصری هریک پنج توله زیدان خولنجان
هریک دو توله مغاث بغدادی دارچینی هریک ماشه
زنجبیل توله حب و ارخطائی شش ماشه خصیة الثعلب
مصری پنج توله مغز بادام شیرین مغز انجکک مغز
حب اسمنه مغز چلغوزه مغز نارجیل هریک پنج توله
عنبر اشهب دو ماشه ورق طلا مشک تبتی هریک
سه ماشه عسل مصفی دو صد چهار توله به دستور مقرر
معجون سازند هر روز توله با عرق چوب چینی دو توله
و عرق زردک دو توله بنوشند تا چهل روز یا بست
یک روز بحسب تحمل طبیعت بکار برند —

معجون چوب چینی دیگر چوب چینی سه توله خصیة الثعلب
مصری بهمنین خولنجان شقاقل مصری هریک
شش مثقال مغز پسته مغز چلغوزه مغز بادام شیرین
مغز حب الخضرا مغز نارجیل مغز حب الزلم مغز انجکک
مغز چرونجی هریک سه ماشه ابریشم مقرض دو ماشه
عنبر اشهب یک ماشه نبات سفید سیزده توله بعرق
بیدمشک و گلاب و عرق گاوزبان بقوام آرند —

معجون مخترع صفته مغز تخم کدو مغز تخم هندوانه
هریک سه توله مغز انجکک مغز بادام شیرین هریک
سه ماشه طباشیر توله تخم خشخاش دو توله صندل سفید
توله بهمنین گل گز پوست بیرون پسته مغاث بغدادی
هندی ابریشم مقرض گل گاوزبان گیلانی هریک
توله ورق طلا ورق نقره بزرالبنج هریک سه ماشه
زعفران عنبر هریک دو ماشه نبات سفید پنجاه توله
شربت فواکه شیرین بست پنج توله گلاب عرق بیدمشک
عرق صندل هریک بست پنج توله بقوام آرند —

معجون عجیب الفعل در دردشقیقه وصداع وجع او جاع
بارد کهنه را دفع کند صفته صبر اوقیه پوست خربق سیاه
اوقیه ابصاره کرنب معجون سازند شربتی از نصف
مثقال تا یک مثقال —

معجون نافع از صرع که بسبب صعود بخار بر دماغ
می شود صفته هلیله کابلی آمله هر یک ده دام بسفایج
افتیمون اسطوخودوس حجر ارمنی غاریقون کمافیطوس
تربد ایارج فیقرا هر یک پانزده دام تخم حنظل هشت دام
سافج هندی چار دام بعسل معجون سازند —

معجون زوفا خشک لبوبینه پنج سوس خسرو دل
قردمانا فلفل تخم انجره انیسون برابر شهد دوچند
معجون سازند —

معجون سه فم شیره گشائی کوچک پنج اثار شیره
پالنسه پنج اثار زوفا دو اثار انجیر یک اثار هلیله زرد
یک اثار اگر شیره های مذکور بهم نرسد دو نیم اثار از
خشک آن گرفته در ده سیر آب بجوشانند تا پنج سیر
بماند همچنین زوفا و انجیر و هلیله را جدا جدا در آب
جوش داده صاف کرده آب آنها بستانند و همه را
یکجا کرده بآتش ملایم بجوشانند تا نزدیک انعقاد رسد
بعده چهار سیر نبات و یک سیر عسل اضافه نموده بقوام
آرند و این اجزاء داخل نمایند دارچینی قسط بازرد
میعه سائله هفت توله هفت توله زوفا فلفل پیپلا سپید
زنجبیل پیپلا سیاه بشان قردمانا اپرسانا تخواه هر یک
پنج توله تخم خیارین ده توله زعفران دو توله
شربتی از نیم درم تا یک درم —

معجون کاسر الریاح صفته زراوند طویل دو توله
زراوند مدحرج سه توله درونج زرنباد قاقله صغار
هر یک دو توله عود مصطگی زنجبیل هر یک توله بسفایج
سه توله گل گاوزبان بست توله مویز منقی بست توله
عنبر مثقال شربت انار شصت توله نبات دو اثار اگر
گل گاوزبان در ده رطل آب شب بخیسانند فردا صبح
در کمال آهستگی بجوشانند تا یک ثلث بماند صاف نموده
جدا نگاه دارند و مویز را هم بدین دستور جدا در آب
خیسانیده و جوشانیده بدست خوب مالیده صاف
نمایند و هر دو آب را بهم آمیخته با شربت انار و نبات
بقوام ملائم آرند و ادویه را کوفته بیخته بدان
سرشته معجون سازند —

معجون که بدن لاغر کند و ضعف بقوی راه نیابد
صفته آمله هلیله سیاه سندروس تخم کرفس دارچینی
زیره گلسرخ تخم گندنا کشنیز عسل سه وزن ادویه
معجون بسد سوده مغسول کهربا شب یمانی تباشیر
مغسول دم الاخوین گل ارمنی گل مختوم گلنار هر یک
دو ماشه عسل ده و نیم توله شربتی از هفت ماشه
تا ده ماشه با آب لسان الحمل —

معجون مسهل صفرا و بلغم و سوداوی صفته
حب السلاطین پاک از پوست و زبان در شیر
پخته و خشک کرده یک جزو حب النیل تربد سفید
مدبر بسباسه گلسرخ بادیان هر یک سه جزو زعفران
یک جزو تمر هندی ده جزو قند سفید پنج جزو شیره آمله
با سه چند شیره قند داخل کرده قوام آرند حب السلاطین

بگلاب سائیده دواروهای دیگر کوفته بخته داخل
کرده معجون سازند شربتی از دو درم تا سه درم
اگر احتیاج باشد آب گرم بنوشند۔

معجون حکیم علی قلمی کشته سه توله ست سلاجیت
دو توله ست گلوی هفت توله مغز تخم خیارین ده توله
مغز تخم خرپزه چارده توله کات هندی پنج توله نشاسته
خرفه پنج توله تالمکهانه الایچی خورد هریک هفت توله
خارخسک سروالی پاکهان بند آمله گل نیلوفر پوست
درخت انبه پنج بیخی گلوی برگ بانسه خرمای سلیمانی
تخم تاج خروس هریک دوازده توله ریوند هفت توله
سوای هفت ادویه بالای دواهای دیگر را جوکوب کرده
در هفت سیر آب بجوشانند تا ثلث باند صاف کرده
با یک سیر نبات بآتش در غایت ملائمت بجوشانند
تا بقوام آید و باقی ادویه را سوده داخل نمایند شربت
از دو مثقال تا چار مثقال و اگر دوراک شدید باشد
در عقب او نرشک سه توله در پانزده توله گلاب بشب
تر نمایند و صبح صاف نموده یک توله شیرهٔ تخم خیارین
و چار توله نبات اضافه نموده بنوشند۔

نسخهٔ دیگر قلعی چهار ماشه سیماب دو ماشه طباشیر پنج ماشه
ست گلو پنج ماشه قاقله صغار دو نیم ماشه قاقله کبار
دو نیم ماشه مغز تخم پیٹھه پنج ماشه نبات برابر
مجموع خوراک پنج ماشه۔

معجون جهت سرعت انزال صفته قرنفل بزر البنج
بیاسه جوز بوا مغز تخم خیار تخم خشخاش مغز نارجیل
مغز بادام هریک پنج دام عاقرقرحا سنبل هریک دو دام
افیون زعفران هریک سه دام عسل سه وزن ادویه

معجون لبوب صفته مغز نارجیل مغز چلغوزه مغز بادام
مغز حب الزلم مغز پسته شقاقل مغز کنجد تخم خشخاش
هریک پنج درم قند مقدار مجموع با آب تر نجبین معجون سازند
خوراک هشت درم سحر وردا۔

معجون صمغ مقوی الممسک صفته صمغ سنبل
صمغ ستاوری موصلی سیاه تخم کوانچ هریک نیم پاؤ
خارخسک پاؤ سیر بازوی خاردار سه دام قرنفل
دو دام دارچینی دو نیم دام الایچی خورد سه دام جوزبوا
بسباسه هریک دو دام بهیلی تخم اونٹکن بیخ بند
هریک چار دام سمندرسوکهه سه دام اسگند نیم پاؤ
زنجبیل پاؤ سیر قسط شیرین ستاور هریک نیم پاؤ
مغز نارجیل یک آثار مغز بادام نیم پاؤ تودری زرد دو دام
سورنجان سه دام تخم گزر چار دام اسارون بیخ دام
اشنه بیخ سوسن هریک دو دام صموغ در روغن بریان
نموده با سه وزن ادویه نبات معجون سازند
گلاب عرق بید مشک بقدر حاجت و عنبر و مشک
نیز نافع ست۔

معجون ریگ ماهی یک نیم اوقیه حب الرشاد
تخم گزر لفت هریک دام عسل دو وزن ادویه۔

معجون جهت ادرار حیض صفته انیسون تخم کرفس
رازیانه پودینه مشکطرامشیع هریک ده دام دارچینی
اسارون ابهل هریک هفت دام عسل سه وزن
ادویه واز دو درم تا چهار درم بعرق بید مشک بخورند

معجون نیجی ابن خالد البرمکی مسمن و رادع

بسیار نافع ست صفته سورنجان سفید ده درم سنا مکی پنج درم زنجبیل اسارون کمون کرمانی دار فلفل هریک دو درم بعسل معجون سازند شربتے دو مثقال با آب خالص —

معجون مرکی نافع از خارش تر صفته پوست هلیله کلان پوست بلیله آمله منقی با و بڑنگ هریک توله تربد چکلوک دو توله شهد دو وزن ادویه

معجون طلا نسخه ذو القرنین فرنگی صفته ورق طلا سی صدد دو قادزهر معدنی کاتی نارجیل دریائی جدوار خطائی مروارید ناسفته عنبر مایه شتر اعرابی هریک نیم توله بسفایج گل سعد کوفی قاقله صغار قسط سفید کندر دریائی بهمنین فلفل سیاه دار فلفل وج اشنه سفید عود قماری ساذج هندی سنبل الطیب پوست هلیله املد زعفران بادیان قرنفل دارچینی بوزیدان کبابه زنجبیل شقاقل مغز چلغوزه خولنجان نانخواه مخلصه گل بابونه ابریشم مقرض خبطیانا زرا وند گرد اسارون انیسون عاقر قرحا ریوند خطائے خصیة الثعلب هریک توله مشک دو ماشه نبات برابر ادویه عسل خالص نصف ادویه —

معجون طلا نسخه حکیم الملک صفته تخم خشخاش فرنجمشک ابریشم مقرض گاوزبان گل گاوزبان هریک توله تخم کاسنی لسان العصافیر بهمن سفید هریک دو توله خولنجان توله تخم سپاز دو توله زعفران صمغ عربی هریک نیم مثقال بلیوت دو توله اهلیلج مصطگی قرنفل هریک توله کشنیز نیم توله بسپاسه دشان

نیم مثقال دارچینی توله اسارون نیم مثقال انیسون نقله آب سیب شیرین پنج توله آب انار شیرین نیم مثقال اجزاء نیم کوفته در دو اثار شاهجهانی آب نزدیک بخیسانند یک شب و بجوشانند و صاف نموده عسل ده توله یا سی توله قند بقوام آرند عنبر اشهب یک توله مشک خالص نیم توله ورق طلا ورق نقره هریک توله بعد قوام داخل کردن عنبر و مشک و ورق طلا و ورق نقره در لنگری انداخته خوب بکف دست بمالند تا خوب ممزوج شود نافع باد —

معجون طلا نسخه حکیم علی گیلانی شربت سیب یک نیم اثار ورق طلا توله عنبر توله مشک دو ماشه زعفران سه ماشه شهد خالص پاو سیر نبات سفید سی دام گلاب سه اثار عطر گلاب شش سرخ —

معجون طلا که بجهت شاهجهان پادشاه ساخته بودند صفته نبات یک سیر پاؤ بالا عسل نه دام دوشاب یک دام عنبر سه توله ورق طلا سه توله و دو ماشه مشک نیم توله نبات را قرص عنبر ساخته همه اجزاء را بدستور معجون سازند ورق طلا انداخته درهم نمایند —

معجون طلا نسخه دیگر صفته زعفران مروارید ناسفته مشک خالص عنبر اشهب بهمن سفید یاقوت سرخ مایه شتر اعرابی هریک چار نیم دام شربت فواکه نیم پاؤ عرق گاوزبان عرق بید مشک گلاب هریک پاو سیر نبات عسل سفید هریک شش دام ورق طلا ورق نقره هریک چار و نیم دام آب انار پاو سیر

آب سیب آب به هر یک چار دام خوراک یک مثقال
با دو توله نبات و پاو سیر شیر دو ماشه ثعلب سائیده
معجون طلا نسخهٔ دیگر صفته طلا یک توله عنبر نیم توله
مشک یک ماشه زعفران سه ماشه شربت سیب
سی دام نبات سفید پنج دام عطر قدری —
معجون امساک صفته جوز بوا بسباسه قرنفل دار چینی
عاقرقرحا سپند اجواین خراسانی مالکنگنی افیون پوست
خشخاش نخود بریان موصلی سیاه و سفید تخم کونچ
تخم اوٹنگن تخم ترب کنجد سیاه کباب چینی خولنجان
مصطگی کافور هر یک دو دام مجموع اجزا را کوفته
با عسل مصفی بسرشند شربتے دو درم وقت حاجت بخورند
معجون که شیخ بو علی بجهت دفع نسیان و حفظ اشیا
رئیسه وضع نموده صفته فلفل سفید کندر سعد کوفی
زعفران هر یک مثقال فستق مویز سیاه هر یک پنج مثقال
با عسل مقوم بیامیزند —
معجون ممسک اقاقیا گلنار هر یک سه دام صندل سفید
و صمغ عدس مقشر قصب الذریره صمغ عربی تخم خماض
طباشیر کندر هر یک دو دام تخم مورد دو مثقال
کوفته بیخته با نبات سفید دو چند ادویه بقوام آرند شربتے
نه ماشه در چند روز باعث امساک قوی گردد —
معجون ممسک صفته جوز الطیب سه دام زعفران
دام افیون چار دام مشک دانگ قرنفل سه دام
عسل یازده و نیم دام در ظرف آهنی عسل را گرم کرده
معجون سازند —
معجون هندی للباه پوست بیخ اونٹ کٹاره
بیخ بندگو گهرو تخم سمندر پهل سدپالی موچرس دار چینی
تال مکهانا هر یک دو و نیم دام شکر سفید بست و دو و نیم دام
شیر گاو دو و نیم آثار —
معجون مهی حکیم علی جنین (؟) تودریین بوزیدان
تخم بلیون هر یک توله پیاز تخم شلغم تخم انجره هر یک
نیم توله تالمکهانه تخم اوٹنگن مغز تخم کونچ بهمن (؟) وانقش (؟)
هر یک سه توله موسیاهی کانی ده توله صندل سفید
بگلاب سوده پنج تولہ نشاسته خرفه هفت توله عرق
پوست بیخ سنبل ده سیر اکبری ماء اللحم نوشنده جوان
ده سیر اکبری آب محدبه که مانند ماء القرع گرفته باشند
پنج سیر اکبری ورق طلا محلول مثقال ورق نقره
محلول دو مثقال عنبر اشهب مثقال مشک مثقال
زعفران سه مثقال نبات دو سیر اکبری عسل یک سیر
اکبری نبات و عسل را آب محدبه و ماء اللحم و
عرق سنبل با آتشے در کمال آهستگی بقوام آرند و
اجزاء کوفته بیخته داخل نمایند شربتے از مثقال تا دو
مثقال با یک فنجان عرق پوست بیخ سنبل
تناول نمایند و از ترشیها بپرهیزند —
معجون تربد دافع مواد بلغمی کند صفته
تربد سفید مجوف مضمغ یک رطل زنجبیل یک اوقیه
فلفل سه دام مصطگی اوقیه تربد را بجز اشند و
بروغن بادام چرب کرده با زنجبیل و فلفل و مصطگی
جمع کرده بآسیا بسایند و با دو رطل عسل خام غلیظ
صاف خمیر کرده نگاه دارند شربتی دو درم تا پنج درم
در آب گرم حل کرده و اگر اندکے بجوشانند جائز است

مفرح مخترع میرزا ابوالقاسم بنگ سه توله در ده توله
آب بجوشانند تا بہ نصف رسد صاف نموده بروغن
گاو آنقدر بجوشانند که روغن بماند بسباسه بنگ
دارچینی پوست اترج خصیۃ الثعلب مصری فرنجمشک
اشنه مصطگی ہریک دو توله زعفران جوزبوا گلسرخ
فلفل ہریک توله مشک تبتی نیم توله سوده بروغن
مذکور چرب نموده با عسل مصفی سه وزن ادویه تیار نمایند
در زمستان نیم مثقال و در گرما یک مثقال بخورند۔

مفرح معتدل دل را قوت دہد و رنگ نیکو کند و
طعام بگوارد و ذہن را تیز کند و تشنگی بنشاند صندل
مروارید ناسفته لسد ہریک ده دام کہربا پنج دام
صندلین ہریک ہشت دام گاوزبان ورق گل
ہریک ہفت دام فرنجمشک شش دام تخم کاسنی
پنج دام درونج دو دام سازج چار دام افتیمون شش دام
زرنباد طباشیر ہریک ہشت درم تخم فرنجمشک
چار درم تخم بادرنجبویه چار درم زعفران دام عنبر
کافور ہریک دام مشک نیم مثقال عود خام ده درم
کشنیز پنج دام خشخاش بنفشه گل ارمنی ہریک چار دام
شربت سیب سه وزن ادویه مفرح سازند۔

دیگر از حاوی گلسرخ نیلوفر پنج دام مروارید بسد
کہربا گاوزبان صندلین طباشیر چوب کیوڑه کشنیز
ہریک نیم دام بہمنین فرنجمشک تخم شاہسفرم
تخم بادرنجبویه تخم خرفه تخم کاہو تخم کاسنی تخم خیارین
ہریک درم کافور نیم مثقال شربت سیب سه وزن
ادویه بدستور مفرح سازند۔

مفرح بارد صفحه گلسرخ طباشیر ہریک سه درم کشنیز
درم بسد مروارید ہریک نیم درم کہربا نیم درم کافور
شش سرخ شربت سیب سه وزن ادویه بدستور
مفرح سازند۔

مفرح بارد دیگر طباشیر گلسرخ ہریک درم کشنیز
نیم درم صندل دام تخم خرفه دو دام تخم خیار چار دام
تخم کدو دو دام گاوزبان دام زرشک سه دام
مروارید ناسفته دانگ کہربا بسد ہریک نه سرخ
شکر دو وزن ادویه بگلاب حل کرده مفرح سازند۔

مفرح مروارید معمول حکما صاحب رای صفحه
صندل ده توله مغز تخم خیارین سه توله گلسرخ دو توله
مروارید نیم توله کشنیز دو توله قاقله صغار بہمن سفید
درونج ہریک دو توله نشاسته خرفه ہریک سه توله
کافور ورق نقره ہریک نیم توله مشک سه ماشه
عسل سه وزن ادویه نبات دو وزن ادویه
گلاب یک شیشه۔

مفرح مسیحی نسخه شفائی دل و جگر و دماغ را قوت دہد
و منے بیفزاید و اشتہای طعام آرد عجب است
صفحه قرفه گاوزبان بادرنجبویه گلسرخ ہریک
پنج درم خولنجان کبابه قرنفل سنبل قاقله کبار و صغار
جوزبوا تخم فرنجمشک مصطگی پوست ترنج لسان العصافیر
بسباسه ہریک سه درم اشنه چار درم مروارید ناسفته
سعد کوفی سازج ہندی عنبر اشہب ہریک دو درم
زنجبیل دارفلفل ہریک درم خصیۃ الثعلب ده درم
زر محلول نقره محلول ہریک نیم درم لعل کہربا

هریک درم جزء اعظم سه مثقال عسل مصفی دو چندان
بدستور معجون سازند۔

مفرح جالینوس که قضیب را سخت کند و ادعیه
منی بگشاید و دل و دماغ را و اعصاب را قوت دهد
و شهوت جماع زیاده کند و رنگ چهره صاف سازد
و خون صالح در بدن افزاید و نشاط و دوستی مرد
در دل زن پیدا کند صفته مروارید لسبد انیسون
بهمن سفید هریک درم پنج کاکنج پنج لباب صمغ عربی
کتیرا هریک نیم درم اسارون نیم مثقال کزمازج
سعد کوفی سلیخه دارچینی مصطگی فقاح اذخر هریک
مثقال اجزا را کوفته با سه چندان عسل صاف بسرشند
و هنگام خواب زنان بیش از مجامعت مقدار
یک مثقال با قدری آب نیم گرم هرکه بعد از جماع
چهار توله قند سیاه فی الفور بخورد همان لحظه قوت
بحال آید و نقصان باه نشود۔

مفرح رشیدی صفته یاقوت سرخ دو ماشه
یاقوت زرد یاقوت کبود یاقوت سفید هریک
چهار ماشه لعل بدخشی فیروزه هریک سه ماشه
زمرد ماشه عقیق یمنی چهار ماشه لسبد دو ماشه حجر یشب
چهار ماشه مروارید ناسفته چهار ماشه کهربا لاجورد مغسول
هریک دو ماشه ابریشم مقرض سه ماشه تخم فرنجمشک
پنج ماشه قرنفل سه ماشه پوست بیرون پسته چهار ماشه
آمله منقی هلیله هریک ده ماشه بادرنجبویه گل نیلوفر
هریک چهار ماشه صندل سفید پنج درم صندل سرخ
پنج درم ریوند چینی عصارهٔ زرشک هریک پنج درم

عود هندی چهار ماشه بادروج دو ماشه گل مختوم سه ماشه
طباشیر پنج ماشه عنبر اشهب مشک ورق طلا
قاقله کبار هریک چهار ماشه سنبل الطیب سنافج هندی
بهمنین هریک دو ماشه آب سیب شیرین آب حماض
گلاب نیم رطل نبات سفید بقدر ضرورت۔

معجون مخترع صفته یاقوت رمانی حجر یشب عقیق یمنی
طلا گداخته در بوته و نقره گداخته غاریقون بهمن سفید
افیتمون مصری فلفل سیاه زنجبیل قرنفل مرزنجوش
هریک مثقال و دو نخود و نیم گل ارمنی حجر لاجورد مغسول
نمک نفطی زیرهٔ کرمانی هریک چهار دانگ و یک
نخود و نیم مشلط اشیع فطر اسالیون حجر الیهود تخم گزر
مرکی کندر اگر زعفران هریک نیم مثقال و نیم نخود
دندان فیل پنج دانگ و سه چند شیرهٔ هلیله مربا
بقدر ضرورت جواهر را در شراب صلایه کرده تیار نمایند

معجون لبوب مخترع حکیم فضل الله مسهی و مقوی
صفته دارچینی زنجبیل هریک شش مثقال
کباب چینی قرنفل فلفل دراز هریک مثقال
مغز پسته مغز بادام شیرین مغز نارجیل مغز فندق
هریک دو مثقال ابریشم مقرض بسفایج اسبغول
انغوزه جمل تخم کرفس تخم شبت تخم پیاز تخم اهلیدن
تخم گندنا تخم ترب تخم شلغم تخم جرجیر زیدان جدوار
خطائی حب الصنوبر صغار و کبار خولنجان تودریین
قرفه بهمنین فلفل مغز تخم خربزه حب القلقل
حب الخضر لسان العصافیر پیاز عنصل خشک
مرباخردل عاقرقرحا هریک مثقال فرص افعی دو نخود

کوفته بجهته بعسل مصفی سه وزن ادویه معجون سازند
مفرح بارد نسخه صفت یاقوت رمانی لعل بدخشانی
هر یک سه ماشه مروارید ناسفته پنج ماشه کهربا شمعی یشب سبز
هر یک سه ماشه بسد گل ارمنی ورق نقره هر یک
دو ماشه ورق طلا یک ماشه عنبر اشهب دو ماشه
زعفران پنج ماشه ابریشم مقرض سه ماشه گل نیلوفر
گل گاوزبان تخم بادرنجبویه پوست ترنج گل سرخ
هر یک سه ماشه آمله منقی یک ماشه پوست بیرون پسته
سه ماشه خشک دو ماشه طباشیر پنج ماشه تخم خرفه مقشر
تخم کاسنی هر یک پنج ماشه صندل سرخ نیم ماشه
سماق دو ماشه زرشک ماشه هر یک ماشه عود هندی
دو ماشه سنبل الطیب سادج هندی قاقله کبار هر یک
دو ماشه کافور قیصوری یک نیم ماشه شربت فواکه
بقدر حاجت معجون سازند

معجون مجرب نافع برای کسیکه فرزند تولد شود زنده
نماند انشاء الله تعالی از استعمال این معجون زنده ماند مجرب
صفت مروارید کهربا بسد عنبر طباشیر سفید عفص سبز پنج
گل ارمنی پنج انجبار مکلد توله مغز تخم هندوانه تخم خرفه
عنبر عود الصلیب یکد شش ماشه ورق طلا ورق نقره
[illegible] شراب غوره سی توله نبات سفید
نیم آثار عسل پاو سیر بدستور تیار نمایند شربتی
پنج ماشه با گلاب پنج توله

معجون حب الآس گلنار فارسی گل سرخ اصل السوس
پسته برشتان هر یک پنج دام کندر خشک دو دام گل بنفشه
خشک دو دانا تخم انجره تخم کتان هر یک چهار دام

پنج سوسن سه دام خشخاش سفید پوست خشخاش هر یک
ده دام پوست خشخاش را شب در نیم سیر آب بخیسانند
صبح صافی نموده در مطبوخ بیندازند

معجون مغز بادام مغز چلغوزه مغز انجیلک هر یک توله
مغز پسته تودری گلگون تودری زرد و بهمن سرخ
و سفید شقاقل مصری ابریشم مقرض مغز تخم خربزه
خارخسک هر یک توله مغز حب الصنوبر دو توله کوفته
بجهته نبات سفید چهل و پنج توله عرق گاوزبان سه سیر
شیر گاو قوام نمایند شربتی یک توله

معجون مقوی و بهی نافع از قرحه کهنه صفت
تخم هلیون شقاقل مصری تودری سرخ تودری زرد
بهمنین هر یک پنج ماشه تخم گندنا شش ماشه تخم شبت
تخم تره تیزک هر یک هفت ماشه تخم جرجیر چهار ماشه
تخم خربزه دو توله تخم خیارین دو توله تخم پیاز تخم گندنا
هر یک هفت ماشه سعد کوفی سه ماشه خولنجان جوزبوا
دارچینی فلفل بوزیدان پیاز عنصل بهمنان هر یک
هفت ماشه تخم انجره نه ماشه گز انگبین چهارده توله
عسل مصفی سی توله بدستور معجون سازند شربتی پنج ماشه

معجون لبوب دیگر یابت حکیم فضل الله مقوی باه
صفت دارچینی زنجبیل هر یک شش مثقال کبابه چینی
قرنفل دارفلفل هر یک مثقال مغز پسته مغز بادام مغز نارجیل
مغز فندق هر یک دو مثقال ابریشم مقرض شش انجدان الفجه
جمیل تخم کرفس تخم شبت تخم پیاز تخم هلیون تخم گندنا
تخم کشوث تخم شلغم تخم جرجیر بوزیدان جدوار خطائی
مغز حب الصنوبر صغار و کبار تخم ترب خولنجان

تودری سفید بهمنین قرنفل فلفل حب الفلفل مغز تخم خربزه
حب الخضر لسان العصافیر پیاز عنصل بسباسه خشک
هر یا خردل عاقرقرحا هر یک مثقال مایه شتر اعرابی
سه ماشه قرص افعی هر یک جزو کوفته بیخته بعسل مصفی
سه وزن ادویه معجون سازند —

معجون شیخ رئیس نافع از نسیان و محافظ
اعضا رئیسه صفت فلفل سفید کندر سعد کوفی
زعفران هر یک مثقال مغز پسته مویز سیاه هر یک
پنج ماشه عسل مقوم بقدر حاجت —

ملح سلیمانی نافع از ضیق النفس و ضعف معده و
رطوبات معده و مفید بصر و تنقیه لون و مزیل بهق و
کلف و مشتهی و رافع تخمه و فساد غذا و مسخن کلیه و مثانه
صفت نمک طعام دو آثار در آب جوشانند در
ظرف سفالی کرده در تنور نهند تا آتش تنور سرد شود
نمک هندی نوشادر کانی هر یک هفتاد مثقال افتیمون
سنبل الطیب حلتیت زیره کرمانی دارچینی هر یک
ده مثقال کاشم زنجبیل انیسون اصل السوس هر یک
چهارده مثقال کوفته بیخته داخل ساخته در شیشه نهند
شربتی برای حدت بصر یک ماشه تا شش ماشه و برای جماع
مثقال پانزده تخم مرغ نیم برشت هر صبح کشیده بسپارند

نسخه دیگر نمک هندی چهار رطل نمک سونچل نمک
لاهوری نوشادر هر یک شش اوقیه تخم کرفس
بست درهم فلفل سیاه پانزده درهم فلفل سفید دوازده درهم
اذخر پانزده درهم افتیمون سنبل الطیب حلتیت کمون سفید
هر یک شش درهم دارچینی کاشم حب القرطم زنجبیل
انیسون اصل السوس هر یک چهار درهم نمک هندی را
خوب بریان کنند پس در ظرف سفالی نهاده در تنور
گذارند تا آتش سرد شود بعده ملح لاهوری که اندر آن است
و همه ادویه جدا جدا بکوبند پس وزن کرده با نمک هندی
مخلوط نمایند و در ظرف چینی سبز یا سفالی سبز گذاشته
در جو بگذارند —

نسخه دیگر مخترع کمترین الله تعالی از جمیع نسخ ملح سلیمانی
انفع است صفت نمک هندی نمک نفطی نمک اندرانی
نمک لاهوری نمک کچلون نوشادر کانی هر یک دو رطل
شب یمانی نیم رطل شب در سرکه انگوری بگذارند صبح
با آب باران و عرق دارچینی در تنور بظرف سفالی بگذارند
تا آب و عرق خشک شود پس فلفل سیاه و سفید و فلفل دراز
و شیطرج هندی کاشم زنجبیل اصل السوس حب القرطم
هر یک شش درهم جاوشیر حلتیت سنبل الطیب
زراوند طویل و مدحرج جدوار خطائی هر یک مثقال
تخم کرفس انیسون نوشادر کانی هر یک چهار مثقال سوده
بدان مخلوط نمایند و اولی آنست که همه ادویه و نمک را
جوش داده آب آنها گرفته تخمیر نمایند —

معجون نعوظ جهت بواسیر منقول از خط شاه قاسم
علیه الرحمه صفت مقل ازرق سه ماشه افیون دو ماشه
عصاره لحیة التیس دو نیم ماشه کوفته با آب برگ گندنا
خیسانیده بدسته بمالند تا هموار شود تخم گندنا پنج ماشه
سرنشفته دو ماشه گل خطمی سفید گلنار فارسی هر یک
پنج ماشه کوفته بیخته بیضه مرغان دو ماشه پیه موش
پنج ماشه موم غیر مستعمل پنج ماشه روغن گاو پنج درهم

گداخته ادویه بدان ممزوج کرده در هاون انداخته بدسته اسرب بمالند تا هموار شود و استعمال نمایند—

موم روغن موجب تلیین ست صفته عصارهٔ قثاء الحمار سنبر شبرم شحم حنظل کوفته بیخته موم زرد و بروغن حب الخروع گداخته ادویه بدان ممزوج کرده بالای ناف و شکم بمالند—

موم روغن مجرب جهت دفع یبس دماغ صفته لعاب نیلوفر و لعاب بهدانه لعاب گل خطمی شیرهٔ سرطان آب سیب شیره جو روغن کدو روغن بنفشه روغن بادام روغن دنبه تازه روغن پیه گردهٔ بز سرخ همه را بجوشانند که آب و لعابها سوخته گردد پس مغز قلم گاو و شیر دختران اضافه نموده در سکهرل بمالند تا یکسان شود—

مرهم کملیه مثقال سپاری سوخته زراوند مدحرج پوست کوکنار سوخته هر یک دام سفیده سه ماشه قلعی مثقال تنکار بریان سه ماشه آب سفیدی تخم مرغ عدد لعاب خطمی توله دو ماشه آب مکوی روغن کتان روغن زیت هر یک دو توله موم نه ماشه مرهم سازند—

مرهم آب برگ خطمی بست دانه روغن کتان سه اوقیه زیت سه اوقیه آب برگ خرفه ده دام گلسرخ دو اوقیه بآتش نرم بپزند تا روغن بوزن خود آید بعده مرداسنگ دو نیم اوقیه سفیده قلعی دو اوقیه بآب گشنیز سوده سفیده تخم مرغ دو نیم اوقیه موم دام سرکه قدری مرهم بپزند—

مرهم داخلیون لعاب حلبه لعاب کتان لعاب خطمی سفید هر یک دو نیم دام مرداسنگ پنج دام زیتون نیم سیر لعاب را جوش داده فرود آرد و بعد ازان روغن و مرداسنگ را یک جا نموده بر آتش نرم بگذارند و از نیز حرکت دهند بعد ازان لعاب را داخل کنند و حرکت میداده باشند تا که منعقد شود—

مرهم جهت زخم صفته روغن بنفشه توله موم شش ماشه مغز ساق گاو دو ماشه لعاب بهدانه نه ماشه گل بنفشه توله گل بنفشه را در شانزده توله آب بجوشانند تا بنصف رسد روغن کدو یک دام داخل کرده بجوشانند تا روغن بماند با اجزاء دیگر مرهم سازند و بکار برند—

مرهم مخترع فقیر جهت آبله آوبخته صفته موم زرد سه ماشه روغن گاو روغن افیون هر یک ده ماشه سفیداب قلعی دم الاخوین مرداسنگ لسبرک سوده برگ حنا طوطیا کرمانی روسبج چوب چینی رال هر یک یک ماشه کوفته بیخته بدان ممزوج کنند یا دسته در هاون بمالند تا مرهم شود—

مرهم گوگرد سه و نیم ماشه حجر قلیشور یعنی کف دریا درم گیچیلی مار هفت ماشه زفت سی و پنج ماشه روغن چار ماشه—

مرهم آرد جو آرد گندم هر یک دام زرده تخم مرغ سه عدد موم یک نیم دام روغن کتان شش دام بکچی نیم پاؤ زراوند بادام رال هر یک توله سفیده نیم دام لعاب خطمی نیم پاؤ و لعاب حلبه نیم پاؤ شیرهٔ عنب الثعلب نیم پاؤ صندل سرخ مثقال—

مرهم تخم شبت حلبه اکلیل الملک تخم کتان بابونه اشق مقل سلارس بارزد مر علک الانباط مغز ساق شتر پیه لطیبه مرغ روغن سداب روغن شبت

هر یک تولہ بدستور مرہم سازند۔

مرہم کندر باشد انزروت ماشہ نشاستہ کتیرا ہر یک دو ماشہ مغز تخم تربز ماشہ سپیداج شش ماشہ سہ حلوان شش ماشہ موم ماشہ روغن کدو تولہ زعفران دو ماشہ پوست سوختہ چلغوزہ دو ماشہ بدستور مرہم سازند۔

مرہم باسلیقون صفت موم چہل و پنج تولہ زفت رومی سی تولہ مر پانزدہ تولہ رال پانزدہ تولہ اسفنج پانزدہ تولہ زیت دو صد و بیست و پنج تولہ زفت را در روغن با آتش ملائم گداز کنند و موم انداز تا حل شود ادویہ دیگر انداختہ مرہم سازند۔

مرہم برای شقاق پا دو صفت ایلوا سہ ماشہ ہر یک دو ماشہ ہلیلہ زرد مردار سنگ ہر یک سہ ماشہ روغن کتان تولہ موم ہفت ماشہ۔

دیگر مر مازو پوست کندر ماج ہر یک برابر موم تولہ روغن گل پنج تولہ مرہم سازند۔

مرہم کنجد صفت کملیسش ماشہ مردار سنگ تولہ آب عنب الثعلب تولہ سفیدہ تخم مرغ عدد موم یک نیم دام روغن پنج دام مرہم سازند۔

دیگر جہت نملہ و جاورسیہ [illegible] گلنار زراوند طویل گیلہ با قیروطی مرہم سازند۔

مرہم جہت اکلہ شیرہ نکوی پنج دام صندل سرخ سائیدہ [illegible] تولہ کملیلہ شش ماشہ [illegible] دام [illegible] تولہ روغن کتان سہ دام رال تولہ مردار سنگ تولہ بآتش ملائم چندانکہ پختہ شود۔

مرہم کہ در تابستان بکار دارند مردار سنگ با سرکہ بسایید چندانکہ حل شود در روغن گل اندک اندک میدادہ باشند تا غلیظ شود پس بگیرد سفیدہ دو اندکے کافور داخل کنند و بسرشند و بکار دارند و گاہ باشد کہ درین مرہم اندکے صبر کنند و دم الاخوین و انزروت با این سرشتہ۔

مرہم کہ جہت شقاق [illegible] زفت با شیر ہر یک دو تولہ روغن [illegible] شش تولہ زفت را در روغن بہ آتش حل نمودہ ادویہ انداختہ مرہم سازند و اگر روغن کم باشد یک دو تولہ اضافہ نمایند۔

مرہمی کہ جہت ناسور نظیر ندارد صفت زبان گنجشک را در میان کاسہ سفالین بسوزد آنقدر کہ خاکستر شود بعد از ان صلایہ کند و پنج عدد فوفل و بوزن فوفل کوڑی را بسوزانند کوفتہ بیختہ کاتھ سفید بوزن سپاری آنرا نیز سحق نمودہ و روغن گاو کہنہ و موم بقدر حاجت آب نمودہ بگدازند کہ حدت آن پارہ نشیند اجزا را داخل نمودہ و ساختن نرم نمایند و بکار برند کہ زخمہائی کہنہ کہ سالہای دراز برو گذشتہ باشد باصلاح می آرد بفضلہ تعالی۔

مرہم عنبر بادیان قرنفل ہر یک ماشہ پوست تخم [illegible] دو ماشہ سنگ [illegible] ہر یک [illegible] ماشہ زعفران دو تولہ روغن گل سہ تولہ زردہ تخم مرغ یک عدد نبات نبات را با روغنہا حل نمایند و مثل مرہم نرم سازند و مشک و عنبر و کافور قدرے داخل کنند و بکار برند۔

مرہم کافور مردارسنگ سفیدہ قلعی ہریک دو دام سفیدہ
مرغ دو عدد کافور یک سرخ روغن چنبیلی دہ دام علی الرسم
مرہم سازند۔
مرہم خمیرہ روغن گاؤ یک و نیم دام پاؤ بالا خمیر ترش
پنج و نیم دام تخم مرد سہ دام و ربع دام اسپغول سہ دام
و ربع دام شیرۂ انجیر ہفت و نیم دام حلبہ یک دام و ربع
تخم کتان یک دام و ربع شیر گاؤ بست و ہشت دام
شیرۂ انجیر را با روغن ممزوج نمودہ نگاہدارند بعد ازان
اجزا را در شیر کہ دو جوش یافتہ باشد داخل نمایند
بعد ازان ہمہ را بروغن ممزوج کردہ مثل مرہم سازند
مرہم دیگر تخم کتان شش ماشہ پیچال کبوتر جنگلی تولہ
خمیر ترش شش ماشہ این ہر سہ را مثل مرہم سازند
مرہم کہ نفع قوی دارد صفتہ تخم مرد تخم کتان کتیرا
حلبہ گل خطمی برگ چقندر مغز حب الخروع ہریک تولہ
کوفتہ بیختہ بروغن گل سرخ پنجاہ تولہ زردہ تخم مرغ یک
عدد سرشتہ زہرہ گاؤ سہ ماشہ سودہ داخل کردہ
برہم زنند تا چون مرہم شود۔
مرہم مخترع نراج سفیدہ شنجرف زنگار سرشتہ ہریک ماشہ
سفیداب کاشغری شستہ شنجرف شستہ طوطیا کرمانی
مغسول دم الاخوین قشار کندر مردارسنگ ابرکہ سودہ
ہریک سہ ماشہ کوفتہ بیختہ موم زرد غیر مستعمل دو تولہ
بروغن گل سرخ پنج تولہ گداختہ از آتش فرود آوردہ
ادویہ داخل کردہ در کھرل انداختہ بدستہ بمالند
تا چون مرہم شود۔
مرہم سفیداب کاشغری شستہ مغز تخم خیارین بریان
مغز تخم کدو بریان مغز تخم ہندوانہ دم الاخوین کتیرا
گلنار فارسی برگ حنا ہریک تولہ کوفتہ بیختہ بروغن
گل سرخ پنج تولہ کہ بوزن وے سرکہ داخل کردہ
جوشانیدہ باشند و سرکہ رفتہ روغن ماندہ باشد
داخل کردہ برہم زنند تا چون مرہم شود پس بر
دانہا بمالند۔
مرہم مغز تخم کدو سہ تولہ مغز تخم ہندوانہ دو تولہ
سفیداب کاشغری تولہ مردارسنگ ابرکہ سودہ سہ ماشہ
دم الاخوین طوطیا شستہ تخم نیلوفر ہریک تولہ آب
برگ حنا پنج تولہ در کھرل انداختہ مرہم سازند۔
مرہم دیگر مغز خستہ تمر ہندی مغز تخم کدو بریان
کتیرا انزروت سفید مغز تخم ہندوانہ بریان کوفتہ بیختہ
بروغن گل سرخ پنج تولہ و موم زرد دہ تولہ در کھرل
انداختہ بمالند تا چون مرہم شود بر زخم بگذارند
مندمل سازد۔
مرہم دیگر مغز تخم خربزہ بریان تولہ مردارسنگ
ابرکہ سودہ شستہ حضض شیاف مامیثا ہریک
شش ماشہ پوست در ہندی بابچی تخم نیلوفر ہریک
دو ماشہ کوفتہ بیختہ بروغن گل سرخ پنج تولہ و سرکہ
دو تولہ سرشتہ در کھرل انداختہ بمالند تا چون مرہم شود
مطبوخ فواکہ ملین شکم و در امراض حادہ و نافع از
صداع و تسکین تشنگی صفتہ تمر ہندی بست دام
آلو سی عدد عناب سی عدد تخم کاسنی پنج دام
سپستان بست عدد بنفشہ خشک سہ دام ترنجبین
بست دام در شب پنج رطل آب بخیسانند

وصبح بجوشانند تا بیک رطل رسد سرد کرده بنوشند۔

مطبوخ ملین طبیعت صاحب نزله را صفتہ بنفشه دو درم اصل السوس محکوک ده دام در یک رطل آب بپزند تا بنصف رسد دران بست درم ترنجبین حل کرده صافی نموده بنوشند۔

مطبوخ جهت اصحاب مراق بسیار نافع ست صفتہ افنتتین شاہترہ گلسرخ یک نیم توله تربد غاریقون هر یک درم سنبل الطیب مصطگی اذخر اسارون ابلوا هر یک نیم درم در آب تر نمایند صبح جوشانیده تا که نصف باقی ماند سه فلوس از ین شکر سفید آمیخته نهار خورده باشند

مطبوخ که سودا را دور کند خصوص از دماغ و نافع ست از مالیخولیا و نیز نافع از ابتداء جذام و قوبا و جرب و بهق سیاه و کلف صفتہ هلیله سیاه ده درم بسفایج پنج درم سنا مکی هفت درم اسطوخودوس ده درم تربد سفید چهار درم زبیب ده عدد افتیمون ده درم در سه رطل آب بجوشانند تا یک رطل ماند صاف کرده و لشب دران مطبوخ افتیمون بخیسانند صبح صافی کرده غاریقون ثلث درم صبر درم نمک هندی نیم درم خربق سیاه ربع درم حل کرده بنوشند

مطبوخ هلیله زرد نافع از جمیع امراض صفراوی مثل صداع و تپ غبی وغیره صفتہ پوست هلیله زرد بست دام در یک رطل آب بپزند تا بثلث رسد پس صافی کرده با ترنجبین و شکر طبرزد جلاب بنوشند

مضمضه که گوشت دبن دندان بروید اند و سخت کند صفتہ سورنجان پودینه دشتی گلقند کزمازو عاقرقرحا مازو سنبل پوست انار شرش علی الرسم هر یک قدرے درہم کرده بسرکه و گلاب پخته مضمضه کنند و بعد از ان ذرور ی بدین صفت بیخ دندان بپاشند در وقت خواب که خوب اثر کند نسخه ذرور عاقرقرحا دو مثقال گلسرخ دو نیم مثقال جفت بلوط دو نیم مثقال گلنار حب الاس هر یک دو نیم مثقال خرنوب نبطی سه مثقال پوست سماق سه مثقال مویزج دو مثقال۔

مسہلے صفراوی صفتہ آلو بخارا ده عدد سپستان بست عدد تمر هندی ده درم گل بنفشه نیلوفر رازیانه هر یک دو مثقال تخم کاسنی کوفته بیخته پنج مثقال جوشانیده صافی نموده ترنجبین شش توله گلقند آفتابی چهار توله دران حل کرده صافی نموده بنوشند و اگر تمر هندی ده درم و شربت بنفشه و پوست هلیله زرد هر یک شش درم جوشانیده صافی نموده فلوس خیارشنبر شش توله ترنجبین شش توله گلقند چهار توله حل کرده صافی نموده روغن بادام شیرین شش ماشه اضافه نموده بعمل آرند و اگر خواهند بجاے فلوس خیارشنبر شیرخشت چهار توله داخل کنند اسهال صفراوی نماید و اگر سقمونیا مشوی نیم درم همراه قوی تر کرده و در حمیات هلیله را موقوف کنند و بجاے سقمونیا ربوند خطائی همراه رسانند۔

مسہلے صفراوی که بدموی مزاج باید داد صفتہ عناب ده دانه سپستان بست دانه آلو بخارا هفت دانه زرشک منقی چهار توله شاہترہ دو توله سرفینه سیاه و لغان

ہریک تولہ جوشانیدہ صافی نمودہ گلقند چہار تولہ
باشکر سرخ حل کردہ صافی نمودہ بنوشند واگر سنامکی
تولہ فلوس خیارشنبر شش تولہ روغن بادام شش ماشہ
داخل کنند اسہال اخلاط مرکبہ نماید واگر یک درم
ریوند خطائی سردادہ سازند قوی تر گردد۔

مسہلے بلغمی رازیانہ تخم کاسنی از ہریک دہ درم مویز منقےٰ
بست دانہ انجیر زرد ہفت دانہ عرق بابونہ پرسیاوشان
از ہریک دو درم انیسون شکاعی از ہریک دو درم
جوشانیدہ صافی نمودہ گلقند عسلی باشکر چہار تولہ
داخل کردہ صافی نمودہ بعمل آرند واگر عارضہ شش
وسینہ باشد اصل السوس مقشر ہریک دو درم
اضافہ نمایند ودر امراض دماغی اسطوخودوس دو درم
بیفزایند واگر دہ درم سنامکی وشش درم بسفائج
وشش درم تربد درین مسہلے بیفزایند وگلقند عسلی
وفلوس خیارشنبر ہریک دہ درم وروغن بادام یکدرم
اضافہ نمایند اسہال بلغم کنند واگر نیم مثقال حب النیل
سردادہ سازند عمل بسرعت تمام نماید واگر روغن بیدانجیر
دو مثقال اضافہ نمایند قوی تر گردد۔

مسہلے سوداوی گاؤزبان شاہترہ افتیمون بکتان
بستہ عنب الثعلب اصل السوس غنچہ گل سرخ
قنطوریون دقیق بسفائج فستقی ہریک دو مثقال
بادرنجبویہ دو مثقال عناب دہ دانہ سپستان بست دانہ
مویز منقی دہ دانہ جوشانیدہ صافی نمودہ دو یا سہ روز
بعمل آرند روز دیگر سنامکی دو مثقال افزودہ نمایند
واگر پوست ہلیلہ زرد وپوست ہلیلہ کابلی وہلیلہ سیاہ

ہریک دو مثقال لاجورد مغسول سہ ماشہ در وقت
اضافہ نمایند وسنامکی یک تولہ وسہ ماشہ کند وبالائش
فلوس خیارشنبر ترنجبین ہریک شش تولہ گلقند آفتابی
چہار تولہ حل کردہ صاف نمودہ روغن بادام شیرین
شش ماشہ اضافہ نمودہ بعمل آرند اسہال سودا نماید
وہمچنین اگر حب افتیمون یک تولہ استعمال نمایند
نیز اسہال سودا کند۔

مسہلے کہ در فالج استعمال توان کرد صفتہ تخم کرفس
رازیانہ تخم کشوث انیسون ہریک مثقال عود الصلیب
اصل السوس بیخ بادیان بیخ کرفس پرسیاوشان
بادرنجبویہ ہریک دو درم مویز منقےٰ دہ دانہ جوشانیدہ
صافی نمودہ گلقند عسلی چہار تولہ حل کردہ صافی نمودہ
بعمل آرند تا دو سہ روز این نسخہ را استعمال کنند
وروز دیگر سنامکی دو مثقال اسطوخودوس دو مثقال
اضافہ نمایند وبعد ازان سنامکی یک تولہ سہ ماشہ
در مسہلے افزایند وفلوس خیارشنبر با گلقند مذکور حلکردہ
وروغن بادام شیرین اضافہ کردہ بعمل آرند
ویک روز راحت دادہ روز دیگر مسہلے مذکور با اضافہ
سنا واسطوخودوس بعمل آرند وشب حب ایارج یا
حب صبر وقت خواب استعمال فرمایند وصباح آن
مسہلے مذکور با اضافہ خیارشنبر استعمال فرمایند۔

مسہلے کہ در صرع بلغمی استعمال توان کرد صفتہ
عود الصلیب [illegible] پرسیاوشان رازیانہ تخم کشوث
انیسون اسطوخودوس اصل السوس پوست بیخ بادیان
پوست بیخ کرفس بادرنجبویہ ہریک دو درم مویز منقےٰ دہ دانہ

جوشانیده صافی نموده گلقند عسلی چار توله حل کرده
صافی نموده بعمل آرند تا سه روز این مقلی بعمل آورده
روز چهارم سنا مکی نه ماشه افزوده استعمال نمایند
روز پنجم فلوس خیارشنبر شش توله روغن بادام شش ماشه
اضافه نموده بعمل آرند یکروز راحت داده روز دیگر
مقلی مذکور که باضافه سنا ست بعمل آرند و شب روز
آینده حب منتن یا حب صبر یا حب لوغاذیا یا حب
قوقایا یا حب حال لعرق بادیان فرو برند و صباح
آن مقلی مذکور که باضافه فلوس خیارشنبر ست بعمل آرند
واگر ماده سودا هم باشد در مقلی مذکور افتیمون گاوزبان
بسفایج هریک دو مثقال افزوده نمایند —
مقلی که در وجع مفاصل بلغمی استعمال توان کرد
صفته سورنجان مصری سفید دو ماشه عنب الثعلب
اصل السوس بادیان اذخر مکی قنطوریون دقیق
هریک دو درم جوشانیده صافی نموده گلقند عسلی
چار توله حل کرده صافی نموده بعمل آرند و باقی تدبیر
بدستور که بالا گذشت بکنند —
مقلی که در استسقا توان کرد صفته عنب الثعلب
بادرنجبویه اذخر مکی غاریقون قنطوریون دقیق
اصل السوس بادیان پرسیاوشان شکاعی بادآورد
هریک دو مثقال مویز منقی بست دانه گلقند آفتابی
چار توله شربت دینار چار توله حل کرده صاف نموده
بعمل آرند واگر سنا مکی موافق شربت دران افزایند
وفلوس خیارشنبر بدان یا کنند اسهال نماید —
مقلی که برای اورام طحال استعمال توان کرد صفته

حلبه مشکطرامشیع بادیان گل بنفشه تخم خیارین نیم کوفته
خارخسک تخم کرفس کشوث انیسون مغز استخوان
آلوبالو تخم بلیلن فوة الصباغین دوقو خیارشنبر
گاوزبان تخم خربزه نیمکوفته کماذریوس کمافیطوس
عنب الثعلب هریک دو مثقال جوشانیده صافی نموده
ترنجبین شش توله گلقند آفتابی چار توله حل کرده صافی
نموده بعمل آرند واگر این مقلی دو روز بعمل آورده
روز سوم سنا مکی نه ماشه و روز چهارم باضافه سنا مکی
یک توله سه ماشه و فلوس خیارشنبر شش توله روغن
بادام شیرین شش ماشه اضافه کرده بعمل آرند
اسهال نماید واگر احتیاج مسهل نباشد در مقلی
مذکور بجاے گلقند شربت کشوث یا شربت آلو
یا شربت گاوزبان کنند و وزن ادویه مذکوره
مقدار یک مثقال کنند و دانه تخم خیارین و تخم خربزه
شیره بگیرند —
مقلی که در ذات الجنب استعمال آن توان کرد
صفته عناب ده دانه سپستان بست دانه گل خطمی
گل بنفشه گل نیلوفر اصل السوس تخم خبازی هریک
دو درم جوشانیده یک توله جوشانیده صافی نموده
شیره مغز تخم کدو نه ماشه بارتنگ چار ماشه صمغ عربی
یک ماشه شربت نیلوفر دو توله اضافه کرده بعمل آرند
و فصد باسلیق کرده خون بگیرند روز چهارم بجای
شیره تخم کدو شیره تخم کاهو یک توله شیره تخم خیارین
دو توله داخل گردانند و روز پنجم شیره مغز تخم کدو
شیره مغز تخم هندوانه عوض کاهو و خیارین کنند

روز ششم کاسنی وخیارین عوض کرده هفت دانه
و روز هفتم بادرنگبویه و هفت دانه داخل کنند و روز
هشتم فلوس خیارشنبر ترنجبین خراسانی هریک شش توله
اضافه کرده گلقند آفتابی چهار توله و مقلی ذکور
اضافه نموده حل کرده روغن بادام شش ماشه
انداخته بنوشند

مطبوخ افتیمون فوائکی برای اخلاط سوخته
صفت پوست هلیله زرد هلیله سیاه هریک سه درم
اجاص ده عدد عناب بست و پنج عدد مویز منقی
ده استار تمر هندی ده درم شاهتره چهار درم بنفشه
بسفایج افتیمون اسارون افسنتین سنامکی هریک
دو درم ترنجبین ده استار خارشتر پنج درم علی الرسم
بپزند و غاریقون و تربد و ایارج فیقرا برای تقویت بیفزایند

مطبوخ مرطب تخم خرفه تخم خیارین [illegible] دانه
عنب الثعلب خارخسک هریک شش ماشه منقی آلو
بالو لعاب الصمغ هریک دو ماشه انجیر زرد ده دانه برگ
گاوزبان جوشانیده ترنجبین خراسانی حل کرده
صاف نموده بنوشند

نسخه مسهل بعضی اطبای هندوستان مینویسند
نسخه روز اول بنفشه نیلوفر تخم کاسنی بادیان
اصل السوس پرسیاوشان گاوزبان هریک دو ماشه
تمر هندی دو ماشه انجیر زرد پنج عدد عناب ده دانه
سپستان بست دانه آخر شب خیسانیده صباح جوشانیده
صاف کرده بخورند یا گلقند پنج ماشه باز صاف کرده
تنها بخورد آب روز دوم بنفشه نیلوفر تخم بادیان
اصل السوس پرسیاوشان گاوزبان هریک دو ماشه
تمر هندی ده ماشه آلو بخارا پنج عدد عناب ده دانه
سپستان بست دانه بیخ کاسنی بیخ بادیان بیخ کبر
هریک دو ماشه جوشانیده صاف کرده یا گلقند
پنج ماشه بخورند روز سوم بنفشه نیلوفر کاسنی بادیان
اصل السوس پرسیاوشان گاوزبان هریک دو ماشه
انجیر زرد پنج عدد عناب ده دانه سپستان بست دانه
بابونه بادرنجبویه هریک دو ماشه زرشک سه ماشه
تمر هندی ده ماشه آلو بخارا پنج عدد خوبانی پنج عدد
پوست هلیله زرد دو ماشه بسفایج دو ماشه کشته تربس
ده عدد تخم کرفس زوفا دو ماشه اجزا جوشانیده
صاف کرده یا گلقند پنج ماشه بخورند غذا ابزغاله
روز چهارم سنامکی سه ماشه گلسرخ دو ماشه بنفشه
نیلوفر کاسنی بادیان اصل السوس پرسیاوشان
گاوزبان هریک دو ماشه عناب ده دانه سپستان
بست دانه بابونه بادرنجبویه هریک ماشه زرشک
سه ماشه تمر هندی ده ماشه آلو بخارا پنج عدد کشته تربس
ده عدد خوبانی پنج عدد انجیر زرد پنج عدد تخم کرفس
پوست هلیله زرد زوفا بسفایج قنطوریون دقیق
بیخ کاسنی بیخ بادیان بیخ کبر هریک دو ماشه اجزا را
جوشانیده صاف کرده با ترنجبین یازده ماشه بخورند
روز پنجم سنامکی پنج ماشه گلسرخ بنفشه تخم کاسنی
بادیان اصل السوس پرسیاوشان گاوزبان بابونه
هریک دو ماشه زرشک شاهتره هریک سه ماشه
زوفا بسفایج تخم کرفس بیخ کاسنی بیخ بادیان بیخ کبر

قنطوریون دقیق هر یک دو ماشه انجیر زرد پنج عدد
خوبانی پنج عدد کشته سپستان ده عدد پوست هلیله زرد
دو ماشه تمر هندی دو ماشه آلو بخارا پنج عدد بادرنجبویه
خبازی گل خطمی هر یک دو ماشه اجزا را جوشانیده صاف
کرده با ترنجبین بست ماشه صاف کرده بخورند
روز ششم محموده دو دانگ تربد سفید دو دانگ
نمک هندی دانگ اجزا را کوفته بیخته با دو قاشق جلاب
روز پنجم اول بخورند و در عقب جلاب باقی غذا
نخوداب بمرغ جوان روز هفتم شربت بنفشه ده ماشه
با آب و عرق بید مشک شربت کرده بخورند غذا بدستور
صبر سقوطری نیم ماشه محموده دانگ تربد سفید دو دانگ
غاریقون دانگ زنجبیل دانگ گل سرخ دانگ
اجزا کوفته بیخته بلعاب کتیرا حب ساخته در پهر شب
فرو برند و بخواب روند و هر گاه بیدار شوند خواب
نکنند و صباح جلاب چنین سنا مکی پنج ماشه گل سرخ
تخم کاسنی بنفشه بادیان پرسیاوشان گاؤزبان بالنگو
بادرنجبویه هر یک دو ماشه زرشک شاهتره هر یک سه ماشه
زوفا پوست هلیله زرد تخم کرفس پنج کاسنی بیخ بادیان
بسفایج هر یک دو ماشه انجیر پنج عدد خوبانی پنج عدد
کشته سپستان ده عدد خبازی بادرنجبویه گل خطمی هر یک
دو ماشه تمر هندی ده ماشه آلو بخارا ده عدد اصل السوس
دو ماشه قنطوریون دو ماشه عناب ده عدد سپستان
بست دانه اجزا را شب بخیسانند و صباح بجوشانند
و صاف کنند و با ترنجبین بست ماشه بخورند غذا بدستور
ماء الجبن نافع از امراض سوداوی صفت

هر روز شیر بز سرخ رنگ فراخ چشم صحیح البدن جوان
که زیاده هر دو بطن نیاورده باشد و چهل روز از زائیدنش
گذشته شش ماه نگذشته باشد و علف آن برگ کاسنی
و شاهتره و برگ کنار و برگ بارتنگ و برگ کاسنی
و دانه آش جو باشد یک سیر گرفته در دیگ گلی یا چینی
یا مسی تازه قلعی کرده نموده دو سه جوش بجوشانند انجیر
پوست جدا کرده تراشیده بر هم زنند یک توله سرکه
و دو توله سکنجبین صادق الحموضة داخل کرده بگذارند
تا بریده شود پس شیر او را بکرباس بسته فرود آورده
بگذارند تا سرد شود پس در کرباس دو تهی بچکانند
تا تمام آب چکیده شود پس آن چکیده بار دیگر
در دیگ کرده بجوشانند و کف آن را بگیرند تا دیگر
کف نیارد پس در نیم شیر آن سکنجبین افتیمونی
شش توله داخل کرده سه حصه نمایند و هر حصه
بفاصله دو گهری بنوشند که مجموع چهار گهری باشد
هر مرتبه که بخورند ده قدم راه روند و بعد از ختم
مسهل بنوشند غذا میان روز نخوداب شب قلیه
خشک بخورند و از مالش و ترشیها و بادیها پرهیز کنند
مسهل در هر هفته بدین طریق کنند که چهار گهری
شب باقیمانده حب لاجورد یا حب افتیمون یا
حب اسطوخودوس بقدر توله بعرق گاؤزبان
فرو برند و صباح آن نقوس خیارشنبر شش توله
گلقند چهار توله در ماء الجبن حل کرده صاف نموده
روغن بادام شیرین شش ماشه اضافه نموده تعلل آرند
روز هشتم هلیله مربا عدد بگلاب یا عرق گاؤزبان

شسته لاجورد مغسول یک ماشه بران پاشیده تناول نمایند و بالای آن ماء الجبن بدستور مقرر بنوشانند روز چهارم و هم عمل روز هفتم و روز پانزدهم عمل روز هشتم کنند و روز بست یکم عمل روز نهم کنند و روز بست و دوم هلیله مربا شسته لاجورد مغسول یک ماشه پاشیده بخورانند و بالائش عرق گاوزبان و عرق بادرنجبویه هر یک پنج توله شربت گاوزبان پنج توله بنوشانند و اگر خواهند چهل روز استعمال نمایند وگاهی شیر از سنگ دانه مرغ سه ماشه سوده عوض سرکه و سکنجبین می پزند وگاهی تخم گل معصفر سه توله سوده شب در شیر پزی می اندازند و صباح می جوشانند و صاف کرده بعمل می آرند و در بعضی اوقات با تخم ولیا استسقاء باشد ماء الجبن از شیر شتر بدهند و در بعضی امزجه ماء الجبن تنها بیج استعمال توان کرد۔

ماء اللحم بطریق مشهور صفته گوشت حلوان و فراج و مرغ که مجموعش به پنج سیر برسد با یک توله مصطگی و یک توله دارچینی و قدری پیاز و اگر آن گوشت زیاده گیرد همان مقدار و این ادویه زیاده کنند در دیگ کرده بجوشانند و در دیگ پیاله قلعی کرده بگذارند و سر دیگ بخمیر بند کنند چنانکه بخار بدر نرود و بعد ساعتی که تمام عرق گوشت در پیاله جمع شود دیگ را سرد کرده سرش بکشاید و عرق در شیشه یا در ظرف چینی در مکان سرد نگاهدارند و بقدر برداشت طبیعت میل کنند۔

نسخهٔ دیگر بابت حضرت اعلی که برای قوت باه و خفقان و ضعف دماغ تناول میکردند صفته مرغ فربه قطعه و دراج دو قطعه لوه هفت قطعه و بوسه قطعه گوشت دو سیر همه را از استخوان و پوست و چربی پاک کرده در هاون سنگین یا چوبی بکوبند و در دیگ قلعی دار بند سازند و صندل سفید و بیخ برادهٔ کرده قاقله صغار و کبار دارچینی هر یک دو توله قرنفل توله کشنیز بو داده چهار توله بر گوشت بیندازند و اگر محرور المزاج باشد برگ کاهو برگ کاسنی هر یک نیم سیر داخل کنند و گلاب و عرق بیدمشک هر یک یک اثار آب خالص دو اثار عنبر سه ماشه مشک دو ماشه همه را در دیگ انداخته خوب بهم زنند و عرق بکشند و در جای سرد در شیشه نگاهدارند روز اول دو دام و روز دوم سه دام و سوم پنج دام و مدام پنج دام بخورده باشند

باب النون

نقوع چوب چینی صفته چوب چینی یک مثقال ریزه ریزه در عرق بیدمشک و گلاب و عرق بادرنجبویه و عرق گاوزبان هر یک دو توله شب بخیسانند و صبح صافی نموده با شربت گاوزبان یا شربت بادرنجبویه دو توله بکار برند و روز دوم نیم مثقال چوب چینی بیفزایند و بدستور مذکور عمل نمایند و روز سوم نیم مثقال دیگر بیفزایند و بدستور بعمل آرند و روز چهارم نیز نیم مثقال بیفزایند و روز پنجم نیز نیم مثقال بیفزایند و روز ششم نیز نیم مثقال بیفزایند و روز هفتم نیز نیم مثقال بیفزایند و بعد ازین تا چهل روز یا بست یک روز همین چهار مثقال

بدستور مذکور بعمل آرند و اگر خواهند در عرقهای مذکور
کم و زیاده کنند و نمک ربع وزن از معمول در غذا
بیندازند و پرهیز بدستور دستور العمل چوب چینی
که بالا گذشت بعمل آرند —

نقوع نافع از صرع جند بیدستر عود فاذانیا سرسا کرده در
بینی بدمند —

نطول نافع از سرسام حار و سرسام مفرط صفت
گل بنفشه تخم خرفه نیمکوفته یک یک پنج درم پوست خشخاش
گل نیلوفر گلسرخ تراشه کدو شیرین تازه بابونه یکدو درم
کشک جو کوفته پنجاه درم در پنج من آب بجوشانند
تا بنصف رسد اول سر ابخار آن بدارند پس باب نیمگرم
نطول کنند —

نطول نافع لیشوشیش و امثال آن عنب الثعلب بابونه
اکلیل الملک تخم شبت تخم مرو تخم کتان حلبه بزر البنج [illegible]
صافی نموده نطول نمایند —

باب الواو

وجوریکه چون در دهن مصروع ریزند بهوش آید صفت
حلتیت جند بیدستر کوفته بیخته در سکنجبین عسلی حل کرده
وجور سازند —

وجوریکه سرفه اطفال را نافع ست صفت رب السوس
کتیرا صمغ عربی نشاسته سوده بروغن بادام شیرین چرب
کرده بقوام فانید و عسل وجور سازند —

باب الیا

یاقوتی از حکیم ولی مروارید تخم بادرنجبویه پوست بیرون پسته
هر یک سه درم پوست ترنج سه مثقال گلسرخ دو درم
صندل سرخ و سفید هر یک سه درم بهمن سفید بهمن سرخ کبابه
هر یک یکنیم درم کهربا یشب قرنفل سادج دارچینی هر یک
درم لعل مثقال یاقوت زرد چهار مثقال عنبر نیم مثقال
زر محلول نیم مثقال بهمن سفید گشنیز گل ارمنی طباشیر
هر یک دو دانگ زرنباد کافور هر یک نیم درم گاوزبان
آمله هر یک پنج درم عصاره زرشک ده درم زعفران
یکنیم دانگ شراب انار شراب سیب هر یک بست مثقال
شراب حماض یک من ادویه را کوفته بیخته معجون سازند
بعد از چهل روز مثقال بخورد نافع ست بفضله و منه تعالی

یاقوتی یاقوت ثلثه هر یک شش ماشه لعل مروارید مرجان
ابریشم سوخته لاجورد ریشم سوخته عود غرقی صندل سفید
مصطگی جدوار شاخ گوزن سوخته عنبر ورق نقره ورق طلا
کهربا عقیق هر یک شش ماشه مروارید ناسفت
فادزهر بری ناحل هر یک توله مشک زعفران فیروزه
هر یک سه ماشه کافور مثقال عرق کاسنی عرق گاوزبان
عرق بیدمشک عرق نیلوفر گلاب آب انار سیب هر یک
پاؤ سیر شربت زرشک یک وزن ادویه عسل ولایتی
دو وزن ادویه نبات یک وزن ادویه قند سفید
یک وزن ادویه شربت مثقال —

خاتمة الطبع

حمد و ستائش مر حکیمی را که نفوس عقلا و عقول حکما مظهر حکمت اوست و نعت مر طبیبی را که نوع انسان را بدوای هدایت از علت ضلالت نجات داده و اما الذین فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا عذر بمقتضای عبدیت اوست الصلوة والسلام علیه و علی آله و اصحابه اجمعین اما بعد این رساله نافعه مسمی به **قرابادین جلالی** فارسی از تالیفات حکیم حاذق طبیب فائق سید **جلال الدین** امروهوی غفر الله لنا و له هر نسخه آن بے نظیر در تاثیر عدیل اکسیر به اهتمام تصحیح حاذق زمان سرآمد فضلاء دوران فضائل اکتناه مولانا مولوی **محمد احسان الله** فرنگی محلی صانه الله عن شر کل شیء و عوی در مطبع نامی **منشی نول کشور** بسط الله ظله السامی حلیه طبع پوشیده مطبوع عالم گردیده بر خریداران جوهر شناس و حکمت اساس مخفی نماند که این گوهر بے بها بتحفت فروخته میشود چشم لیاقت بسوزن غفلت دوخته لله در قائله مشک آنست که خود ببوید نه که عطار گوید بماه ذیقعده سنه ۱۳۰۱ ه مطابق ماه ستمبر ۱۸۸۴ء باختتام رسیده